

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ماجرای هشت ساله‌ی دفاع مقدس

نویسنده:

محمدرضا بابایی ابرقویی

مدرس دانشگاه

پاییز ۱۳۹۱

شیراز

سرشناسه : بابایی ابرقویی، مجدرضا، ۱۳۳۹ -
 عنوان و نام پدیدآور : ماجرای هشت ساله‌ی دفاع مقدس/ نویسنده مجدرضا
 بابایی ابرقویی،
 مشخصات نشر : قم: هدی، ۱۳۹۱ .
 مشخصات ظاهری : ۲۰۰ ص. نقشه.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۷۴-۲۳-۳
 وضعیت فهرست نویسی : فیپا.
 موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷
 موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - اطلاعات نظامی
 موضوع : جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ - نتایج و تاثیرات
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۱ ب۲۵م ۱۶۰/۲ DSR
 رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۳
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۸۴۴۳۴



ماجرای هشت ساله‌ی دفاع مقدس

نویسنده: محمدرضا بابایی ابرقویی
 ناشر: هدی
 ویراستار: سیدحبيب حق پرست
 چاپ: سوم - پاییز ۱۳۹۳
 چاپخانه: سیحان
 شمارگان: ۲۰۰۰
 قیمت: ۸۰۰۰ تومان
 شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۶۵۷۴ - ۲۳ - ۳

شماره حساب سیبا ۰۱۰۲۱۳۰۵۷۰۰۰۲ علی فلاحزاده

مرکز پخش: قم، ۴۵ متری ۱۵ خرداد، ۱۸ متری سوم خرداد، ک ۱، پ ۴۵.

همراه ناشر: ۰۹۱۲۵۵۱۴۰۳۹ Email: hodanashr1383@gmail.com

همراه مولف: ۰۹۱۷۷۰۱۶۷۶۰ Abarko39@iran.ir

تقدیم به:

روح پرفتوح رهبر کبیر انقلاب اسلامی امام خمینی (ره)
و همه کسانی که در راه حفظ اسلام
و تمامیت ارضی میهن از جان عزیز ترمان
گام برداشته و در این راه،
جان عزیزشان را فدا کرده و به وصل معبود رسیدند.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۹
فصل اول؛ علل تعارض بین کشورها.....	۱۱
روش های پیشبرد اهداف سیاست خارجی	
موقعیت جغرافیایی ایران و عراق.....	۱۷
فصل دوم؛ سوابق تاریخی اختلافات بین ایران و همسایه ی غربی.....	۲۳
عراق کانون اصلی برخوردهای بین ایران و عثمانی.....	۲۶
روابط بین ایران و عراق نوین	
عهدنامه ی مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ الجزایر	
فصل سوم؛ وضعیت ایران و عراق در زمان شروع جنگ.....	۳۷
شرایط حاکم بر ایران قبل از جنگ.....	۳۹
شرایط حاکم بر عراق قبل از جنگ.....	۴۵
فصل چهارم؛ پیشینه ی تجاوز و چگونگی آغاز حمله ی سراسری.....	۵۱
اقدامات تجاوزکارانه ی قبل از آغاز رسمی جنگ.....	۵۷
- تجاوز سراسری و اشغال شهرهای مرزی ایران ۵۷	
عکس العمل جمهوری اسلامی ایران ۶۰	
الف) موضع گیری امام خمینی (ره) ۶۰	
ب) اقدامات نیروهای مسلح ۶۲	
ج) مقاومت مردمی ۷۷	
د) اقدامات بنی صدر در قبال جنگ ۷۹	
فصل پنجم؛ راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی.....	۸۷
الف) راهبرد دفاع همه جانبه و آزاد سازی سرزمین های اشغال شده.....	۹۰

ب) راهبرد تنبیه متجاوز و رسیدن به شرایط صلح واقعی	۱۰۶
دلایل ادامه‌ی جنگ پس از فتح خرمشهر	۱۰۷
سلسله عملیات‌های عمده‌ی رزمندگان اسلام در مرحله‌ی تنبیه متجاوز	
موشک جواب موشک	
ج) راهبرد حفظ جمهوری اسلامی ایران	۱۳۸
صدور قطعنامه‌ی ۵۹۸ و عکس‌المل‌ها	۱۳۸
۱- عکس‌العمل ایران	
۲- عکس‌العمل عراق	
۳- ورود قدرت‌های استکباری به جنگ	
141	دلایل پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ توسط جمهوری اسلامی
اتفاقات مهم پس از پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸	۱۴۵
تحقق حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران	۱۴۸
فصل ششم؛ رویکردهای شورای امنیت نسبت به جنگ عراق و ایران	۱۴۹
قطعنامه‌های سازمان ملل در خصوص جنگ عراق و ایران	۱۵۱
فصل هفتم؛ دستاوردهای دفاع مقدس	۱۵۹
الف) دستاوردهای داخلی دفاع مقدس	۱۶۱
ب) دستاوردهای بین‌المللی و منطقه‌ای دفاع مقدس	۱۷۴
فرهنگ ایثار و شهادت	۱۷۷
شهداء، جانبازان و آزادگان	۱۷۷
فصل هشتم؛ نتیجه‌ی جنگ تحمیلی	۱۸۵
برقراری آتش‌بس	
نتیجه‌ی جنگ	
ضمیمه	۱۹۲

پیشگفتار

دفاع مقدس ملت سلحشور ایران در برابر تجاوز همه جانبه دشمنان انقلاب اسلامی، برگ زرینی در تاریخ سراسر حماسه و سرافرازی مردمان این کهن بوم، به یادگار گذاشته است، یادگاری گران بها، مشحون از ایمانی مستحکم، اخلاصی بی بدیل، رشادتی کم نظیر، شجاعتی خارق العاده، مظلومیتی مطلق و سخت باور نکردنی.

ماجرای دفاع مقدس، داستان راستین ملت به خدا پیوسته و از بند شرک رسته ای است که به گناه عدم تسلیم در مقابل استکبار جهانی و پایمردی بر سر اصول ایمانی و آرمانی خویش، در معرض وزش سخت ترین طوفان های تجاوز و تخریب، توطئه و ترور و خشونت لجام گسیخته ی سفاک ترین قدرت های شیطانی منطقه ای و جهانی قرار گرفت تا بلکه در برابر اربابان نظام سلطه ی استکباری، زانوی ادب بر زمین زند و ... لیکن هیئات.

آری، گرچه این فراز از تاریخ سراسر حماسه ی ملت قهرمان ایران، تا حدودی مورد غفلت واقع شده و آن گونه که شایسته اش بوده، در بوته ی نقد و نظر قرار نگرفته، اما چراغ فروزان آن هشت سال دفاع جانانه ی مردمی، همچنان سرشار از درخشندگی و روشنایی است.

جنگ عراق و ایران یکی از مهم ترین و تاثیرگذارترین رخدادهای نیمه ی دوم قرن بیستم محسوب می شود. این جنگ در بحرانی ترین کانون جهان یعنی خاورمیانه به وقوع پیوست و به مدت هشت سال به درازا کشید. گذشته از سابقه ی اختلافات بین ایران و عثمانی، مهمترین زمینه های بروز اختلاف و مخاصمه بین عراق و ایران را می توان، در حس جاه طلبی و سیاست توسعه طلبانه ی حاکمان عراق، به ویژه ادعای مالکیت اروندرود و استان خوزستان، چشم داشت اعراب بر مالکیت جزایر سه گانه ایرانی در خلیج فارس، احساس خطر صدام از صدور انقلاب اسلامی ایران و دخالت های سابقه دار بیگانگان، از انگلیس و روس گرفته تا تحریک خصمانه ی آمریکا در حمله ی ارتش عراق به ایران در شهریور ۱۳۵۹ مورد بررسی قرار داد.

نبردهای سخت و دشوار نیروهای ایرانی با قوای متجاوز که در بیرون راندن دشمن، عمدتاً با پیروزی ایران همراه بود، به تقویت حضور نظامی ابرقدرت ها به ویژه آمریکا در خلیج فارس منجر شد. حضور قدرت های بزرگ در منطقه و حمایت و پشتیبانی کشورهای عربی خاورمیانه از عراق، این جنگ را به مهمترین رخداد در جهان تبدیل کرد.

بدون تردید نسل جوان این مرز و بوم نیازمند آن است که در ابعاد گوناگون دفاع مقدس ملت ایران، شناختی وسیع و عمیق پیدا کند و پرسش درباره جنگ حق طبیعی همه ی کسانی

است که دل در گرو این آب و خاک دارند و سربلندی آن را آرزو می‌کنند. اجرای برنامه‌ی درس دو واحدی «آشنایی با دفاع مقدس» به همت پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، با حمایت شورای عالی انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها، فرصتی مناسب است که به سوالات جوانان پاسخ گفته و حتی الامکان منابعی جهت تحقیق و پژوهش در اختیار آن‌ها قرار داده شود. در این نوشتار سعی شده با جلب رضایت الهی، ادای دین نسبت به کسانی که در راستای دفاع از میهن عزیزمان گام برداشته و عزیزترین چیز خود یعنی جانشان را فدا کردند و به طور خلاصه، با هدف آشنایی با دفاع مقدس و راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی ایران در برابر آخرین تجاوز نظامی حاکمان عراق در سال ۱۳۵۹ مطالبی هر چند ناقص ارائه گردد.

در فصل‌های پیش رو ابتدا علل تعارض بین واحدهای سیاسی با نگاهی به جغرافیای دو کشور ایران و عراق، سوابق تاریخی مناقشات ارضی و مرزی بین دو کشور، وضعیت ایران و عراق قبل از شروع جنگ، چگونگی آغاز تجاوز، عکس‌العمل ایران در مقابل حمله ارتش تا دندان مسلح عراق، راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی، عکس‌العمل سازمان ملل متحد در قبال منازعه و در نهایت با بررسی دستاوردهای دفاع مقدس و یادی از ایثارگران صحنه‌های نبرد، به بررسی نتایج جنگ پرداخته خواهد شد. سعی شده برای گویایی مطالب از تصویر، نقشه و جدول نیز استفاده شود، البته نقشه‌های بکار برده شده در این جا صرفاً جهت اطلاع و آشنایی با موقعیت‌ها می‌باشد و از نظر محاسباتی و سندیت نیاز به بررسی بیشتری دارد.

به امید موثر واقع شدن، با راهنمایی‌های مفید شما عزیزان که مورد استقبال قرار خواهد گرفت. از تمامی اساتید، دانشجویان و پیشکسوتان دفاع مقدس و همه‌ی کسانی که این نوشته‌ها را مطالعه خواهند کرد، تقاضا داریم با ارسال پیشنهادها و انتقادات اصلاحی خود، به آدرس: Abarko39@Iran.Ir و یا به دفتر نشر هدی، ما را در تدوین و ویرایش بعدی یاری فرمایند. در پایان با تشکر از عزیزان همراه و خانواده که با صبوری در کنارم بودند، لازم است از کلیه کسانی که در راستای تدوین کتاب همکاری کرده‌اند، به‌ویژه پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس که با راهنمایی‌های کارشناسانه‌های خود، در غنای اثر موثر بودند، قدردانی نمایم.

وَمِنَ اللَّهِ التَّوْفِيقُ

محمدرضا بابایی ابرقویی

بهار ۱۳۹۱

فصل اول

علل تعارض بین کشورها

و جغرافیای مرزی ایران و عراق

علل تعارض بین کشورها

از دیرباز زمانی که بشر توانست نیازهای زندگی خود را برآورده کند و احساس مالکیت نمود تاکنون دائماً بر سر منافع خویش با دیگر انسان‌ها در جنگ و ستیز بوده است. از ۳۴ قرن تاریخ ثبت شده جوامع بشری، حداکثر ۳۰۰ سال آن بدون جنگ سپری شده است و بیش از ۱۴۵۰۰ جنگ و درگیری مرزی در کره خاکی، میان آدمیان اتفاق افتاده است. از زمان تاسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ با هدف جلوگیری از وقوع جنگ، تاکنون ۱۵۰ بار جنگ و کشمکش‌های مرزی تجربه شده است.^۱ امروزه با مرزبندی بین کشورها، تشکیل دولت - ملت و حاکمیت مستقل، بحث منافع ملی و مالکیت بر سر منابع، معادن و به ویژه در حوزه‌های مشترک مورد توجه می‌باشد.

بعضی از عوامل ایجادکننده تعارض بین کشورها عبارتند از:^۲

۱- تعارض بر سر منافع ملی

الف) گسترش به داخل مناطق ضعیف فاقد قدرت.
مثال؛ دکترین ژاندارمی منطقه، پس از سقوط پهلوی در حوزه‌ی خلیج فارس.

ب) سیاست تجدیدنظرطلبی

مثال؛ سیاست تجدیدنظرطلبی هیتلر، صدام... و به هم زدن وضع موجود.
ج) مناقشه برای تفوق و برتری؛ برتری طلبی در منطقه خاص یا جهان.
مثال؛ آمریکا با دکترین نظم نوین کدخدایی دهکده جهانی را مطرح کرد.

۲- تعارضات ایدئولوژیک

الف) جنگ‌های ۱۷۹۲ تا ۱۸۱۵ در اروپا تقابل ایدئولوژی انقلاب و سنت.

۱- عبدالرضا سالمی نژاد، از دفاع مقدس چه می‌دانیم؟، ص ۱۹.

۲- عبدالعلی قوام، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، ص ۲۵۹.

ب) جنگ دوم جهانی، تقابل ایدئولوژی‌های؛ نازیسم، لیبرالیسم، کمونیسم.
ج) جنگ سرد بین ایدئولوژی کمونیسم، لیبرالیسم در ادامه‌ی جنگ دوم جهانی.

۳- رقابت‌های اقتصادی

رابطه‌ی استعماری قدرت‌های بزرگ در مستعمرات، تفوق اقتصادی و تجاری، زمینه‌های جنگ اول جهانی بودند.



منابع جغرافیایی تنش‌های بین‌المللی (آلسدایر درایسدل، ص ۱۴)

روش‌های پیشبرد اهداف سیاست خارجی

برای تحقق اهداف و تامین منافع و امنیت ملی، دولت‌ها از ابزارها و روش‌های گوناگونی استفاده می‌کنند. بهره‌گیری صحیح از این تکنیک‌ها در میزان موفقیت سیاسی کشورها بسیار موثر است و باید با روش‌های مسالمت‌آمیز سعی کرد اختلافات بین-المللی را حل و فصل نمود و تا آنجایی که امکان دارد از بروز جنگ جلوگیری کرد. اکثر کشورها برای حل و فصل اختلافات خود از روش‌های ذیل بهره می‌گیرند:

الف) دیپلماسی

دیپلماسی را به عنوان فن اداره‌ی سیاست خارجی و حل و فصل اختلافات، از روش مسالمت‌آمیز توصیف نموده‌اند. در این فن می‌بایست با مذاکره و چانه‌زنی و اقناع طرف مقابل، اختلافات بین دو یا چند کشور را حل و فصل کرد.

ب) اقتصادی

یکی از روش‌های موثر در اجرای سیاست خارجی برای تحقق اهداف و منافع ملی، استفاده از ابزارهای اقتصادی، تجاری و تکنولوژیک است.

در این راستا دولت استفاده کننده از این حرب‌ها سعی می‌کند دیگر دولت‌ها را به تغییر رفتار در سیاست خارجی وادار کند. این روش صرفاً برای تحقق اهداف اقتصادی نیست، بلکه می‌تواند اهداف سیاسی- نظامی مورد توجه قرار گیرد. مثلاً انگلیسی‌ها برای تحت فشار قرار دادن دولت ملی مصدق، بعد از ملی شدن صنعت نفت از تحریم اقتصادی استفاده کردند و امروزه آمریکا برای پیشبرد منافع سیاسی خود در کشورهای جهان به‌ویژه در ایران از این حرب‌ها استفاده می‌کند.

ج) فرهنگی- تبلیغی

این روش برخلاف دو روش ذکر شده که بیشتر دولت‌ها مورد توجه بود، به ملت‌ها نظر دارد. دولت‌های بکارگیرنده از ابزار فرهنگی سعی دارند در بلند مدت، الگوهای رفتاری و شیوه‌ی تفکر و زندگی ملت‌های مورد نظر را، در جهتی که تامین کننده‌ی منافع و خواسته‌های آنان باشد، دگرگون سازند.

در تعقیب سیاست‌های تبلیغاتی، غرب با بهره‌گیری از تکنولوژی پیشرفته‌ی خود و از طریق توسعه‌ی شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی اینترنتی و ارتباطی، سعی دارد ارزش‌های غربی را در کشورهای مورد هدف، از جمله ایران حاکم کند.

این روش باعث می‌شود به تدریج رفتار ملت‌ها را تحت تاثیر قرار دهند. زیرا اگر شیوه‌ی نگرش ملت‌ها عوض شد، به صورت طبیعی رفتارها نیز تغییر خواهد کرد. چون رفتار تابعی از نگرش است. خداوند در قرآن کریم فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۱

امروزه کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا که از روش‌های دیپلماسی و اقتصادی و حتی نظامی نتوانسته‌اند نظام جمهوری اسلامی را سرنگون نمایند، از روش تهاجم فرهنگی و جنگ نرم استفاده می‌کنند، تا با تغییر نگرش و ذائقه و رفتار مردم ایران، بتوانند ارزش‌های خود را برکشورمان حاکم و از این طریق به منافع و اهداف خود دست یابند.

۱- درحقیقت، خداوند حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند. «رعد، آیه ۱۱».

(د) نظامی

معمولاً از ابزار نظامی به‌خاطر هزینه‌ی بسیار بالای مادی و معنوی آن، در آخرین مرحله برای حل و فصل اختلافات استفاده می‌شود. هدف سیاسی جنگ به اعتقاد «کلاوزویتز»^۱ نابود کردن حریف و یا پایان بخشیدن به بقای یک دولت و یا تحمیل شرایط صلح است.^۲ براساس دیدگاه برخی از تحلیل‌گران نیز، جنگ پایان دیپلماسی است. لذا کشور استفاده‌کننده از این حربه باید بررسی‌های لازم را انجام دهد و کاملاً ارزیابی کند، آنچه را که یک دولت از طریق نظامی و استفاده از زور به دست می‌آورد، واقعاً بیش از منافعی است که از دست می‌دهد یا نه؟ البته ناگفته نماند در فرایند بکارگیری ابزارهای مزبور روش مشخص و یکسانی وجود ندارد و گاه از چهار روش یاد شده برای تحقق اهداف سیاست خارجی بهره گرفته می‌شود.

متأسفانه شهرت، قدرت، و روحیه‌ی جنگ‌طلبی صدام باعث شد بدون استفاده صحیح و روشمند از ابزارهای فوق‌الذکر برای حل و فصل اختلاف‌های خود با ایران، از روش نظامی با حمایت همه‌جانبه‌ی شرق، غرب و عرب استفاده نماید که منجر به خسارت‌های جبران‌ناپذیری برای دو ملت ایران و عراق شد.

مراحل بحران

- ۱- بحران سیاسی: به‌هم خوردن روابط دیپلماتیک، قطع روابط سیاسی در بین کشورها و برخورد‌های بین‌المللی.
- ۲- بحران اقتصادی: قطع روابط اقتصادی، ایجاد محدودیت‌های مالی و تجاری و تحریم‌های اقتصادی.
- ۳- بحران نظامی: آخرین مرحله از به‌هم خوردن روابط، درگیری مسلحانه، حمله‌های نظامی و اشغال سرزمین می‌باشد.

۱- CLAUSEWITZ متفکر نظامی اهل پروس در قرن ۱۹ که کتاب «درباره‌ی جنگ» را نوشته است. برخی صاحب‌نظران این کتاب را تحولی در تاریخ نظامی جهان محسوب کرده‌اند و منبع الهام فرماندهان و رهبران نظامی و انقلابی بسیاری در سرتاسر جهان قرار گرفته است. (علی‌بابایی، ج ۴، ص ۱۷۵)

۲- محمد درودیان، آغاز تا پایان، ص ۱۸۷.

موقعیت جغرافیایی^۱ کشورهای ایران و عراق

۱- جمهوری اسلامی ایران

الف) موقعیت ریاضی ایران:

کشور ایران بین طول و عرض جغرافیایی زیر قرار دارد.

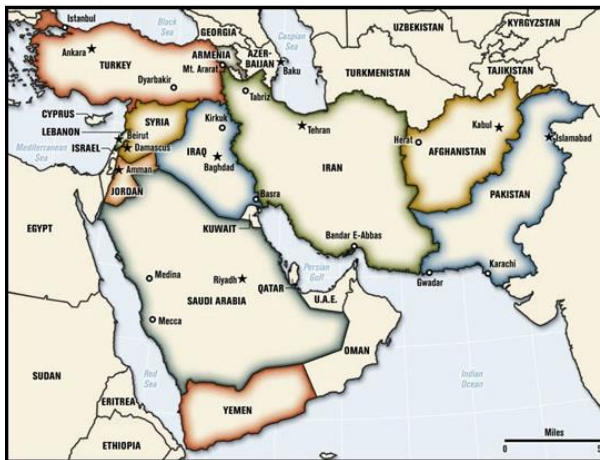
عرض: در حدود ۲۵ درجه و ۳ دقیقه تا ۳۹ درجه و ۴۷ دقیقه شمالی

طول: در حدود ۴۴ درجه و ۵ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۱۸ دقیقه شرقی

ب) موقعیت نسبی ایران

ایران از موقعیت نسبی و ژئوپولیتیکی بسیار بالایی برخوردار است، ازجمله:

۱- دسترسی به بیش از ۲۰۰۰ کیلومتر آب‌های آزاد در خلیج فارس و دریای عمان.



نقشه‌ی کشورهای خاورمیانه

۲- مرز آبی بیش از ۶۰۰ کیلومتر در شمال و همسایگی با روسیه‌ی قدرتمند.

۳- پل ارتباطی آسیای جنوب غربی به قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا.

۴- منابع غنی زیرزمینی؛ نفت، گاز^۲، معادن اورانیم، آهن، مس و...

۱- جغرافیا؛ علمی است که روابط متقابل انسان و محیط را بازگو می‌کند و جغرافیای نظامی؛ علمی است که نقش عوامل طبیعی و انسانی را در سرنوشت عملیات‌های نظامی بررسی می‌کند.

۲- آیت‌الله‌خامنه‌ای در اولین روز سال ۱۳۹۱ در حرم شریف رضوی فرمودند: «در بین همه‌ی کشورهای دنیا، آن کشوری که موجودی نفت و گازش بر روی هم از همه بیشتر است، کشور جمهوری اسلامی ایران است... ما در منابع گاز، کشور دوم در دنیا و در منابع نفت، کشور چهارم هستیم؛ لیکن اگر نفت و گاز را بر روی هم حساب کنیم، جمهوری اسلامی، کشور عزیز شما، منابع‌اش از همه‌ی کشورهای دنیا بیشتر است... برطبق منابعی که تا امروز اکتشاف شده است، جمهوری اسلامی تا هشتاد سال دیگر نفت و گاز دارد.»

۵- قرار گرفتن در ۵ حوزه‌ی مهم ژئوپولیتیکی

الف) حوزه‌ی ژئوپولیتیکی خلیج فارس.

ب) حوزه‌ی ژئوپولیتیکی دریای عمان و اقیانوس هند.

ج) حوزه‌ی ژئوپولیتیکی فلات ایران (پاکستان، افغانستان، کشمیر و ایران).

د) حوزه‌ی ژئوپولیتیکی آسیای مرکزی؛ ایران، ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان و قرقیزستان.

ه) حوزه‌ی ژئوپولیتیکی دریای مازندران.

۶- ایران کشوری وسیع در خاورمیانه و دارای تنوع سرزمینی است. مساحت ایران؛ ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع^۱ می‌باشد.

۷- همسایگان ایران عبارتند از کشورهای: ترکیه، ارمنستان، آذربایجان، روسیه، قزاقستان، ترکمنستان، افغانستان، پاکستان، عمان، امارات متحده عربی، بحرین، قطر، کویت، عربستان سعودی و عراق.

۸- مشخصات مرز با عراق از شمال به جنوب؛ کوه‌های مرتفع در مرز استان‌های کردستان و کرمانشاه، ارتفاعات کوتاه در مرز کرمانشاه و ایلام و جلگه‌ی هموار و وسیع در استان خوزستان.

۹- آب و هوا از شمال به جنوب؛ مناطق شمال غرب سردسیر همراه با بارش برف و باران، منطقه‌ی میانی دارای آب و هوایی ملایم و نیمه مرطوب می‌باشد. در حالی‌که منطقه‌ی جنوب، گرمای شدید تابستانی، همراه با بارندگی مناسب در فصول پاییز و زمستان احساس می‌شود.

۱۰- جمعیت؛ در سال ۱۳۵۹ هنگام شروع جنگ جمعیت ایران حدود ۳۶ میلیون نفر و هم اکنون بیش از ۷۵ میلیون نفر می‌باشد.

۱- براساس اعلام امیر محمدحسن نامی رئیس سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح در تاریخ ۱۳۹۰/۶/۱۹: در حال حاضر با احتساب مجموعه‌ی مساحت خشکی‌های کشورمان به میزان ۱۶۳۲۲۱۰ ک.م.م، مجموعه‌ی مساحت جزایر، آب‌های داخلی، آب‌های سرزمینی، آب‌های منطقه‌ی نظارت، آب‌های انحصاری اقتصادی، آب‌های محدوده‌ی ۲۰٪ دریای خزر، مساحت کل کشورمان از ۱۶۴۸۱۹۵ ک.م.م، به ۱۸۷۳۹۵۹ ک.م.م، افزایش یافته است. منبع: <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/65861> (دریافت؛ ۱۳ مهر ۱۳۹۳)

۱۱- قومیت و زبان؛ از شمال غرب کشور به سمت جنوب، اقوام ترک، کرد، لر، فارس و عرب زندگی می کنند. البته بسیاری از مرزنیسان شمال غرب کشور در همسایگی با عراق اهل سنت و از مناطق میانی مرز به سمت جنوب اکثراً شیعه اند.

۲- جمهوری عراق

الف) موقعیت ریاضی عراق

کشور عراق بین طول و عرض جغرافیایی زیر قرار دارد.
عرض: در حدود ۲۸ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۳۶ درجه و ۳۰ دقیقه شمالی.
طول: در حدود ۳۹ درجه و ۱۱ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۱۰ دقیقه شرقی.



ب) موقعیت نسبی عراق

عراق به دلیل قرار گرفتن در تقاطع سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا و مسیر شرق به غرب از موقعیت نسبی و ژئوپولیتیکی نسبتاً خوبی برخوردار است.

مهمترین ویژگی های عراق عبارتند از:

- ۱- منابع غنی زیرزمینی؛ نفت، گاز، و...
- ۲- تنوع همسایگان: جمهوری اسلامی ایران، ترکیه، سوریه، اردن، عربستان سعودی و کویت.

۳- عراق موقعیتی مناسب بین ناتو^۱ و کشورهای عربی دارد که برای آمریکا مهم تلقی می‌شود.

۴- عراق بخاطر همسایگی با ترکیه و ناتو برای روسیه نیز اهمیت دارد.

۵- عراق به واسطه‌ی موقعیت ویژه‌اش، در جنگ از هر دو ابرقدرت بهره می‌برد.

۶- وسعت عراق؛ مساحت عراق ۴۳۸۳۱۷ کیلومتر مربع می‌باشد.^۲

۷- ویژگی‌های جمعیتی عراق؛ بنا به گفته صدام، عراق در سال ۱۳۵۹ هنگام شروع جنگ ۱۳ میلیون نفر جمعیت داشته است.^۳

خبرگزاری مهر در تاریخ ۱۳۹۰/۹/۱۰ نوشت: بر پایه گزارش پایگاه الکوثر عراق، «علی‌یوسف الشکری وزیر برنامه‌ریزی و توسعه عراق، براساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن که اخیراً در استان‌های مختلف این کشور انجام شد، جمعیت عراق را بیش از ۳۱ میلیون و ۶۴۴ هزار نفر اعلام کرد.»^۴

۸- قومیت و زبان؛ اکثر مردم شمال عراق کرد، و بقیه‌ی جمعیت، عرب زبان می‌باشند. البته اقوام دیگر مثل فارس، بلوچ، ترک، ترکمن، آشوری و... نیز در عراق زندگی می‌کنند که جمعیت بعضی از این اقلیت‌ها قابل توجه می‌باشد.

۹- مشخصات مرز با ایران؛ از شمال به جنوب، کوه‌های بلند در شمال، ارتفاعات کوتاه در منطقه میانی و مرکز به سمت جنوب از دشت وسیع و بیابان بدون پوشش گیاهی برخوردار است.^۵

۱۰- آب و هوا از شمال به جنوب؛ منطقه‌ی کردستان در شمال شرق عراق، دارای زمستانی سرد همراه با بارش برف و باران و تابستانی معتدل می‌باشد، هرچه از شمال به سمت جنوب بیایم گرم‌تر شده و در منطقه‌ی جنوب بر شدت گرما افزوده می‌شود.

۱۱- مذهب؛ از لحاظ مذهبی، ۹۷٪ جمعیت عراق مسلمانند که از این میزان ۶۰ تا ۶۵

۱- پیمان نظامی آتلانتیک شمالی بعد از جنگ دوم جهانی، توسط کشورهای بلوک غرب تشکیل شد.

۲- مینا محمدی، جغرافیای کامل کشورهای جهان، ص ۵۵.

۳- منصوری لاریجانی، آشنایی با دفاع مقدس، ص ۷۰.

۴- (دریافت: ۱۳ مهر ۱۳۹۳) <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=1474764> - 4

۵- بجز منطقه‌ی کردستان، در مرز بین ایران و عراق، ارتفاعات اکثراً در داخل ایران و یا در مرز بین دو کشور قرار دارند و در سمت عراق بیشتر صحرا و دشت می‌باشد.

درصد را شیعه و ۳۲ تا ۳۷ درصد را اهل سنت تشکیل می‌دهند. و سایر مذاهب از جمله مسیحی‌ها، یهودیان و... ۳٪ جمعیت عراق را در بر گرفته‌اند.^۱

همسایگی عراق با خلیج فارس و قرار گرفتن در کنار کشورهای غیر عرب ایران و ترکیه، بر اهمیت استراتژیکی^۲ آن افزوده است.

کشور عراق علی‌رغم نقاط قوتی که دارد، دارای نقطه ضعف‌های قابل توجهی نیز می‌باشد که بعضی از آن‌ها عبارتند از:

- ۱- داشتن خطوط مرزی مستقیم و غیرطبیعی که معمولاً مورد اختلاف می‌باشد.^۳
- ۲- اکثر رودخانه‌های عراق از خارج کشور سرچشمه می‌گیرند و آب مورد نیاز در بخش‌های مختلف صنعت، کشاورزی، مصارف خانگی و ... از خارج تامین می‌شود. دو رودخانه‌ی مهم عراق یعنی دجله و فرات هر دو از کوه‌های ترکیه سرچشمه می‌گیرند که دجله مستقیم از ترکیه به عراق و رودخانه‌ی فرات از ترکیه به سوریه و سپس به عراق سرازیر می‌شوند و با ترکیب شدن با آب کارون و تشکیل اروندرود به خلیج فارس می‌ریزند. همچنین رودخانه‌های کارون، کرخه، زاب بزرگ، زاب کوچک، دیاله، کبور، سیروان، الوند و... از ایران سرچشمه می‌گیرند که با ورود به عراق و ترکیب با دجله و فرات از طریق اروندرود به خلیج فارس می‌ریزند.^۴
- ۳- محدود بودن مرز آبی عراق در خلیج فارس به طول کمتر از پنجاه کیلومتر و ...

۱- دریافت؛ شهریور ۱۳۹۱) <http://geographer.blogfa.com/post-11.aspx>

۲- واژه استراتژی (Strategy) که اکنون در زبان فارسی از آن به «راهبرد» تعبیر می‌شود مفهومی است که از عرصه نظامی نشأت گرفته و بعداً در سایر عرصه‌ها از جمله اقتصاد، تجارت و به ویژه عرصه سیاست و مملکت داری از کاربرد زیادی برخوردار شده است. در کتاب «فرهنگ معاصر فارسی» در مقابل واژه‌ی استراتژی نوشته شده: دانش یا فن بهره‌گیری از امکان‌های سیاسی، اقتصادی، روانی و نظامی برای تامین بیشترین حمایت از سیاست پیش‌بینی شده. همچنین عبارت استراتژیک را صفت مربوط به استراتژی معنی کرده است. (ص. ۹۵) مقصود از موقعیت استراتژیک جایی است که دارای اهمیت فوق‌العاده و راهبردی باشد.

۳- مرز اکثر کشورهای جدا شده از امپراتوری عثمانی، توسط فرانسه و انگلیس ترسیم شده است.

۴- فرهاد درویشی، جنگ ایران و عراق (پرسش‌ها و پاسخ‌ها)، ص ۲۴.

فصل دوم

سوابق تاریخی اختلافات ایران و همسایه‌ی غربی

سوابق تاریخی اختلافات بین ایران و همسایه‌ی غربی

وجود برخی اختلافات بین ایران در زمان حکومت صفویه^۱ و همسایه‌ی غربی‌اش که عثمانیان^۲ در آنجا حاکمیت داشتند، باعث مناقشات ارضی و مرزی بین دو کشور شده و از اوایل قرن شانزدهم میلادی تاکنون همواره بحران‌هایی را در منطقه ایجاد کرده است. از سال ۱۵۱۴ میلادی و شروع جنگ چالدران، تا حمله‌ی صدام به ایران در سال ۱۹۸۰ و آغاز جنگ تحمیلی ۸ ساله، به غیر از جنگ‌های کوچک و درگیری‌های محدود بین دو کشور، ۲۵ جنگ بزرگ بین ایران و همسایه‌ی غربی‌اش رخ داده است که ۲۴ مورد بین ایران و عثمانی و یک جنگ میان عراق و ایران بوده است.

مهمترین عوامل اختلاف در زمان عثمانی‌ها:

- ✓ توسعه طلبی عثمانی‌ها و عدم وفاداری آن‌ها به عهدنامه‌های منعقد.
- ✓ اختلافات مذهبی، بدرفتاری حکام دولت عثمانی با زائرین ایرانی عتبات عالیات و حریم شریفین.
- ✓ تحریک‌های کشورهای اروپایی، دخالت دولت‌های روس و انگلیس در انعقاد عهدنامه‌ها.
- ✓ اوضاع نابسامان داخلی هر دو کشور، پناهنده شدن امراء و شاهزادگان به کشورهای یکدیگر.
- ✓ تردد ایلات و عشایر سرحدی برای چرای دام.

۱- صفویان؛ سلسله صفویه در سال ۱۵۰۲ میلادی (۹۰۸ هجری) توسط شاه اسماعیل صفوی، با سیاست حفظ ایران از خطر استیلای ترکان عثمانی، براندازی حکومت‌های ملوک‌الطوایفی، ایجاد حکومتی واحد و مستقل در ایران و به رسمیت شناختن مذهب شیعه در ایران، برای ختنی سازی تفوق مذهبی عثمانی‌ها تاسیس شد. در سال ۱۷۲۲ میلادی با حمله افغان‌ها، در زمان شاه سلطان حسین پایان یافت.

۲- عثمانیان؛ در سال ۱۴۵۳ میلادی سلطان محمد دوم مشهور به "فاتح" پادشاه عثمانی، قسطنطنیه را فتح کرده و به حیات هزار ساله امپراتوری روم شرقی خاتمه داد و به جای آن امپراتوری نیرومند عثمانی را بنا کرد. ترکان عثمانی پس از تصرف آسیای صغیر، شام، فلسطین، مدیترانه شرقی و تسلط بر بالکان، متوجه ایران شدند. حکومت عثمانیان با پایان جنگ اول جهانی به پایان رسید.

از طرفی مواردی چون ادعاهای دولت عراق؛ مبنی بر مالکیت اروندرود و استان خوزستان، چشمداشت اعراب بر مالکیت جزایر سه‌گانه‌ی ایرانی در خلیج فارس، احساس خطر حاکمان عراق از صدور انقلاب اسلامی ایران، دخالت‌های سابقه‌دار بیگانگان در مورد حمله ارتش عراق به ایران در سال ۱۹۸۰ میلادی قابل بررسی است.

عراق کانون اصلی برخوردهای بین ایران و عثمانی

سرزمین بین‌النهرین تقریباً در طول دوران شاهنشاهی ایران از زمان کورش تا پایان حکومت ساسانی بخشی از ایران به شمار می‌رفت. پایتخت ساسانیان (مداین) درست در مرکز عراق امروزی قرار داشت.



قلمرو حکومت هخامنشی در دوره ی داریوش اول

تا قبل از تاسیس امپراتوری عثمانی، عراق بخشی از سرزمین ایران بود و خاندان آق‌قویونلو^۱ بر آن حکومت می‌کردند. عثمانی‌ها در نظر داشتند که این منطقه را ضمیمه‌ی امپراتوری خود کنند، به همین جهت کانون اصلی برخوردهای بین دو کشور را منطقه‌ی عراق تشکیل می‌داد. از سال ۱۴۷۲م که عثمانی‌ها با شکست دادن دولت آق‌قویونلو عراق را به تصرف خود درآوردند، تا سال ۱۶۳۸م این سرزمین چندین بار بین دو کشور

۱- آق‌قویونلوها قبل از صفویه، در بین سال‌های ۸۷۲ تا ۹۰۸ هجری قمری در ایران حکومت می‌کردند. (منبع: کتاب «تاریخ ایران» نوشته حسن پیرنیا و عباس اقبال آشتیانی، ص ۸۲۲).

ایران و عثمانی دست به دست شده است. بدین ترتیب با انعقاد عهدنامه‌ی ذهاب در سال ۱۶۳۹م تا ۱۹۲۰میلادی یعنی حدود ۳ قرن عراق بخشی از امپراتوری عثمانی بود.

ردپای دول غربی در اکثر جنگ‌های بین ایران و عثمانی چه در شروع و چه در پایان آن دیده می‌شود. در این باره بوسبک^۱ سفیر اتریشی در دربار سلطان سلیم قانونی (باشکوه) که سپاهیان‌ش تا پشت دیوار شهر وین پیش رفته بودند، گفته است: «در میان ما نبود، فقط ایرانیان قرار گرفته‌اند»^۲ زمانی که عثمانی‌ها در حال پیشروی در اروپا بودند، کشورهای روس و انگلیس دولت صفویه را تحریک کرده و برای حمله به امپراتوری عثمانی تشویق می‌کردند تا اینکه عثمانیان مجبور شوند بخشی از نیروهای خود را از اروپا به سمت مرز ایران گسیل دارند.

در یکی از یادداشت‌های داخلی وزارت خارجه‌ی انگلیس به تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۳۶، چنین یادآور می‌شود که: «ما باید به عنوان مانع و حائل در توافق ایران و عراق قرار بگیریم تا توافقی برخلاف منافع حکومت بریتانیا انجام نپذیرد»^۳

به واسطه‌ی اختلافات موجود بین ایران و عثمانی در طول ۵۰۰ سال اخیر جنگ‌های متعددی رخ داده است که می‌توان به مواردی چون جنگ چالدران در سال ۱۵۱۴م، جنگ‌های بیست ساله در سال ۱۵۳۴م، جنگ‌های طولانی زمان شاه‌عباس و پس از آن زمان نادرشاه افشار و جنگ‌هایی که در زمان قاجاریه رخ داده است، اشاره کرد.

همچنین از سال ۱۵۵۵ میلادی که عهدنامه‌ی معروف به آماسیه بین ایران و عثمانی به امضا رسید، تاکنون حدود ۲۰ عهدنامه بین دو کشور در مورد حل اختلافات و تعیین مرز به امضا رسیده است. معروف‌ترین آن‌ها عبارتند از: عهدنامه‌ی آماسیه (۱۵۵۵م) در زمان شاه طهماسب صفوی، عهدنامه‌ی ذهاب (۱۶۳۹م) در زمان شاه صفی، عهدنامه‌ی کردان (۱۷۴۶م) در زمان نادرشاه، عهدنامه‌ی اول ارزروم (۱۸۲۳م) در دوره فتحعلی شاه قاجار، عهدنامه‌ی دوم ارزروم (۱۸۴۷م) در زمان محمدشاه قاجار، پروتکل تهران (۱۹۱۱م)، پروتکل استانبول (۱۹۱۳م)، کمیسیون تحدید حدود (۱۹۱۴م).

۱- بین سالهای ۶۰- ۱۵۵۵، دوبوسبک De Busbecq، سفیر امپراتوری اروپا در دربار اعظم سلطان سلیمان بود.

۲- محمدرضا بابایی، زمینه‌های واگرایی بین کشورهای خاورمیانه، ص ۵۳.

۳- حمداله آصفی، رژیم حقوقی ارون‌درد، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۸۴-۸۳، ص ۵۰.

باتوجه به اینکه کمیسیون تحدید حدود(۱۹۱۴م)^۱ آخرین توافق بین دولت ایران و دولت عثمانی است، توضیح مختصری پیرامون آن بیان می‌شود:

در سال ۱۹۱۴م براساس ماده‌ی ۲ پروتکل استانبول، یک کمیسیون مشترک مرزی با شرکت نمایندگان ایران، عثمانی، انگلیس و روسیه به منظور تحدید حدود مرزی دو کشور تشکیل شد. فعالیت این کمیسیون به مدت ۹ ماه ادامه داشت و ۴۸ ساعت قبل از شروع جنگ اول جهانی به کار خود پایان داد. این کمیسیون ۲۲۷ ستون مرزی از خرمشهر تا آزارات نصب کرد. صورت جلسات این کمیسیون نیز ضمیمه‌ی پروتکل استانبول گردید.

به‌طورکلی پروتکل استانبول و صورت جلسات مربوطه، ۷۰۰ مایل مربع از اراضی ایران واقع در شمال و جنوب قصرشیرین در استان کرمانشاه را به دولت عثمانی واگذار کرد که «اراضی انتقالی» نامیده می‌شود. امروزه بخشی از صادرات نفت عراق از چاه‌های نفت‌خانه و خانقین که جزء اراضی انتقالی بوده‌اند، تامین می‌گردد.^۲

روابط بین ایران و عراق نوین

دولت انگلیس پس از جنگ اول جهانی از به هم پیوستن ۳ استان بصره، بغداد و موصل کشور جدید عراق را تاسیس و فیصل پسر شریف‌حسین را به عنوان پادشاه عراق انتخاب کرد.

انگلیسی‌ها برای ورود عراق به جامعه‌ی ملل، می‌بایست رضایت ایران را جلب کنند. ابتدا ایران به‌علت اختلافات موجود، عراق را به رسمیت شناخت، لذا وزیرمختار انگلیس طی یادداشت مورخ ۱۱ مارس ۱۹۲۹م به وزیر امور خارجه‌ی ایران تضمین وساطت حل و فصل عادلانه بین ایران و عراق را داد. پس از حصول اطمینان، دولت ایران نیز در آوریل ۱۹۲۹م (اردیبهشت ۱۳۰۸) دولت جدید عراق را به رسمیت شناخت.

۱- البته پروتکل ۱۹۱۳ و کمیسیون تحدید حدود ۱۹۱۴ به تصویب نهایی و قانونی ایران و عثمانی نرسیده است. دولت نوین ترکیه نیز در پی جنگ نخست جهانی اعلام کرد که پروتکل ۱۹۱۳ شکل قانونی به خود نگرفته است.

(اطلاعات سیاسی اقتصادی ش. ۸۳-۸۴، ص ۵۲).

۲- اصغر جعفری ولدانی، کانون‌های بحران در خلیج فارس، ص ۱۷۸.

و پس از آن توسط جامعه‌ی ملل، عراق بعنوان یک کشور با دولت مستقل به رسمیت شناخته شد.^۱

ملک فیصل حاکم عراق، که در باره‌ی حل اختلاف‌های ایران و عراق ابراز حسن نیت می‌کرد، در ۲۶ آوریل ۱۹۳۲ (۱۳۱۱/۲/۶) به ایران مسافرت کرد. از تهران دیدار نمود و قول‌های مساعدی در زمینه‌ی مورد نظر به دولت ایران داد. لیکن با مرگ وی در سال ۱۳۱۲ (۸ سپتامبر ۱۹۳۳) به واسطه‌ی بیماری در برن سوئیس^۲، هیچگونه اقدامی از طرف دولت عراق و انگلیس در جهت اجرای وعده‌های مذکور به عمل نیامد. قول و قرارهای مذکور تنها جهت کسب شناسایی رژیم عراق بوده است. پس از آن روابط دو کشور روبه تیرگی گذاشت و برخوردهایی نیز بین نیروهای نظامی طرفین در مرزها روی داد. در این هنگام، دولت عراق درگیری‌های مرزی را بهانه قرار داد تا به جامعه‌ی ملل شکایت کند.

شکایت عراق به جامعه‌ی ملل

جامعه‌ی ملل در ژانویه‌ی ۱۹۳۵م برای رسیدگی به شکایت عراق از ایران جلسه‌ای تشکیل داد (۸۴/۳ ژنو) که در این جلسه وزیر خارجه‌ی عراق شکایت خود از ایران را در ۴ مورد زیر اعلام داشت:

الف) کشتی‌های جنگی ایران مقررات کشتیرانی که از طرف بندر بصره وضع شده است را رعایت نمی‌کنند.

ب) ایران در بعضی نقاط مرزی که متعلق به عراق است، پاسگاه‌های پلیس و نگهبانی ایجاد کرده است.

ج) مالکیت باریکه کوچکی از اراضی مرزی به نام سرخوش مورد اختلاف است.

د) وضع رودخانه‌ی مرزی گنجان‌چم که ایران در آن سد بسته است و خط میانه‌ی آب در آن رودخانه که قسمتی از مرز مشترک دو کشور را تشکیل می‌دهد، مورد اعتراض است.

نوری سعید وزیر امور خارجه‌ی وقت عراق در ادامه گفت: «ایران تقریباً دارای ۲۰۰۰ کیلومتر ساحل با بسیاری بنادر و لنگرگاه‌هاست... عراق اساساً سرزمین دو رودخانه‌ی

۱- سوم اکتبر سال ۱۹۳۲ کشور عراق استقلال خود را به دست آورد.

۲- منوچهر پارسادوست، ما و عراق از گذشته دور تا امروز، ص ۱۱۵.

دجله و فرات است. بصره در صد کیلومتری دهانه و تنها بندر عراق است. از نقطه نظر عراق بسیار ناخوشایند است که کشور دیگری از یک طرف ساحل بر این شط (اروند رود) فرمانروایی داشته باشد.^۱ باقر کاظمی وزیر امور خارجه‌ی ایران در جواب اظهار داشت: «کشورهایی هستند که فقط از طریق یک رودخانه به دریا راه دارند ولی این امر موجب نشده است که حق سایر کشورهای مجاور رودخانه سلب شود. آنچه باید مورد توجه قرار گیرد اصل تساوی حق حاکمیت دولت‌ها است و اگر کشوری شرایط و مقررات استفاده از راه آبی را وضع کند و به اطراف دیگر تحمیل نماید، این به آن مفهوم است که آن کشور تابع کشور دیگر می‌باشد، دولت ایران هرگز مقرراتی را که اداره‌ی بندر بصره وضع نموده است رعایت نخواهد کرد. زیرا ما هرگز این مقررات را به رسمیت نشناخته‌ایم و به رسمیت نخواهیم شناخت.»^۱

عکس‌العمل جامعه‌ی ملل: براساس توصیه جامعه‌ی ملل قرار بر این شد که ایران و عراق اختلافات خود را از طریق مذاکرات مستقیم حل و فصل کنند که نهایتاً منجر به عقد قرارداد ۱۹۳۷ م گردید.

عهدنامه‌ی سرحدی ۱۹۳۷ م

در پی شکایت عراق به جامعه‌ی ملل، با توصیه‌ی آن جامعه مقرر شد، ایران و عراق اختلافات را از طریق مذاکرات مستقیم حل و فصل کنند، که با دخالت مستقیم انگلیس منجر به قرارداد ۱۹۳۷ بین دو دولت گردید. براساس این عهدنامه مرزهای دو کشور در اروندرود، ساحل ایرانی اروند تعیین شد. تنها یک استثناء در عهدنامه وجود دارد و آن، تعیین خط تالوگ^۲ فقط در مقابل آبادان است.^۳

با انعقاد عهدنامه‌ی مرزی ۱۹۳۷ م در زمان رضاشاه، تلاش صدساله‌ی ایرانیان برای احقاق حقوق خود در اروندرود از میان رفت. عهدنامه‌ی مذکور مالکیت تمامی رودخانه به غیر از قسمت کوچکی در مقابل آبادان را به عراق واگذار کرد. همچنین عراقی‌ها با

۱- منوچهر پارسادوست، ریشه‌های تاریخی اختلافات ایران و عراق ص ۱۷۷ و ص ۱۸۱.

۲- خط تالوگ، یک واژه قدیمی آلمانی‌الاصل می‌باشد که در لغت به مفهوم "دره" است. در اصطلاح "خط تالوگ" یا "خط‌القع" به مفهوم عمیق‌ترین بخش رودخانه به کار می‌رود. تقسیم بر مبنای "خط تالوگ"، در رودخانه‌های مرزی که قابل کشتیرانی می‌باشند مرسوم است، در این حالت خط تقسیم، از عمیق‌ترین قسمت رود می‌گذرد و آنرا به دو قسمت تقسیم کرده و به عنوان خط مرزی در نظر گرفته می‌شود.

۳- اصغر جعفری ولدانی، کانون‌های بحران در خلیج فارس، ص ۲۰۰.

حمایت دولت انگلیس توانستند قسمتی از اراضی ایران واقع در بخش مرکزی مرز را که دارای ذخایر نفتی بود، (مانند نفت‌خانه) تصاحب کنند.

هرچند عهدنامه‌ی مذکور به نفع دولت عراق تمام شده بود، اما آن رژیم در زمان دولت دکتر محمد مصدق مقررات عهدنامه‌ی مرزی ۱۹۳۷م را نقض و صلح و امنیت ایران را مورد تهدید قرار داده بود و اجازه داد تا نیروهای انگلیسی در مناطق شیپانیه (بصره)، حبانیه، کرکوک و موصل در نزدیکی مرز ایران تقویت گردند، که با اعتراض دولت ایران روبه‌رو شد. هدف اصلی اقدامات عراق و انگلستان، حل مسئله‌ی نفت، تجزیه خوزستان و الحاق آن به عراق بود.^۱

با توجه به اینکه عبدالکریم قاسم نخست وزیر عراق نیز در دسامبر ۱۹۵۹م اظهار می‌دارد: «ما اکنون نمی‌خواهیم به تاریخ عشایر عرب مقیم اهواز و محمره (خرمشهر) و علت چشم پوشی دولت عثمانی در آن قسمت از منطقه که آن روز قسمتی از عراق بود و به ایران دادن آن اشاره نمائیم. ما در حال حاضر نمی‌خواهیم به این موضوع و به عواملی که دولت عثمانی را در آن روز به این چشم‌پوشی واداشت بپردازیم.» به طور تلویحی دامنه‌ی ادعاهای عراق را تا خرمشهر و اهواز کشاند، در حالی که خرمشهر همیشه و در طول تاریخ متعلق به ایران بوده و ماده‌ی ۲ عهدنامه‌ی دوم ارزروم نیز به وضع موجود صحنه گذارده و بر حاکمیت ایران بر خرمشهر تاکید کرده است. در واقع این دولت ایران بوده که از حقوق خود در سلیمانیه و نواحی دیگر به نفع دولت عثمانی صرف نظر کرده است.

عباس آرام وزیر امور خارجه‌ی ایران در سال ۱۳۴۴ش (۱۹۶۵م) به دلیل عدم رعایت عهدنامه‌ی سرحدی ۱۹۳۷ و کارشکنی دولت عراق، قرارداد مذکور را نقض شده تلقی و خواهان انعقاد قرارداد منصفانه و عادلانه دیگر بین دو کشور شد و گفت: «صدای هر سلاحی را که به ایران صدمه بزند خاموش خواهیم کرد.» همچنین آمادگی ایران را برای مذاکرات و حل اختلافات دو کشور اعلام نمود.^۲

۱- همان (ولدانی)، ص ۲۰۹.

۲- همان (ولدانی)، ص ۲۲۳ و ص ۲۲۶.

سیاست توسعه طلبانه‌ی عراق

دولت عراق به هیچ یک از قراردادها و عهدنامه‌های منعقد شده پای‌بند نبود و در فرصت‌های مقتضی اقدامات خصمانه‌ای علیه ایران انجام می‌داد. در اینجا به چند مورد از اقدامات خصمانه‌ی عراق اشاره می‌شود:

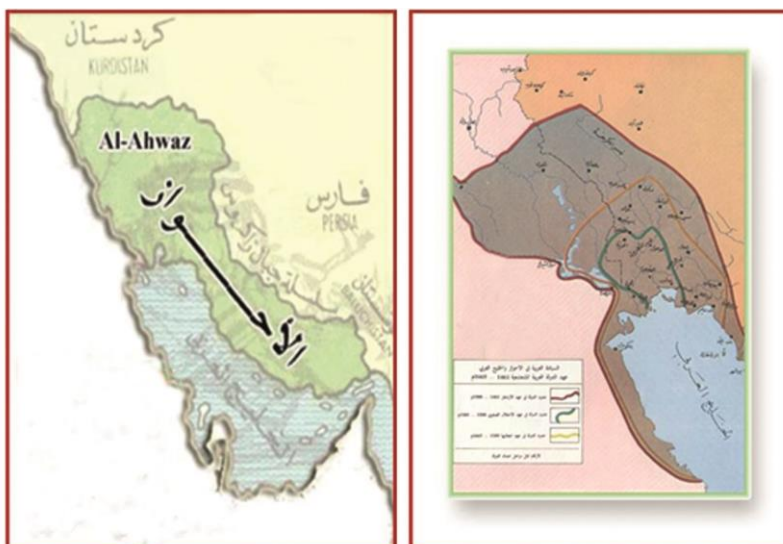
(الف) در ۱۵ آوریل ۱۹۶۹م (۱۳۴۸ش) معاون وزارت امور خارجه‌ی عراق، سفیر ایران در بغداد را احضار و به وی چنین گفت: «دولت عراق شط‌العرب (اروند رود) را جزئی از قلمرو خود می‌داند و از دولت ایران تقاضا دارد به کشتی‌هایی که پرچم ایران را در شط‌العرب برافراشته‌اند دستور داده شود، پرچم ایران را پایین بیاورند و اگر از نفرت نیروی دریایی کسی در کشتی باشد خارج شود، و الا دولت عراق، افراد نیروی دریایی ایران را با توسل به زور از کشتی خارج خواهد ساخت و در آتیه اجازه نخواهد داد کشتی‌هایی که مقصد آن‌ها بنادر ایران است وارد شط‌العرب شوند.»

(ب) صالح مهدی عمّاش، معاون نخست وزیر و وزیر کشور عراق در سال ۱۹۶۹م اظهار داشت: «عراق هرگز به طور جدی در مورد شط‌العرب با ایران اختلاف نداشته است، شط‌العرب جزئی از خاک عراق است. اختلاف در مورد عربستان (خوزستان) بوده که قسمتی از خاک عراق است و در دوره قیمومیت خارجی ضمیمه‌ی ایران شده و برخلاف خواست مردم عراق، اهواز نامیده می‌شود.»

(ج) تلویزیون بصره در همان سال در پشت سر گوینده‌ی خود نقشی جدیدی از عراق را قرار داد که در آن استان خوزستان با عنوان عربستان و جزء خاک عراق محسوب شده بود.

(د) عراق در سال ۱۹۷۱م با اعاده‌ی حاکمیت ایران بر جزایر سه گانه‌ی ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک، روابط سیاسی خود با ایران را قطع کرد و اعلام داشت که این جزایر متعلق به اعراب است. نماینده‌ی عراق در شورای امنیت سازمان ملل متحد اظهار داشت: «تاریخ به خوبی نشان می‌دهد که جزایر مذکور نه تنها تحت حاکمیت عرب بوده‌اند بلکه سلطه‌ی اعراب تا قشم، لنگه، هرمز و گاه سواحل ایران رسیده است.»

ه) در ۲۸ نوامبر ۱۹۷۳ کانال ۷ تلویزیون بغداد در برنامه‌ای با عنوان "چیزی از تاریخ" نام‌های متداول شهرهای ایران را تغییر داد و خرمشهر را "المحمرة"، اهواز را "الاحواز" و آبادان را "عبادان" و حتی خرمشهر را جزء استان ناصریه خواند.^۱



اقدام واهی عراق نسبت به سرزمین‌های ایران با تغییر نام فارسی به عربی

۱- همان (جعفری ولدانی)، صص ۲۲۹-۲۳۳.

جنگ یک روزه و قطعنامه‌ی ۳۴۸ شورای امنیت

در پی بالا گرفتن اختلاف بین عراق و ایران، دولت آن کشور به عنوان یک عمل انتقامی بیش از هفتاد هزار نفر از ایرانیان مقیم عراق را اخراج کرد. پس از مدتی، بحران به بخش شمالی مرز دو کشور انتقال یافت. طی سال‌های (۱۳۵۲-۱۳۵۳ش) ۱۹۷۴-۱۹۷۳م. برخوردهایی در مرز دو کشور روی داد که مهم‌ترین آن‌ها برخورد معروف به "یکشنبه‌ی خونین" در ۲۱ بهمن ۱۳۵۲ بود.^۱

وگمن‌مونیس^۲ نماینده‌ی مکزیک در سازمان ملل که از طرف دبیرکل به مرز دو کشور سفر کرده بود، در گزارش خود تایید نمود که شدیدترین نبردها در همان روز ۱۰ فوریه ۱۹۷۴ در تپه‌ی ۳۴۳ در ارتفاعات زالوآب انجام گرفت و آن تپه طبق نقشه‌ی ۱۹۱۴ در خاک ایران است.^۳

در این نبرد از تجهیزات سنگین استفاده شد و در نتیجه‌ی آن، تعدادی از نیروهای نظامی طرفین کشته و زخمی شدند. نتیجه‌ی این درگیری به میانجی‌گری شورای امنیت سازمان ملل به دبیرکلی «کورت‌والدهایم»^۴ و آتش‌بس ۷ مارس ۱۹۷۴ منجر گردید. علت اصلی این مشکلات براساس تشخیص نماینده‌ی دبیرکل، ناتمام ماندن کار علامت‌گذاری مرز دو کشور بود. وی طرفین را به عقب‌نشینی سریع و همزمان از نواحی مرزی و تشکیل یک کمیسیون مشترک تحدیدحدود تشویق نمود. بنا به توصیه‌های سازمان ملل متحد و شورای امنیت در قطعنامه‌ی ۳۴۸، بین دو کشور ایران و عراق مذاکراتی صورت گرفت که به انعقاد عهدنامه‌ی ۱۹۷۵م الجزایر انجامید.

عهدنامه‌ی مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ الجزایر

دولت عراق که بعد از سال‌ها منازعه‌ی سیاسی و نظامی و انجام هرگونه تحریکات و اقدامات علیه ایران به هیچ یک از مقاصد خود دست نیافته بود، با حسن نیت ایران- با وجود برتری نظامی- عملاً پی برد که موافقت با مذاکرات مستقیم، گره‌گشای حل اختلافات آن کشور با ایران خواهد بود. به همین جهت این بار با شرایط خاصی که داشت، با مذاکره برای حل کلیه‌ی مشکلات دو کشور موافقت نمود. سرانجام در

۱- همان (ولدانی)، ص ۲۳۴.

2 - Vkmn Mvnys

۳- منوچهر پارسادوست، ما و عراق از گذشته دور تا امروز، ص ۱۵۰.

4 - Kurt Valdhaym

۶مارس ۱۹۷۵ یعنی در آخرین روز کنفرانس اوپک در الجزیره، با میانجی‌گری «هواری بمدین» رئیس‌جمهور الجزایر ملاقاتی میان شاه ایران و صدام‌حسین معاون رئیس‌جمهور عراق، انجام گرفت و مذاکراتی به‌عمل آمد. بهره‌ی این دیدار اعلامیه‌ی چهار ماده‌ای امنیتی بود که به اعلامیه‌ی الجزایر معروف شد.



از چپ به راست: محمدرضا پهلوی، هواری بمدین و صدام حسین؛ امضا کنندگان اعلامیه‌ی الجزایر ۱۹۷۵م

مفاد اعلامیه‌ی الجزایر:

- ۱- طرفین مرزهای زمینی خود را بر اساس پروتکل قسطنطنیه (۱۹۱۳م) و صورت‌جلسه‌ی کمیسیون تحدید حدود مرزی ۱۹۱۴م علامت‌گذاری نمایند.
- ۲- طرفین مرزهای آبی خود را بر اساس خط تالوگ تعیین نمایند.
- ۳- دو کشور امنیت متقابل را در امتداد مرزهای مشترک خویش برقرار خواهند ساخت و متعهد می‌شوند که در مرزهای خود، کنترل دقیق و مؤثر به منظور قطع هرگونه رخنه و نفوذ برای خرابکاری، اعمال کنند.

۴- مقررات فوق عواملی تجزیه‌ناپذیر در جهت یک راه حل کلی بوده و نقض هر یک از موارد فوق مغایر روح توافق الجزایر است.^۱

متعاقب توافق الجزایر، وزرای امور خارجه‌ی دو کشور با حضور وزیر امور خارجه‌ی الجزایر در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۳۵۳ (۱۴ مارس ۱۹۷۵) در تهران گرد آمدند و مدتی پس از آن عهدنامه‌ی مربوط به مرز دوستی، حسن همجواری و پروتکل‌های ضمیمه‌ی آن به امضاء رسید. مجالس قانون‌گذاری دو کشور نیز کلیه‌ی عهدنامه و پروتکل‌های مربوط به قرارداد الجزیره را تصویب کردند. براساس ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد، کلیه‌ی اسناد فوق به شماره‌های ۱۴۹۰۳ تا ۱۴۹۰۷ تحت عنوان «معاهدات ایران و عراق» در دبیرخانه‌ی سازمان ملل متحد به ثبت رسید.^۲

پس از انعقاد عهدنامه‌ی ۱۹۷۵ روابط بین ایران و عراق به طور چشم‌گیر بهبود یافت. در جهت تحکیم روابط دو کشور، امیرعباس هویدا نخست وزیر ایران در مارس ۱۹۷۵ بازدیدی رسمی از عراق به عمل آورد. صدام حسین نیز در آوریل همان سال به طور رسمی از ایران دیدار کرد. پس از آن سعدون حمادی، وزیر خارجه‌ی عراق در ژانویه ۱۹۷۷ نیز دیداری رسمی از ایران به عمل آورد. در جریان این سفر مذاکراتی در زمینه‌های بازرگانی، فرهنگی و حمل و نقل بین دو کشور صورت گرفت. اما با پیروزی انقلاب اسلامی، صدام رئیس‌جمهور عراق، در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۲۶، عهدنامه‌ی مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ الجزایر را در برابر بینندگان تلویزیون بغداد، ملغی اعلام کرد.

۱- غلامرضا علی بابایی، فرهنگ علوم سیاسی، ج ۲، ص ۲۱۰.

۲- منوچهر پارسادوست، ریشه‌های تاریخی اختلافات ایران و عراق، ص ۴۰۳.

فصل سوم

وضعیت ایران و عراق در زمان شروع جنگ

شرایط حاکم بر ایران قبل از جنگ

الف) بررسی وضعیت ارتش ایران در دهه‌ی ۱۳۵۰ شمسی.

- بعد از کودتای انگلیسی-آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ایران از کشورهای اقماری ایالات متحده آمریکا محسوب می‌شد.

- از آن پس ارتش شاهنشاهی ایران نقش ژاندارمی و حافظ منافع آمریکا در منطقه را بازی می‌کرد.

- با پیروزی انقلاب اسلامی و سرنگونی نظام شاهنشاهی در ایران و تغییر ماهیت ارتش، خلاء ژاندارمی در منطقه بوجود آمد.

ب) بررسی اوضاع ایران پس از پیروزی انقلاب و قبل از جنگ

۱- اوضاع سیاسی

الف) حاکمیت لیبرال‌ها؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی که با حضور و فداکاری ملت ایران به ثمر رسید، دولتی میانه‌رو سر کار آمد. این دولت نه مثل بقیه‌ی اقشار مردم انقلابی بود و نه به حرکت‌های انقلابی اعتقاد داشت. توده‌های مردم که با تلاش چندین ساله خود از زیر بار استبداد داخلی و استعمار خارجی رهایی یافته بودند، حاضر نبودند آنچه را بدست آورده‌اند، به سادگی از دست بدهند. برعکس دولت موقت معتقد بود که مردم و روحانیون نقش و وظیفه‌ی خود را انجام داده‌اند و وظیفه‌ی دیگری ندارند، لذا باید حکومت را به دولتمردان سپرده و به امورات خود بپردازند. بسیاری از گروه‌های ضدانقلاب با اخلال در سیستم سیاسی و امنیتی کشور، در صدد انحراف انقلاب به سمت اهداف خودشان بودند. اما مردم و نیروهای مکتبی و خط امام نمی‌خواستند انقلاب به انحراف کشیده شود و از خط اصلی‌اش خارج گردد. این مسایل باعث

اختلاف بین نیروهای مکتبی و میانه‌روها شده بود. زمان حاکمیت دولت موقت و دوره ریاست جمهوری بنی‌صدر به دوران حاکمیت لیبرال‌ها معروف است.

ب) مسایل مربوط به نوع نظام سیاسی، قانون اساسی و جمهوری اسلامی؛ امام(ره) بعد از پیروزی انقلاب، نظام جمهوری اسلامی را پیشنهاد کردند، اما بعضی از افراد و گروه‌ها، نظام‌های دیگری را مطرح می‌کردند که این موضوع باعث اختلاف سیاسی در کشور شده بود. ایشان برای اثبات جمهوریت نظام، دستور دادند که جمهوری اسلامی به همه‌پرسی گذاشته شود و نظر مردم را جویا شوند، که ۹۸/۲٪ از مردم ایران به جمهوری اسلامی رای مثبت دادند.

ج) مسایل مربوط به ایالات متحده‌ی آمریکا که برای حفظ بقاء نفوذ خود در ایران تلاش می‌کرد؛

۱- موضوع تسخیر سفارت آمریکا^۱ در تهران و گروگان‌گیری کارکنان سفارت، به وسیله‌ی دانشجویان پیرو خط امام و حمایت مردم ایران از آنان، مورد مخالفت دولت موقت قرار گرفت و منجر به استعفای مرحوم بازرگان از نخست‌وزیری شد. اما امام این اقدام را انقلابی بزرگتر از انقلاب اول نامیدند. در این راستا اقدامات آمریکا برای آزاد کردن گروگان‌ها تبدیل به یکی از مسایل سیاسی مهم شده بود.

۲- تحریک گروه‌های سیاسی، قومی، مذهبی ...

د) تلاش گروه‌های چپ در دانشگاه‌ها، کارخانجات و سازمان‌ها برای رسیدن به قدرت؛ در این زمان گروه‌های فرصت طلب به خود جرأت داده بودند دست به اقداماتی بزنند که با روند انقلاب سازگاری نداشت. بسیاری از گروه‌های وابسته به شرق و غرب برای به‌دست آوردن بخشی از حاکمیت، جنگ قدرت را آغاز کرده بودند و هریک در گوشه‌ای از مملکت، مثل کردستان، گنبد، خوزستان و... با اقدامات سیاسی و مسلحانه، در روند جاری کشور اخلال ایجاد می‌کردند. در مرکز سیاسی کشور و شهرهای بزرگ، بسیاری از دانشگاه‌ها و مراکز علمی، سازمان‌ها و نهادهای اجرایی، در اشغال گروه‌هایی مثل سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، سازمان چریک‌های فدایی خلق، حزب توده، اتحادیه کمونیست‌های ایران، حزب کومله، حزب دموکرات کردستان و ... بود که باعث

اختلال در اداره‌ی کشور می‌شد. یکی دیگر از اقدامات آنان تحریک کارگران در کارخانجات و مراکز کارگری بود.

ه) به‌طور کلی مسایلی همچون؛

۱- موضوع آزاد کردن گروگان‌های آمریکایی در ایران

۲- لغو قراردادها با آمریکا

۳- ایجاد جو روانی علیه نیروهای مکتبی و پیرو خط امام.

۴- اختلاف شدید نیروهای مکتبی با بنی‌صدر.

۵- ائتلاف بنی‌صدر و گروه‌های ضد انقلاب و منافقین.

۶- اتحاد گروه‌های منحرف چپ‌گرا (وابسته به شوروی سابق) و راست‌گرا (گروه‌های همگرا با غرب) باعث فشارهای داخلی و خارجی زیادی علیه نظام نوپای جمهوری اسلامی می‌شد.



و) در این راستا نقاط قوتی همچون؛ رهبری پیامبر گونه‌ی امام(ره)، اتحاد و از خودگذشتگی و وفاداری ملت بزرگ ایران به انقلاب را نباید فراموش کرد. امام(ره) در همه‌ی مسایلی که پیش می‌آمد هوشیارانه موضع‌گیری می‌کردند و به‌موقع عکس‌العمل نشان می‌دادند. در مواقع حساس با رهنمودها و گاهی هشدارهای لازم، مردم، مسئولین و دولتمردان را متوجه‌ی انحرافات نموده و با ایجاد فضایی آرام، و دعوت مردم به وحدت، مسایل و مشکلات را به نحو احسن مدیریت می‌کردند.

۲- اوضاع اقتصادی

هرچند کشور ایران از پتانسیل‌های اقتصادی بسیار خوبی برخوردار بود، اما در آن مقطع زمانی اوضاع اقتصادی از وضعیت سیاسی بهتر نبود، بلکه به واسطه‌ی مشکلات خاص آن زمان دچار نابسامانی بود، از جمله:

الف) ضعف اقتصادی به واسطه‌ی اعتصاب‌های قبل از پیروزی انقلاب به‌ویژه در صنعت نفت.

- ب) معلق ماندن قراردادهای اقتصادی با کشورهای غرب و ایالات متحده آمریکا.
- ج) فقدان سازماندهی اقتصادی تجربه شده برای نظام اسلامی.
- د) اختلاف شدید نیروهای مکتبی با لیبرال‌ها در نظام اقتصادی.
- ه) بلوکه شدن دارایی‌های ایران در خارج از کشور به‌ویژه در آمریکا.
- و) تحریم‌های اقتصادی غرب علیه ایران.
- ز) نفوذ گروهک‌ها در مراکز کارگری و تحریک کارگران در جهت اعتصاب و دست از کار کشیدن که باعث کند شدن چرخ اقتصاد می‌شد.

۳- اوضاع نظامی

- سیستم نظامی و دفاعی کشور جمهوری اسلامی ایران با پیروزی انقلاب اسلامی دچار تحولات عمده‌ای شد، که نکات قابل توجهی آن عبارتند از:
- الف) ارتش وابسته به آمریکا و شاه، بایست به ارتش انقلابی تبدیل شود.
- ب) خروج بسیاری از کارشناسان نظامی و فرماندهان ارتش از ایران.
- ج) مختل شدن سیستم کنترل و فرماندهی در ارتش.
- د) درگیر بودن حدود ۵۰٪ از یگان‌های نیروی زمینی در استان‌های شمال غرب کشور برای آزادسازی مناطق تحت اشغال ضدانقلاب و احزاب تجزیه طلب.
- ه) کاهش کارایی رزمی ارتش به سبب تعطیل شدن آموزش‌های مصوب در مدت بیش از دو سال.
- و) کاهش نیروهای ارتش با سیاست دولت موقت.

ز) اقدام مشکوک دولت بازرگان در زمینه‌ی لغو قراردادهای نظامی، از قبیل لغو قرارداد خرید شش فروند زیردریایی از آلمان و لغو قراردادهای نظامی آمریکا، که در مجموع

کاهش توان نظامی و عدم امکان توسعه‌ی طرح‌های ساختاری ارتش هدف آن بوده است.^۱

ح) کاهش مدت خدمت سربازی از دو سال به یک سال و انتقال نیروهای کادر ارتش به محل سکونت و یا دلخواه خود توسط دولت موقت، که باعث مختل شدن تخصص و سازماندهی در ارتش می‌شد.

ط) شعار انحلال ارتش از سوی گروهک‌های چپ‌گرا و مخالف انقلاب اسلامی، هماهنگ با سیاست کاهش توان دفاعی ارتش از سوی لیبرال‌ها.

ی) توطئه‌ی کودتای سازمان نقاب به رهبری شاپور بختیار و حمایت کشورهای غربی و عراق (معروف به کوتای نوژه)، در ۱۸ تیر ۱۳۵۹ که باعث تضعیف روحیه ارتش شد.

ک) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ارگانی تازه تاسیس بود و در شهریور ۵۹ حدود ۳۰۰۰۰ نفر نیرو بیشتر نداشت. آن‌هم با توجه به استقرار در داخل شهرها، یک واحد منسجم نظامی نبودند. ازطرفی درگیر بودن سپاه با ضدانقلاب در داخل کشور به ویژه در استان‌های کردستان، خوزستان، سیستان و بلوچستان، در کنار شورش‌های آذربایجان، ترکمن صحرا و... موجب گردید که سپاه به شدت با بحران‌های داخلی درگیر باشد و فرصت لازم را برای گسترش سازمان نظامی خود نیابد.

ل) بسیج و سازماندهی نیروهای مردمی هنوز شکل نگرفته بود.

م) تحلیل هوشیارانه‌ی طارق عزیز وزیر امور خارجه‌ی عراق، سه ماه قبل از آغاز جنگ از اوضاع نظامی ایران که نوشت: «امروز ارتش ایران از هم پاشیده شده است.»^۲ قابل تأمل است.

آمریکا نیز به واسطه‌ی مستشاران نظامی‌اش در ایران قبل از انقلاب، از نقاط ضعف و قوت ایران اطلاع و اشراف کامل داشته و اطلاعات لازم را در اختیار عراق قرار می‌داد. باتوجه به وضع موجود، ارتش ایران در ضعف کامل به سر می‌برد. تا جایی که مرحوم تیمسار ظهیرنژاد رئیس ستاد مشترک ارتش گفت: «در آسیب‌پذیرترین موقعیت بودیم که جنگ بر ما تحمیل شد، میزان آمادگی پرسنل نظامی ما ۴۵٪ بود.»^۱

۱- پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، مقاله‌ی اسماعیل منصوری لاریجانی، با عنوان: شرایط حاکم بر ایران قبل از شروع جنگ. (دریافت: مهر ۱۳۹۳) <http://www.dsirc.ir/view/article.aspx?id=403>

۲- فرهاد درویشی، تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق ۱ (ریشه‌های تهاجم)، ص ۹۸.

از نقاط قوت و برتری‌های نظامی ایران، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

الف) عمق استراتژیک؛ اکثر شهرهای اصلی ایران و بیشتر تاسیسات مهم نفتی در مناطقی دور از مرز با عراق قرار داشتند.

ب) وجود نیروی مسلح جدید و رو به رشد و نیمه آموزش دیده‌ی مردمی که با حمایت سپاه پاسداران، این عناصر در حفظ و تأمین انقلاب به موفقیت رسیدند.

ج) شور انقلابی که نظام امام خمینی در مردم ایران گستراند، موجب افزایش روحیه‌ی نیروهای مسلح گردید.^۲

د) رشد و بالندگی نیروهای مسلح با وجود نیروهای مؤمن؛ علی‌رغم همه‌ی مشکلاتی که در سیستم نظامی وجود داشت، ارتش جمهوری اسلامی از نیروهای مومن و انقلابی برخوردار بود. در این رابطه آیت‌الله خامنه‌ای فرمودند: «بحمدالله نیروی زمینی ارتش رشد و بالندگی پیدا کرده؛ انسان این را احساس می‌کند. این حرکت، این روند مبارک، از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی شروع شد. نه‌اینکه کسی تصور کند که در دوران رژیم طاغوت، در بین ارتش، نیروهای مؤمن نبودند یا کم بودند؛ نه، اینجور نیست. بنده همان موقع هم با بعضی از ارتشی‌ها مرتبط بودم - با بعضی ارتباط دوستی داشتیم، با بعضی ارتباط‌های انقلابی و مبارزاتی داشتیم - آن روز هم در بدنه‌ی ارتش، انسان‌های مؤمن، علاقه‌مند و صادق کم نبودند؛ انسان این‌ها را در مناسبت‌های مختلف، در جاهای مختلف می‌دید؛ که بنده دیده بودم. رفقای دیگری هم بودند که آن‌ها هم با بدنه‌هایی، با گوشه‌هایی آشنا بودند. متنها جهت‌گیری‌های افراد یک معنا دارد، جهت‌گیری سازمان و کلیت، یک معنای دیگری دارد. وقتی جهت‌گیری کلیت یک جامعه، یک سازمان، یک مجموعه غلط بود، تلاش‌های فردی هرچه هم در آن جامعه انبوه باشد، نتیجه‌ی خودش را نخواهد بخشید. آن روز این‌جوری بود.»^۳

۱- واحد مرکزی خبر، DVD مستند دفاع مقدس.

۲- عبدالحلیم ابوغزاله، جنگ عراق و ایران، ص ۵۵.

۳- آیت‌الله خامنه‌ای، در جمع فرماندهان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ۱۳۹۱/۲/۳.

شرایط حاکم بر عراق قبل از جنگ

(الف) اوضاع سیاسی

۱. حزب بعث بر مبنای معیارهای غیر مذهبی بلکه عربی و ناسیونالیستی با گرایش‌های سوسیالیستی شکل گرفته بود.

شعار حزب بعث: (حریت، اشتراکیه، امت واحده)

۲. شعار امت عربی؛ امت عرب واحده ذات رساله خالده

(یک ملت عرب) (یک ماموریت ابدی)

۳. وحشت رژیم بعثی عراق از صدور انقلاب اسلامی؛ به دلیل اینکه اکثریت جمعیت عراق، شیعه و متأثر از انقلاب اسلامی ایران بودند، رژیم عراق احساس خطر می‌کرد.

۴. برقراری ارتباط مجدد با غرب، اولین بار پس از سال ۱۹۶۷ میلادی در پی روی کار آمدن حزب بعث در صحنه‌ی سیاسی عراق.^۱

(ب) اوضاع اقتصادی

۱- جمعیت کم، صادرات زیاد نفت، وضع اقتصادی خوب، دارای ذخائر ارزی بسیار مناسب، باعث شده بود که حداقل برای یک سال جنگیدن نیازی به کشورهای دیگر نداشته باشند. در سپتامبر ۱۹۸۰ همزمان با آغاز جنگ، عراق بیش از ۳۵ میلیارد دلار ذخیره ارزی داشت.^۲

۲- یک دینار عراق تقریباً برابر با بیست تومان ایران و یا سه دلار آمریکا بود.

۳- کمک‌های اقتصادی که کشورهای عربی تقدیم حکومت عراق کردند نیز نقش تعیین کننده‌ای در اقتصاد عراق داشت و خونی بود در رگ‌های این رژیم برای سازماندهی و ادامه‌ی تلاش در طول جنگ علیه ایران.

۴- علی‌رغم وضع اقتصادی خوب عراق، درآمدها بیشتر در بغداد هزینه می‌شد و بقیه‌ی شهرها، به ویژه منطقه‌ی کردستان عراق و شهرهای مذهبی مثل نجف، کربلا، سامرا و... رها شده بودند.

۱- بعد از کودتای حزب بعث در عراق که خودشان از آن بعنوان «انقلاب عراق» یاد می‌کنند، ارتباط دولت عراق با غرب قطع شده بود.

۲- فصلنامه‌ی حصون شماره‌ی ۸، ویننامه‌ی دفاع مقدس، ص ۱۳۲.

ج) اوضاع نظامی

ثبات سیاسی و نظامی که صدام با اقتدار و دیکتاتوری کامل در عراق ایجاد کرده بود، باعث شده بود نیروهای مسلح منسجمی را در اختیار داشته باشد که فقط تحت فرمان خودش بودند. با برقراری روابط مناسب با همسایگان و بلوک شرق و غرب، توانسته بود تنوع منابع تأمین اسلحه برای عراق را بوجود آورد.

البته عراق نیز نقاط ضعفی داشت که در عدم موفقیت او برای استفاده از هجوم استراتژیک اولیه، اثر گذاشت و قادر به اجرای پدافند مناسب در برابر پاتک‌های استراتژیک ایران نشد. این عیوب عبارتند از:^۱

الف) تسلط اوهام استراتژیک غلط و آرزوهای محال بر فرماندهی عراق، آن‌ها حکومت ایران را ضعیف و له شده دیدند و اعتقاد حاصل کردند که ایرانی‌ها خیلی زود در برابر قدرت فراوان عراقی‌ها- که درباره‌ی آن نیز مبالغه شده بود- شکست خواهند خورد.

ب) توهم بعدی سران عراق این بود که معتقد شدند ایرانیان عرب علیه امام خمینی خواهند شورید و طرف عراق را خواهند گرفت. همچنین به این باور رسیدند که جنگ، سریع‌ترین وسیله برای اشغال کرسی رهبری در خلیج فارس و امت عربی است.

ج) نداشتن عمق استراتژیک؛ صادرات کشور عراق متکی به معبر تنگی بود که واردخلیج فارس می‌شود و یا خط لوله‌ای که از سوریه و ترکیه می‌گذرند.

د) با اینکه عراق تجهیزات فراوانی داشت، اما فرایند تغییر سیستم تسلیحاتی شرقی به سیستم تسلیحاتی غربی، ضعف در سیستم اطلاعات و شناسایی، ضعف در تجهیزات اعلام خطر سریع، عدم هماهنگی بین نیروی هوایی و پدافند هوایی و پایین بودن سطح آموزش که این ضعف در عملیات بمباران راکتورهای اتمی عراق بوسیله‌ی نیروی هوایی اسرائیل^۲ نیز به وضوح دیده می‌شد، از نقاط ضعف ارتش بعثی عراق محسوب می‌شوند.

۱- عبدالحلیم ابوغزاله، جنگ عراق و ایران، صص ۵۸-۵۹.

۲- هفتم ژوئن ۱۹۸۱ برابر با ۱۷ خرداد ۱۳۶۰، هشت جنگنده اف ۱۶ رژیم صهیونیستی، ۱۶ بمب دو هزار پوندی را بر سر راکتور هسته‌ای اوسیراک عراق که تقریباً تکمیل شده بود، ریختند و سالم به پایگاه‌های خود بازگشتند. نخست وزیر وقت اسرائیل، مناحم بگین و وزیر دفاع این رژیم، آریل شارون این راکتور را مرکز تلاش های صدام حسین، رئیس جمهور عراق برای ساخت تسلیحات هسته‌ای دانسته و معتقد بودند که این تاسیسات خطر جدی را متوجه اسرائیل می‌کند.

علی‌رغم همه‌ی مشکلاتی که عراق داشت، صدام توانسته بود ارتش تا دندان مسلح عراق را سازماندهی کرده و برای یک جنگ نابرابر آماده کند. وضعیت نظامی عراق در سه نیروی زمینی، دریایی و هوایی قابل بررسی است.

۱- نیروی زمینی

استعداد نیروی زمینی ارتش عراق در آغاز تجاوز، بالغ بر ۴۸ یگان می‌شد که عبارت بود از ۱۲ لشکر، شامل ۵ لشکر پیاده، ۵ لشکر زرهی، ۲ لشکر مکانیزه و ۱۵ تیپ مستقل شامل ۱۰ تیپ پیاده، ۱ تیپ مکانیزه و ۳ تیپ نیروهای مخصوص به اضافه‌ی تیپ ۱۰ گارد جمهوری و نیز نیروهای گارد مرزی که شامل ۲۰ تیپ مرزی می‌شدند. ارتش عراق در آغاز حمله به ایران، مجهز به ۵۴۰۰ دستگاه تانک و نفربر، ۸۰۰ قبضه توپ صحرایی بود.^۱ استعداد نیروهای جیش‌الشعبی (شبه نظامی) عراق نیز نیم میلیون نفر برآورد می‌شد که تا سقف یک میلیون نفر قابل افزایش بود.



۲- نیروی دریایی

تجهیزات دریایی عراق در دو پایگاه اصلی بصره و ام‌القصر استقرار داشتند. تیپ ۷۷ متشکل چند مین‌روب و چهار کشتی کوچک پیاده کننده‌ی نیرو در بندر بصره و تیپ

۱- سیدعلی بنی‌لوحی، نبردهای شرق کارون، ص ۲۴.

هفتم دریایی متشکل از قایق‌های موشک‌انداز، در بندر ام‌القصر مستقر بودند. البته نیروی دریایی عراق نسبت به ایران ضعیف بود. چند شناوری هم که در خلیج فارس داشت همان روزهای اول جنگ با ضربت سختی که از نیروی دریایی و هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران خوردند، به خور عبدالله رفته و گاهی در عملیات‌های محدود دریایی شرکت می‌کردند.



۳- نیروی هوایی

سازمان نیروی هوایی ارتش عراق با ۹ پایگاه هوایی و ۱۴ اسکادران هواپیمای شکاری - بمبافکن و ترابری، دارای ۳۶۶ فروند هواپیمای نظامی، ۴۰۰ فروند بالگرد و همچنین ۴۰۰ قبضه توپ ضدهوایی و چند تیپ موشکی زمین به هوا بود.^۱

عراق در زمان شروع جنگ از نظر توان و قدرت هوایی ضعیف‌تر از ایران بود. اما در طول جنگ با حمایت کشورهایی همچون اتحاد جماهیر شوروی سابق، فرانسه، آلمان، آمریکا و... به برتری هوایی دست یافت. زیرا نه تنها آن‌ها از نظر تأمین و ارسال

۱- محمد درودیان، تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، ۲، جنگ؛ بازیابی ثبات، ص ۲۶.

هواپیما همکاری داشتند، بلکه در تجهیز پایگاه‌های شکاری و تأمین قطعات برای ارتش عراق، با هم رقابت می‌کردند. انواع هواپیماهای شکاری میگ و سوخو از شوروی سابق، هواپیمای آواکس آمریکا از خاک عربستان، هواپیمای جنگی میراژ اف-۱ و سوپراتاندارد از فرانسه به عراق فرستاده می‌شد. عراقی‌ها در صدد بودند با انتقال فن‌آوری جدید، هواپیمای آموزشی آلفا جت ۱۳۴، محصول مشترک آلمان و فرانسه را در عراق تولید کنند.^۱



MIG-25

با واگذاری هواپیماهای میگ ۲۵ از سوی شوروی سابق به عراق، تأمین امنیت هوایی آسمان کشورمان با مشکل بزرگی مواجه شد. عدم دسترسی موشک‌های هاگ و حتی موشک‌های شلیک شده از هواپیماهای اف-۱۴ به سقف پروازی میگ ۲۵، آسمان ایران اسلامی را برای این نوع از هواپیماهای عراقی امن کرده بود.^۲ البته با سرنگونی اولین هواپیمای میگ ۲۵ عراق توسط سامانه‌ی پدافند هوایی HQ2 که در اختیار پدافند هوایی سپاه پاسداران بود، با همکاری سایت‌های راداری ارتش جمهوری اسلامی، قدرت سپاه اسلام به نمایش گذاشته شد و دشمن را از عملکرد خود پشیمان ساخت.

(دریافت؛ مهرماه ۱۳۹۳) <http://www.sajed.ir/detail/94588> - 1

۲- صف، ماهنامه‌ی ارتش جمهوری اسلامی ایران، شماره‌ی ۳۶۹، ص ۳۶.

فصل چهارم

پیشینه‌ی تجاوز و چگونگی آغاز حمله‌ی سراسری

اقدامات تجاوزکارانه‌ی قبل از آغاز رسمی جنگ

قبل از تجاوز سراسری ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ رژیم عراق به اقداماتی دست زده بود که نشان می‌دهد این رژیم با برنامه‌ی حساب شده وارد جنگ شده، که مهم‌ترین آن اقدامات عبارتند از:

الف) برقراری ارتباط با سران احزاب سیاسی کردستان و خوزستان

تحریک، تسلیح و تجهیز احزاب دموکرات و کومله در کردستان و سازمان سیاسی خلق عرب در خوزستان، برای ایجاد ناامنی در استان‌های مرزی ایران، در حمایت از اقدامات جدایی طلبانه‌ی ضدانقلاب در آستانه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی، از اقدامات اولیه‌ی حزب بعث عراق برضد انقلاب اسلامی و کشور ایران محسوب می‌شود.

ب) نقض مکرر حریم هوایی، زمینی و دریایی ایران

تحرکات نظامی عراق از تاریخ ۱۳ فروردین سال ۱۳۵۸ شروع شد و تا آغاز رسمی و همه‌جانبه‌ی حمله عراق به ایران ادامه داشت. بعضی از موارد مذکور عبارتند از:

- در روز ۱۳ فروردین ۱۳۵۸ شهر مهران مورد حمله‌ی هوایی عراق قرار گرفت و روز بعد یک گروه از ارتش عراق به شهر قصرشیرین حمله کردند.

- در ۱۸ فروردین ماه سال ۱۳۵۸ تاسیسات نفتی مهران نیز مورد حمله‌ی عراق قرار گرفت.

- در بیست و چهارم خرداد سال ۱۳۵۸ نیروی هوایی عراق پاسگاه‌های مرزی انجیره، نی‌خزر و هلاله را در غرب و جنوب کشور بمباران کرد.

- در چهاردهم آبان سال ۱۳۵۸ کنسولگری ایران در بصره اشغال و دو دیپلمات آن نیز بازداشت شدند که مردم کرمانشاه بلافاصله به تلافی این عمل کنسولگری عراق در این شهر را اشغال کردند.

- در چهاردهم آذر سال ۱۳۵۸ یک گردان عراقی به پایگاه مرزی ایران در منطقه‌ی امیرآباد تجاوز و آن‌جا را تصرف کردند که مردم خرمشهر نیز به تلافی مدرسه‌ی عراقی را تصرف کردند و معلمان آن را نیز دستگیر نمودند.

- در هشتم خرداد ماه سال ۱۳۵۹ عراق بار دیگر به شهر مهران حمله‌ی هوایی و توپخانه‌ای کرد. در این حمله ۱۲ نفر از هم میهنان عزیز به شهادت رسیدند و ۳۶ تن نیز زخمی شدند و این درحالی بود که همه‌ی آن‌ها غیرنظامی بودند.

- در ۱۲ شهریور ماه سال ۱۳۵۹ مهران بار دیگر مورد حملات موشکی قرار گرفت که در این حمله نیز ۲ نفر شهید و ۵ تن زخمی شدند.

تحرکات عراق به‌خصوص تحرکات هوایی آن‌ها در این ماه شدت گرفته بود که دو علت داشت. اول به خاطر این که نیروی هوایی به تازگی از یک کودتای نافرجام رهایی یافته بود و این نیرو درحال بازسازی و سازماندهی بود، و دوم این‌که نیروی هوایی و هوانیروز در این زمان مشغول کمک به دیگر رزمندگان در دفع حملات و خراب‌کاری‌های ضدانقلاب در کردستان بودند.

لذا عراق که موقعیت را مناسب دیده بود، بارها حریم هوایی ایران را نقض می‌کرد و دست به عملیات شناسایی هوایی در خاک ایران می‌زد. همزمان شهرهای مرزی ایران از جمله پیرانشهر، پاوه، سردشت، دهلران، قصرشیرین، نفت‌شهر و موسیان را نیز مورد حملات پراکنده قرار می‌داد به طوری که تا ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ جمعا ۶۳۶ مورد تجاوز نظامی از سوی عراق به ثبت رسیده است.^۱

ج) اقدامات خصمانه‌ی عراق علیه ایران

۱. عملیات‌های چریکی در مرزها و انفجار لوله‌های نفتی در خوزستان.
۲. بمباران روستاها و مناطق مرزی ایران.
۳. سوءقصد به سفیران و وزیر خارجه‌ی ایران در کشورهای دیگر از جمله کویت.
۴. اشغال سفارت ایران در لندن توسط چند نفر عرب، با هدایت و رهبری سفارت عراق در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۹.
۵. حمایت از بختیار در طراحی کودتای سازمان نقاب (کودتای نوژه).
۶. اخراج ایرانیان مقیم عراق.

۷. لشکرکشی به مرزهای ایران، ابتدا در منطقه‌ی قصرشیرین و سپس به بقیه‌ی مناطق مرزی، از شمال غرب تا جنوب غربی ایران در استان خوزستان.
۸. اقدامات تحریک آمیز و تهدید ایران از طریق نطق فروردین ۱۳۵۹ صدام، براساس گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس؛ صدام اعلام کرده بود: «در صورتی که برخوردهای نظامی ایجاب کند، ارتش ۱۹۰۰۰۰ نفری عراق آماده است تا وظیفه‌ی ملی خود را با جنگ علیه ایران انجام دهد»^۱.
۹. آموزش مخالفین ایران در عراق.
۱۰. تحریکات و حمایت سیاسی نظامی خلق عرب در خوزستان.

د) لغو یک جانبه‌ی عهدنامه‌ی ۱۹۷۵ توسط عراق

صدام طی نطقی تحریک‌آمیز در جلسه‌ی فوق‌العاده‌ی نمایندگان مجمع ملی عراق مورخه ۱۷ سپتامبر ۱۹۸۰ (۲۶ شهریور ۱۳۵۹)، لغو قرارداد ۱۹۷۵ را اعلام کرد و ضمن ادعای اینکه؛ زمامداران ایران از همان آغاز به دست گرفتن قدرت با مداخله‌ی آشکار و تعمدی در امور داخلی عراق و با پشتیبانی شورشیان که مورد حمایت صهیونیست‌ها و آمریکا هستند، دقیقاً همان کاری را کردند که شاه کرد و با خودداری از استرداد اراضی عراق که ما ناگزیر شدیم آن‌ها را به زور آزاد کنیم، در سخنرانی خود گفت: «در برابر شما اعلام می‌کنم که ما قرارداد ششم مارس ۱۹۷۵ را کاملاً لغو می‌دانیم و شورای انقلاب تصمیم خود را در این زمینه اتخاذ خواهد کرد. بنابراین باید روابط قانونی در شط‌العرب به وضع قبل از مارس ۱۹۷۵ باز گردد و تمام حقوق تصرف شده، تحت حاکمیت کامل ما قرار گیرد»^۲.

ه) احضار کاردار سفارت ایران در بغداد

پس از لغو قرارداد ۱۹۷۵ میلادی، وزارت امور خارجه‌ی عراق طی یادداشتی که مورخه ۲۶ شهریور ۱۳۵۹ به کاردار ایران تسلیم نمود، اظهار داشت: «دولت جمهوری عراق توافق الجزیره بین دو کشور منعقد در ۶ مارس ۱۹۷۵ میلادی و عهدنامه‌ی مرزهای دولتی و حسن هم‌جواری بین دولت عراق و دولت شاهنشاهی ایران و سه

۱- فرهاد درویشی، تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، ۱، ریشه‌های تهاجم، ص ۱۴۰.

۲- محمد درودیان، نقد و بررسی جنگ ایران و عراق، ۲، اجتناب ناپذیری جنگ، ص ۲۶۸.

پروتکل ضمیمه با ملحقات که اسناد توافق مزبور در ۱۳ ژوئن ۱۹۷۵ میلادی در بغداد به امضاء رسید و چهار موافقت‌نامه بعد از عهدنامه‌ی یاد شده که با ملحقات آن به تاریخ ۲۶ دسامبر ۱۹۷۵ میلادی در بغداد اعلام شده و نامه‌های متبادل و صورت‌جلسات منقول را بعد از این، که به صورت قول و فعل از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران زیرپا گذاشته شد، بر طبق بند ۴ توافق الجزیره، بی اعتبار اعلام می‌کند.^۱

رژیم حزب بعث عراق با بهانه‌های واهی و انجام اقدامات مداخله‌جویانه و تجاوزکارانه، جنگ را آغاز کرد. بعضی از دلایل حمله‌ی صدام به ایران عبارتند از:

- سیاست توسعه طلبانه‌ی سران عراق.
- ادعای نمایندگی صدام از سوی ملت عرب در برابر ایران و بهانه کردن ادعای مالکیت اعراب بر جزایر سه‌گانه‌ی ایرانی تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی.
- بهره‌گیری از حقوق بجانشینی (جانشینی عراق به جای عثمانی).
- ادعای مالکیت اروندرود و خوزستان.
- ایجاد مانع برای صدور انقلاب اسلامی.
- دسترسی و تسلط بر خلیج فارس و ...

البته مهمترین دلیل حاکمان عراق در لغو قرارداد ۱۹۷۵ و تحمیل جنگ به ایران را باید از صحبت‌های مسئولان عراقی بدست آورد، چنانکه طاروق عزیز^۲ اعلام کرد: «وجود پنج ایران کوچک بهتر از وجود یک ایران واحد خواهد بود... ما از شورش ملت‌های ایران پشتیبانی خواهیم کرد و همه‌ی سعی خود را متوجه تجزیه ایران خواهیم نمود.»^۳ همچنین طه‌یاسین رمضان معاون نخست وزیر عراق در مصاحبه با روزنامه‌ی الثورة گفت: «این جنگ به خاطر عهدنامه‌ی ۱۹۷۵ و یا چندصد کیلومتر خاک و یا نصف شط‌العرب نیست. بلکه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است...»^۴ وی در ادامه گفت: «جنگ به پایان نخواهد رسید، مگر اینکه رژیم حاکم بر ایران به کلی از بین برود.»

۱- فرهاد درویشی، تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق ۱، ریشه‌های تهاجم، ص ۱۴۶.

۲- طاروق عزیز فردی مسیحی و مورد اعتماد صدام بود که در طول حکومت وی در پست‌های مختلف [معاون نخست‌وزیر، وزیر امور خارجه و...]، او را همراهی کرده است. (ویرانی دروازه شرقی، ص ۱۷۵)

۳- محمد درودیان، آغاز تا پایان، ص ۱۸.

۴- همان، ص ۱۹.

آغاز تجاوز

۱- تجاوز سراسری

ارتش رژیم بعثی عراق با اهداف از پیش تعیین شده سرانجام، تهاجم سراسری خود علیه ایران را، در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ با تحریک آمریکا^۱، به خیال پیروزی سریع به مرزهای ایران، از زمین، هوا و دریا آغاز نمود. حمله‌ای که به قول فب‌مار نویسنده‌ی کتاب تاریخ‌نویین عراق: «صدام حسین مرتکب یک اشتباه فاجعه‌آمیز در درک توانایی‌های ایران شد»^۲

۲- اشغال شهرهای مرزی ایران

تهاجم سراسری ارتش عراق با استعداد بالغ بر ۴۸ یگان نیروی زمینی باعث شد، بسیاری از شهرهای ایران در استان‌های کرمانشاه، ایلام و خوزستان به اشغال درآید. در مدت حدود یک‌ماه دشمن توانست شهرهای نفت‌شهر، قصرشیرین، مهران، سومار، بستان، خرمشهر، هویزه، موسیان، نوسود و بیش از ۳۰۰۰ روستا را به تصرف خود درآورد.^۳ رژیم بعثی عراق ۷۰٪ نیروهای خود را برای تصرف شهرهای استان خوزستان به کار گرفت. از محورهای شلمچه، نشوه، تنگه چزابه، فکه و عین‌خوش وارد خاک ایران شد. هدف استراتژیک عراق از حمله به ایران تصرف و تجزیه‌ی استان خوزستان بود، هرچند برای اشغال شهر خرمشهر که جزئی از آن محسوب می‌شد، با ۳۴ روز مقاومت دلیرانه‌ی ایرانیان روبه‌رو گردید. سرلشکر وفیق السامرائی نیز در این رابطه می‌نویسد: «پیشروی اصلی در منطقه‌ی عملیاتی جنوب با هدف اشغال شهر دزفول که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، اشغال استان اهواز (خوزستان) و کرانه شرقی اروندرود و ... انجام گرفت»^۴

۱- در ژوئن ۱۹۸۰ (تیر ۱۳۵۹) برژنسکی مشاور امنیت ملی آمریکا در مرز اردن و عراق با صدام ملاقات کرده و در مورد حمایت آمریکا از صدام در حمله به ایران قول مساعد داده بود. (تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق ۲، ص ۲۲)

۲- فب مار، تاریخ نوین عراق، ص ۴۳۳.

۳- فرهاد درویشی، جنگ ایران و عراق (پرسش‌ها و پاسخ‌ها)، ص ۷۸.

۴- السامرائی، ویرانی دروازه شرقی، ص ۷۲.

تحلیل گران سیاسی ضمن اعتراف به مقاومت شجاعانه‌ی رزمندگان اسلام از رسیدن رژیم عراق به اهدافش خبر دادند که این نشان می‌دهد همگان از اهداف تجاوز رژیم عراق باخبر بودند.

اهداف اولیه در اشغال شهرهای ایران بسیار بامعناست، که بعداً با ادعای مالکیت عراق بر این شهرها همراه می‌شود. چنانکه فرماندهی کل نیروهای مسلح عراق اعلام کرد:

«پرچم عراق بر فراز شهرستان سوسنگرد به اهتزاز درآمده است.» براساس بیانیه‌ی عراق، «ایرانی‌ها از روی جعل و تزویر خفاجیه را سوسنگرد نام گذاردند.» به طوری که این امر نشانگر آن است که عراق این شهرستان را جزو خاک اصلی خود به شمار می‌آورد.^۱

ادعای مالکیت سران رژیم عراق با تغییر نام شهرها، نظیر محمره به جای خرمشهر، خفاجیه به جای سوسنگرد و عربستان به جای خوزستان آغاز می‌شود. طه یاسین رمضان معاون رئیس شورای فرماندهی عراق پس از سقوط خرمشهر اعلام کرد: «عربستان (خوزستان) آزاد شده است.» این ادعاها در مالکیت خوزستان نشان می‌دهد که ارتش رژیم عراق برای ماندن آمده است. به طوری که پس از سقوط خرمشهر مطبوعات عراق اعلام کردند: «محمره (خرمشهر) سرزمین اجدادی است و نیروهای مسلح عراق آن شهر را برای ابد بازپس گرفتند و مسئولین رژیم عراق اعلام کردند که مناطق آزاد شده از ایران را در شبکه پست و تلفن خود ادغام می‌کنند.»^۲

بنابراین رژیم بعثی عراق علاوه بر اشغال شهرهای مرزی استان خوزستان و غرب نظیر قصر شیرین یکی از اهداف تجاوز را که همان تجزیه خوزستان باشد، به طور علنی در مصاحبه‌های رسمی خود اعلام نموده و رسانه‌های خبری نیز بعضاً به طور غیرمستقیم با تکرار گفته‌های سران رژیم عراق اذهان عمومی را برای پذیرش این ادعاها آماده می‌کردند.

۱- شرق الاوسط، ۱۳۵۹/۷/۶، منبع: جنگ ایران - عراق از نگاه مطبوعات جهان ۲، ص ۱۳۲.

۲- منصوری لاریجانی، آشنایی با دفاع مقدس، ص ۱۲۸.



نقشه‌ی هجوم هوایی ارتش عراق در هفته‌ی اول جنگ^۱

۱ - محسن رشید، اطلس جنگ ایران و عراق، ص ۲۳.

۳- عکس العمل جمهوری اسلامی ایران

الف) موضع گیری امام خمینی(ره)

تهاجم سراسری ارتش عراق در آن اوضاع نابسامان سیاسی و اقتصادی کشور بر پیکر ملت و مسئولین ایران سنگینی می کرد، در چنین اوضاع و احوالی همه ی دیدگان به تدابیر امام خمینی(ره) دوخته شده بود. امام راحل(ره) هم به خوبی می دانست که تنها او باید در آن شرایط حساس حرف آخر را بزند.

امام طی سخنانی فرمودند: «هر وقتی که مقتضی بشود من پیامی به ملت خواهم داد و به صدام حسین و امثال او ثابت خواهم کرد که این ها، این اذتاب آمریکا قابل ذکر نیستند.»



خلبان شهید تیمسار فکوری فرمانده نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی در کنار امام خمینی(ره)

سخنان ملکوتی امام که از قلب مطمئن و جان آرام او سرچشمه می گرفت، روحیه ی مردم و مسئولین را تقویت نمود و اتکال آن ها به خدا را بیشتر کرد و انگیزه ی دفاع و مبارزه با دشمن را در آنان به ویژه جوانان جان برکف میهن اسلامی بالا برده تا جایی که امام فرمودند: «من از ملت بزرگ ایران خواهانم که در هر مسئله ای که پیش می آید قوی باشند، قدرتمند باشند، متکی به خدای تبارک و تعالی باشند، و از هیچ چیز باک نداشته

باشند. ما از آن قدرت‌های بزرگ نترسیدیم. این (صدام) که قدرتی ندارد، عراق که چیزی نیست.»^۱

در این زمان امام دو اقدام اساسی انجام دادند:

۱ - دستور به مسئولان برای تهیه و تدوین طرح‌های کلان دفاعی

در این رابطه امام فرمودند: «به ارتش و سپاه پاسداران و ژاندارمری و بسیج و همه‌ی نیروهای مسلح نظامی و غیر نظامی تأکید می‌کنم که با هماهنگی هر چه بیشتر بر دشمن بتازید؛ و از اختلاف که از وسوسه‌های شیطان و به سود شیاطین است بپرهیزید... خداوند متعال پشت و پناه شماست و شما به خواست پروردگار بزرگ پیروزید.»^۲



از راست: محسن رضایی و سپهبد شهید صیاد شیرازی

۲ - بسیج عمومی

امام طی پیامی به علما و مشایخ اهل سنت و نمایندگان مجلس فرمودند: «این وحدت و انسجامی که امروز بین ملت دلیر و ارتش و سپاه شجاع دیده می‌شود، در

۱- صحیفه امام (ره)، ج ۱۳، ص ۲۳۲.

۲- همان، ج ۱۳، ص ۵۴۱.

تاریخ ایران و جهان بی‌سابقه است. حضرات آقایان، در هر نقطه که هستند مردم را برای جنگ و درگیری با آمریکا و اذتاب خونخوارش چون عراق آماده کنند که جنگ، جنگ است و عزت و شرف میهن و دین ما در گرو همین مبارزات است، و میهن از جان عزیزتر ما، امروز منتظر است تا یکایک فرزندان خود را برای نبرد با باطل مهیا سازد. ما برای میهن عزیزمان تا شهادت یکایک سلحشوران ایرانی مبارزه می‌کنیم و پیروزی ما حتمی است.»^۱

(ب) عکس العمل نیروهای مسلح

۱- ارتش جمهوری اسلامی

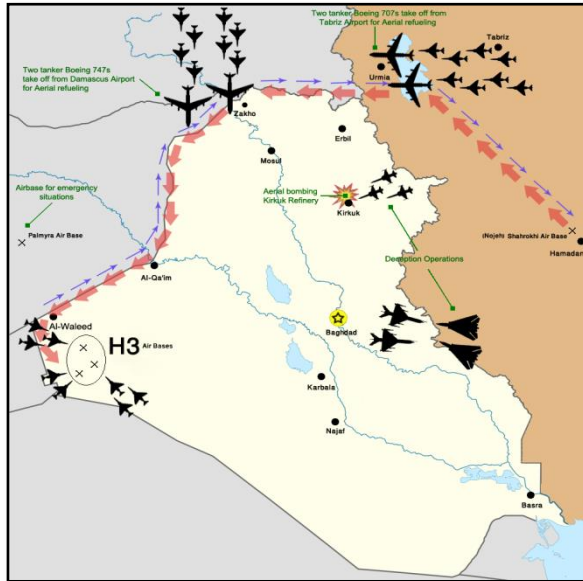
علی‌رغم پایین بودن سطح آمادگی دفاعی ارتش، دلاوری، رشادت و مقاومت دلیرانه‌ی نیروهای مؤمن و شجاع ارتش جمهوری اسلامی در مقابله با متجاوزین بعثی عراق ستودنی و غیرقابل انکار است.

الف) نیروی هوایی

نیروی هوایی در آمادگی مناسبی قرار داشت. در اولین عملیات هوایی معروف به کمان ۹۹، با پرواز شجاعانه‌ی ۱۴۰ فروند هواپیمای جنگنده بر فراز عراق، قدرت و صلابت خود را به نمایش گذاشت.



عملیات برون مرزی H3 از شاهکارهای عملیاتی هوایی جهانی است که تیزپروازان نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی در عمق خاک عراق و نزدیک مرز اردن با موفقیت انجام دادند.



نقشه‌ی عملیات H3 در عمق خاک عراق (نزدیک مرز کشور اردن)

(ب) نیروی دریایی

نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی به لحاظ برتری بالایی که در برابر عراق داشت با تحرکات آفندی در دریا، عملاً عرصه‌ی دریا را برای نیروهای عراقی به شدت محدود کرد. به‌ویژه عراق به دلیل محدودیت سواحلش در خلیج فارس قادر به حضور فعال در دریا نبود.

بعنوان مثال، ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران در اطلاعیه‌ی شماره ۳۲۲ خود اعلام می‌دارد: «رزمندگان شجاع نیروی دریایی ارتش جمهور اسلامی ایران در عملیات تهاجمی مشترک نیروی هوایی و نیروی دریایی از روز ششم آذر تا ساعت ۸ بامداد امروز، هشتم آذر، ده فروند از ناوچه‌های نیروی دریایی ارتش عراق را منهدم کرده و به قعر دریا فرستادند. همچنین در ساعت ۰۹،۳۰ امروز یک ناوچه‌ی دیگر موشک‌انداز اوزای عراق منهدم و غرق شد... دلاوران دریا با جانبازی زیاد در این نبرد

عظیم موفق شدند بزرگترین اسکله‌ی نفتی عراق به نام اسکله‌ی البکر را به تصرف خود درآورده و پرچم پرافتخار جمهوری اسلامی ایران را در بلندترین نقطه‌ی این اسکله‌ی عظیم به اهتزاز درآوردند.^۱



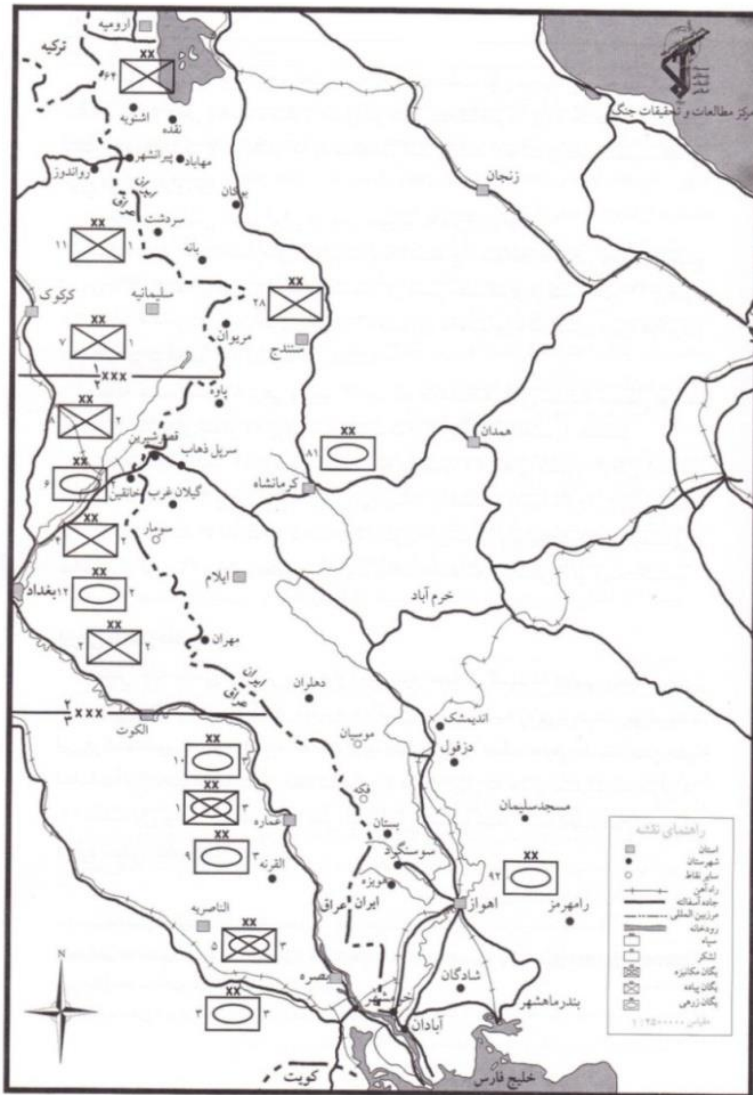
ج) نیروی زمینی

۱- هوانیروز، با توان رزمی موجود، از آمادگی مناسبی برخوردار بود و در متوقف کردن ارتش متجاوز، بسیار خوب عمل کرد. به طوری که فداکاری خلبانان شجاعی چون شهید کشوری و شیرودی‌ها مثال‌زدنی است.



۱- فرهاد بهروزی، تقویم تاریخ دفاع مقدس، ج ۴، ص ۱۹۶.

۲- یگان‌های نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی با ۴۵٪ آمادگی و در سطوح مختلف، در مناطق و پاسگاه‌های مرزی و در شهرها به اتفاق سپاه پاسداران، نیروهای مردمی و مردم بومی محلی با دشمن مبارزه می‌کردند.^۱



آرایش دفاعی ارتش جمهوری اسلامی و ارتش عراق در آغاز جنگ

۱- همان‌طوری که در صفحات قبل بیان شد، بنا به گفته تیمسار ظهیرنژاد: «در آسیب‌پذیرترین موقعیت بودیم که جنگ بر ما تحمیل شد، میزان آمادگی پرسنل نظامی ما ۴۵٪ بود.»

۳- طراحی و انجام چند عملیات زمینی از جمله:

الف) عملیات ۱۳۵۹/۷/۲۳ غرب دزفول؛ نخستین عملیات آفندی ارتش، به فرماندهی بنی صدر در ۲۳ مهر ۱۳۵۹ در غرب رودخانه‌ی کرخه اجرا شد. بنی صدر چنان نسبت به کسب پیروزی امیدوار بود که باحضور در مقر تیپ ۲ لشکر ۹۲ زرهی اهواز، بسیاری از شخصیت‌های کشور را نیز برای مشاهده پیروزی به این محل دعوت کرد، اما عملیات تنها دو ساعت پس از آغاز متوقف شد. این عملیات که با امکانات موجود در لشکر ۲۱ علیه نیروی قابل ملاحظه‌ای از دشمن انجام شد، موفقیتی دربر نداشت. براساس گزارش ارتش جمهوری اسلامی، غافل‌گیری در برابر واکنش احتمالی دشمن و نداشتن اطلاعات صحیح، منجر به ناکامی عملیات ۲۳ مهر ۵۹ در غرب دزفول و به دام افتادن نیروها شد.^۱

ب) عملیات ۱۳۵۹/۸/۳ شرق کارون؛ این عملیات روی جاده‌ی اهواز-آبادان و با هدف آزاد کردن این جاده برای شکستن حصر آبادان انجام گرفت. این عملیات نیز به دلیل نداشتن اطلاعات دقیق از دشمن و بی‌توجهی به توان دشمن، و تناسب نداشتن توان خودی با اهداف تعیین شده و تاکتیک نامناسب، با ناکامی روبه‌رو شد. از ۱۷ تانک شرکت کننده در عملیات ۱۵ دستگاه از بین رفت و نیروها با وضعیتی نامطلوب به مواضع اولیه خود عقب‌نشینی کردند.^۲

در این راستا توضیحات امیر موسوی قویدل پیرامون عملیات سوم آبان ۱۳۵۹ و حفظ جزیره‌ی آبادان، قابل توجه است. ایشان دراین رابطه گفت: «بالاخره در روز سوم آبان با گردان اعزامی از لشکر ۲۱ حمزه و یک گردان ژاندارمری و ۱۷ دستگاه تانک ام-۴۷ بازسازی شده در کارخانجات مسجدسلیمان که خدمه‌ی آن از یگان زرهی مستقر در شهرستان مرنند آذربایجان شرقی سازماندهی می‌شود و قسمتی از نیروهای مردمی، عملیات آفندی به نیرویی در حدود ۱۵ گردان دشمن اجرا می‌گردد. گرچه نتیجه‌ی عملیات آفندی از قبل هم برای فرماندهی اروند کاملاً مشخص بود، ولی ایجاد وقفه در تلاش آفندی دشمن موجب می‌گردد».^۳

۱ - محمد درودیان، تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق ۲ (جنگ؛ بازیابی ثبات)، ص ۹۶.

۲- همان (درودیان)، ص ۹۸.

۳- متن سخنرانی امیر قویدل پیرامون «عملیات ثامن‌الائمه»، منبع:

(دریافت: شهریور ۱۳۹۱) <http://www.dsirc.ir/view/article.aspx?id=475>

نکته‌ی مهم در این عملیات، سلب ابتکار عمل از لشکر ۳ زرهی عراق و به تعویق انداختن عملیات دشمن، تا رسیدن نیروهای کمکی خودی برای حفظ جزیره‌ی آبادان است که در ششم و هفتم آبان ماه محقق می‌شود.

ج) دو عملیات در یک روز؛ دشمن بعثی با برنامه‌ای از قبل طراحی شده قصد داشت در شمال خوزستان، خود را به دزفول برساند و در جنوب استان هم با تنگ کردن حلقه‌ی محاصره‌ی آبادان، آن‌جا را به تصرف خود درآورد، در واقع دشمن می‌خواست در یک روز مسئله خوزستان را در شمال و جنوب تمام کند که رشادت و دفاع همه جانبه‌ی دلیرمردان ارتش اسلام، این نقشه‌ی دشمن را نقش بر آب کرد.

۱- پاتک موفقیت‌آمیز رزمندگان اسلام در ۵۹/۸/۹ و نجات آبادان؛

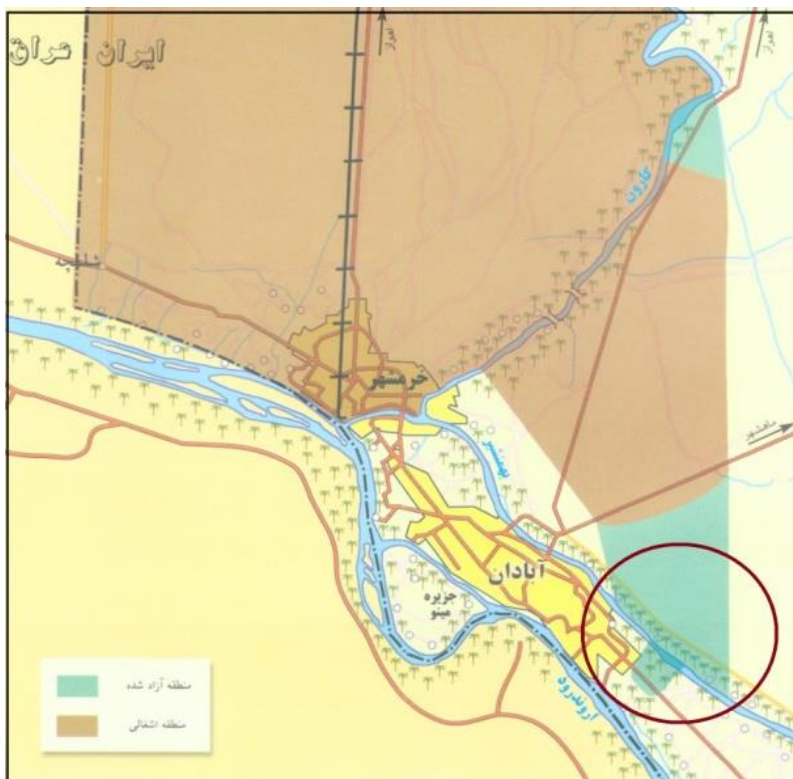
بعد از ظهر روز هشتم آبان ماه دشمن متجاوز با ادامه‌ی پیشروی به سمت آبادان به سواحل شمالی رودخانه‌ی بهمنشیر می‌رسد و در حدود ۱۵ کیلومتر از ساحل شمالی رودخانه را تحت کنترل خود درآورده و شهر آبادان عملاً در محاصره کامل قرار می‌گیرد. بالاخره در شب هشتم به نهم آبان ماه در منطقه‌ای به نام ذوالفقاری روی بهمنشیر پل شناور احداث و با عبور دادن دو گردان پیاده از طریق نخلستان‌ها وارد جزیره‌ی آبادان شده^۱ و به جاده‌ی آبادان - خسروآباد می‌رسد. در ساعت ۰۸،۳۰ روز نهم آبان ماه رزمندگان ایران اسلامی از تمام اقشار مختلف با محوریت گردان پیاده‌ی اعزامی از لشکر ۷۷ پیاده به نیروهای نفوذ یافته دشمن هجوم و در یک نبرد تن به تن و خونین نیروهای متجاوز را منهدم ساخته پل احداثی دشمن را تخریب و ۱۳۰ نفر از نیروهای عراقی را اسیر و ۱۷ دستگاه وسایل سنگین مهندسی، نفربر و خودرو را به غنیمت گرفته و نیروهای دشمن را تا چهار کیلومتری شمال بهمنشیر عقب راندند و رویای تصرف آبادان برای صدام و صدامیان به افسانه‌ها پیوست.^۲

آیت‌الله جمی امام جمعه‌ی فقید آبادان در خاطرات روز نهم آبان ۵۹ می‌نویسد: «حدود ساعت ۹ صبح به هنگ ژاندارمری رفتم. در اتاق فرماندهی همه‌ی افسران و

۱- شهید دریاقلی سورانی که در نزدیکی محل ورود عراقی‌ها انبار وسایل اوراقی داشت، متوجه آنها شد. او با موتور به سرعت خود را به پایگاه نیروهای بسیج در ایستگاه ۲ رساند و آن‌ها را با خبر کرد. سپس ستاد عملیات آبادان و حجت الاسلام جمی را از ماجرا آگاه کرد. (به نقل از کتاب "آبادان در جنگ"، ص ۸۱).

۲- همان، امیر قویدل: <http://www.dscc.ir/view/article.aspx?id=475>

مسئولین پاسداران دور و بر فرماندهی عملیات جمع بودند... فرماندهان و مسئولان جنگ دارند نقشه‌ی دفع حمله را می‌کشند. مثل اینکه سرنوشت خرمشهر دارد به سراغ آبادان می‌آید. فرمانده عملیات (سرهنگ شکرریز)، مشغول طرح نقشه برای جلوگیری از نفوذ دشمن به شهر است... سرهنگ دستورات را به فرماندهان ابلاغ کرد، خودش هم با نیروهای باقیمانده‌ی ژاندارمری عازم جبهه شد.



اکنون در یک دلهره‌گی خاصی به سر می‌بریم که خدایا اگر این اهریمنان به این شهر دست یابند چه خواهد شد، شهری که حدود اقلاً بیش از سی هزار زن و مرد در آن وجود دارند و این‌ها هیچ‌گونه راه فراری ندارند؛ چه اینکه آبادان از هر طرف محاصره است؛ همه دست به دعا برداشته، برای رزمندگان دعا کردیم که خداوند آنان را در سرکوبی خصم موفق بدارد.^۱

شهید یاسر مهربان یکی از اعضای سپاه آبادان، می‌گوید: «صبح ما تازه به مقر رسیده بودیم که برادر اسلامی مسئول عملیات گفت: عراقی‌ها وارد ذوالفقاری شده‌اند. رقتیم نزدیک پاسگاه تمام منطقه زیر آتش عراق بود و هیچ کاری نمی‌شد کرد ... ما هم توکل به خدا کردیم و وارد نخلستان شدیم و درگیری را شروع کردیم. نیروهای کمکی آمدند نیروهای ارتش، فدائیان اسلام و سایر نیروهای اعزامی ... من خودم یکی از مجروحین را به عقب منتقل کردم و یک گروه ۳۰،۴۰ نفری از بچه‌های بسیج را به داخل نخلستان آوردم...»^۱ عملیات کوی ذوالفقاریه ضمن این‌که عراق را از دسترسی به جزیره‌ی آبادان مأیوس کرد، به رزمندگان اسلام این اعتماد را داد که می‌توان با دشمن متجاوز به نبرد پرداخت و ضربات شکننده‌ای به او وارد کرد.

۲- دفع حمله دشمن در ۱۳۵۹/۸/۹ و حفظ سرپل غرب کرخه؛ دشمن بعثی می‌دانست، برای اینکه بتواند وضعیت پدافندی مناسبی در منطقه‌ی غرب رودخانه‌ی کرخه داشته باشد، باید سرپل موجود در دست نیروهای ایرانی در غرب کرخه را تصرف و ایرانی‌ها را به شرق رودخانه بفرستد، در صورت تحقق این هدف، شرایط سختی برای رزمندگان اسلام در عملیات‌های آتی ایجاد می‌گردید. لذا دشمن متجاوز در صبح روز نهم آبان به مواضع پدافندی نیروهای لشکر ۲۱ پیاده حمزه هجوم آورد^۲ تا خود را به سرپل رسانده و منطقه را به تصرف درآورد، اما با توجه به آمادگی قبلی و اطلاعات دقیق رزمندگان اسلام از وضعیت دشمن و فداکاری جان‌برکفان ارتش اسلام، این اقدام دشمن ناکام ماند و با تحمل شکستی سخت، منطقه را ترک و تسلیم اراده‌ی رزمندگان اسلام شد. رزمندگان لشکر ۲۱ با اعتماد به نفس و روحیه‌ی بالا به دفاع از میهن اسلامی ادامه دادند. این روحیه در پیام فرمانده لشکر که می‌گفت: «جای نگرانی نیست، این لشکر جبران

۱- سیدعلی بنی‌لوحی، نبردهای شرق کارون، ص ۶۶.

۲- امیر موسوی قویدل در شرح این عملیات پدافندی می‌گوید: «متجاوز به منظور تکمیل مأوریت اولیه در روز نهم آبان ماه با اجرای ۱۰۵ دقیقه آتش تهیه از ساعت شش بامداد تا هفت بعدازظهر به مدت ۱۳ ساعت مداوم در شش مرحله و هر مرحله با یک یگان تازه نفس تک نمود. نبرد تن به تن بارها در طول روز در داخل سنگرها جریان داشت و نهایتاً در اثر مقاومت مدافعین لشکر ۲۱ حمزه، متجاوزین با دادن ۸۰۰ کشته و بیش از ۱۰۰۰ زخمی و تحمل خسارات سنگین شکست را پذیرفتند و در زمین‌های آسیب‌پذیر و نامناسب زمین گیر شدند. اظهارات اسرا و پناهندگان در این روز حاکی از این بود که فرماندهی لشکر ۱۰ زرهی عراق در سخنرانی روز قبل اعلام نموده بود که با قبول ۶۰ درصد تلفات، ناهار را در دزفول صرف خواهیم کرد و بدین ترتیب نیروهای دشمن در این منطقه تثبیت و این وضع تا عملیات فتح‌المبین ادامه داشت.» جزوه درسی امیرموسوی قویدل راجع به عملیات فتح‌المبین. منبع: (دریافت: شهریور ۱۳۹۱) <http://www.dscc.ir/view/article.aspx?id=476>

عملیات ۲۳ مهرماه را خواهد کرد.» به‌خوبی نمایان بود.^۱ پس از این شکست، سپاه سوم عراق در لاک پدافندی خود فرو رفت.

د) عملیات ۱۳۵۹/۸/۲۶ در سوسنگرد؛

پس از شکست دشمن در جبهه‌ی آبادان با عقب‌نشینی در شمال بهمنشیر خط دفاعی تشکیل دادند. با اینکه عراق برخی از شهرهای مرزی را تا آن زمان اشغال کرده بود اما شکست در آبادان و طول کشیدن جنگ به جای یک هفته به ۵۵ روز، عراق را با یک بحران در تهاجم مواجه کرده بود.

دشمن برای برون رفت از این بحران دست به محاصره‌ی شهر سوسنگرد زد تا با اشغال آن شهر وحمیدیه، اهواز را هم مورد تهدید قرار دهد. نیروهای بعثی عراق در تاریخ ۲۳ آبان به این شهر حمله کردند. شهید اسماعیل دقایقی فرمانده سپاه سوسنگرد و علی تجلایی فرمانده عملیات سپاه، تعدادی از افسران و نیروهای ارتش و نیروهای جنگ‌های نامنظم در شهر سوسنگرد به مقابله با دشمن می‌پردازند. علی‌رغم مقاومت دلیرانه‌ی رزمندگان اسلام، دشمن موفق می‌شود ۲۴ آبان بخشی از شهر را به تصرف درآورد.

وقتی خبر به امام (ره) می‌رسد که شهر سوسنگرد در حال سقوط است، ایشان فرمان تاریخی خود را مبنی بر آزادسازی فوری سوسنگرد به نماینده خویش در شورای عالی دفاع (آیت‌الله خامنه‌ای) اعلام می‌کنند.

بنی‌صدر در اعزام لشکر ۹۲ زرهی برای آزادسازی سوسنگرد کارشکنی می‌کرد، به همین دلیل آیت‌الله خامنه‌ای طی نامه‌ای به فرمانده لشکر ۹۲ زرهی^۲ دستور دادند که باید در عملیات شرکت کنند و شهید چمران هم زیر آن نامه نوشت؛ در غیر این صورت من اعلام جرم می‌کنم و شهید فلاحی هم این موضوع را قبول کرد. لذا فردای آن روز با حضور تیپ ۲ لشکر ۹۲، نیروهای سپاه پاسداران از جمله عزیز جعفری^۳ و دکتر چمران^۴

۱- فرهاد بهروزی، تقویم تاریخ دفاع مقدس، ج ۳، ص ۲۰۴.

۲- فرماندهی وقت لشکر ۹۲ زرهی سرهنگ قاسمی بود. امیر سرتیپ غلامرضا قاسمی فرماندهی شجاع و ولایت‌مدار بود و به دستور نماینده‌ی امام در شورای عالی دفاع عمل کرد و با اعزام نیروهای لشکر ۹۲ به صحنه نبرد، باعث آزادسازی سوسنگرد و پیروزی رزمندگان اسلام شد.

۳- سردار سرلشکر محمدعلی جعفری فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی معروف به آقاعزیز.

۴- در این عملیات دکتر چمران با فداکاری‌های بسیاری که انجام داد، از ناحیه پا مجروح شد.

به همراه نیروهای جنگ‌های نامنظم، حمله آغاز شد و بعد از ظهر ۲۶ آبان ۱۳۵۹ با پیروزی بر متجاوز، سوسنگرد را از دست دشمن بعثی آزاد کردند و اهواز هم از تهدید عراق خارج شد. نقش آیت‌الله خامنه‌ای در آزادسازی سوسنگرد، تاثیر وحدت نیروهای رزمنده‌ی سپاه، ارتش، بسیج و جهادسازندگی در پیشبرد این نبرد، یک واقعیت غیرقابل انکار است.

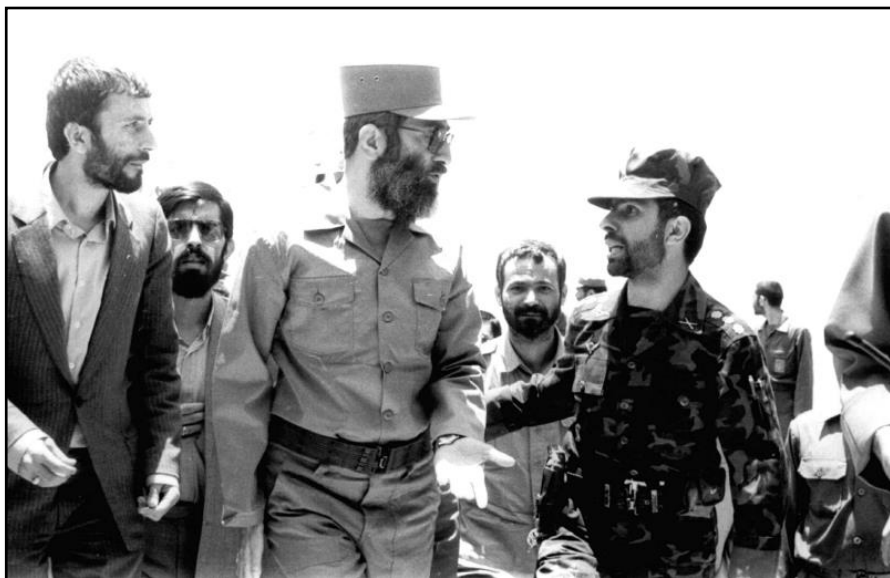
ه) عملیات ۱۳۵۹/۱۰/۱۵ حماسه هویزه؛ معروف به عملیات نصر در هویزه و یا عملیات هویزه - تنومه در چارچوب یک استراتژی نظامی به فرماندهی بنی‌صدر و با طراحی قرارگاه تاکتیکی نیروی زمینی در جنوب اجرا شد. این عملیات در دو دور با هدف نهایی تامین تنومه در ساحل شرقی شط‌العرب (داخل خاک عراق) طرح‌ریزی شده بود و در آن علاوه بر ارتش، نیروهای سپاه و نیروهای ستاد جنگ‌های نامنظم به فرماندهی دکتر چمران نیز شرکت داشتند. قرار بود در این عملیات علاوه بر آزاد سازی مناطق اشغالی ایران، مثل پادگان حمید، منطقه‌ی جفیر، طلائی، کوشک و خرمشهر، دست به تعقیب دشمن زده و تا رودخانه‌ی شط‌العرب در شرق بصره پیشروی کنند. هرچند در مراحل اولیه نیروهای خودی ۳۰ کیلومتر پیشروی کردند و ۸۰۰ تن از افراد دشمن را به اسارت درآوردند و مقادیر زیادی از تجهیزات دشمن را به غنیمت گرفتند، اما در روزهای بعد به دلیل عدم پشتیبانی کافی با از دست دادن منطقه، غنائم بار دیگر در اختیار دشمن قرار گرفت.

مرحله‌ی دوم از دور اول در روز ۱۶ دی‌ماه ۱۳۵۹ آغاز شد. پس از پیشروی‌های اولیه در این روز با تشدید آتش دشمن، پیشروی به تدریج کند شد و سرانجام در بعد از ظهر درحالی که نیروهای سپاه در خط مقدم درگیر بودند، نیروهای زرهی ارتش عقب نشینی کردند! نیروهای پیاده‌ی سپاه به همراه دانشجویان پیرو خط امام، [با فرماندهی شهید سید حسین علم‌الهدی] که یک‌ونیم تا دو کیلومتر جلوتر از ارتش قرار داشتند، به علت عدم آگاهی از عقب‌نشینی، در محاصره‌ی دشمن قرار گرفته و تعدادی از آن‌ها

مظلومانه به شهادت رسیدند.^۱ این عملیات به دلیل ضعف فرماندهی و عدم پشتیبانی ناکام ماند.

د) عملیات ۱۳۵۹/۱۰/۲۰ شرق کارون؛ این عملیات با هدف شکستن حصر آبادان با نام توکل در منطقه‌ی شرق کارون، در محور اصلی آبادان-ماهشهر به اجرا درآمد. برخلاف عملیات قبلی حتی در گام‌های نخست نیز موفقیتی به دست نیامد. هوشیاری دشمن، اجرای آتش دشمن پیش از عملیات و گرمای هوا را از علل ناکامی در این عملیات برشمرده‌اند.

هرچند مقاومت دلیرانه‌ی نیروهای ارتش و سپاه و نیروهای مردمی در متوقف کردن پیشروی متجاوزین بسیار موثر و در مواردی چون بیرون راندن دشمن از جزیره آبادان در ۹ آبان مثال زدنی است، اما عملیات‌های آفندی طراحی شده در زمان فرماندهی بنی‌صدر در بیرون راندن دشمن از خاک جمهوری اسلامی، موفقیتی در بر نداشت.



سپهبد شهید صیاد شیرازی در کنار آیت‌الله خامنه‌ای در مناطق جنگی جنوب کشور

۱- محمد درودیان، تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق ۲، جنگ؛ بازیابی ثبات، ص ۱۱۰.

۲- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

بنا به گفته سردار سرلشکر رحیم صفوی از فرماندهان عالی رتبه سپاه، در شهریور سال ۱۳۵۹ آمار نیروهای سپاه حدود ۳۰ هزار نفر، بدون تجهیزات کافی آن‌هم با ماموریت‌های متنوع (اداره بخشی از جنگ، حفاظت از شخصیت‌ها، مبارزه با مواد مخدر، درگیر در جنگ‌های داخلی، مبارزه با تروریسم داخلی، آموزش بسیج و...) توان مقابله با هجمه‌ی دشمن را نداشت. البته ناگفته نماند همان تعداد اندک پاسداران در شهرهای مرزی درحد توان، به مقابله با دشمن پرداخته و با مقاومت جانانه‌ی خود با همراهی مردم منطقه و برادران ارتش و ژاندارمری مانع پیشرفت بیش از حد دشمن شدند. یکی از اقدامات اساسی سپاه پاسداران هم‌زمان با شروع جنگ، سازماندهی و آموزش بسیج بود. همان روزها و ماه‌های اول جنگ، نیروهای آماده‌ی رزم را وارد صحنه‌ی نبرد کرد تا درحد توان جلوی پیشروی دشمن را بگیرند که موفقیت‌آمیز هم بود.



یکی از اولین گروه‌های اعزامی بسیج به جبهه، مهرماه ۱۳۵۹

در این جا به چند نمونه از اقدامات اولیه‌ی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اشاره می‌شود:

الف) عملیات شهید غیور اصلی

روز هشتم مهر ماه سال ۱۳۵۹ برابر با نهمین روز آغاز رسمی تجاوز رژیم بعثی عراق به خاک ایران اسلامی، در جبهه‌ی قوای خودی حادثه‌ای منحصربفرد و تعیین کننده اتفاق افتاد. در این روز خرمشهر در خطر سقوط قرار داشت و آبادان و اهواز زیر آتش سنگین ارتش بعث عراق بر خود می‌لرزید. نیروی زمینی عراق با یک خیز بلند موفق شده بود خود را به اهواز نزدیک کرده و محور سوسنگرد- حمیدیه را در خطر سقوط قرار دهد. با از دست رفتن این محور، کار اهواز تمام بود. فضایی از یاس و اضطراب در سراسر شهر و میان نیروهای خودی سایه افکنده بود. در همین اوضاع، انبار مهمات لشکر ۹۲ زرهی اهواز به طرز مرموزی منفجر شد. صدای هولناک انفجار و به دنبال آن پرتاب گلوله‌های توپ، موشک‌های کاتیوشا و ... به داخل شهر، این شایعه را ایجاد کرد که نیروهای عراقی وارد اهواز شده‌اند و شهر در آستانه‌ی سقوط است. این مسئله با توجه به نزدیک شدن قوای عراقی به اهواز، بسیار جدی تلقی می‌شد؛ به طوری که جو شهر را کاملاً متشنج کرده و اوضاع را بهم ریخته بود. این در حالی بود که انفجارها و صدای آن، ضایعاتی از جمله چندین سقط جنین را سبب شد. خلاصه اوضاع به قدری نگران کننده بود که از امام کسب تکلیف شد.

ایشان در جواب فرموده بودند: «مگر جوانان اهواز مرده‌اند؟!» سخن تکان دهنده‌ی امام به گوش مسئولین سپاه خوزستان رسید و به دنبال آن برادرانی که حضور داشتند و یا امکان دسترسی به آن‌ها بود، در محل سپاه اهواز گرد آمدند. فرماندهی سپاه خوزستان (برادر شمخانی) شروع به صحبت کرد: «مرگ رسیده است، از چه می‌ترسید؟ ما سالیانی بود که خطاب به امام حسین (ع) می‌گفتیم: «یا لیتنا کنامعک» و «فافوز فوزا عظیمما» این جملات که قرن‌ها از سوی پدران ما و سپس توسط ما به عنوان یک آرزو تکرار شده است، امروز امکان جامه‌ی عمل پوشاندن به آن فرا رسیده است. ما به امام حسین (ع) تاسی می‌کنیم، هر کس می‌خواهد بماند و هر کس می‌خواهد برود. با فرا رسیدن شب و اضافه شدن چند نفر دیگر از پاسداران، در مجموع ۲۸ نفر به فرماندهی برادر غیور اصلی به سمت دشمن حرکت کردند. بچه‌ها تا سه راه حمیدیه با ماشین رفتند و با پیاده شدن

در کنار نخلستان، پیاده مسیر را طی کردند و با رسیدن به نزدیکی دشمن، دو نفر، دو نفر و با فاصله‌ی ۱۰۰ متر از یکدیگر، در غرب جاده‌ی سوسنگرد اهواز مستقر شدند در حالی که یک تیپ از لشکر ۹ زرهی عراق در شرق جاده مستقر بود. زمین شرق جاده مزرعه و غرب آن باغستان بود. بچه‌ها در غرب جاده مسلح به آرپی جی ۷ در کمین نشستند در حالیکه هیچگونه سنگر و موضع قابل اعتماد وجود نداشت. خط خودی از سه راه حمیدیه تا گل‌بهار ادامه داشت و طول آن به حدود ۱۴۰۰ متر می‌رسید. در ابتدای خط یک بی‌سیم و در انتهای آن بی‌سیم دیگری بود. به بچه‌ها گفته شد تا قبل از دستور، هیچگونه عکس‌العملی نشان ندهند.

ساعت ۴ بامداد از ابتدا و انتهای خط اجرای آتش به سوی دشمن شروع شد و در پی آن تمام بچه‌ها شلیک به سوی تانک‌های عراقی را آغاز کردند. طولی نکشید که نیروهای عراقی شروع به فرار کردند. آن‌ها حتی تعدادی از تانک‌های سالم خود را رها کرده و به عقب‌نشینی پرداختند و بچه‌ها تا گل‌بهار به تعقیب آن‌ها پرداختند. با توجه به هماهنگی قبلی با هوانیروز، از گل‌بهار نقش عمده را هوا نیروز به عهده گرفت و تعقیب دشمن را ادامه داد. بخشی از تیپ ۳ لشکر ۹۲ زرهی اهواز که در پادگان حمیدیه مستقر بود نیز به همراهی بچه‌های سپاه به تعقیب نیروهای فراری ادامه داده و وارد سوسنگرد شدند. در سوسنگرد افراد گروهک خلق عرب دستگیر شده و بخشدار و فرمانداری که توسط عراقی‌ها منصوب شده بودند، دستگیر و توسط آیت‌الله خاخالی به اعدام محکوم شدند. رزمندگان اسلام در ادامه‌ی تعقیب دشمن وارد بستان شده و این شهر نیز آزاد شد. در ادامه‌ی عملیات ۴ نفر از جمله برادر غیور اصلی فرماندهی این عملیات و مسئول آموزش سپاه خوزستان، هنگام بازگشت به سوی اهواز به شهادت رسیدند.^۱

در کتاب تقویم تاریخ دفاع مقدس، آمده است: «پس از یورش یگان‌های متجاوز عراق به محور حمیدیه - سوسنگرد و عدم موفقیت آن‌ها، برای کنترل این محور عناصری از نیروهای دشمن در جنوب حمیدیه باقی مانده بودند که در آغاز روز نهم حدود ۳۰ نفر از افراد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نیروهای باقیمانده‌ی دشمن یورش بردند. در این عملیات حدود ۲۲ تانک و نفربر دشمن منهدم و از نیروهای سپاه

۱- محمد مهدی بهداروند، واما جنگ، ص ۸۶ (به نقل از روز شمار جنگ، ج ۴، ص ۲۳۵).

پاسداران چهار نفر شهید گردیدند که برادر مراد اسکندری، فرماندهی سپاه حمیدیه، جزو شهدا بود.^۱

ب) انجام عملیات‌های آفندی و پدافندی مستقل و مشترک با ارتش جمهوری اسلامی؛ همچون پاتک موفقیت‌آمیز ۱۳۵۹/۸/۹ و نجات آبادان، عملیات امام مهدی (عج) اسفند ۱۳۵۹ در منطقه‌ی عملیاتی غرب سوسنگرد، عملیات تپه‌های مدن ۱۳۶۰/۲/۲۵ در شمال بهمنشیر به فرماندهی برادر مؤذنی که در این عملیات به شهادت رسید، عملیات آفندی فرماندهی کل قوا در ۲۱ خرداد ۱۳۶۰ و ...

سرتیپ پاسدار مرتضی قربانی در رابطه با تهاجم عراق و دفاع مردمی، می‌گوید: «وقتی جنگ شروع شد اولین گروه مردمی که از مناطق غیرجنگی به جبهه اعزام شد ما بودیم، از اصفهان، اسم گروه ما هم گروهان کربلا بود. ۷۲ نفر بودیم، ۱۷ نفر روحانی بودند و از شهرهای استان هم برادرها به ما پیوستند، برای اینکه اعلام آمادگی شهر و مردم را نشان بدهند. ما خودمان را آماده کردیم بعضی «ام.یک» داشتند، چند نفر هم با کلت آمده بودند، یوزی هم داشتیم، یک سری بمب‌های دست‌ساز هم آماده کردیم و از اصفهان با وسایل شخصی مثل پیکان و بلیزر و فورد راه افتادیم، آمدیم اهواز و صبح روز دوم رسیدیم اهواز و در ورودی شهر مورد استقبال جنگنده‌های عراقی قرار گرفتیم و آنجا با جنگ عراق آشنا شدیم. هم آبادان و هم خرمشهر زیر آتش بودند. با همین سلاح‌های محدود سوار تویوتای وانت شدیم و به سمت مسجد جامع خرمشهر حرکت کردیم. از ۳۴ روز درگیری خرمشهر من ۳۲ روز را در درگیری‌ها حضور داشتم که آنجا تیر خوردم و آمدیم آبادان و به عقب فرستاده شدم که در حال مجروحیت من یک گروهان تشکیل دادم که این گروهان ترکیبی بود از بچه‌های خرمشهر، آبادان و اصفهان و تعدادی از نیروهای سیستان و بلوچستان، من فرمانده گروهان کربلا بودم که سال‌ها بعد آن را به لشکر کربلا تبدیل کردیم.»^۲

۱- فرهاد بهروزی، تقویم تاریخ دفاع مقدس، ج ۲، ص ۲۵۴.

۲- محمد مهدی بهداروند، واما جنگ، ص ۱۸۱.

ج) مقاومت مردمی

پس از آنکه خط‌مشی دفاعی از سوی امام راحل (ره) تبیین شد، مقاومت خودجوش مردمی در همه‌جا شکل گرفت. در این مقطع زمانی نقش روحانیت را نباید فراموش کرد، زیرا نزدیکترین قشر به مردم روحانیون بودند، در آماده‌سازی مردم برای اعزام به جبهه و اعزام روحانیون دوشادوش دیگر اقشار به صحنه‌های نبرد، باعث دلگرمی و افزایش روحیه‌ی رزمندگان اسلام می‌شد.

حضور مردم در جبهه‌ها به‌ویژه مقاومت در شهرهای اشغالی نمود فزاینده‌ای داشت. به طوری که فرماندهان ارتش عراق و خبرگزاری‌های جهانی زبان به اعتراف گشودند.

خبرگزاری رویتر در مورد مقاومت مردم آبادان می‌نویسد: «نیروهای عراقی تحکیم محاصره شهر نفتی آبادان ایران را با حلقه‌ای از فولاد آغاز کرده‌اند. اما ساکنین شهر مقاومت شدیدی نشان می‌دهند. این در حالی است که صدام حسین طی محاسبات غلط خویش، به فرماندهانش گفته بود در هر شهری وارد شوید، مردم از شما استقبال خواهند کرد»^۱.

مقاومت در شهرهای اشغالی به گونه‌ای مردمی شده بود که حتی کودکان و زنان نیز دوشادوش پدران و مردان خود در نبرد شرکت می‌جستند. این صحنه‌های حماسی نیز از چشم خبرنگاران پنهان‌نماند، به طوری که گزارش دادند: در خرمشهر و آبادان کودکان

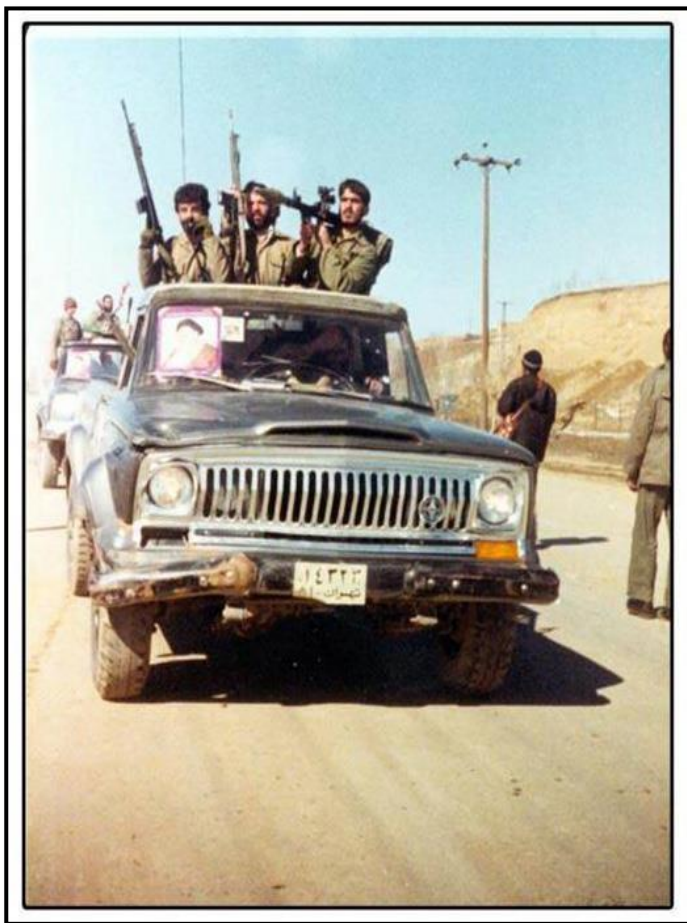


بسیاری اغلب در کنار پدرانشان در جنگ شرکت داشته‌اند و یکی از آن‌ها که ۱۴ ساله بود با افتخار برای خبرنگاران غربی تعریف کرد که چگونه با دو کوکتل مولوتف تانک عراقی را منهدم کرده است. قطعاً منشأ این مقاومت، عشق به اسلام و

میهن اسلامی و اطاعت صادقانه از دستور امام خمینی (ره) بوده که موجب مباحثات و

۱- منصوری لاریجان، آشنایی با دفاع مقدس، ص ۱۳۰.

سرفرازی ایران اسلامی شده است. به طوری که امام راحل (ره) در این باره فرمودند: «آنچه برای اینجانب غرور انگیز و افتخار آمیز است، روحیه‌ی بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت طلبی این عزیزان، که سربازان حقیقی ولی الله الاعظم ارواحنا فداه هستند می باشد. این است فتح الفتوح»^۱



(د) اقدامات بنی صدر در قبال جنگ؛ رئیس جمهور و فرمانده کل نیروهای مسلح

برای آشنایی بیشتر با عملکرد و استراتژی بنی صدر در برابر تهاجم سراسری دشمن، یادآوری چند نکته ضروری به نظر می‌رسد.

۱- بنی صدر در اولین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری، پنجم بهمن ۱۳۵۸ با رای ملت ایران به ریاست جمهوری رسید.

۲- حضرت امام ۱۵ بهمن ۱۳۵۸ حکم وی را تنفیذ کرده و فرمودند: «من یک کلمه به آقای بنی صدر تذکر می‌دهم، این کلمه تذکر برای همه است (حب الدنيا رأس کل خطیبه) هر مقامی که برای بشر حاصل می‌شود، چه مقام‌های معنوی و چه مقام‌های مادی روزی گرفته خواهد شد و آن روز هم نامعلوم است... من از آقای بنی صدر می‌خواهم که مابین قبل از ریاست جمهور و بعد از ریاست جمهور در اخلاق روحی‌شان تفاوتی نباشد،...»^۱

۳- در ۳۰ بهمن سال ۱۳۵۸ امام (ره) طی حکمی بنی صدر را به عنوان فرمانده کل قوا معرفی کردند.

۴- بنی صدر روز ۳۰ شهریور ۱۳۵۹، سرهنگ صیاد شیرازی را از فرماندهی قرارگاه غرب برکنار و سرهنگ هوشنگ عطاریان را به جای او منصوب کرد که قابل تأمل است.^۲

۱- همان، ج ۱۲، ص ۱۴۱.

۲- حسین بهزاد، مهتاب خین، ص ۷۸. (عطاریان به اتهام عضویت در شاخه نظامی حزب توده و جاسوس K.G.B در سال ۶۱ دستگیر و ۶۲ اعدام شد.)

۵- همزمان با حمله‌ی عراق بنی‌صدر فرماندهی کل قوا بود. علی‌رغم همه‌ی تهدیدات آشکار عراق، قبل از ۳۱ شهریور هیچ اقدامی در راستای هماهنگی قوای نظامی و جلسات شورای عالی دفاع، برای مقابله با تجاوز دشمن، انجام نداده بود.

۶- با همدستی گروه‌های منحرف مثل مجاهدین خلق (منافقین) جو روانی شدیدی علیه نیروهای مکتبی ایجاد کرده بود.



در تاریخ ۷ مرداد سال ۶۰ بنی‌صدر به همراه مسعود رجوی به فرانسه فرار کردند.

۷- در زمان ریاست جمهوری بنی‌صدر، ائتلاف و اتحاد نامقدس بین دو گروه چپ منافق و راست لیبرال به اثبات رسید. تا جایی که این امر باعث اعتراض سازمان پیکار، کمونیست‌های جدا شده از سازمان مجاهدین خلق (منافقین) نیز شد.^۱

۸- بنی‌صدر به واسطه‌ی مشی لیبرالی‌اش اعتقادی به نیروهای مکتبی و خط امامی نداشت. حذف خط ولایت فقیه برای بنی‌صدر از دفع تجاوز بیگانه مهمتر بود.

۹- با زیرکی تمام، هرگونه مخالفت با خود را، تضعیف نیروهای مسلح می‌دانست.

۱۰- هیچ‌گاه سپاه پاسداران را به رسمیت نشناخت، به سپاه و بسیج برای جنگیدن با دشمن تجهیزات نمی‌داد. و همین امر باعث سقوط خرمشهر شد.

۱- سیدعلی بنی‌لوحی، نبردهای شرق کارون، ص ۲۶۲.

۱۱- در جنگ اعتقادی به نیروهای مردمی و بسیج عمومی نداشت، و دائم دم از تخصص می‌زد. با توجه به اینکه عراق قبل از جنگ اقدامات خصمانه‌ای را شروع کرده بود، آمادگی ۴۵ درصدی ارتش ایران سوال برانگیز است.

۱۲- در استراتژی دفاعی جنگ، بنی‌صدر زمین در مقابل زمان و سیاست دفاعی اشکانیان و قیچی کردن دشمن را به زبان می‌آورد.^۱

۱۳- در طول مدت فرماندهی بنی‌صدر هیچ برنامه‌ی موفقی برای دفع تجاوز طراحی نشد و عملیات‌های آفندی کلاسیک، همگی به شکست و تضعیف روحیه‌ی رزمندگان ارتش اسلام منجر شده بود. آیت‌ا... خامنه‌ای در خاطرات خود در مورد بنی‌صدر فرموده‌اند: «... ما مرتب به بنی‌صدر می‌گفتم حمله کنید، می‌گفت: آماده نیستیم و نمی‌توانیم. بنی‌صدر اصلاً چیزی در مورد مسایل جنگی نمی‌دانست...»^۲

۱۴- عدم صلاحیت، عزل، و فرار بنی‌صدر

الف) با توجه به ناتوانی و عدم صلاحیت بنی‌صدر در امر فرماندهی جنگ و بیرون راندن دشمن از خاک کشور عزیزمان، امام بنی‌صدر را از فرماندهی کل نیروهای مسلح برکنار نمودند.

«بسم‌الله الرحمن الرحیم، ستاد مشترک نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران: آقای ابوالحسن بنی‌صدر از فرماندهی نیروهای مسلح برکنار شده‌اند. روح‌الله الموسوی الخمینی ۱۳۶۰/۳/۲۰»^۳

ب) مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۳۰ رأی به عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر داد و این اقدام، در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۳۱ به استحضار امام راحل رسانده شد.

اول تیرماه ۱۳۶۰ امام در پاسخ مجلس فرمودند: «پس از رأی اکثریت قاطع نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی مبنی بر اینکه آقای ابوالحسن بنی‌صدر برای ریاست جمهوری اسلامی ایران کفایت سیاسی ندارد، ایشان را از ریاست جمهوری اسلامی ایران عزل نمودم»^۴

۱- بسیاری از مشاوران نظامی بنی‌صدر مسئله‌دار بودند، از جمله سرهنگ پورموسی، سرهنگ عطاریان و... (منبع: مهتاب خین، ص ۷۲)

۲- سیدعلی بنی‌لوحی، نبردهای شرق کارون، ص ۱۷.

۳- صحیفه‌ی امام (ره)، ج ۱۴، ص ۲۷۴.

۴- همان، ج ۱۴، ص ۴۸۰.

ج) در تاریخ هفتم مردادماه ۱۳۶۰ ابوالحسن بنی‌صدر و مسعود رجوی سرکرده گروهک منافقین، به فرانسه فرار کردند.

۱۵- نتیجه‌ی فرماندهی بنی‌صدر در جنگ، اشغال بیش از ۱۳۶۰۰ کیلومتر مربع از سرزمین ایران اسلامی، توسط دشمن بعثی بود.

پس از حذف بنی‌صدر و تفکر لیبرالی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و حضور مستقیم امام در رأس فرماندهی جنگ، استراتژی دفاعی جمهوری اسلامی در شکل جدیدی (مهار و دفع تجاوز، تعقیب متجاوز تا رسیدن به صلح واقعی و حفظ جمهوری اسلامی) هویت یافت. این مؤلفه در شکل‌گیری و توسعه رزمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و استقلال فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی در تصمیم‌گیری‌های عملیاتی، نقش بسزایی داشته است.



نشریه‌ی لس‌آنجلس تایمز، ۲۵ ژانویه ۱۹۸۲ نوشت: «با رفتن بنی‌صدر، پاسداران انقلاب ابتکار عمل در جبهه‌ها را در دست گرفته و ضعف‌های خود را با احساسات جوشان خود پوشاندند.»^۱

۱- منصوری لاریجانی، آشنایی با دفاع مقدس، ص ۱۴۰.

۴- تخریب مناطق مسکونی، درمانی، آموزشی و ورزشی

ارتش رژیم عراق برای درهم کوبیدن مقاومت مردم در شهرهای مرزی، خانه‌ها، بیمارستان‌ها، اماکن آموزشی، ورزشی و... را مورد حملات هوایی و موشکی قرار می‌داد، کشتن زنان و کودکان در خانه‌ها و یا بیماران در بیمارستان‌ها یا دانش‌آموزان در مدرسه‌ها برای رژیم عراق مفهومی انسانی نداشت.



تخریب مناطق مسکونی دزفول با موشک‌های رژیم بعثی عراق

گرچه مجامع خبری داخل عراق در آغاز، این‌گونه حملات را انکار می‌کردند، اما خبرگزاری‌های خارجی از جنایت صدامیان که بی‌رحمانه به مناطق غیرنظامی، مسکونی، ورزشی، درمانی و... حمله می‌کردند، پرده برداشته و خبر آن را منتشر کردند. مثلاً گاردین نوشت: «بر اثر حمله‌ی نیروهای عراقی با موشک‌های زمین به زمین به مناطق مسکونی در شهر دزفول واقع در جنوب غربی ایران بیش از ۱۰۰ نفر کشته و ۱۷۴ نفر مجروح شدند.»^۱

۱- همان، (منصوری) ص ۱۳۲.

۵- واکنش دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی

پس از وقوع تجاوز سراسری رژیم عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران، دولت‌ها و مجامع بین‌المللی واکنش‌های متفاوتی را از خود نشان دادند.

موضع‌گیری دبیرکل و شورای امنیت به عنوان نماد رسمی حل مناقشه و حافظ صلح و امنیت جهانی، قابل توجه است، «کورت والدهایم» دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، براساس ماده‌ی ۹۹ منشور ملل متحد، در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۳ طی نامه‌ای به شورای امنیت، وضعیت پیش آمده بین ایران عراق را، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی اعلام می‌کند.^۱ از شورا می‌خواهد که «موضوع را با فوریت بررسی کند». در حالی که می‌توانست از شورا بخواهد «فوراً تشکیل جلسه دهد»، که از اختیارات خود در ماده‌ی ۹۹ استفاده نکرد.



سالن اجلاس شورای امنیت سازمان ملل متحد

اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد اولین قطعنامه‌ی خود، مبنی بر وضعیت پیش آمده بین ایران و عراق را ۶ روز پس از آغاز تجاوز ارتش عراق به ایران، صادر کردند که از نظر اعتبار هیچ ضمانت اجرایی نداشت و تا ۲۲ ماه بعد از آن، تنها نظاره‌گر درگیری‌ها بودند و هیچ عکس‌العمل و اقدام مثبتی در راستای فروکش کردن جنگ از خود نشان ندادند.

دولت‌های منطقه به‌ویژه عربستان، اردن و کویت حمایت خود را از عراق اعلام نمودند. گفته می‌شود اولین گلوله‌ی تانک در جنگ را، شاه‌حسین پادشاه اردن در کنار صدام از درون یک تانک عراقی به سمت ایران شلیک کرد و به نمایندگی از سران کشورهای عرب، شروع جنگ را به صدام تبریک گفت.

۱- محمدحسن جمشیدی، سازمان‌های بین‌المللی و جنگ ایران و عراق، ص ۱۰۹.

دولت امارات متحده‌ی عربی مجدداً تأکید نمود که جزایر سه‌گانه‌ی عربی که از سوی رژیم ایران به اشغال درآمده، باید به این کشور بازپس داده شود.

اغلب حمایت‌ها، با تمجید و ستایش از صدام حسین همراه بوده است. مثلاً یک مقام رسمی اردن نزدیک به شاه حسین گفت: «صدام حسین یقیناً به عنوان مرد قدرتمند در رهبریت ملی اعراب در خواهد آمد و پیروزی وی در جنگ با ایران اولین عملیات موفقیت‌آمیز نظامی اعراب در طول سال گذشته خواهد بود.»

ادبا و شعرای کویتی نیز طی همایشی با عبارت: «فرزند صالح ملت عرب رفیق صدام حسین» حمایت خود را از صدام اعلام کردند!^۱ البته صدام حسین اظهار ارادت و حمایت ادبای کویت را در دوم اوت ۱۹۹۰ میلادی با حمله‌ی ناگهانی و تجاوز به آن کشور پاسخ مناسب داد و مشاعر، ادبا و نویسندگان کویت را به اوج تخیل و قهقراء کشاند!

سرتیپ حسن، فرمانده‌ی سابق نیروی هوایی عراق، در سپتامبر ۲۰۰۴ و سال‌ها پس از جنگ در مصاحبه با ساندی تایمز اعتراف می‌کند: «۵۲۰۰۰ (پنجاه و دوهزار) مستشار روسی در کنار مستشاران استرالیایی، آلمانی، آمریکایی، زلاندنوی، مصری، یوگسلاو، سودانی، لهستانی، بلغاری، اسپانیایی و فرانسوی در خدمت ارتش عراق بودند. وی کمک‌های اطلاعاتی آواکس‌های عربستانی را کمک بزرگی جهت بمباران‌های عراقی‌ها می‌داند.»^۲

شش کشور حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس با تشکیل شورای همکاری در کنار صدام علیه ایران صف‌آرایی کردند.

عکس‌العمل سازمان کنفرانس اسلامی در جنگ نیز جالب است، هرچند دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی ضمن ارسال دو تلگراف به امام خمینی (ره) و صدام، خواستار برقراری آتش‌بس فوری شد؛ اما چون اکثر کشورهای عضو سازمان، عرب بودند، عملاً از صدام حمایت می‌کردند.^۳

۱- الانباء چاپ کویت، ۱۳۵۹/۷/۶، منبع: کتاب «جنگ ایران - عراق از نگاه مطبوعات جهان ۲»، ص ۱۴۲.

۲- مجله‌ی صف، ماهنامه‌ی ارتش جمهوری اسلامی ایران، شماره ۳۶۹، ص ۲۱.

۳- واحد مرکزی خبر، DVD مستند دفاع مقدس. (به نقل از حبیب شطی دبیرکل کنفرانس اسلامی)

فصل پنجم

راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی

راهبردهای دفاعی جمهوری اسلامی در جنگ تحمیلی

پس از حذف بنی‌صدر از صحنه‌ی سیاسی و نظامی کشور و ایجاد وحدت بین نیروهای مسلح به فرماندهی حضرت امام خمینی (ره) و باتوجه به تحت اشغال بودن بخش وسیعی از سرزمین ایران اسلامی، فرماندهان و دست‌اندرکاران سیاسی- نظامی و امنیتی کشور به این نتیجه رسیدند که برای دفاع از کشور و حفظ تمامیت ارضی آن باید تدابیری بیاندیشند که مفید و کارساز واقع شود، لذا برای رسیدن به اهداف عالی‌ه‌ی دفاعی، برنامه‌هایی را طراحی و دست به اقدام زدند.

ابتدا اشاره به چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

- ۱- جنگ را به عنوان یک منظومه‌ی کامل، باید مورد مطالعه و بررسی قرار داد.
 - ۲- هر حادثه باید در شرایط زمانی و مکانی وقوع، مورد ارزیابی و بررسی قرار گیرد.
 - ۳- جنگ تحمیلی را باید با منطق جنگ مورد بررسی و ارزیابی قرار داد.
 - ۴- راهبردهای نظری نظام جمهوری اسلامی در دفاع مقدس چه بوده است؟
 - ۵- دستاورد ایران از رهیافت دفع تجاوز تا پایان عملیات بیت‌المقدس چه بوده است؟
 - ۶- رویکرد سازمان‌های بین‌المللی در بررسی جنگ تحمیلی چه بوده است؟
- جنگ یکی از پدیده‌های بزرگ بشری است که عوامل زیادی در شکست و پیروزی صحنه‌های عملیاتی آن نقش دارند، مانند: وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی که باید مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرند.
- باید توجه داشت که هر حادثه و پدیده‌ای را در شرایط زمانی و مکانی وقوع، باید مورد ارزیابی و بررسی قرارداد. جنگ نیز مجموعه‌ای از باید‌ها و نبایدها، ریسک‌پذیری و عمل بر مبنای داده‌های استراتژیک و عملیاتی و تاکتیکی است که باید در زمان و مکان

خودش مورد بررسی قرار گیرد. چرا که هر تصمیم در همان زمان برای تصمیم گیرنده دارای شرایط ویژه‌ی چنین تصمیم‌گیری بوده است.

منطق جنگ

- ریسک و ریسک‌پذیری در جنگ؛ دانش ما از دشمن محدود است به:
۱. توانایی‌های اطلاعاتی ۲. تحولات مکرر و متوالی دشمن.
- کشتن و کشته شدن در جنگ؛ هیچ جنگی بدون قبول خسارات و پذیرش کشتن و کشته شدن شکل نخواهد گرفت.
- شکست و پیروزی؛ هیچ جنگی بدون شکست یا پیروزی، قطعی، نسبی یا جزئی، اصلی یا علی‌البدلی، حقیقی یا مجازی، پایان نخواهد یافت.

الف) راهبرد دفاع همه‌جانبه و آزادسازی سرزمین‌های اشغال شده

لازمه‌ی دفع تجاوز و آزادسازی سرزمین‌های اشغال شده، کسب آمادگی، تجهیز و اجرای عملیات‌های متعددی بود که تا پایان اشغال خاک جمهوری اسلامی می‌بایست ادامه یابد. مهمترین ویژگی این مرحله از دفاع مقدس، عزل بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا و وحدت بین نیروهای نظامی سپاه و ارتش با فرماندهی امام خمینی (ره) می‌باشد. از شروع عملیات‌های آفندی جهت تحقق «دفاع همه‌جانبه و آزادسازی سرزمین‌های اشغال شده» بیش از ۵۴ عملیات آفندی و پدافندی در مقیاس‌های مختلف، عملیات‌های محدود کوچک و بزرگ، ثبت شده است.

از موفق‌ترین عملیات‌های محدود رزمندگان اسلام می‌توان عملیات فرماندهی کل قوا را نام برد؛ که یک روز پس از عزل بنی‌صدر از فرماندهی کل نیروهای مسلح توسط امام (ره)، در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۲۱ در محور شرق کارون - جنوب دارخوین، با ابتکار فرماندهان سپاه، انجام گرفت. در این عملیات محدود نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی عمل‌کننده و ارتش جمهوری اسلامی پشتیبانی و پدافند را به عهده داشتند. در این حمله با ۳ کیلومتر پیشروی، مواضع محکم و مهم دشمن به تصرف درآمد^۱ و بعضی‌ها متحمل تلفات سختی شدند. از جمله: در نیروی انسانی ۱۲۵۰ نفر کشته و زخمی و ۲۴۶ نفر از افراد دشمن اسیر شدند. در تجهیزات نیز ۳۳ دستگاه تانک

و نقربر دشمن منهدم شد.^۱ هرچند وسعت این عملیات نسبت به مناطق اشغالی بسیار کم می باشد اما باتوجه به اینکه اولین عملیاتی بود که پس از عزل بنی صدر انجام می شد، از اهمیت ویژه ای برخوردار بود. البته این نوع عملیات ها پاسخ گوی نیاز جنگ با آن وسعت عظیم نبود. لذا فرماندهان عالیرتبه، به طراحی عملیات های بزرگتر برای بیرون راندن دشمن از کشورمان پرداختند، که مهمترین آنها به شرح زیر می باشد.

۱- عملیات ثامن الائمه ۱۳۶۰/۷/۵

عملیات ثامن الائمه (ع) نقطه عطفی در تاریخ جنگ بود. این عملیات از سویی نتیجه ی سال اول جنگ و اوج نبردهای نیمه گسترده محسوب می شد و از سوی دیگر، عامل تحول استراتژیک در جنگ بود و اولین گام از نبردهای گسترده آزادسازی به حساب می آمد. بنا به گفته ی امیر قویدل: «طرح ریزی برای اجرای عملیات در این منطقه توسط لشکر ۷۷ پیاده ی خراسان و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آغاز گردید. دو ارگان طرح عملیات ثامن الائمه (ع) را تهیه کردند و در ۱۵ شهریورماه ۱۳۶۰ صادر و یگان ها آماده اجرای عملیات شدند».^۲

هدف عملیات؛ انهدام نیروهای دشمن در سرپل شرق کارون و شکست حصر آبادان. محل عملیات؛ محور ماهشهر - آبادان، شرق رودخانه ی کارون در جنوب دارخوین و شمال آبادان.

زمان عملیات؛ ساعت یک بامداد پنجم مهرماه ۱۳۶۰ با رمز نصرمن ... و فتح قریب. وسعت منطقه عملیات؛ بیش از ۱۵۰ کیلومترمربع.

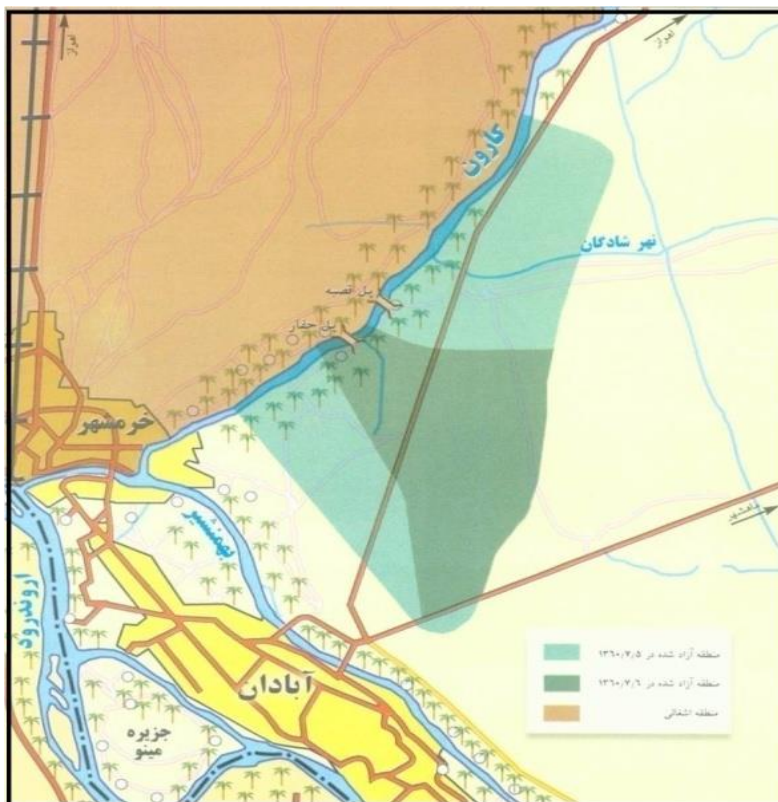
این عملیات با فرماندهی مشترک ارتش و سپاه، از چهار محور به اجرا درآمد که دارخوین و فیاضیه ی آبادان محوره های اصلی عملیات بودند. با اجرای کامل عملیات در این دو محور، پل های قصبه و حفار که توسط دشمن روی رودخانه ی کارون نصب شده بود، می بایست بسته می شد و دشمن به محاصره در می آمد. در آغاز عملیات نیروهای خودی در محور دارخوین پس از دور زدن دشمن از ناحیه ی نهر شادگان، با موفقیت به

۱- کارنامه ی عملیات سپاهیان اسلام در هشت سال دفاع مقدس، ص ۱۰.

۲- متن سخنرانی امیر موسوی قویدل (جانشین عملیاتی لشکر ۲۱ حمزه در سال ۱۳۵۹) پیرامون عملیات ثامن الائمه

در سال ۱۳۸۷. منبع: <http://www.dscc.ir/view/article.aspx?id=475>

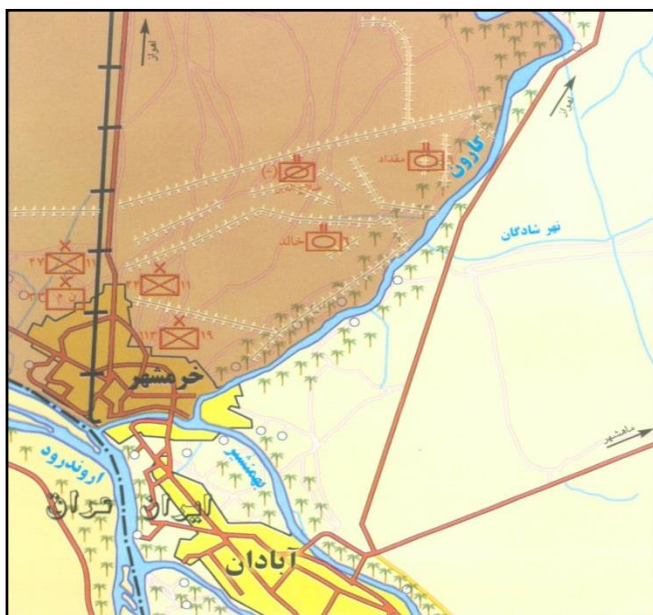
پیش رفتند، ولی در محور فیاضیه با مقاومتی سرسختانه روبه‌رو شدند. چند ساعت بعد نیروهای محور ایستگاه هفت و ایستگاه دوازده که مأموریت خود را به خوبی اجرا کرده بودند، به کمک محور فیاضیه رفتند و مقاومت دشمن را شکستند. بدین ترتیب در کمتر از بیست و چهار ساعت بین دو محور اصلی عملیات، الحاق حاصل شد و نیروهای خودی به عقبه‌ی دشمن رسیدند و آن دسته از قوای عراقی را که موفق به عقب نشینی نشده بودند اسیر کردند.



منطقه‌ی عملیاتی ثامن‌الائمه در شرق کارون

نتیجه‌ی عملیات: در عملیات ثامن‌الائمه، کلیه‌ی اهداف پیش بینی شده که؛ انهدام نیروهای دشمن در سرپل شرق کارون و شکست حصر آبادان بود، تأمین گردید.

تلفات دشمن نیز ۲۰۰۰ کشته و زخمی و ۱۸۰۰ نفر اسیر، همراه با انهدام ۹۰ دستگاه تانک و نفربر و ۱۰۰ دستگاه خودرو بود. همچنین در این عملیات ۱۶۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۵۰ دستگاه خودرو، ۳۰ دستگاه بلدوزر و تعدادی توپ صحرایی، کاتیوشا و تفنگ ۱۰۶ میلیمتری به غنیمت گرفته شد.^۱



منطقه‌ی آبادان (شرق کارون) بعد از عملیات ثامن‌الائمه

در اهمیت این پیروزی بزرگ، پاسخ فرماندهی کل قوا به تلگراف فرماندهان نظامی قابل توجه است: «بسم الله الرحمن الرحيم، تیمسار سرتیپ فلاحی، تیمسار سرتیپ ظهیرنژاد، و جناب آقای محسن رضایی، ای‌دهم الله تعالی، تلگراف شما در خصوص فتح بزرگ که خداوند تعالی نصیب ارتش، نیروی هوایی و هوانیروز، سپاه پاسداران، بسیج، ژاندارمری، فداییان اسلام، و سایر نیروهای مردمی فرموده و محاصره‌ی آبادان به طور کامل شکسته شده است، واصل گردید. این جانب این پیروزی بزرگ را به فرماندهان تمامی نیروهای مسلح و به سربازان ارجمند و سپاهیان نیرومند تبریک می‌گویم. و امید است این سرافرازی‌ها را که برای اسلام و میهن فراهم می‌کنند منظور

۱- علی سمیعی، کارنامه‌ی توصیفی عملیات های هشت سال دفاع مقدس، ص ۴۷.

نظر مبارک ولیّ الله الاعظم، بقیه الله - ارواحنا له الفداء - باشد. و آخرین پیروزمندی را که بیرون راندن نیروهای متجاوز کافر از سرزمین‌های میهن‌مان است، ملت شریف بزودی مشاهده کند. این جانب به اسم ملت بزرگ ایران از رزمندگان دلیر ارتش و سپاه و دیگر قوای مسلح - ایدهم الله تعالی - تقدیر و تشکر می‌کنم. از خداوند متعال توفیق، نصرت و عظمت اسلام و مسلمین و بخصوص نیروهای مسلح اسلامی را خواستار است. و السلام علیکم. روح الله الموسوی الخمینی^۱

نتیجه مطلوب عملیات؛ ایجاد باور بر توانستن غلبه بر دشمن و افزایش روحیه‌ی دفاع و مقاومت، همچنین شناخت قدرت و توان نیروهای مردمی و ایجاد وحدت بین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بود.

تغییر در فرماندهی نیروی زمینی

پس از اجرای موفقیت‌آمیز عملیات ثامن‌الائمه (ع) و آزاد شدن سرپل اشغالی دشمن در شرق کارون گروهی از فرماندهان عالی‌رتبه‌ی نظامی که برای دادن گزارش مشروح عملیات به امام راحل با هواپیما عازم تهران بودند، در اثر سقوط هواپیما در نزدیکی تهران به شهادت رسیدند. (شهید فلاحی، شهید کلاه‌دوز، شهید فکوری، شهید جهان‌آرا و شهید نامجو) و لذا تغییراتی در کادر فرماندهی ارتش بوجود آمد و سرهنگ توپخانه علی صیاد شیرازی به فرماندهی نیروی زمینی ارتش منصوب گردید. نامبرده در اعلام خط‌مشی عملیاتی خود تاکید نمود که از این به بعد انتخاب محل عملیات، طرح‌ریزی و هدایت عملیات با مشارکت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش خواهد بود و لذا قرارگاه مقدم نزاجا در جنوب، از دزفول به اهواز تغییر مکان داد. ابتدا در کارخانه صنایع فولاد و سپس در زرگان نزدیک محل قرارگاه سپاه پاسداران (پایگاه منتظران شهادت) مستقر گردید و به دنبال آن، قرارگاه مشترک ارتش و سپاه پاسداران تحت عنوان قرارگاه کربلا تشکیل گردید و اعضاء ستاد از پرسنل منتخب دو ارگان سازماندهی شد.^۲ با توجه به فرماندهی صیاد شیرازی در نیروی زمینی ارتش و فرماندهی کل سپاه

۱- صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۵۴.

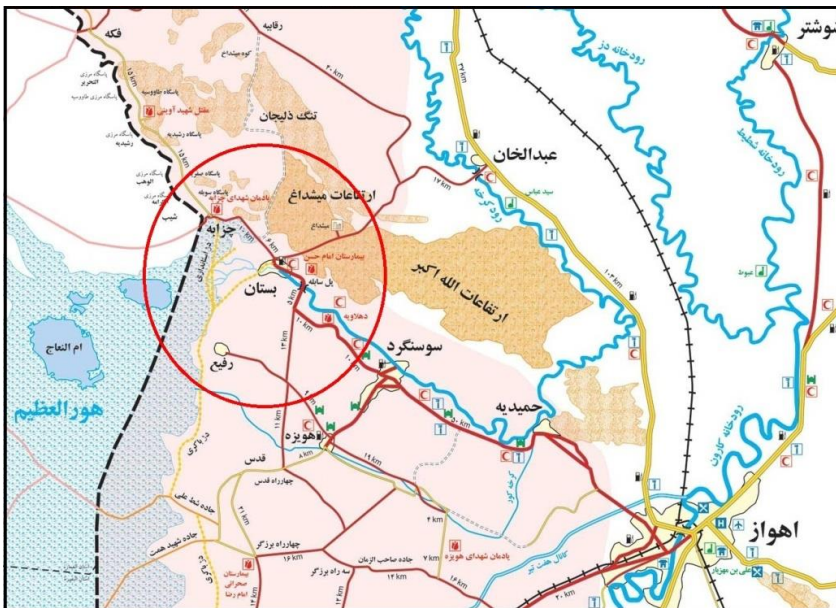
۲- امیر موسوی قویدل، عملیات طریق القدس: <http://www.dsrc.ir/view/article.aspx?id=477>

معرفی امیر قویدل از زبان خودشان: «من ضمن اینکه رئیس رکن سوم قرارگاه مقدم نیروی زمینی در جنوب بودم، افسر ارشد عملیات ارتش در قرارگاه کربلا را نیز عهده‌دار گردیدم.»

که به محسن رضایی سپرده شده بود، اتحاد و همبستگی بین سپاه و ارتش در قرارگاه کربلا محقق و باعث پیروزی های مکرر رزمندگان اسلام گردید.

۲- عملیات طریق القدس ۱۳۶۰/۹/۸

در آغاز دومین سال جنگ تحمیلی که رزمندگان اسلام تلاشهای آفندی گسترده را برای انهدام نیروهای دشمن و آزاد کردن سرزمین های اشغالی در دستور کار خود قرار دادند، هنوز در حدود پنجاه درصد استعداد نیروی زمینی ارتش و قسمت اعظم نیروهای سپاه پاسداران و نیروهای داوطلب مردمی در مناطق آشوب زده ای استان های شمال غرب در پایگاه ها مستقر و درگیر مبارزه با ضدانقلاب بودند و بقیه ی یگان های نیروی زمینی ارتش با تثبیت نیروهای دشمن در صحنه های عملیات کرمانشاه و خوزستان در خطوط پدافندی مستقر شده بودند و یگان های سپاه پاسداران نیز هنوز تشکل سازمانی مناسبی نداشتند که قادر باشند عملیات آفندی گسترده را به تنهایی انجام دهند. این جا بود که هماهنگی و وحدت عملکرد در صحنه های نبرد ضرورت می یافت. تصمیم های گرفته شده در قرارگاه مشترک کربلا این نیاز را برآورده ساخت.



نقشه ی منطقه ی عملیاتی طریق القدس

در صحنه‌ی عملیات خوزستان سه جبهه‌ی متمایز از هم وجود داشت که دشمن در روزهای آغازین تجاوز اشغال نموده بود.

۱- جبهه‌ی شمالی: منطقه غرب دزفول - شوش

۲- جبهه‌ی میانی: منطقه غرب سوسنگرد و بستان

۳- جبهه‌ی جنوبی: منطقه جنوب غربی اهواز و خرمشهر

به سبب محدودیت و وسعت کم منطقه عملیات در جبهه‌ی میانی نسبت به دو جبهه‌ی شمالی و جنوبی قطعاً استعداد نیروی دشمن در این منطقه کمتر از دو منطقه‌ی دیگر مستقر گردیده بود. طراحان قرارگاه کربلا که در طرح‌ریزی عملیات به اصول شناخته شده‌ی رزم توجه داشتند، اجرای عملیات در منطقه‌ی محدود و درگیری با نیروی کم دشمن را با توجه به امکانات خودی در اولویت قرار دادند تا زمینه‌های لازم برای اجرای عملیات در مناطق وسیع‌تر فراهم گردد. لذا با در نظر گرفتن موارد فوق، فرماندهان نظامی با اتفاق نظر تصمیم گرفتند عملیات را در جبهه‌ی میانی به اجرا درآورند. در همین راستا عملیات طراحی شده، در منطقه‌ی غرب سوسنگرد از هشتم تا سی‌ام آذرماه ۱۳۶۰، با رمز «یا حسین(ع)» و با هدف آزادسازی بستان و رسیدن به مرز بین‌المللی توسط نیروهای ارتش، سپاه و بسیج انجام گرفت.

دستاوردهای عملیات طریق‌القدس:

۱- آزادسازی شهر بستان و ۷۰ روستای منطقه و ۵ پاسگاه مرزی. ۲- نزدیک شدن به مرز بین‌المللی در منطقه‌ی چزابه و قطع ارتباط نیروهای نظامی عراق در جبهه‌ی میانی. ۳- در این عملیات، دشمن متحمل خساراتی همچون: انهدام ۴۵ گردان و گروهان از ۱۲ تیپ کماندویی لشکر ۵ مکانیزه، ۳۵۰۰ کشته و زخمی، ۵۴۶ نفر اسیر و انهدام ۱۸۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۳ فروند هواپیما، ۴ فروند بالگرد و ۲۰۰ دستگاه خودرو شد.^۱ همچنین بیش از ۲۰۰ دستگاه تانک و نفربر، ۱۱۵ دستگاه وسایل سنگین مهندسی و راه‌سازی سه گردان توپخانه بیش از ۴۰۰ دستگاه خودرو و ... به غنیمت گرفته شد.^۲ امام خمینی(ره) نیز طی پیام تبریکی، پیروزی در این عملیات را فتح‌الفتوح نامیدند.^۳

۱- سمیعی، کارنامه‌ی توصیفی عملیات‌های هشت سال دفاع مقدس، ص ۵۱.

۲- شرح عملیات طریق‌القدس از زبان امیر قویدل:

(دریافت: شهریور ۱۳۹۱) <http://www.dsrc.ir/view/article.aspx?id=477>

۳- صفحه‌ی امام، ج ۱۵، ص ۳۹۵، (قدردانی از پیروزی لشکریان اسلام در عملیات طریق‌القدس).

۳- عملیات فتح المبین ۱۳۶۱/۱/۲

عملیات فتح المبین با هدف بیرون راندن دشمن بعثی از خاک میهن عزیزمان، در منطقه‌ی غرب دزفول و شوش، با رمز یا زهرا (س) و با مشارکت نیروهای رزمنده‌ی سپاه، ارتش و بسیج، طی سه مرحله، از دوم تا نهم فروردین ۱۳۶۱ انجام گرفت.

استعداد و گسترش نیروهای دشمن در منطقه

دشمن در امتداد خط تماس نعلی شکل به طول ۱۰۰ کیلومتر با ۲۵ تیپ پیاده، مکانیزه و زرهی در خط و ۶ تیپ مکانیزه و زرهی در احتیاط پدافند، سازماندهی نموده بود. این یگان‌ها با ۲۰ گردان توپخانه پشتیبانی می‌شدند.

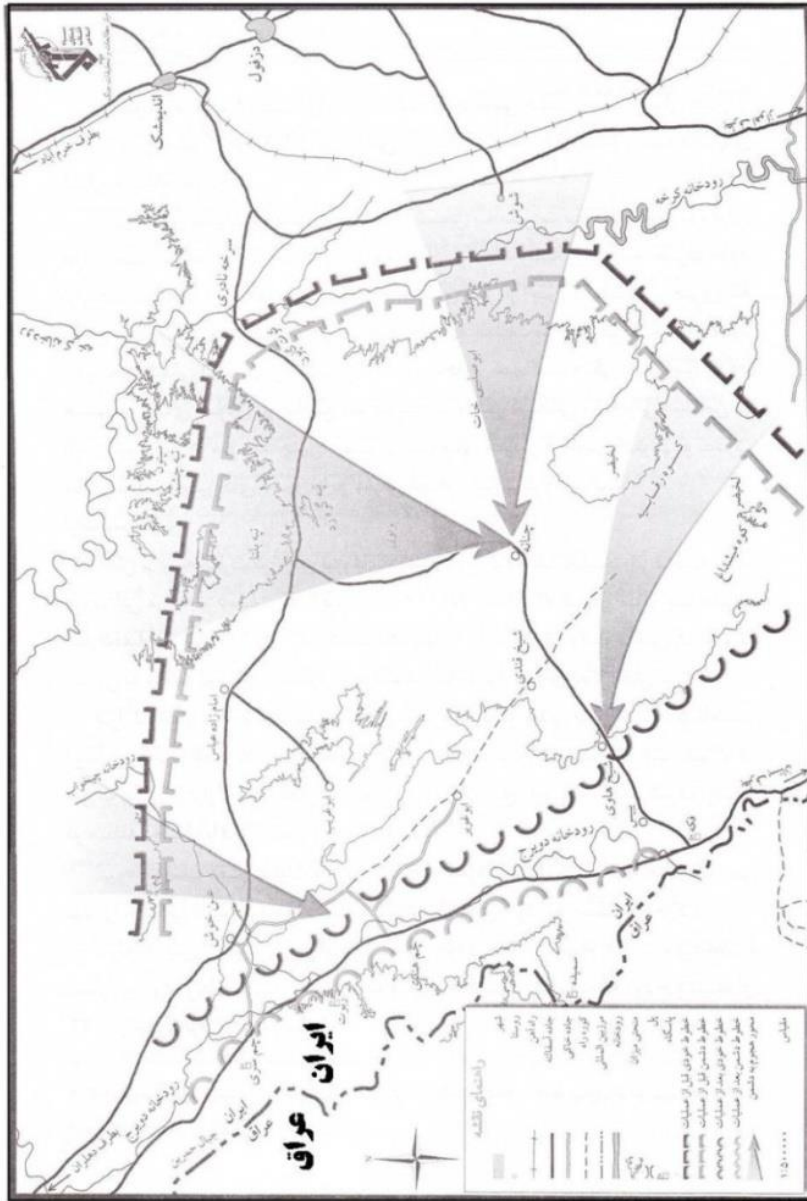
استعداد و ترکیب نیروهای خودی

یازده تیپ پیاده از سپاه پاسداران (۷۵ گردان) و ۹ تیپ پیاده و ۵ تیپ زرهی از ارتش برای اجرای عملیات سازماندهی شده بودند. در این عملیات ۲۲ گردان توپخانه از ارتش، عملیات را پشتیبانی می‌کرد.^۱ نیروهای ارتش و سپاه پاسداران در چهار قرارگاه سازماندهی شدند:

- ۱- قرارگاه قدس؛ سه تیپ پیاده از سپاه پاسداران، یک تیپ پیاده و یک تیپ زرهی از ارتش در شمال غرب برای تصرف عین خوش و تنگ ابوغریب.
- ۲- قرارگاه نصر؛ دو تیپ پیاده از سپاه پاسداران، چهار تیپ پیاده و یک تیپ زرهی از ارتش در شمال شرق برای تصرف سه راهی قهوه‌خانه، تپه‌های علی گره زد و شاوریه.
- ۳- قرارگاه فجر؛ سه تیپ پیاده از سپاه پاسداران و سه تیپ پیاده و دو گردان تانک از ارتش برای تصرف تپه‌های ابوصلیبی خات.
- ۴- قرارگاه فتح؛ سه تیپ پیاده از سپاه پاسداران، یک تیپ پیاده‌ی هوایرد و دو تیپ زرهی از ارتش برای تصرف تنگ رقابیه و تنگ برقازه.

سرانجام پس از هشت روز درگیری سخت در این عملیات پیروزمند، نیروهای خودی با رشادت موفق شدند با انهدام و یا بیرون راندن بخش وسیعی از نیروهای متجاوز از خاک کشورمان و تأمین تمام اهداف مورد نظر، شکست سختی را بردشمن تحمیل کنند.

۱- امیر موسوی قویدل، جزوه درسی عملیات فتح المبین: <http://www.dsrc.ir/view/article.aspx?id=476>



نقشه عملیات فتح المبین - تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق (۲) (بازیابی ثبت)، ص ۲۰۷

دست آوردهای عملیات فتح المبین

آزادسازی بیش از ۲۴۰۰ کیلومترمربع از سرزمین های اشغالی، به اسارت گرفتن ۱۵۴۵۰ نفر از افراد دشمن بعثی که ۱۴۵ نفر از آنان افسر بودند، بیش از ۲۵۰۰۰ نفر کشته و زخمی از دشمن گرفته شد. ۱۵۰ تانک و ۱۷۰ نفربر، ۱۶۵ قبضه توپ و ۵۰۰ خودرو سالم به غنیمت گرفته شد و ۳۶۰ تانک و ۱۵۰ نفربر دشمن، منهدم و ۱۳ هواپیما و سه فروند بالگرد آنان نیز سرنگون گردید.^۱ امکان صرفه جویی در قوا برای ما فراهم، شهرهای شوش، دزفول و اندیمشک از برد توپخانهی دشمن خارج و با آزاد شدن کلیهی روستاهای منطقه، تعداد کثیری از آوارگان جنگی به خانه و کاشانهی خود برگشتند. قدرت رزمی و روحیهی پرسنل دشمن کاهش و روحیهی پرسنل خودی افزایش یافت و تمایل مردم برای حضور در جبهه ها بیشتر شد.

بازتاب های سیاسی عملیات فتح المبین

به گزارش رویتر در تاریخ ۱۳۶۱/۱/۷: «صدام امروز خواستار آتش بس و حل و فصل مناقشه با ایران از راه های صلح آمیز که حقوق عادلانهی تاریخی و قانونی را تضمین کند شد».

همچنین بی بی سی؛ با تأکید بر پیروزی رزمندگان ایران و سرانجام سقوط صدام را، زنگ خطری برای کشورهای منطقه تلقی نمود.

واشنگتن پست و اکثر رسانه های آمریکایی: «دولت امریکا تصور می کرد دولت انقلابی در معرض سقوط قرار دارد، ولی امروز ایران با برتری یافتن به نیروهای عراقی در جبهه ی جنگ و سرکوب چریک های ضددولتی، تهدید بزرگی برای کشورهای نفت خیز خلیج فارس می باشد».^۲

پیام امام خمینی (ره)؛ امام راحل طی پیامی به ملت ایران و رزمندگان اسلام در خصوص عملیات فتح المبین فرمودند: «اخبار غرور آفرین جبهه های نبرد علیه قوای شیطانی را یکی پس از دیگری دریافت نمودم. قلم قاصر است که احساسات خویش را ابراز کنم. به قوای مسلح اسلامی که خدایشان نصرت آخرین را نصیب فرماید، تبریک

۱- امیر موسوی قویدل (قبلی)

۲- همان

عرض می‌کنم. مبارک باد بر شما عزیزان افتخارآفرین پیروزی بزرگی را که با یاری ملائکه‌الله و نصرت ملکوت اعلیٰ نصیب اسلام و کشور عزیز ایران، کشور بقیةالله‌الاعظم (ارواحناله‌الفداء) نمودید... مژده باد به شما جوانان برومند در تحصیل رضای پروردگار که از بالاترین سنگرهای روحانی و جسمانی ظاهری و باطنی پیروزید. مبارک باد بر بقیةالله (ارواحناله‌الفداء) وجود چنین رزمندگان ارزشمند و مجاهدان فی سبیل‌الله که آبروی اسلام را حفظ و ملت ایران را روسپید و مجاهدان راه خدا را سرافراز نمودید. ملت بزرگ ایران و فرزندان اسلام به شما سلحشوران افتخار می‌کنند. آفرین بر شما که میهن خود را بر بال ملائکه‌الله نشاندید و در میان ملل جهان سرافراز نمودید... این جانب از دور دست و بازوی قدرتمند شما را که دست خداوند بالای آن است می‌بوسم و بر این بوسه افتخار می‌کنم. شما دین خود را به اسلام عزیز و میهن شریف ادا کردید و طمع ابرقدرت‌ها و مزدوران آنان را از کشور خود بریدید و سخاوت‌مندانه در راه شرف و عزت اسلام جهاد کردید. «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا» ... درود بر شما و رحمت خدا بر شهیدان راه حق و شهدای جبهه‌ی نبرد حق علیه باطل...^۱

۴- عملیات بیت‌المقدس ۱۳۶۱/۲/۱۰

بلافاصله بعد از عملیات فتح‌المبین، کار آماده‌سازی نیروها با قدرت و سرعت خارق‌العاده‌ای انجام می‌گیرد و لشکرهای سپاه و ارتش به مناطق عملیات جدید اعزام می‌شوند. هوانیروز و نیروی هوایی نیز آماده می‌شوند تا با تعداد پروازهای بیشتر، عملیات را حمایت کنند.

منطقه‌ی عمومی عملیات بیت‌المقدس در میان چهار مانع طبیعی محصور است، که از شمال به رودخانه‌ی کرخه‌کور، از جنوب به رودخانه‌ی اروند، از شرق به رودخانه‌ی کارون و از غرب به هورالهویزه منتهی می‌شود. منطقه‌ی مزبور به جز جاده‌ی نسبتاً مرتفع اهواز- خرمشهر، فاقد هر گونه عارضه‌ی مهم برای پدافند است. همین امر موجب شد تا زمین منطقه برای مانور زرهی مناسب، و برای حرکت نیروهای پیاده نامناسب باشد. نقاط حساس و استراتژیک منطقه شامل بندر و شهر خرمشهر، پادگان

حمید، جفیر، جاده‌ی آسفالت اهواز - خرمشهر، شهر هویزه و رودخانه‌های کارون، کرخه‌کور و اروند بود.

اهداف عملیات؛ مهم‌ترین اهدافی که در این عملیات دنبال می‌شد، عبارت بودند از:

- انهدام نیروی دشمن، حداقل بیش از دو لشکر.
- آزادسازی بیش از ۵۴۰۰ کیلومتر مربع از خاک ایران؛ از جمله شهرهای خرمشهر، هویزه و پادگان حمید.
- خارج نمودن شهرهای اهواز، حمیدیه و سوسنگرد از برد توپخانه‌ی دشمن.
- تامین مرز بین المللی، حدفاصل پاسگاه طلائییه تا شلمچه.
- آزادسازی جاده‌ی اهواز - خرمشهر و خارج نمودن جاده‌ی اهواز - آبادان از برد توپخانه‌ی دشمن.

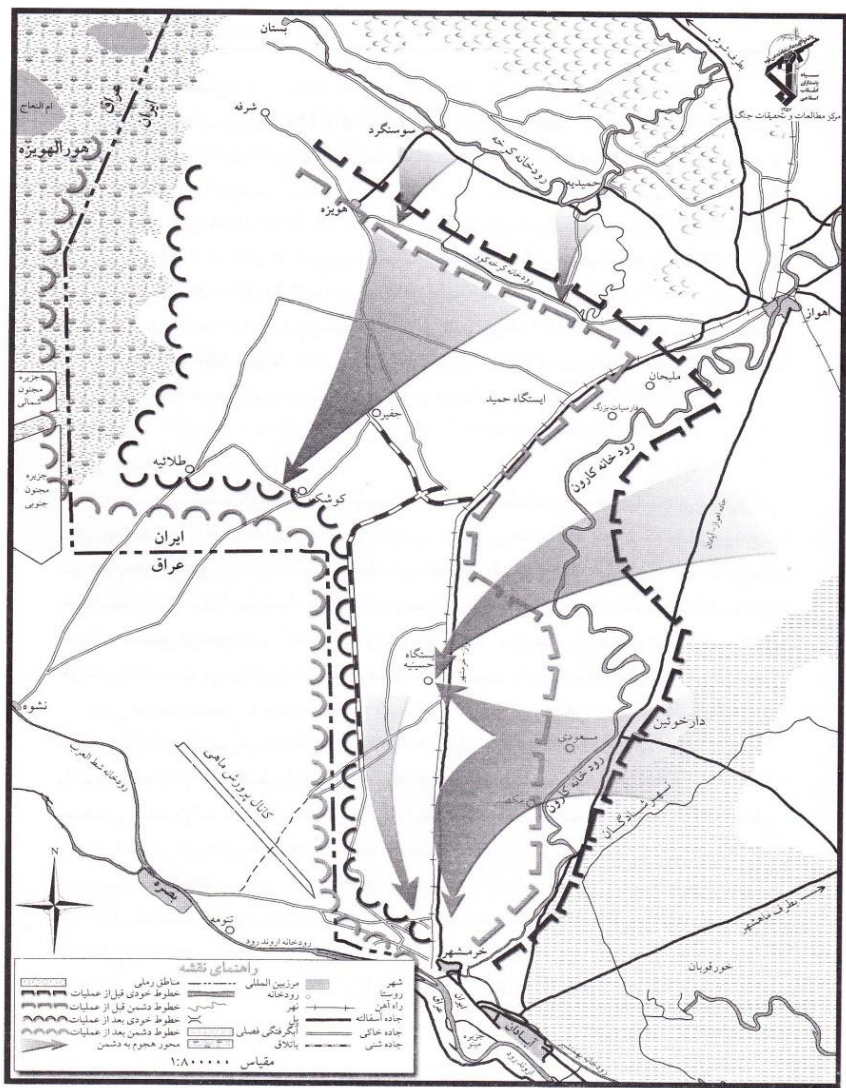
عملیات بیت‌المقدس در ۳۰ دقیقه‌ی بامداد روز ۱۰ اردیبهشت ۱۳۶۱ با قرائت رمز؛ «بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم، بسم‌الله‌القاسم‌الجبارین، یا علی ابن ابی طالب» توسط محسن رضایی، فرمانده‌ی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سرتیپ علی صیاد شیرازی فرمانده‌ی نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران، از قرارگاه کربلا آغاز شد.^۱ رزمندگان اسلام در قالب سه قرارگاه اصلی قدس، فتح، نصر و قرارگاه پشتیبانی فجر تحت رهبری قرارگاه مرکزی مشترک سپاه و ارتش (قرارگاه کربلا)، طی چهار مرحله اقدامات پیچیده‌ی جنگی، موفق شدند در ۱۳۶۱/۳/۳ به کلیه‌ی اهداف از پیش تعیین شده دست یابند.

نتایج عملیات

در این عملیات پیروزمند، شهرهای خرمشهر و هویزه و نیز پادگان حمید و جاده‌ی اهواز - خرمشهر پس از ۵۷۵ روز اشغال، آزاد شدند. علاوه بر این شهرهای اهواز، حمیدیه و سوسنگرد از تیررس توپخانه‌ی دشمن خارج گردیدند. با فتح خرمشهر، برتری نظامی ایران بر عراق مورد تایید کارشناسان و تحلیل‌گران نظامی دنیا قرار گرفت. این پیروزی موجب انفعال ارتش عراق شد، به گونه‌ای که نظامیان عراقی تا مدت زیادی

۱- شهید آیت‌الله صدوقی و مرحوم آیت‌الله مشکینی نیز که در کنار فرماندهان قرارگاه کربلا حضور داشتند، هر یک به‌طور جداگانه، پیام‌هایی را به وسیله بی‌سیم خطاب به رزمندگان اسلام قرائت کردند.

نتوانستند از لاک دفاعی خارج شوند. عملیات بیت المقدس موجب شد تا کشورهای عرب منطقه به تقویت مالی و نظامی عراق مبادرت ورزند.



نقشه‌ی عملیات بیت المقدس^۱

۱- تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق ۲ (بازیابی ثبات)، ص ۲۲۹.

تلفات دشمن نیز در این عملیات؛ ۱۶۵۰۰ نفر کشته و زخمی، ۱۹۰۰۰ نفر اسیر و انهدام ۲۸۵ دستگاه تانک و نفربر، ۴۰ فروند هواپیما، ۲ فروند بالگرد، ۵۰۰ دستگاه خودرو، ده ها قبضه توپ سبک و سنگین و... بود.^۱

پیام امام خمینی (ره)؛ در تجلیل از رزمندگان اسلام و تبریک فتح خرمشهر، امام طی پیامی خطاب به ملت ایران فرمودند: «...سپاس بی حد بخداوند قادر که کشور اسلامی و رزمندگان متعهد و فداکار آن را مورد عنایت و حمایت خویش قرار داد و نصر بزرگ خود را نصیب ما فرمود. این جانب با یقین به آنکه مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ از فرزندان اسلام و قوای سلحشور مسلح، که دست قدرت حق از آستین آنان بیرون آمد و کشور بقیه الله الاعظم - ارواحنا لمقدمه الفداء - را از چنگ گرگان آدم خوار که آلت هایی در دست ابرقدرتان خصوصاً آمریکای جهان خوارند بیرون آورد و ندای الله اکبر را در خرمشهر عزیز طنین انداز کرد و پرچم پرافتخار لا اله الا الله را بر فراز آن شهر خرم - که با دست پلید خیانت کاران قرن به خون کشیده شده و خونین شهر نام گرفت - تشکر می کنم. و آنان فوق تشکر امثال من هستند. آنان به یقین مورد تقدیر ناجی بشریت و برپاکنده ی عدل الهی در سراسر گیتی - روحی لثراب مقدمه الفداء - می باشند. آنان به آرم ما رَمِيتَ إِذْ رَمِيتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى مفتخرند.

مبارک باد و هزاران بار مبارک باد بر شما عزیزان و نور چشمان اسلام این فتح و نصر عظیم که با توفیق الهی و ضایعات کم و غنائیم بی پایان و هزاران اسیر گمراه و مقتولین و آسیب دیدگان بدبخت که با فریب و فشار صدام تکریتی، این ابرجنایت کار دهر، به تباهی کشیده شده اند، سرافرازانه برای اسلام و میهن عزیز افتخار ابدی به هدیه آوردید. و مبارک باد بر فرماندهان قدرتمند که فرماندهان چنین فداکارانی هستند که ستاره ی درخشنده ی پیروزی های آنان بر تارک تاریخ تا نفخ صور، نورافشانی خواهد کرد. و مبارک باد بر ملت عظیم الشان ایران این چنین فرزندان سلحشور و جان بر کفی که نام آنان و کشورشان را جاویدان کردند. و مبارک باد بر اسلام بزرگ این متابعانی که در دو جبهه جنگ با دشمن باطنی و دشمنان ظاهری پیروزمندانه و سرافراز امتحان خویش را دادند و برای اسلام سرافرازی آفریدند.^۲

۱- کارنامه ی عملیات سپاهیان اسلام در هشت سال دفاع مقدس، ص ۲۵.

۲- صحیفه ی امام (ره)، ج ۱۶، ص ۲۵۷.

سپهد شهید علی صیادشیرازی نیز معتقد است که نبردی عظیم‌تر از عملیات بیت‌المقدس نداریم. وی می‌گوید: «عملیات بیت‌المقدس، عملیاتی است که عظیم‌تر از همه بوده و برایمان هم مانده. یعنی تمام منطقه‌ی عملیات تا پایان جنگ در دست خودمان ماند. از دو راهی کارون- بهمن‌شیر در جنوب تا محل تقاطع رودخانه‌ی نیسان تا هورالعظیم که سمت راست منطقه‌ی عملیات بود، ۱۷۰ کیلومتر طول جبهه‌ی ما بود. وسعت عملیات حدود ۶ هزار کیلومتر مربع بود، دشمن از آغاز تجاوز در این منطقه مستقر شده بود و بالاترین رقم اسیر در همین عملیات گرفته شد، حدود ۲۰ هزار نفر، می‌توانیم بگوییم بالاترین رقم غنائم جنگی در این عملیات به دست آمد، طولانی‌ترین نبردی که شبانه روز جنگیدیم و پیشروی کردیم در همین عملیات بود، حدود ۲۵ روز، هیچ عملیاتی نداشتیم که به این اندازه از پل تاکتیکی به این سرعت استفاده کنیم، ۵ پل شناور زده شد و حدود ۴۰ هزار نفر یک شبه عبور کردند و بیش از ۲ هزار خودرو سبک و سنگین و تانک و نفربر در همان شب عبور کردند. رهبر معظم انقلاب هم در نکته‌ی ظریفی فرمودند: پس از این عملیات، صحنه‌ی سیاست به نفع جمهوری اسلامی برگشت.»^۱

می‌توان گفت که در سال دوم جنگ صدام و مسئولین ارتش بعثی عراق در همه‌ی سطوح از ظهور یک قدرت جدید در قابلیت رزمی جمهوری اسلامی ایران غافلگیر شدند. آن‌ها نتوانستند درک کنند که این قدرت جدید نظامی چگونه در ایران بوجود آمد. آن‌ها مشاهده می‌کردند که توان ارتش جمهوری اسلامی تفاوتی نکرده است. بر تجهیزات جنگ افزارها و یگان‌های وی چیزی افزوده نشده است ولی در عین حال ترکیب جدیدی از توانمندی‌های نظامی در قدرت رزمی ایران پدید آمده است. درواقع این قدرت جدید، حضور نیروهای داوطلبانه‌ی مردمی در جبهه‌های جنگ بود که با نگرش امام خمینی به موضوع دفاع و برداشت‌های ایشان از مکتب دفاعی اسلام پدید آمده بود. داوطلبان بسیجی با کمک پاسداران، آموزش دیده و در سپاه سازماندهی شدند

و حجم عظیمی از یگان های رزمی جدید را بوجود آوردند که با انگیزه ی الهی و با تمام قوا در برابر دشمن می جنگیدند. از سوی دیگر سازمان جهاد سازندگی به عنوان یک قدرت بزرگ پشتیبانی و مهندسی توانست ده ها گردان عملیاتی را شکل دهد که پا به پای رزمندگان خط مقدم برای آن ها با احداث خاکریزهای تعجیلی و سنگرهای دفاعی امکان مقاومت در برابر دشمن را فراهم می آورد. وحدت نیروهای رزمنده و هماهنگی های مثال زدنی در سایه توکل بر خداوند متعال، عامل اصلی پیروزی در عملیات ها بوده است.

خرمشهر، در طول تاریخ چهار بار توسط قوای بیگانه اشغال شده است. این شهر اولین بار در سال ۱۲۵۳ هـ.ق (۱۸۳۷م) توسط دولت عثمانی، بیست سال بعد برای دومین بار در سال ۱۲۷۳ هـ.ق توسط قوای انگلیس، و در جریان جنگ دوم جهانی نیز انگلیسی ها بار دیگر با تعرض به خوزستان خرمشهر را به اشغال درآوردند تا بندر آن برای کمک رسانی به روس ها مورد استفاده متفقین قرار گیرد. چهارمین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۵۹ ش توسط ارتش بعث عراق به اشغال در آمد. در سه مورد اشغال قبل از انقلاب اسلامی، عنصر تعیین کننده در سرنوشت خرمشهر و آزادی آن شهر خرم، با منافع و اهداف ابرقدرت ها گره خورده بود، اما برای بار چهارم عنصر تعیین کننده و آزادسازی آن شهر مقاوم، اراده ی ملت ایران و رشادت، شهامت و ایثار رزمندگان اسلام بود که کارساز واقع شد و علی رغم میل ابرقدرت ها خونین شهر به خرمشهر تبدیل شد و از دست دشمن متجاوز پس گرفته و آزاد شد.

دستاوردهای جمهوری اسلامی تا فتح خرمشهر:

- آزادسازی بخش وسیعی از مناطق اشغال شده.
- انسجام سازمانی و تشکیلاتی در نیروهای مسلح.
- خود باوری و اعتماد به نفس در نیروهای مسلح و مردم.
- پدید آمدن احساس سلحشوری و مقاومت در برابر مشکلات.
- نشان دادن قدرت و توان رزمی نیروهای مسلح و مردم.
- آمادگی ادامه ی جنگ تا رسیدن به صلح شرافت مندانه.

- بوجود آمدن روح همکاری، صمیمیت، فداکاری، ایثار و از خودگذشتگی در جامعه، بین مردم، مسئولین و نیروهای مسلح.
- بوجود آمدن روح عزت و سرافرازی در بعد داخلی و دیپلماسی بین‌المللی.

(ب) راهبرد تنبیه متجاوز و رسیدن به شرایط صلح واقعی

باتوجه به پایان یافتن تقریبی مرحله اول و انجام چند عملیات موفق برای بیرون راندن دشمن از سرزمین‌های خودی، در بحث ادامه‌ی جنگ و یا ترک مخاصمه نقطه نظرات متفاوتی مطرح بود، بعضی معتقد بودند حالا که خرمشهر را از دشمن پس گرفته و سرزمین‌های تحت اشغال را آزاد کرده ایم و دشمن هم دم از آتش‌بس می‌زند، بهتر است ما نیز آتش‌بس را بپذیریم و به جنگ پایان دهیم. بعضی معتقد بودند دشمن از سر ناتوانی درخواست آتش‌بس کرده و اگر بتواند به بهانه‌ی آتش‌بس ارتش خود را بازسازی کند مجدداً به ایران حمله خواهد کرد. لذا برای رسیدن به نتیجه و تصمیم‌گیری صحیح و انتخاب راه مناسب برای چگونگی برخورد با دشمن بعثی، ابتدا بایست ابهامات و سوالات موجود در این مرحله را بررسی کرد، که بعضی از آن‌ها عبارتند از:

- آیا اراضی اشغال شده کاملاً آزاد شده است؟
 - آیا متجاوز تعیین و معرفی شده است؟
 - ضمانت عدم تجاوز مجدد چیست؟
 - آیا متجاوز مورد شتمات و تنبیه قرار گرفته است؟
 - خسارات وارده در این جنگ ویرانگر چه میزان است؟ مکانیسم تامین و پرداخت آن به چه صورت خواهد بود؟ پرداخت خسارت به عهده کیست؟
 - آیا شرایط ایران برای پذیرش آتش‌بس قبول شده است؟
- در جواب این سوال‌ها باید به دلایل ایران در ادامه‌ی جنگ پس از فتح خرمشهر و چرایی عملیات‌های برون‌مرزی و ورود به خاک عراق توجه نمود.
- پاسخ به این چرایی، مربوط به تحقق شرایط ایران در جنگ بود، که در صورت پذیرش آن شرایط، ایران نیز آتش‌بس را می‌پذیرفت و ترک مخاصمه می‌نمود. شناسایی و معرفی متجاوز، تنبیه متجاوز و پرداخت غرامت از سوی عراق حداقل خواسته و شرایط ایران برای پذیرش آتش‌بس در این مرحله بود.

دلایل ادامه‌ی جنگ پس از فتح خرمشهر و ورود به خاک عراق

در بحث دلایل ایران برای ادامه‌ی جنگ و ورود به خاک عراق پس از فتح خرمشهر در سال ۱۳۶۱، موارد و مسایل متعددی قابل بررسی است. ابتدا نظر آیت‌الله‌خامنه‌ای در سال ۱۳۶۵ بعنوان رئیس جمهور ایران، پس از آن به موارد دیگری اشاره می‌شود:

دلایل ادامه‌ی جنگ از زبان رهبر فرزانه‌ی انقلاب: «جنگ ما از آغاز به صورت دفاع شروع شد و تا این ساعت هم ما در حال دفاع هستیم. علت هم این است که حتی ورود ما به خاک عراق، در ادامه‌ی دفاع مقدس ماست. البته دشمن طبعاً مایل است که هنگامی که می‌تواند و احساس قدرت می‌کند، وارد مرزهای ما بشود، تا هر وقتی که می‌تواند در آن‌جا بماند، ویران‌گری بکند، تخریب بکند، افراد نظامی و غیرنظامی را به قتل برساند، زندگی را ناامن بکند، هر وقت هم که تاب نیاورد و نتوانست بماند، برگردد و داخل مرزهای خودش بشود و ما هم با فداکاری و با توانائی مردم، وقتی که توانستیم او را از مرزها بیرون برانیم، لب مرز بایستیم که نبادا وارد خاک دشمن بشویم و به حریم دشمن نبادا که قدم بگذاریم، این میل دشمن است.



اما عقل و منطق انسانی، همچنین احکام اسلامی به ما اجازه‌ی این را نمی‌دهند. ما دشمن را باید ببینیم که چگونه دشمنی است. یک وقت دشمنی است که آمده برای گرفتن یک تپه، تصرف یک رودخانه، یک موزی‌گری مرزی، بعد هم سرکوب می‌شود برمی‌گردد سرجایش و قضیه تمام می‌شود. این‌جا البته بعد از آنی که دشمن را ما راندیم مسئله تمام شده است. لکن یک وقت دشمن بنای بر قلدری و زورگوئی دارد. مسئله‌ی او با بیرون رفتن از مرزها، آن هم با قدرت‌نمایی نیروهای اسلامی و فداکاری‌های فراوان حل شده و تمام شده نیست. دشمن خیلی این را مغتنم می‌شمارد که وقتی قصد تجاوز

دارد و وارد خاک می‌شود، تا جایی که می‌تواند بماند، بعد هم که رفت بیرون، ما لب مرزها بایستیم او تجدید قوای خودش بکند و هنگامی که باز لازم دانست و مصلحت دانست برگردد، تجاوز خودش را آغاز کند.

اصولاً وارد شدن به حریم خاک دیگران دو نوع است: یک نوع این است که از روی تجاوز، به قصد تصرف و برای زورگوئی است؛ این تهاجم است، این تجاوز است. همان‌طور که عراق وارد خاک ما شد. دلیلی برای این کار نداشت. یک بهانه‌هایی همان اول ذکر کردند، اما حتی خودشان هم کاملاً واقف بودند و می‌دانستند که این‌ها بهانه است. دنیا هم این را فهمید. لذا بود که همه‌ی کسانی که توی مسئله‌ی جنگ وارد شدند، تا امروز هم بما می‌گویند، از اوائل هم به ما گفتند که ما می‌دانیم متجاوز کی است، این تجاوز است. یکجور وارد شدن به خاک دشمن هست که برای استتقاض حق است، برای گوشمال دادن به متجاوز است، برای حفظ امنیت است. برای تأمین مرزها از حوادث مشابهی بعدی از سوی همین دشمن هست، این را نمی‌شود گفت تجاوز.

بنابراین ما، تا وقتی که در پشت مرزهای خودمان می‌جنگیدیم که روشن بود داشتیم دفاع می‌کردیم از خاک خودمان. آن وقتی هم که وارد خاک عراق شدیم، باز به دنباله‌ی همین مسئله است. ما مجازات متجاوز و گوشمال دادن به متجاوز را یکی از هدف‌های ادامه‌ی جنگ ذکر کردیم و همین هم هست.

البته این را هم باید بگویم که هنوز در مرزهای ما، همه‌ی مناطق از دشمن پاکسازی نشده است. ما هنوز مناطقی را داریم که از جمله نفت‌شهر و بخشی از مراکز دیگر مرزی ما که هنوز در اختیار دشمن هست و ما ادامه‌ی جنگ‌مان ولو برای پس گرفتن این‌ها هم که باشد، یک عمل دفاعی است. اما وقتی این‌ها را هم پس بگیریم، ما دنبال کردن دشمن و رفتن داخل اعماق خاک او برای گوشمال دادن او، این را همه، دفاع از خود و مجازات متجاوز می‌شناسند. بنابراین دفاعی بودن این جنگ یک چیز واضحی است.

البته ما این را گفتیم بارها و همه هم این را قبول کردند از ما که ما قصد ماندن در این مناطق تصرف شده‌ی از عراق را نداریم. نه فاو، نه جزیره و نه هیچ نقطه‌ی دیگر، نقاطی نیست که ما این‌ها را برای خودمان و جزء خاک خودمان دانسته باشیم. نه این‌ها مال عراق است، مال مردم عراق است، مال هر رژیم صالحی است که بعدها بر سر کار

بیاید در عراق. فعلاً حرکت ما، حرکتی است که در دفاع از امنیت ما و در دفاع از آرامش و صلحی است که برای زندگی دو همسایه که ما و عراق باشیم، ضروری و لازم است»^۱.

۱- ادامه‌ی اشغال حدود ۲۵۰۰ کیلومترمربع از خاک ایران؛ باتوجه به همه‌ی ادعاهای رژیم بعث عراق مبنی بر عقب نشینی از مناطق اشغالی و حتی اعلام اینکه برای نشان دادن حسن نیت از خرمشهر نیز عقب نشینی کرده است! تا به این وسیله عملیات بزرگ نیروهای ایران را کم اهمیت قلمداد کند، لکن هنوز بخش‌های وسیعی از خاک ایران در حدود ۲۵۰۰ کیلومتر مربع در اشغال رژیم بعث عراق بوده است. شهرهای قصرشیرین، سومار، نفت‌شهر و مهران عملاً در اشغال ارتش بعث عراق است و امکان آزاد سازی این نقاط از راه مذاکره، غیرمعمول به نظر می‌رسید و راهی جز ادامه‌ی جنگ، وجود نداشت.

۲- تهدید اساسی مناطق و شهرهای مرزی ایران؛ با توجه به فاصله‌ی بسیار کم چند شهر عمده و اساسی ایران با عراق (خرمشهر، آبادان، بستان، دهلران، مهران، موسیان، سومار، نفت‌شهر و...) و شرایط ویژه در این مقطع حساس و مقطع پیش‌رو که احتمالاً آتش‌بس خواهد بود، عملاً شهرهای خرمشهر و آبادان از نظر مسکونی، صنعتی و تجاری بدون استفاده و هیچ گونه فعالیت در آنجا امکان‌پذیر نبود. در نتیجه امکان فعالیت‌هایی همچون بازسازی مجدد مناطق تخریب شده، شروع زندگی عادی شهروندی، ادامه‌ی تبادل بندری و کشتیرانی، بازسازی صنایع منهدم شده به ویژه پالایشگاه آبادان و صنعت توریسم و گردشگری وجود نداشت.

در نتیجه عملاً خرمشهر و آبادان اگرچه در اشغال ارتش بعث عراق نیست، اما با فاصله‌ی ۳۰۰ متری از خاک عراق و همچنین ۱۳ کیلومتری مرز شلمچه دائماً در اضطراب و نگرانی خواهند بود.

۳- عدم اطمینان به حکومت بعث عراق و شخص صدام؛ رژیم حزب بعث عراق بارها و بارها اثبات نموده بود که به هیچ یک از اصول انسانی و حقوق بشر پایبند نبوده

۱- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رئیس جمهور و رئیس شورای عالی دفاع در سال ۶۵، در گفتگو با خبرنگار صدا و سیما که در تاریخ ۱۳۶۵/۶/۲۹، در رابطه با دلایل ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر، بیان شده است. منبع:

و نیست و همچنین به کرات حقوق بشر و مقررات جامعه‌ی بین‌الملل را زیر پا گذاشته است. همچنان‌که این موضوع در آخر جنگ، مجدداً به اثبات رسید. زمانی که ایران قطعنامه‌ی ۵۹۸ را پذیرفت، عراق به دلیل قدرت گرفتن نیروهای نظامی‌اش دوباره بخش‌هایی از خاک ایران را اشغال کرد. علاوه بر آن ارتش عراق دست به جنایات خطرناکی مثل: حمله به مناطق مسکونی، حمله به تاسیسات اقتصادی و اجتماعی، حمله به نفتکش‌ها و کشتیرانی آزاد در خلیج فارس و از همه بدتر حمله‌ی شیمیایی در جنگ و علیه مناطق مسکونی ایران مثل سردشت، روستاهای مرزی و حتی مناطق مسکونی کردستان عراق همچون حلبچه، خورمال، دوجیله و ... نیز زد.

۴- تهدید بودن رژیم حزب بعث عراق بالفعل و بالقوه؛ با اینکه ارتش بعث عراق صدمات و لطامات فراوانی دیده بود و از طرفی تا آن زمان حدود ۵۰۰۰۰ نفر اسیر داده بود، اما با حمایت حامیان می‌توانست به سرعت کاستی‌های خود را ترمیم کند. پشتیبانی لجستیکی و اقتصادی را کشورهای عرب منطقه پذیرفته بودند. پشتیبانی سیاسی و اطلاعاتی مورد نیاز توسط سرویس‌های اطلاعاتی منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای تامین می‌شد. همچنین اقدامات عراقی‌ها در مناطق جنگی و حتی در صحنه‌ی جهانی، نشان می‌داد که آن‌ها نه تنها به دنبال صلح و آتش‌بس نیستند بلکه در صدد فراهم کردن شرایط یک حمله گسترده‌ی مجدد به ایران می‌باشند. از طرفی کاستی‌های نیروی انسانی آن رژیم نیز با بکارگیری نیروهای جیش‌الشعبی (ارتش مردمی) که با مسئولیت طه یاسین رمضان سازماندهی می‌شدند، قطعاً رفع می‌گردید. با توجه به اینکه مسئله‌ی اصلی حزب بعث عراق موضوع جنگ شده بود، با این پتانسیل، رژیم حزب بعث عراق همچنان تهدیدی بالفعل و بالقوه بشمار می‌رفت.

۵- استفاده از فرصت از هم‌گسیختگی ارتش عراق؛ موضوع مهم دیگری که در تصمیم جمهوری اسلامی ایران برای ورود به خاک عراق موثر بود، از هم‌گسیختگی ارتش عراق و عدم انسجام موجود میان مردم، ارتش و حکومت بعثی بود که کاملاً به چشم می‌خورد و این مسئله دورنمایی روشن را برای اقدام نظامی ایران ترسیم می‌کرد.

۶- نبود تضمین عدم تجاوز مجدد از سوی سازمان‌های بین‌المللی؛ با این‌که به‌ظاهر کشورهای منطقه و فرمانطقه‌ای در تلاش برای پایان دادن به جنگ بودند، نه تنها اراده‌ی کافی برای معرفی متجاوز را نداشتند، بلکه از ارائه‌ی تضمین‌های لازم جهت عدم تجاوز

مجدد نیز عاجز و ناتوان بودند. از این رو با توجه به حمایت‌های همه جانبه از صدام علفی، ارتش عراق را تقویت نموده و کاستی‌های آن را برطرف می‌کردند. تاجایی که توانستند استعداد سازمانی آن را به ۲ برابر زمان شروع جنگ برسانند، لذا دولتمردان ایران با در دست داشتن ابتکار عمل در مناطق عملیاتی و همچنین در شور و شادی پیروزی‌های گذشته سیر می‌کردند نگران این بودند که در صورت تن دادن به آتش‌بس بی‌ثبات در منطقه، پس از گذشت اندک زمانی ارتش عراق مجدداً با رفع نقائص و اشکالات گذشته‌ی خود مجدداً به ایران حمله کند. از این‌رو تضمین‌هایی از سوی کشورهای منطقه و سازمان‌های بین‌المللی و حامیان صدام، برای ایران لازم بود تا در مواقع خاص و بحرانی بتواند از آن‌ها استفاده کند، که وجود نداشت.

۷ - عدم تحقق شرایط ایران توسط شورای امنیت برای صلح؛ با نگاهی به عملکرد شورای امنیت و سازمان ملل و همچنین شورای همکاری خلیج فارس به این نکته پی می‌بریم که این سازمان‌ها با نگاه و عملکردی کاملاً جانبدارانه، تمام فشار سیاسی و اقتصادی و بعضاً حتی نظامی خود را به کمک رژیم حزب بعث عراق بکار گرفته‌اند. از این رو هیچ چشم‌امیدی به آنان نبود که بتوان از طریق مذاکره و گفتگو حقوق حقه‌ی ملت ایران استیفا شود. نگاهی گذرا به قطعنامه‌های صادره از سوی شورای امنیت، خود گواه همین ماجراست که شورای امنیت و سازمان ملل نه‌تنها هیچ حقی را برای جمهوری اسلامی قائل نیستند، بلکه به گونه‌های مختلف که در بیانیه‌ها و قطعنامه‌های صادره کاملاً مشهود است، به طرفداری از عراق برخاسته‌اند.

۸ - رهایی از شرایط نه جنگ، نه صلح؛ حامیان جهانی عراق می‌خواستند جنگ و تجاوز و ویرانی‌های بسیاری را که رژیم صدام بر ملت ایران تحمیل کرده بود، نادیده بگیرند و آن را طوری به سود عراق خاتمه دهند که گویا اصلاً تجاوزی در کار نبوده و حتی وضعیتی را ایجاد کنند که هرگاه خواستند، عراق را مجدداً به تجاوز وا دارند. و ایران را در حالت نه جنگ و نه صلح و در معرض تهدید دائمی قرار دهند. چون شرایط آتش‌بس تابعی از عرف بین‌المللی بوده که در این شرایط بدون قید زمان، طرفین نباید هیچ گونه اقدام عملیاتی از قبیل: ستون‌کشی، فعالیت مهندسی، افزایش نیرو در سطوح مختلف، تغییرات فیزیکی فنی مهندسی و ... انجام دهند. در این حال ورود به خاک

عراق، رهایی از شرایط نه جنگ و نه صلح بود که می‌توانست ایران را از این بن‌بست خارج سازد.

۹- تصرف مناطقی از عراق جهت ورود به مذاکره؛ پس از فتح خرمشهر فشارهای سیاسی برای قبول آتش‌بس به ایران زیاد بود.^۱ حامیان رژیم صدام گرد هم آمده بودند تا شرایط آتش‌بس را به ایران بقبولانند، سپس به پذیرش صلح تحمیلی مجبور نمایند. از آنجا که رفتن به پای میز مذاکره مستلزم داشتن امتیازات سیاسی و یا نظامی و یا هر چیز دیگری است که طرف مقابل را ملزم به پذیرفتن خواسته‌های طرف مقابل کند، از این نظر بعد از فتح خرمشهر هنوز بخش‌هایی از خاک ایران در دست عراق بود و به همین دلیل رژیم بعث عراق دارای امتیازاتی بود که ایران فاقد آن‌ها بود و این امر رفتن به پای میز مذاکره را سخت و شکست پذیر می‌نمود، لذا باید جمهوری اسلامی ایران دارای امتیازاتی بزرگ باشد تا در موقع مذاکره با دست پر حاضر شده و مجبور به پذیرش شرایط تحمیلی نباشد.

مناطق حیاتی و اثرگذار در جغرافیای مرز شرقی عراق عمدتاً شامل؛ اولاً منطقه‌ی شرق و شمال شرقی بصره و ثانیاً منطقه‌ی جنوب غربی اروندرود تا رسیدن به خورعبداله، پایگاه ام‌القصر، زبیر، بصره در امتداد اروندرود بود.

در آن مقطع زمانی بین دشمنان جهانی انقلاب اسلامی، استراتژی جنگ بدون برنده مطرح شده،^۲ ارتش عراق نیز دارای تجارب جنگی شده، حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی صدام در تلاش برای حفظ صدام و رژیم بعث عراق هستند و از هر گونه کمک مالی، تجهیزاتی، مستشاری و اطلاعاتی دریغ نمی‌ورزند و به‌طور کلی موازنه‌ی قوا تقریباً به نفع رژیم بعث عراق است.

در جبهه‌ی خودی هرچند تجارب جنگی، طراحی و انجام عملیات‌های بزرگ با اعتماد به نفس بالا با موفقیت انجام گرفته بود، اما به‌واسطه‌ی تحریم اقتصادی، محدودیت‌ها روزبه‌روز بیشتر و ابزار و تجهیزات نیز رو به کاستی نهاده و فرسوده‌تر

۱- دکتر رجایی خراسانی نماینده‌ی وقت ایران در سازمان ملل می‌گوید: «علی‌رغم قبول برتری ایران، تمامی اعضای شورای امنیت بر این مسئله پافشاری می‌کردند که ایران باید ابتدا آتش‌بس را بپذیرد.» (تجزیه تحلیل جنگ ایران و عراق ۲، ص ۲۵۰)

۲- گورباچف طی نامه‌ای به سران عرب، به آنان اطمینان داده بود که شوروی اجازه نخواهد داد عراق در جنگ با ایران شکست بخورد. (منبع: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، لایه‌های پنهان جنگ، ص ۹)

می شوند و با تحلیل رفتن توان، نیاز به برتری زرهی و نیروی هوایی کاملاً محسوس است. البته برتری نیروی دریایی ایران کاملاً شناخته شده است.

نتیجه گیری

با توجه به برتری زرهی و نیروی هوایی ارتش بعث عراق، و همچنین حمایت های بیش از پیش حامیان صدام، مدیریت دفاع مقدس بایستی تمام تلاش خود را به عمل آورد تا توانایی های ارتش بعث عراق را به حداقل رسانده و از تمام ظرفیت های موجود استفاده نماید و حداقل یک عملیات موفق با شرایط ویژه را به اجرا گذارد.

در صورت موفقیت در یک عملیات با شرایط خاص که اثرگذاری مناسب و قابل قبولی را در سطح منطقه و بین الملل داشته باشد، جمهوری اسلامی خواهد توانست با دست پر و از موضع برتری در مذاکرات شرکت نماید ولو این مذاکرات آتش بس بوده و هیچ نتیجه ای را هم در بر نداشته باشد، هر مقدار هم طولانی باشد مهم نیست چون رژیم بعث عراق در تنگنای زمان قرار گرفته، باید تلاش نماید تا امتیازات از دست رفته را با مذاکرات طولانی مدت بدست بیاورد.

شرایط اجرای عملیات در این مرحله از دفاع مقدس؛

- ۱- عملیات باید متکی بر نیروی پیاده باشد.
- ۲- اثر گذاری سیاسی و نظامی قابل قبولی را داشته باشد.
- ۳- از وسعت قابل ملاحظه ای برخوردار باشد.
- ۴- احتمال موفقیت آن بسیار بالا باشد.
- ۵- قدرت مانور ارتش بعث عراق در آن منطقه به حداقل برسد.
- ۶- برتری های ارتش بعث عراق در کمترین ظرفیت بهره برداری باشد.
- ۷- غیرقابل تصور برای دشمن بعثی باشد.

سلسله عملیات های عمده ی رزمندگان اسلام در مرحله ی تنبیه متجاوز

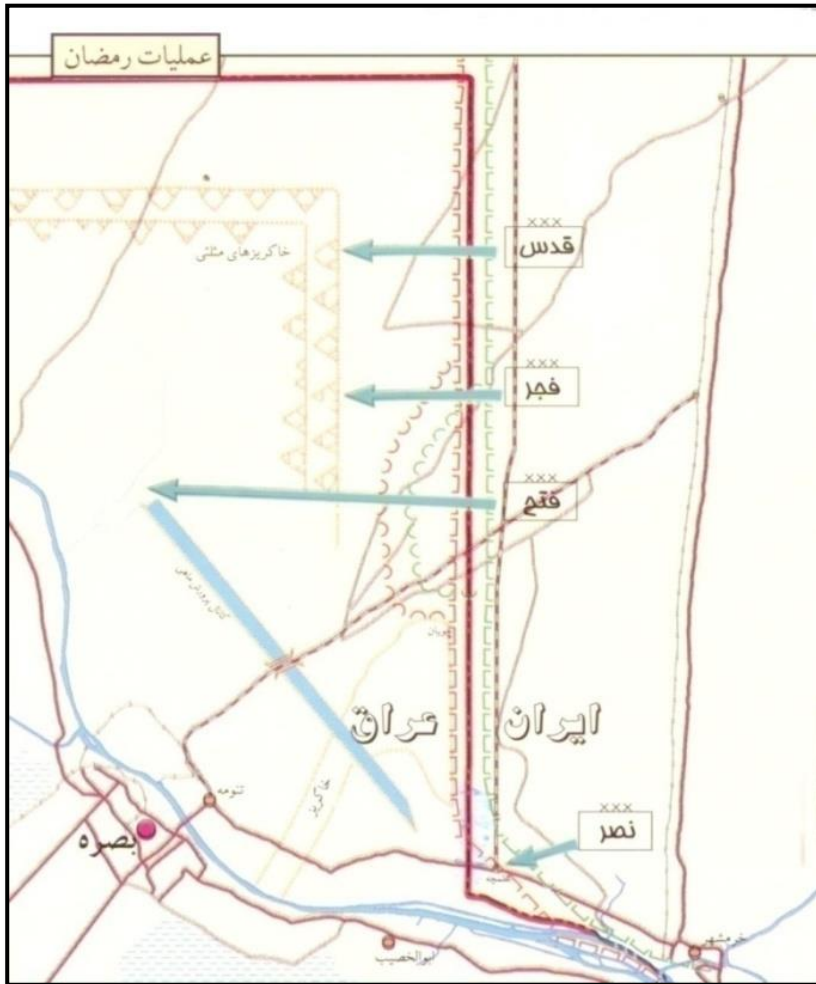
پس از فتح خرمشهر برتری سیاسی- نظامی ایران اثبات شد. رژیم بعثی عراق، به دلیل قرار گرفتن در موضع ضعف مسئله ی صلح را مطرح کرد. در حالی که هیچ تغییری در ماهیت رفتار سران این رژیم مشاهده نمی شد. در واقع پافشاری صدام مبنی بر عدم

پذیرش عهدنامه‌ی ۱۹۷۵م، پافشاری بر خواسته‌های نامشروع خود و حضور در بخشی از خاک ایران، تأیید این ادعا بود که وی به دلیل ضعف، صلح را طلب کرده است. علاوه بر آن، تصمیم‌گیرندگان سیاسی و فرماندهان نظامی ایران با توجه به برتری مطلق جمهوری اسلامی در این زمان، حاضر نبودند بدون دستیابی به حداقل امتیاز- که تنبیه متجاوز و گرفتن غرامت بود- قرارداد پایان جنگ را امضا کنند، زیرا افکار عمومی و آیندگان، این تصمیم را اقدامی غیرعقلانی تفسیر می‌کردند. به همین دلیل، با هدف تسلط بر موقعیت‌های استراتژیک عراق، با امید به این‌که در صورت موفقیت، امکان پایان پیروزمندانه‌ی جنگ فراهم شود، دست به یک سلسله عملیات آفندی زده شد.

عملیات رمضان: ۱۳۶۱/۴/۲۲

عملیات رمضان، اولین عملیاتی بود که در تیرماه ۱۳۶۱، با هدف انهدام نیروی دشمن و استقرار قوای نظامی ایران در شرق شط‌العرب و تسلط بر معابر وصولی بصره انجام شد.

سردار محسن رضایی، فرمانده اسبق کل سپاه در بخشی از سخنانش در جمع نیروهای عملیاتی و ستادی، علت نامگذاری این عملیات به رمضان و اهداف آن را این‌گونه بیان می‌کند: «... رمضان یعنی پاکسازی شیاطین چه پاکسازی شیاطین، از نفس انسان و چه پاکسازی شیاطین از اجتماع انسانی و صدام و حزب بعث باید پاکسازی شوند، اسمش را عملیات رمضان گذاشتیم و با رمز یامهدی (عج) هم شروع کردیم، که مسئولیت دارد از طرف خدا، این زمین را پاک کند... ما ۷۰٪ تاکتیکمان انهدام نیرو است و ۳۰ درصد زمین است. البته اگر بتوانیم زمین را هم بگیریم و بمانیم، برایمان خوب است، خیلی هم خوب است؛ اما هدف اصلی زمین نیست ولو آن قدر هم خوب باشد، هدف اصلی ما انهدام نیرو است»^۱

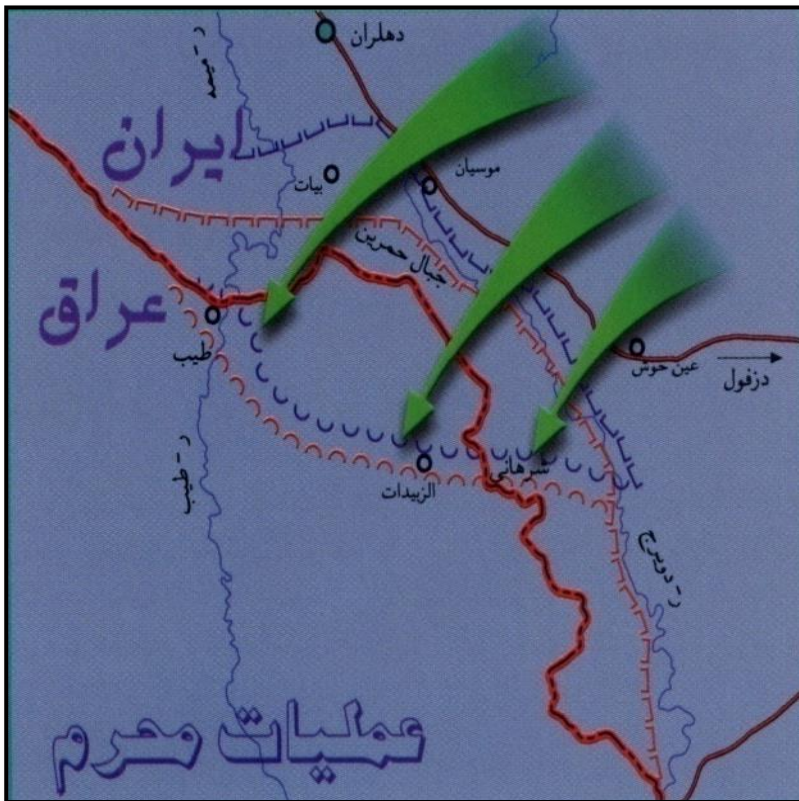


نقشه‌ی عملیات رمضان در منطقه‌ی شرق بصره

این عملیات با فرماندهی و مشارکت ارتش و سپاه پاسداران در ۴ مرحله انجام شد که در مرحله‌ی اول و دوم نیروهای ایران توانستند به مواضع دشمن حمله کرده و به تصرفات قابل توجهی دست یابند و توانستند حیرت استکبار جهانی و حامیان صدام را در پیشروی نیروهای ایرانی به خاک عراق برانگیزند. هرچند این عملیات باعث انهدام بخش وسیعی از نیرو و تجهیزات دشمن شد اما ایران به تمام اهداف از پیش تعیین شده خود نرسید.

عملیات محرم: ۱۳۶۱/۸/۱۰

این طرح و عملیات در تداوم و تکمیل عملیات فتح‌المبین و برای رسیدن به مرزهای بین‌المللی در منطقه‌ی فکه تا شریانی و بیات به مرحله‌ی اجرا در آمد. هدف در این عملیات ضربه زدن به نیروهای نظامی عراق، رسیدن به مرز بین‌المللی و تصرف ارتفاعات سرکوب، در مرز بین دو کشور بود. در این عملیات رزمندگان اسلام موفق شدند ارتفاعات ۴۰۰، ۲۹۸، پل چم‌سری، حوزه نفتی عنبر و منطقه‌ی موسیان را آزاد کنند و به اکثر اهداف از پیش تعیین شده‌ی خود دست یافتند.



نقشه‌ی عملیات محرم در منطقه‌ی موسیان و جبال حمرین

با پیروزی در عملیات محرم، تا اندازه‌ای جو ناشی از عدم موفقیت در عملیات رمضان تغییر کرد و نیروهای خودی نسبت به اقدامات بعدی امیدوارتر شدند.

والفجر مقدماتی: ۱۳۶۱/۱۱/۱۷

این طرح و عملیات در منطقه‌ی فکه تا چزابه با وسعت حدود ۳۰۰ کیلومتر مربع توسط ارتش و سپاه به مرحله‌ی اجرا درآمد، هدف در این عملیات انهدام نیروهای دشمن بعثی، رسیدن به مرز بین‌المللی و تصرف بخشی از خاک عراق در استان العماره بود. هرچند اهداف عملیات به طور کامل محقق نشد، اما باعث آزادسازی تعدادی پاسگاه و انهدام نیرو و تجهیزات دشمن در منطقه‌ی عملیاتی شد.

نتایج عملیات عبارت است از:

- ۱- پاسگاه‌های ایرانی سوبله، صفریه، رشیدیه، طاووسیه و پاسگاه‌های عراقی وهب، کرامه و صفریه آزاد شدند.
- ۲- پنج فروند هواپیما، بیش از ۸۰ دستگاه تانک و نفربر، بیش از ۱۲۰ دستگاه خودرو و تعداد زیادی سلاح سبک و سنگین دشمن منهدم شد.
- ۳- در این عملیات ۴۵۰۰ نفر از افراد دشمن کشته و زخمی، همچنین ۱۲۰ نفر از متجاوزین به اسارت درآمدند.^۱

عملیات والفجر ۱: ۱۳۶۲/۱/۲۱

این طرح و عملیات با هدف آزاد نمودن بخش دیگری از سرزمین‌های اشغالی و رسیدن به مرزهای بین‌المللی در منطقه‌ی فکه تا شریانی و همچنین رسیدن به ارتفاعات سرکوب در منطقه‌ی عماره، در ادامه‌ی عملیات محرم به مرحله‌ی اجرا درآمد. انهدام نیروهای دشمن، تضعیف توان نظامی عراق و استقرار در منطقه‌ی مسلط بر خاک عراق نیز مد نظر بود.

نیروهای عمل کننده در این عملیات، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی بودند. عملیات در منطقه‌ای به وسعت ۱۵۰ کیلومتر مربع به مرحله‌ی اجرا درآمد.

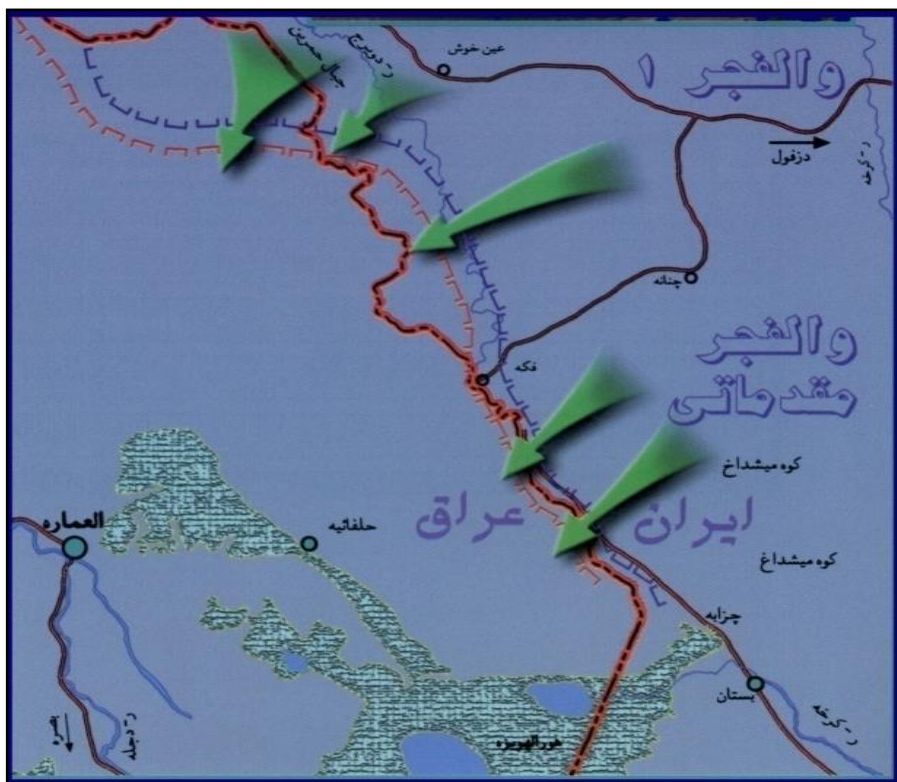
نتایج عملیات عبارت است از:

- ۱- آزادسازی چندین روستا در حاشیه‌ی رودخانه‌ی دوایرج، ارتفاعات ۱۱۲ و ۱۴۵ و ۱۴۳ در منطقه‌ی حمربین و پاسگاه پیچ‌انگیزه.

۱- کارنامه‌ی عملیات سپاهیان اسلام در هشت سال دفاع مقدس، ص ۳۵.

۲- ده‌ها دستگاه خودرو، ۹۸ دستگاه تانک و نفربر و ۵ فروند بالگرد دشمن منهدم شدند.

۳- تعداد ۲۵۰ نفر اسیر و ۶۵۰۰ نفر از افراد دشمن کشته و زخمی شدند.^۱



نقشه‌ی عملیات والفجر مقدماتی و والفجر ۱ در منطقه‌ی فکه

عملیات خیر: ۱۳۶۲/۱۲/۳

وقتی عملیات بیت‌المقدس انجام گرفت و خرمشهر آزاد شد، دشمن بعضی از مناطق اشغالی ایران را تخلیه کرد. با تغییر نگرش در استراتژی و عقب‌نشینی تاکتیکی، از حالت تهاجمی و استقرار در سرزمین‌های اشغالی، به استراتژی دفاع از سرزمین‌های خودش تغییر وضعیت داد و نیروهایش را به نوار مرزی و روی ارتفاعات منتقل کرد. سردار

احمد غلامپور نیز در تحلیل عملیات بدروخیبر گفت: «با این اقدام؛ اولاً دشمن پذیرفت آن اهداف و آمال و آرزوهایی که در ارتباط با اشغال خوزستان و تضعیف انقلاب اسلامی دنبال می‌کرد، دیگر توانش را ندارد.

نکته‌ی دوم این که دشمن ناچار بود در یک تراکم پرحجم، نیروهای خودش را در شرق بصره متمرکز کند و جلوی رزمندگان اسلام را بگیرد؛ چون به‌وضوح می‌دانست گام بعدی ما در واقع ورود به شرق بصره و رفتن به سمت بصره است. لذا با یک اقدام عجیب، بیش از دو سوم ارتش خودش را به شرق بصره منتقل کرد و آنجا متمرکز نمود. دشمن، خط پدافندی خودش را ترمیم کرد، یک سر و سامانی داد، و در یک وضعیت ژئوپولیتیکی و جغرافیایی خاصی نیروهایش را مستقر کرد. در اصلاح ساختار پدافندی خود، ابتدا یک مجموعه اقدامات مهندسی بسیار وسیع و حساب شده و بعضاً علمی در جبهه‌ها انجام داد. از جمله کانال‌های بسیار وسیع و طولانی ایجاد کرد و درون آن‌ها آب و موانع متعدد ریخت. دومین کاری که انجام داد استفاده از میادین مین و سیم خاردارها و موانعی که مکمل هم بودند بود. علاوه بر آن نیروهای کمین، گشتی و رزمی خود را تقویت کرد.

یک اقدام دیگری که دشمن با همکاری و مهارت کارشناسان برجسته‌ی نظامی غربی، صهیونیستی و روسی بود در مهندسی واقعاً کار بی‌نظیری انجام داد. در مجموع کار مهندسی، در، سنگر و موانع دفاعی با اشکال مهندسی مثلاً مثلثی شکل، نونی شکل و چیزهای دیگری که با یک حجم امکانات بالای مهندسی باید انجام می‌شد این‌ها را در کمتر از شش ماه انجام داد.

کار دیگری که دشمن انجام داد و در اصلاح ساختار دفاعی‌اش مؤثر بود این بود که با بسیج نیروهای مردمی و به اصطلاح خودشان جیش الشعبی، آمد ۸۰ تا تیپ تشکیل داد. همه‌ی این یگان‌ها را در خط مقدم مستقر کرد. در واقع حدود سه رده دیوار گواشی جلوی ما ایجاد کرد، برایش هم مهم نبود که ما وقتی حمله می‌کردیم بخش زیادی از آن‌ها تلفات می‌دادند، مهم این بود که ما از شب که به دشمن حمله می‌کردیم تا صبح با این دیوار گواشی با آن موانع و استحکامات، با آن کانال‌ها، با آن همه میادین مین، شکل‌های مهندسی عجیب و غریب مواجه می‌شدیم تا صبح، نیروی رزمنده خسته و

منطقه‌ی جنگ با عراق را به طور موقت تغییر دهیم و اینکه اگر قرار است برویم به سمت بصره مسیرهای دیگری را امتحان کنیم، چون وضعیتی که در شرق بصره وجود داشت قابل تغییر نبود. با شرایطی که داشتیم، بنا شد حد فاصل چزابه و فکه طرح‌ریزی کنیم و عملیاتی را به طور جدی و بزرگ طراحی کنیم و به سمت العماره پیش برویم. در آنجا عملیات والفجر مقدماتی و بعد از آن، علیات والفجر ۱ انجام شد که در هر دو عملیات با عدم موفقیت مواجه شدیم. با توجه به تغییر ساختار دفاعی عراق، ما دچار یک بن بست شده بودیم. لذا برای خروج از بن بست باید یک کاری صورت می‌گرفت. از آن پس سردار محسن رضایی شهید علی هاشمی را مأمور شناسایی هورالعظیم، در منطقه‌ی عمومی جنوب غربی اهواز، حد فاصل چزابه تا شلمچه کرد. در یک مدت زمان نسبتاً کوتاه و قابل توجه نیروهای اطلاعاتی، توانستند منطقه را از همه نظر شناسایی کنند. خوشبختانه به دلیلی که در آن منطقه واقعاً سوت و کور بود، یعنی اصلاً جزء جبهه‌ی جنگ محسوب نمی‌شد و به لحاظ وضعیت باتلاقی اصلاً دشمن به آن هیچ توجهی نداشت و در ذهنش هم اصلاً خطور نمی‌کرد که یک روزی نیروهای اسلام بخواهند از این محور و از این مسیر و از این زمین نامناسب حمله کنند. با تمام برآوردهایی که در مناطق جنگی به عمل آمده بود، در آن شرایط بهترین منطقه برای عملیات همین منطقه‌ی هورالعظیم و جزایر مجنون شناخته شد.^۱

این طرح و عملیات متکی به اصل غافلگیری بوده و غیرقابل تصور برای دشمن، همچنین کاملاً متکی به نیروهای پیاده بود که بدین وسیله از بیشترین ظرفیت نیروهای خودی استفاده شده است. از طرفی کارایی رزمی و زرهی دشمن در این منطقه به حداقل می‌رسید.

هدف از انجام این عملیات پاکسازی هورالعظیم تا مرز بین‌المللی و قطع ارتباط شمال و جنوب مناطق عملیاتی عراق و همچنین تصرف این مناطق بخصوص جزایر نفتی مجنون شمالی و جنوبی در جنوب شرقی عراق بود. در این عملیات رزمندگان

اسلام با تصرف جزایر مجنون^۱ و نصب پل شناور ۱۳ کیلومتری خیبری^۲ - که در دنیا بی نظیر بود- به بخش وسیعی از اهداف خود دست یافتند. با همه‌ی کم و کاستی‌ها و علم به سختی عملیات، رزمندگان توانستند مقاومت دشمن را بشکنند، وارد خاک عراق شوند، بخشی از خاک آن را تصرف و نگه دارند. به همین خاطر است که دشمن برای جبران شکست خود، برای اولین بار در جنگ، به صورت گسترده از سلاح‌های شیمیایی استفاده می‌کند، در جزایر مجنون بمب شیمیایی می‌ریزد، اما علی‌رغم پاتک‌های متعدد و سنگین، دشمن موفق به باز پس‌گیری جزایر نمی‌شود و به شکست خود اعتراف می‌کند.



یک تابلو تبلیغاتی در حاشیه‌ی هورالعظیم در نزدیکی جزایر مجنون

دستاوردهای عملیات خیبر؛

عملیات خیبر دارای دستاوردهای متفاوتی بود، ضمن این که این باور را برای رزمندگان اسلام ایجاد کرد که ما می‌توانیم در شرایط بسیار سخت و در زمینه‌های متفاوت و در جغرافیایی که به لحاظ نظامی خیلی نمی‌شود تعریف منطقی برایش کرد، وارد شویم. ورود ما به خیبر باعث شد که بعدها بتوانیم در فاو وارد شویم، در کربلای ۵ وارد شویم؛ و این اراده در آنجا شکل گرفت.

۱- جزایر مجنون حدود ۱۶۰ کیلومترمربع مساحت و دارای ۵۰ حلقه چاه نفت بودند.

۲- مقصود از پل خیبری همان پل شناور ۱۳ کیلومتری‌ای است که در عملیات خیبر ساخته و روی آب‌های هورالعظیم نصب شد. این پل منطقه‌ی خشکی که سربازان ایرانی در آن مستقر بودند را به جزایر مجنون وصل کرد.

بنابراین، عملیات خیبر عملیاتی بود که شاید مهم ترین دستاوردش شکست بن بست جنگ بود؛ شکست اراده ی دشمن بود، در واقع بالا رفتن روحیه و اراده ی رزمندگان بود. هرچند سپاه پاسداران عملیات خیبر را اداره می کرد، اما جهادسازندگی و بخش وسیعی از امکانات ارتش جمهوری اسلامی در منطقه ی عملیاتی حضور فعال داشت و در پیش برد عملیات شجاعانه اقدام می کردند، به خصوص بخش هوانیروز، نیروی هوایی، یگان های توپخانه و پدافند هوایی

عملیات بدر: ۱۳۶۳/۱۲/۲۰

این طرح و عملیات در ادامه ی عملیات خیبر در منطقه ی هورالعظیم به اجرا درآمد. این طرح نیز کاملاً متکی به نیروهای پیاده و استفاده از تجربیات عملیات خیبر بود که امکان بهره برداری از بیشترین ظرفیت نیروهای خودی را به همراه داشت. در این منطقه قدرت مانور و کارائی رزمی و زرهی دشمن به حداقل می رسید. هدف از انجام آن تکمیل عملیات ناتمام خیبر و تصرف جاده ی بصره - عماره و حضور در شرق دجله به منظور ادامه ی عملیات در مراحل بعد، به سمت بصره بود.^۱ و همچنین اشغال این مناطق تا ساحل رودخانه ی دجله در جنوب عراق حدفاصل القرنه تا العزیر بود که البته به طور کامل محقق نشد.

موضوع مطرح و مهم همزمان با عملیات بدر، جنگ شهرها بود که گسترش زیادی پیدا کرده بود و در مدت یک ماه ونیم (سوم اسفند ۶۳ تا ۱۷ فروردین ۶۴) ۲۹ شهر و چند روستای ایران ۱۱۸ بار مورد اصابت بمب و موشک عراق قرار گرفتند که بر اثر این حملات، ۱۲۲۷ تن شهید و ۴۶۸۲ تن مجروح شدند و خسارات مالی فراوانی به بار آمد.^۲

۱- حسین اردستانی، تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق ۳ (تنبیه متجاوز)، ص ۱۱۲.

۲- همان، ص ۱۲۰.



منطقه‌ی عملیاتی بدر

البته راهپیمایی مردم مقاوم ایران در روز قدس همان سال که هم‌زمان با حملات موشکی عراق به شهرها بود، با چنان استقبالی از جانب مردم روبه‌رو شد که باور نکردنی بود. این اقدام، ضمن پایان دادن به جنگ شهرها، پاسخ به عناصر مخالف ادامه‌ی جنگ بود که پس از عدم‌الفتح عملیات بدر زمینه اظهار نظر پیدا کرده بودند.

موشک جواب موشک

از صحنه‌های دردناک و در عین حال نمونه‌ی بارز نقض حقوق بشر از سوی رژیم بعثی عراق، حمله‌های مکرر به مناطق مسکونی ایران است که «جنگ شهرها» نامیده شده است. پس از ناکامی نظامی، سیاسی و روانی در جبهه‌های جنگ، سردمداران این رژیم با هدف کسب امتیازات و تحمیل شرایط خود، به کشاندن جنگ به شهرها و مناطق مسکونی مبادرت ورزیدند.



لحظه‌ی شلیک موشک زمین به زمین

در جواب جنگ موشکی عراق علیه مناطق مسکونی، مردم ایران به صورت خودجوش با شعار «موشک جواب موشک» از مسئولین درخواست می‌کردند که جواب مناسب را به عراق بدهند. در تاریخ ۱۳۶۳/۱۲/۲۱ اولین موشک ایران به کرکوک شلیک شد. دومین موشک هم در بامداد ۱۳۶۳/۱۲/۲۳ به بانک رافدین بغداد اصابت کرد و موشک بعدی در باشگاه افسران ارتش عراق در بغداد فرود آمد و حدود ۲۰۰ نفر از فرماندهان عراقی را به هلاکت رساند.

سردار سرتیپ یعقوب زهدی، در رابطه با شلیک موشک به بغداد می‌گوید: «وقتی که بنا شد اولین موشک خود را برادران سپاه به سمت بغداد شلیک کنند، با سردار حسن تهرانی مقدم به کرمانشاه رفتیم. مقدمات کار فراهم شد و باشگاه افسران بغداد را هدف گرفتیم. مرحوم شهید مقدم پیشنهاد کرد، اول دعای توسل بخوانیم و بعد از دعا به زبان فارسی با خدا صحبت کرد و گفت: «خدایا ما نمی‌خواهیم مردم عراق را بکشیم. ما می‌خواهیم نظامیان را از بین ببریم که هم ما و هم عراقی‌ها را می‌کشند. خدایا این موشک را به باشگاه افسران بزن». موشک شلیک شد و همه پای رادیو نشستیم. پس از چند دقیقه رادیو بی‌بی‌سی اعلام کرد موشک، باشگاه افسران بغداد را منهدم کرده و تعداد زیادی از افراد حاضر در آن کشته شده‌اند. من پیشانی شهید مقدم را بوسیدم و گفتم این

به هدف خوردن موشک نتیجه‌ی اخلاص و پاکی تو بود.»^۱ پس از اقدامات مقابله به مثل ایران و زدن چند موشک به مناطق حساس بغداد، دبیرکل وقت سازمان ملل متحد در پیامی از دولت‌های ایران و عراق درخواست کرد تا از حمله به مناطق مسکونی در خاک یکدیگر خودداری کنند. ایران بر اساس سیاست خودداری از گسترش جنگ به مناطق غیرنظامی و برای رعایت حقوق انسان دوستانه، به تقاضای دبیر کل وقت پاسخ مثبت داد و رژیم عراق نیز موافقت خود را اعلام کرد. و بدین ترتیب تا مدتی جنگ شهرها متوقف شد. اما پس از مدتی، رژیم عراق بارها این توافق را نادیده گرفت و مناطق مسکونی ایران در شهرهای مختلف را با بمب و موشک مورد هدف قرار داد.

پس از عملیات بدر، جنگ از نظر سازمان عمل کننده، به دو بخش سپاه و ارتش تقسیم شد. سلسله عملیات‌های محدود قدس، عاشورا و ظفر که به ترتیب، سپاه و ارتش به انجام رساندند از جمله پیامدهای این خط‌مشی جدید بود. با این تفکیک، مقرر شد هریک از دو سازمان طرح‌های عملیاتی خود را به فرماندهی عالی جنگ ارائه داده و با توجه به نیازهای خود، میزان کمک از سازمان دیگر را معین کنند. هرچند دو سازمان دارای طرح‌های عملیاتی جداگانه بودند اما در مواقع نیاز به یکدیگر کمک‌رسانی می‌کردند.

سلسله عملیات‌های محدود، با اهداف آزادسازی مناطقی از خاک میهن، ایجاد تحرک در جبهه‌ها، حفظ روحیه‌ی تهاجمی، قراردادن دشمن در حالت یأس و نومیدی، مختل کردن ماهواره‌های اطلاعاتی، فریب و جلوگیری از تمرکز دشمن در نقاط حساس و شناسایی مناطق عملیاتی و نشان دادن عزم و اراده‌ی رزمندگان در تعقیب متجاوز، حدود یک‌سال تا عملیات والفجر ۸ ادامه داشت و باعث شده بود که ابتکار عمل را از دشمن گرفته و نگذارند دست به اقدام آفندی خاصی بزنند.

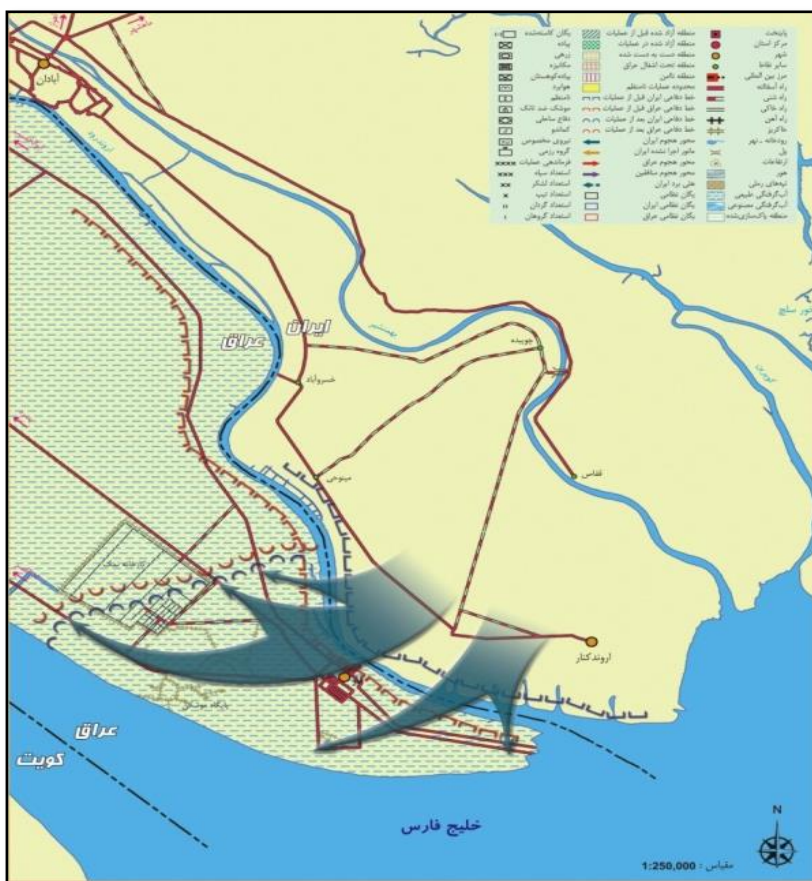
عملیات والفجر ۸: ۱۳۶۴/۱۱/۲۰

در دوران دفاع مقدس، عملیات‌های زیادی به منظور بیرون راندن ارتش متجاوز بعثی عراق از سرزمین‌های اشغالی ایران و نیز برای ایجاد فشار نظامی بر قوای دشمن، جهت پایان دادن به جنگ تحمیلی انجام شده است. برخی از این نبردها در ادامه‌ی تلاش برای دفع تجاوز قوای بعثی، در خاک دشمن صورت گرفته است. یکی از عملیات‌های بسیار مهم، هم از نظر تعیین استراتژی عملیاتی مناسب و هم از نظر بکارگیری تاکتیک‌های اجرایی بسیار دقیق و همچنین ارزش تعیین کننده‌ی سیاسی و نظامی، عملیات حمله‌ی قوای اسلام به شبه جزیره‌ی فاو در خاک عراق بوده است. طبیعتاً طرح‌ریزی چنین عملیاتی و نیز سایر نبردهایی که در سرزمین دشمن به وقوع پیوسته است، برای فتح نظامی کشور عراق نبوده، بلکه هدف اساسی آن‌ها رساندن دشمن به نقطه‌ای بوده است که از ادامه‌ی تحمیل جنگ بر ایران پشیمان گشته و در آینده نیز تصور انجام چنین اقداماتی را در ذهن خود نپروراند.



خط شکنان غواص در عملیات والفجر ۸

مهم‌ترین هدف عملیات فتح فاو، دستیابی به یک پیروزی قاطع از نظر نظامی در آن شرایط زمانی در جبهه‌های جنگ بود تا بدینوسیله دولتمردان و سیاستمداران کشور برای حل مسئله‌ی جنگ و پایان دادن به نبردها از راه سیاسی، بتوانند از قدرت عمل بیشتری برخوردار شوند. آقای هاشمی رفسنجانی در صفحه‌ی ۸۸ کتاب «بی‌پرده با هاشمی رفسنجانی» می‌گوید: «فاو یکی از عملیات‌هایی بود که برای ختم جنگ طراحی کرده بودیم. هدف، هم این بود که از جاده‌ی ساحلی به ام‌القصر برویم»^۱



منطقه‌ی عملیاتی والفجر ۸

نبرد فاو در ششمین سال جنگ تحمیلی و در روز ۲۰ بهمن سال ۱۳۶۴ در مرز جنوبی استان خوزستان و در جنوب جزیره آبادان، بر روی رودخانه‌ی خروشان اروند به سمت شبه جزیره فاو، انجام گرفت.

در اهمیت عملیات والفجر ۸ همان بس که باعث عکس العمل ابرقدرت‌های شرق و غرب شده و پیروزی ایران در جنگ را خطری بزرگ برای خود محسوب کردند، در این رابطه شولتز وزیر خارجه‌ی آمریکا اعلام کرد: «میان دو ابرقدرت برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق، ابتکار تازه‌ای در جریان است. واشنگتن و مسکو به این نتیجه رسیدند که پایان یافتن جنگ به نفع آمریکا و شوروی است.»^۱

بعضی نتایج حاصله از عملیات والفجر ۸ عبارت بودند از:

۱- تصرف کامل اروندرود و بخش انتهایی آن، تسلط بر سکوه‌های نفتی عراق.
۲- تأمین امنیت کشتیرانی در شمال خلیج فارس و کمک به افزایش امنیت در جزیره نفتی خارک.

۳- تأمین خورموسی و امکان تردد کشتیرانی امن به بندر امام خمینی (ره).^۲

۴- تصرف شهر فاو و تأسیسات بندری آن.

۵- تهدید بندر ام‌القصر، محل استقرار ناوگان نیروی دریایی عراق.^۳

۶- انهدام و یا تصرف سکوه‌های پرتاب موشک‌های ضد سطحی HY2 در رأس البیشه، انتهای بندر فاو.^۴

۷- انسداد مسیر تردد ناوگان نظامی و تدارکاتی رژیم بعثی عراق به خلیج فارس از طریق خور عبد الله.

۸- ایجاد فشار روانی بر کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس برای قطع حمایت‌های مالی، نظامی، سیاسی و تبلیغاتی از رژیم صدام.

۱- حسین اردستانی، تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق ۳ (تنبیه متجاوز)، ص ۱۸۵.

۲- لازم به ذکر است که در آن ایام، بندر امام خمینی (ره) بزرگترین بندر وارداتی کالاهای اساسی و بازرگانی ایران در خلیج فارس بود و کشتی‌های تجاری زیادی به آن تردد می‌کردند.

۳- این بندر که در نزدیکی مرز عراق با کویت و در انتهای خور عبدالله قرار داشت، تنها بندر فعال عراق بود که علاوه بر استقرار ناوچه‌های جنگی اوza در آن، برخی از کشتی‌های تجاری نیز به آن تردد می‌کردند.

۴- این موشک‌ها که به نام کرم‌بریشم خوانده می‌شد، دارای حدود نود کیلومتر برد بود و می‌توانست دهانه‌ی خورموسی را برای کشتی‌های عازم به بندر امام خمینی و بندر ماهشهر، ناامن نماید.

بالاخره عملیات والفجر ۸ پس از ۷۵ شبانه روز نبرد جانانه، با تصرف شهر بندری فاو تنها نقطه‌ی اتصال عراق به خلیج فارس، به عنوان طولانی‌ترین و ماهرانه‌ترین عملیات، بیشترین تلفات^۱ را بر ارتش متجاوز عراق تحمیل نمود و باعث نوشتن پیش-نویس قطعنامه‌ی ۵۹۸ شد، البته علی‌رغم پیروزی‌های خیره‌کننده‌اش ناقص به پایان رسید.

عملیات کربلای ۱: ۱۳۶۵/۴/۱۰

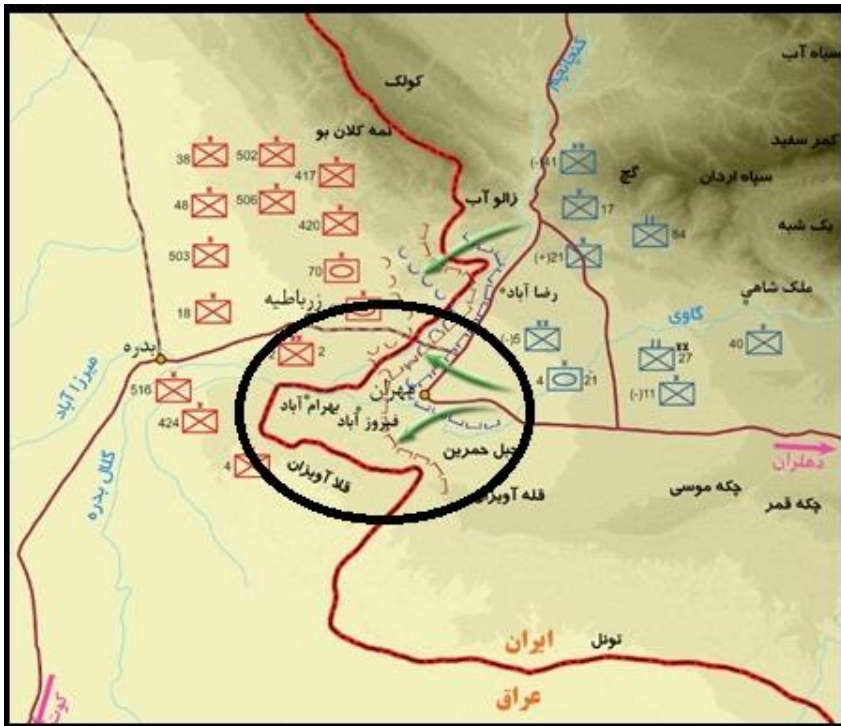
به دنبال عملیات غافلگیرکننده‌ی والفجر ۸ و تصرف بندر استراتژیک فاو توسط رزمندگان اسلام و به‌هم خوردن توازن سیاسی- نظامی به نفع جمهوری اسلامی، رژیم عراق شیوه‌ای جدید برگزید و درصدد فعال شدن در جبهه‌ی زمینی و موضع تهاجمی برآمد و این استراتژی را بعد از اشغال مهران (در تاریخ ۶۵/۲/۲۸) با عنوان «استراتژی دفاع متحرک» نامگذاری کرد.

رژیم بعثی عراق می‌کوشید تا با ادامه‌ی عملیات‌های خود، نقاط دیگری را تصرف کند. ادامه‌ی چنین وضعیتی می‌توانست عواقب وخیمی را هم از بُعد نظامی و هم از بُعد سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران به دنبال داشته باشد. بر همین اساس، برای مقابله با حرکت جدید عراق انجام عملیاتی برای آزادسازی شهر مهران و ارتفاعات آن مورد تاکید قرار گرفت.

از هنگام شروع تهاجم جدید ارتش عراق، وحدت و هم دلی نیروهای رزمنده‌ی ایرانی به شکل زیبایی جلوه‌گر شد و برادران ارتشی، سپاهی و بسیج مردمی پا به پای هم در مقابل تهاجم دشمن به مقاومتی دلیرانه دست زدند.

در جواب یاوه‌گویی‌های صدام، حدود شش هفته از اشغال مهران گذشته بود که رزمندگان اسلام دست به عملیات غرورآفرین کربلای ۱ زدند. این عملیات در تاریخ ۱۳۶۵/۴/۱۰ به‌وسیله‌ی نیروهای سپاه پاسداران و با حمایت قدرتمندانه ارتش جمهوری اسلامی انجام گرفت. طی ۷ روز نبرد سنگین رزمندگان اسلام موفق شدند شهر مهران و حومه‌ی آن را از دشمن بعثی بازپس گیرند و تا نزدیکی شهر بدره عراق پیشروی کنند.

۱- در این عملیات بیش از پنجاه هزار نفر عراقی کشته و زخمی و دوهزار نفر اسیر شدند و ۷۴ فروند هواپیما، ۱۱ فروند بالگرد، ۷ فروند ناوچه‌ی جنگی، ۶۰۰ دستگاه تانک و... عراق منهدم شدند. (منبع: کارنامه‌ی عملیات سپاهیان اسلام در هشت سال دفاع مقدس، ص ۶۹)



نقشه‌ی منطقه‌ی عملیات کربلای ۱

عملیات موفق کربلای ۱، پایانی بر استراتژی دفاع متحرک عراق و نیز نقطه‌ی شروع امیدوار کننده‌ای برای نیروهای خودی جهت انجام عملیات‌های بعدی بود. در این عملیات، دشمن متحمل خسارات سنگین شد. همچنین تلفات زیادی از جمله ۱۴۰۰ اسیر و حدود ۹۰۰۰ نفر کشته و زخمی داد و باعث منفعل گشتن سیاست تهاجمی عراق نیز شد. سرعت عمل، اعتماد به نفس و اعتقادات قلبی رزمندگان، حفاظت اطلاعات، فریب دشمن، تناسب نیروها با طرح عملیات، انجام اقدامات مهندسی لازم، از جمله‌ی عوامل بارز و موثر در این عملیات بود. شعار رزمندگان پیروز این بود: «مهران آزاد شد - قلب امام شاد شد.»

عملیات کربلای ۴: ۱۳۶۵/۱۰/۳

این عملیات با هدف تکمیل کردن عملیات والفجر ۸، تهدید منطقه‌ی عمومی بصره، پایگاه دریایی ام‌القصر و تهدید جاده‌ی ارتباطی کویت و عربستان به عراق (بزرگراه صفوان) در منطقه‌ی عمومی شلمچه- خرمشهر و جزیره‌ی مینو انجام گرفت.



نقشه‌ی منطقه‌ی عملیاتی کربلای ۴

عملیات کربلای ۴ با همان اوصاف و اضافه نمودن یک محور عملیات از سمت شمال شلمچه با دو لشکر شروع شد، اما همان گونه که گفته شد به دو دلیل؛ اول تجربه عراق بعد از والفجر ۸ و دوم استقرار بخش‌هایی از ارتش بعث عراق در مقابل خرمشهر و همچنین جاسوسی منافقین و لو رفتن عملیات، باعث شد که نیروهای ایرانی به اهداف از پیش تعیین شده نرسند.

ایالات متحده آمریکا در زمان ریاست جمهوری ریگان که از پیروزی اواخر سال ۱۳۶۴ (تصرف فاو) و افزایش قدرت سیاسی- نظامی ایران بشدت نگران و در جریان مک‌فارلین نیز شکست سیاسی سختی را متحمل شده بود، با همراهی سایر

قدرت‌ها و کشورهای منطقه شروع به تقویت ارتش بعث عراق نمود. همچنین با ارسال اطلاعات دقیق و جزئی از وضعیت رزمندگان اسلام و پدید آوردن عوامل متعدد تاکتیکی و استراتژیکی، باعث ناکامی نیروهای ایرانی در عملیات کربلای ۴ شد.^۱

هرچند در تنها محور اضافه شده به کربلای ۴ در شلمچه موفقیت‌های نسبی و تجربه جدیدی در امر عملیات آبی-خاکی و غیرقابل پیش بینی نصیب رزمندگان اسلام شده بود، اما از وضعیت پیش آمده بشدت نگران بودند. لذا پس از بازگشت نیروها از کربلای ۴ با تدبیر هوشمندانه و ریسک پذیری بالا تصمیم به اجرای عملیات جدید در کوتاه‌ترین زمان ممکن گرفته شد.

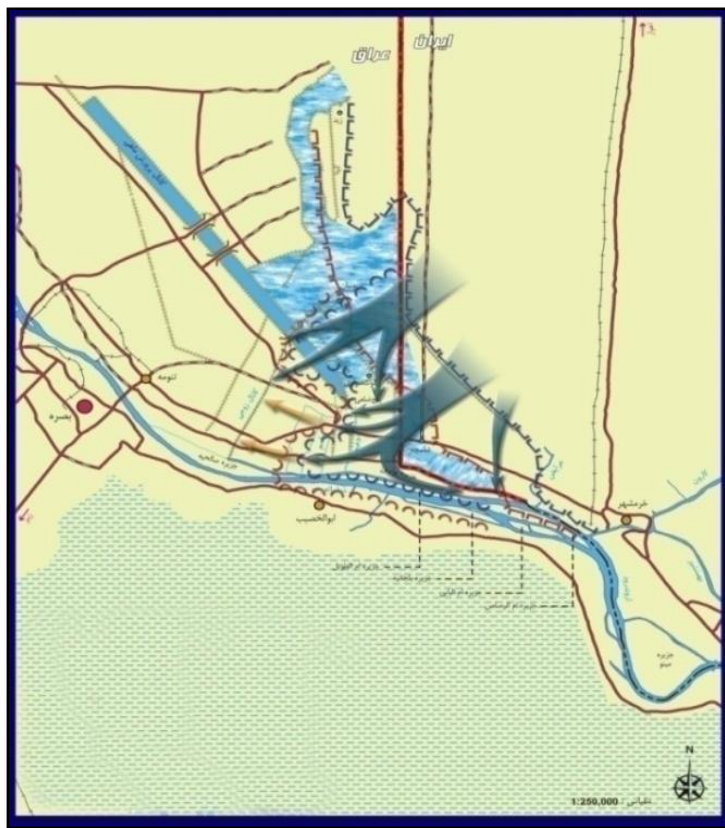
عملیات کربلای ۵: ۱۳۶۵/۱۰/۱۹

عملیات کربلای ۴ با همه‌ی تلخ‌کامی خود فرصتی را پدید آورد تا مدیریت عالی جنگ کارآزموده، قدرت تصمیم‌گیری، محاسبه، قدرت آتش و مدیریتش را در مصاف با دشمن بکار گیرد. از طرفی شرایط دشوار و جو روانی نامطلوب پس از عملیات کربلای ۴ ضرورت انجام عملیات دیگری را ایجاد می‌کرد تا آثار نامطلوب عدم فتح را جبران نماید. لذا منطقه‌ی عملیاتی کربلای ۴ مجدداً برای عملیات انتخاب شد. اما این بار نه با عبور از اروند، بلکه با عبور از موانع و خطوط مستحکم عراق در شلمچه، مهندسی پیچیده ارتش عراق در منطقه را درهم شکستند.

تهدید جدی بصره، عدم نیاز به جابجایی نیرو و بنه‌های تدارکات و توپخانه، فریب دشمن با اتکا به عملیات سالانه، دشواری دسترسی نیروهای عراق از جنوب به شمال اروندرود از نکات مثبت عملیات بود. فرماندهان با تسریع در تصمیم‌گیری پس از عملیات قبلی، علاوه بر شناسایی، محاسبه و برنامه‌ریزی دقیق، با امید به نصرت الهی، تمامی نیروهای خودی اعم از رزمنده و فرمانده را برای عملیات بزرگ و عاشورایی کربلای ۵ وارد عمل نمودند که سبب موفقیت هرچه بیشتر این عملیات گردید.

۱- لازم به ذکر است که؛ در عملیات کربلای ۴ نیروهای ایران به تعداد اندک و محدود وارد عمل شدند و فرماندهی سپاه پاسداران بلافاصله پس از اطلاع از هوشیاری دشمن دستور عقب‌نشینی نیروها را صادر کرد و اساساً به همین دلیل ایران موفق شد با نیرویی که برای این عملیات تدارک دیده بود، عملیات موفق کربلای ۵ را به انجام برساند.

کربلای ۵ باعث انهدام ماشین جنگی دشمن و نا امن کردن بصره و جنوب عراق شد. علاوه بر انهدام تجهیزات، بالغ بر ۴۰ هزار نفر افراد دشمن کشته و زخمی و ۲۷۰۰ نفر به اسارت رزمندگان اسلام درآمدند.



نقشه‌ی منطقه‌ی عملیاتی کربلای ۵

این عملیات در حالتی از تردید و دو دلی نسبت به سرنوشت جنگ اما در نهایت شجاعت، مهارت و هنر جنگ طرح ریزی شد. گو اینکه اختلاف نظر زیادی بین فرماندهان عالی و یگان‌های عمل کننده وجود داشت، اما با قدرت و صلابت وصف ناپذیری که تداعی کننده‌ی یک جنگ تمام عیار عاشورایی بود، به اجرا درآمد. در این عملیات حتی کسانی که تردید در موفقیت آن داشتند جانانه جنگیدند. و نام نیروهای مسلح ایران را آوازه‌ی نیروهای مسلح تمام دنیا نمودند.

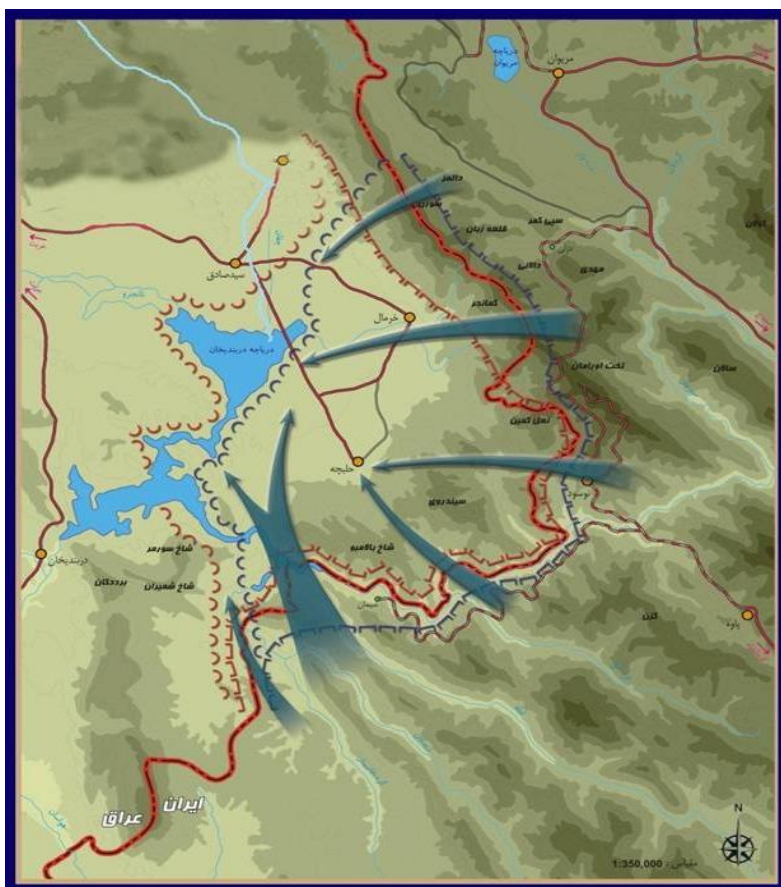
در اهمیت عملیات کربلای ۵ باید گفت؛ عبور از موانع نفوذ ناپذیر دشمن در شرق بصره و تهدید آن شهر، موفقیت جمهوری اسلامی را در جنگ حتمی کرد. به طوری که متعاقب عملیات کربلای ۵، جهان استکبار بدون رعایت ملاحظات معمول، حمایت از صدام را علنی ساخت و قدرت های جهانی مستقیماً وارد میدان جنگ شدند که نبرد ایران و آمریکا در خلیج فارس از آن جمله بود.

درحالی که ایران به دروازه های بصره نزدیک می شد، استکبار با دستپاچگی تمام، قطعنامه ی ۵۹۸، که برای اولین بار تا حدودی نظرات جمهوری اسلامی در آن ملحوظ شده بود را به تصویب رساند. پس از عملیات کربلای ۵ بود که مجوز استفاده ی وسیع از سلاح های کشتار جمعی به عراق داده شد و برای نجات صدام تمام تلاش خود را بکار بستند، و سیل سلاح و تجهیزات را روانه ی عراق نمودند تا مانع پیروزی قطعی ایران شوند.

با توجه به قفل شدن مناطق جنوب برای اجرای عملیات، و درخواست ایران برای تغییر بندهایی از قطعنامه ی ۵۹۸، نیاز بود که برای متقاعد کردن سازمان ملل جهت اعمال تغییراتی در قطعنامه، یک حرکت نظامی جدی تری صورت پذیرد، از این رو مدیریت عالی جنگ با توجه به کمبود نیروی انسانی و تدارکاتی، کارشناسانی را برای بررسی امکان عملیات به سرتاسر مرز مشترک روانه نمود و پس از بررسی های لازم، منطقه ی حلبچه را برای اجرای عملیات جدید انتخاب کرد که با توان انسانی و تدارکاتی ایران سازگار بود.

والفجر ۱۰، آخرین عملیات آفندی جمهوری اسلامی

رزمندگان اسلام منطقه ی حلبچه را به این دلیل برای اجرای عملیات انتخاب نمودند که با توان انسانی و تدارکاتی سازگاری داشت. با توجه به اطلاعاتی که بدست آمده بود خطوط دفاعی عراق نیز در این منطقه ضعیف و قابل نفوذ بودند. این عملیات با هدف اثرگذاری سیاسی - نظامی در صحنه های بین المللی، آزادسازی شهرهای حلبچه، خرمال، دوحیله، بیاره و طویله و کمک به معارضین کرد عراق در جنگ علیه صدام، در تاریخ ۱۳۶۶/۱۲/۲۴ به اجرا درآمد.



نقشه‌ی عملیات برون مرزی والفجر ۱۰

با آزادسازی حلبچه و چند شهر دیگر عراق، مردم کرد زبان عراقی به استقبال رزمندگان آمده و با آغوش باز از آن‌ها پذیرایی کردند. صدام که در این عملیات شکست سخت و غیرقابل باوری را متحمل شده بود، برای تلافی و تنبیه مردم کردستان عراق، دستور داد با هواپیما آنجا را بمباران کنند که در همین عملیات جنایت جنگی کاربرد سلاح‌های شیمیایی علیه شهروندان عراقی اتفاق افتاد و متأسفانه در این جنایت ضدبشری بیش از ۵۰۰۰ نفر مردم مظلوم منطقه به شهادت رسیدند. هرچند در این عملیات رزمندگان اسلام به اهداف از پیش تعیین شده‌ی خود رسیدند، اما خاطره‌ی تلخ جنایت جنگی صدام در سیاست «شهرسوخته‌ی حلبچه» و بکارگیری سلاح شیمیایی علیه انسان‌های بی‌دفاع بسیار تاسف‌بار بود.

عملیات های عمده در تنبیه متجاوز و رسیدن به شرایط صلح واقعی^۱

نام عملیات	تاریخ	منطقه عملیات
رمضان	۱۳۶۱/۴/۲۲	شمال شرق بصره
محرم	۱۳۶۱/۸/۱۰	موسیان- ارتفاعات حمزین
والفجر مقدماتی	۱۳۶۱/۱۱/۱۷	چزابه - فکه
والفجر ۱	۱۳۶۲/۱/۲۱	شمال غرب فکه
والفجر ۴	۱۳۶۲/۷/۲۷	مرویوان - پنجوین
خیبر	۱۳۶۲/۱۲/۳	هورالهویزه - جزایر مجنون
بدر	۱۳۶۳/۱۲/۲۰	هورالهویزه - شمال شرق بصره
والفجر ۸	۱۳۶۴/۱۱/۲۰	جنوب اروندرود - فاو
کربلای ۱	۱۳۶۵/۴/۱۰	مهران
کربلای ۴	۱۳۶۵/۱۰/۳	شلمچه - شرق بصره
کربلای ۵	۱۳۶۵/۱۰/۱۹	شلمچه - شرق بصره
والفجر ۱۰	۱۳۶۶/۱۲/۲۴	حلبچه - استان سلیمانیه ی عراق

۱- تاریخ عملیات ها براساس اطلاعات موجود در کتاب «اطلس جنگ ایران و عراق، فشرده ی نبردهای زمینی ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ - ۲۹ مرداد ۱۳۶۷» بیان شده است.

ج) راهبرد حفظ جمهوری اسلامی ایران

این اقدام بعد از عملیات والفجر ۱۰ و پس از آن که ابرقدرت‌ها و حامیان منطقه‌ای صدام تصمیم به نابودی جمهوری اسلامی گرفته بودند و نمود این تصمیم را در حلبچه، حمله به هواپیمای ایرباس جمهوری اسلامی، حمله به کشتی‌های تجاری در دریا و همچنین واگذاری انواع و اقسام جنگ افزار به رژیم بعث عراق به عینیت رسانده بودند، بکارگرفته شد. این تئوری توانست با پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ کشور را نجات دهد.

امام خمینی (ره) در اهمیت حفظ جمهوری اسلامی می‌فرماید: «این یک تکلیف الهی است برای همه، که اهمّ تکلیف‌هایی است که خدا دارد؛ یعنی حفظ جمهوری اسلامی از حفظ یک نفر - و لو امام عصر (عج) باشد - اهمیتش بیشتر است؛ برای اینکه امام عصر (عج) هم خودش را فدا می‌کند برای اسلام. همه‌ی انبیا از صدر عالم تا حالا که آمدند، برای کلمه‌ی حق و برای دین خدا مجاهده کردند و خودشان را فدا کردند.»^۱

صدور قطعنامه‌ی ۵۹۸

این قطعنامه، نتیجه‌ی عملیات متعدد رزمندگان اسلام در خاک عراق شامل مجموعه عملیات‌های والفجر، کربلا، فتح و نصر، به ویژه والفجر ۸ و کربلای ۵ بود. اکثر این عملیات‌ها در داخل خاک عراق و با موفقیت رزمندگان اسلام توأم بود، خصوصاً پیشروی به سوی شهر بندری بصره و عملیات متحرک رزمندگان، شرایطی را در جبهه‌ها پدید آورد تا دبیرکل سازمان ملل متحد و اعضاء شورای امنیت به شکل جدی‌تری با مسئله‌ی جنگ برخورد کنند. جدیتی که بتواند مبنای حل و فصل مناقشه باشد. با درخواست دبیرکل از ماه فوریه ۱۹۸۷، اعضاء دائم شورای امنیت، به طور مشترک و سازماندهی شده، کار خود را در جهت پایان بخشیدن به جنگ ایران و عراق آغاز کردند. کار این گروه پس از چندین ماه منجر به صدور قطعنامه‌ی ۵۹۸ در ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ (۲۹ تیرماه ۱۳۶۶) شد.

عکس العمل ها در قبال قطعنامه ی ۵۹۸

۱- عکس العمل ایران

دولت ایران قطعنامه ی ۵۹۸ را نه رسماً رد کرد و نه پذیرفت. البته با فرستادن هیاتی با عنوان "گروه کار" به نیویورک و بررسی طرح اجرایی دبیرکل تلویحاً موافقت خود را با پیش شرط هایی اعلام کرد. ایران به ترتیب بندهای قطعنامه به دلیل «تقدم آتش بس» بر «تشکیل کمیته ی تعیین متجاوز» اعتراض کرد و خواهان جابجایی بندهای قطعنامه شد. در این راستا آقای هاشمی رفسنجانی، جانشین فرماندهی کل قوا، به دبیرکل سازمان ملل گفت: «تا وقتی متجاوز معرفی نشده است ایران آتش بس را نخواهد پذیرفت»^۱

۲- عکس العمل عراق

عراق در ۲۲ ژوئیه ۱۹۸۷، (۳۱ تیر ۱۳۶۶) پس از اجلاس مشترک شورای فرماندهی انقلاب و رهبری حزب بعث به ریاست صدام، قطعنامه ی ۵۹۸ را پذیرفت و خواستار آن شد که ایران بدون قید و شرط و با حسن نیت قطعنامه را بپذیرد و این امر را شرط اساسی التزام عراق به قطعنامه بیان کرد.^۲

البته عراق با اعلام این موضع گیری که از ضعف و موقعیت متزلزل نیروهای این کشور در میدان نبرد ناشی بود، در صحنه ی عمل بدان پایبند نبود. بدین نحو که عراق در رسانه های جمعی و جهانی... اعلام می کرد که قطعنامه را قبول دارد، ولی عملاً اجرای طرح دبیرکل را به صراحت و آشکارا رد می کرد، طرحتی که تا حدودی متضمن خواست های مشروع ایران بود.

با اینکه عراق یک سال قبل از ایران، پذیرش قطعنامه را اعلام کرده بود، دروغین و ظاهری بودن این پذیرش، با ادامه ی تجاوزات گسترده ی عراق حتی بعد از پذیرش قطعنامه از سوی ایران، برای مردم جهان هر چه بیشتر روشن شد.

۳- ورود قدرت های استکباری به جنگ

قدرت های جهانی و کشورهای عرب منطقه، پس از عملیات کربلای ۵ و سرخوردگی ارتش بعث و عدم توان مقابله، شکست صدام را قریب الوقوع می دانستند. لذا به تکاپو افتاده و در کنار تصویب، حمایت و ابلاغ قطعنامه به دو کشور ایران و

۱- محمد درودیان، نقد و بررسی جنگ ایران و عراق جلد ۴، روند پایان جنگ، ص ۲۳۹.

2 - <http://www.dsric.ir/view/article.aspx?id=407>

عراق، اقدام جدی به تقویت ارتش بعث عراق نموده و ضمن جبران خسارات آن توانستند قابلیت‌های ارتش بعث را بیش از گذشته نموده و آماده‌ی جنگ کنند.



حمله به هواپیمای مسافربری ایران



اولین دیدار رامسفیلد با صدام



حمایت از کاربرد سلاح شیمیایی



مداخله‌ی نظامی آمریکا در جنگ

بعضی از اقدامات آمریکا و هم‌پیمانانش در کمک به صدام عبارتند از:

- ۱- منع هرگونه محدودیت در کمک‌های اطلاعاتی و مستشاری به عراق.
- ۲- ارسال تجهیزات مدرن و پیشرفته به عراق.
- ۳- بازسازی ارتش بعث عراق.
- ۴- دخالت مستقیم در جنگ برضد ایران.
- ۵- سکوت در بمباران‌های شیمیایی ارتش عراق.
- ۶- حمله به هواپیمای مسافربری ایرباس خطوط هوایی ایران، کشتی‌های نفتکش و تجاری.
- ۷- کمک به عراق در بازپس‌گیری بندر استراتژیک فاو.

پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ توسط جمهوری اسلامی

با توجه به وضع موجود، جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷ رسماً قطعنامه‌ی ۵۹۸ شورای امنیت را بنا به دلایل ذیل می‌پذیرد:

۱- تغییر استراتژی حمایت مستقیم از صدام، تحت پوشش حفظ صلح و امنیت بین‌المللی در خلیج فارس.

۲- معرفی صدام به عنوان چهره‌ی صلح‌طلب در محافل بین‌المللی.

۳- کاربرد وسیع سلاحهای شیمیایی و میکروبی توسط عراق.

۴- فشارهای سیاسی و تهدیدات بین‌المللی، دراین رابطه رونالد ریگان گفت: «در صورت منفی بودن پاسخ ایران، شورای امنیت راهی جز اعمال مجازات علیه ایران و وادار کردن این کشور به قبول آتش‌بس پیش‌رو ندارند.»

مسئله‌ی مهم در افزایش فشار سیاسی، مواضع جدید برخی کشورهای عربی مثل سوریه و لیبی بود که از آغاز جنگ، از ایران پشتیبانی می‌کردند. پس از عملیات کربلای ۵ سوریه اعلام کرد که اگر ایران بصره را تصرف کند، با همه‌ی جهان عرب طرف است. حافظ‌اسد رئیس‌جمهور این کشور به آقای ولایتی وزیر امورخارجه‌ی ایران گفته بود: «شما اصلاً به سمت بصره نروید و برگردید.» از سوی دیگر سرهنگ معمر قذافی رئیس دولت لیبی اعلام کرد: «اگر ایران بخواهد به‌صورت یک قدرت استعماری در خلیج فارس درآید، لیبی علیه آن وارد جنگ می‌شود.»^۱

۵- سلب دفاع مشروع از ایران: برابر ماده‌ی ۵۱ منشور ملل متحد، کشوری که مورد تجاوز واقع شده است تا زمانی که شورای امنیت تدابیر اجرایی جهت دفع تجاوز اتخاذ نکند، حق دارد از خود دفاع کند، اما پس از آن، کشور مورد تجاوز باید شرایط تصمیم‌گیری را برای شورای امنیت فراهم نماید.

۶- تغییر روند تحولات در جبهه‌های نبرد: از جمله آثار محسوس قطعنامه‌ی ۵۹۸ تأثیر مستقیم بر روند عملیات در جبهه‌های نبرد بوده است. بطوری که به عقب‌نشینی نیروهای رزمنده‌ی ایران از بسیاری از مناطق اشغالی در داخل خاک عراق منجر شده بود. تغییر شرایط نیز، دلایل متعددی داشت که مهم‌ترین آن عبارتند از:

۱- حسین اردستانی، تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق ۳ (تنبيه متجاوز)، ص ۳۹۰.

الف) جنگ روانی و تبلیغات هدفدار محافل استکباری، حضور بی‌سابقه‌ی ناوگان‌های آمریکایی و متحدانش در خلیج فارس، ایرانِ مظلوم، جنگ طلب معرفی می‌شود. عراق بدون نگرانی از تهدید بین‌المللی، حجم حملات شیمیایی و بمب‌های میکروبی را چند برابر کرده بود.

ب) فرماندهان نظامی با اطلاع کامل از اوضاع منطقه، راهکارهای نظامی را پس از صدور قطعنامه‌ی ۵۹۸ بی‌نتیجه دانستند. بنابراین تغییر منفی اوضاع جبهه‌ها، معلول قطعنامه‌ای است که به لحاظ ماهیت فرصت برنامه‌ریزی عملیات و یا کلاً راه حل نظامی منازعه را منتفی کرد.

۷- تحریم تسلیحاتی ایران: در این مرحله تحریم مفهوم دیگری داشت یعنی تحریم متوجه کشوری می‌شد که از پذیرفتن قطعنامه‌ی ۵۹۸ امتناع می‌کرد. ضمناً تجهیز طرف مقابل به هر نوع سلاحی حتی سلاح ممنوعه عادی بود.

۸ - بحران اقتصادی سال‌های ۱۳۶۷-۱۳۶۵ (به نقل از سردار سرلشکر رحیم صفوی در همایش ۳۰ سالگی انقلاب، دانشگاه تهران) نیز بی‌تاثیر در پذیرش قطعنامه نبود.

پذیرش قطعنامه و استراتژی دفاعی امام (ره)

امام خمینی (ره) با پیامی رسا و دل‌نشین که از عشق فروزان ایشان به ملت شهیدپرور ایران مایه می‌گرفت، ضمن موافقت با پذیرش قطعنامه، در شیوه‌ی جدید دفاعی فرمودند: «و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله‌ی بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه‌ی دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم؛ ولی به واسطه‌ی حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلاً خودداری می‌کنم، و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول قطعنامه و آتش‌بس موافقت نمودم؛ و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم. و خدا می‌داند که اگر نبود انگیزه‌ای که همه‌ی ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی‌بودم و مرگ و شهادت برایم گوارتر بود. اما چاره چیست که همه باید به

رضایت حق تعالی گردن نهیم. و مسلم ملت قهرمان و دلاور ایران نیز چنین بوده و خواهد بود.

من در اینجا از همه ی فرزندان عزیزم در جبهه های آتش و خون که از اول جنگ تا امروز به نحوی در ارتباط با جنگ تلاش و کوشش نموده اند، تشکر و قدردانی می کنم. و همه ی ملت ایران را به هوشیاری و صبر و مقاومت دعوت می کنم. در آینده ممکن است افرادی آگاهانه یا از روی ناآگاهی در میان مردم این مسئله را مطرح نمایند که ثمره ی خون ها و شهادت ها و ایثارها چه شد. این ها یقیناً از عوالم غیب و از فلسفه شهادت بی خبرند و نمی دانند کسی که فقط برای رضای خدا به جهاد رفته است و سر در طبق اخلاص و بندگی نهاده است حوادث زمان به جاودانگی و بقا و جایگاه رفیع آن لطمه ای وارد نمی سازد. و ما برای درک کامل ارزش و راه شهیدانمان فاصله ی طولانی را باید بپیماییم و در گذر زمان و تاریخ انقلاب و آیندگان آن را جستجو نماییم. مسلماً خون شهیدان، انقلاب و اسلام را بیمه کرده است. خون شهیدان برای ابد درس مقاومت به جهانیان داده است. و خدا می داند که راه و رسم شهادت کور شدنی نیست؛ و این ملت ها و آیندگان هستند که به راه شهیدان اقتدا خواهند نمود.^۱

از دیدگاه امام (ره) دفاع را می توان به دو نوع دائمی و غیردائمی تقسیم کرد:

- ۱- استراتژی «دائمی» یا «کلی»، که حفظ اسلام و مصالح مسلمین است.
- ۲- استراتژی «غیردائمی» یا «موسمی» که اتخاذ شیوه ی دفاع در جهت حفظ اسلام است، یعنی اگر دشمن با ابزار نظامی به جنگ ما می آید، لزوماً ما هم باید با ابزار و ادوات نظامی دفاع کنیم؛ یا اگر دشمن با ابزارهای فرهنگی و سیاسی به میدان می آید ما هم باید با ابزار فرهنگی و شیوه های سیاسی مناسب از خود دفاع کنیم و همه باید در راستای استراتژی کلی تعیین حفظ اسلام و مصلحت جامعه باشد.

از این رو دشمن ما تا زمانی که در جبهه های نظامی به ما حمله می کرد، وظیفه ی ما دفاع نظامی بود و هنگامی که پس از صدور قطعنامه ی ۵۹۸، استراتژی ضربه را از جبهه ی نظامی به جبهه ی سیاسی کشاند ما هم لازم بود متناسب با این جبهه، شیوه ی دفاعی اتخاذ می کردیم.

۱- صحیفه ی امام (ره)، ج ۲۱، ص ۹۲.

این تصمیم به منزله‌ی پایان مبارزه نبوده بلکه تغییر استراتژی و اتخاذ شیوه‌ی جدیدی از مبارزه در جبهه‌ی سیاسی بوده است. به‌طوری که امام در این زمینه فرمودند: «قبول قطعنامه از طرف جمهوری اسلامی ایران به معنای حل مسئله‌ی جنگ نیست. با اعلام این تصمیم، حربه‌های تبلیغات جهان‌خواران علیه ما کُند شده است.»^۱

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رئیس‌جمهور وقت ایران، روز ۲۶ تیر ۱۳۶۷ در نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل متحد با اعلان رسمی پذیرفتن قطعنامه‌ی ۵۹۸، حمله‌ی آمریکا به هواپیمای مسافری ایران را آغاز جنگ علنی منطقه‌ای و توسعه‌ی دامنه‌ی آن دانسته و بیان داشتند: «...همان طور که به خوبی استحضار دارید، آتش جنگی که به وسیله رژیم عراق در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ با تجاوز علیه تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران آغاز گردید، اینک ابعاد غیرقابل تصویری به خود گرفته است که کشورهای دیگر و حتی غیرنظامیان بی‌گناه را نیز در شعله‌های خود گرفتار کرده است. قتل ۲۹۸ نفر انسان بی‌گناه که با ساقط ساختن هواپیمای ایرباس جمهوری اسلامی ایران به وسیله‌ی یکی از کشتی‌های جنگی آمریکایی در خلیج فارس به وقوع پیوست، نمونه‌ای بارز در این خصوص است. در چنین موقعیتی، تلاش‌های جنابعالی برای اجرای قطعنامه‌ی ۵۹۸ حائز اهمیت ویژه‌ای است. جمهوری اسلامی ایران پیوسته کمک و پشتیبانی خود را نسبت به شما در حصول به این هدف مبذول داشته است. در این زمینه ما مصمم گردیدیم که رسماً اعلام داریم جمهوری اسلامی ایران به خاطر اهمیت حفظ جان انسان‌ها و برقراری عدالت و صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی، قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را می‌پذیرد...»^۲

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی و جانشین فرماندهی کل قوا نیز، اظهار داشت: «...مجموعه‌ی این شرایط و ادله‌ی دیگری که فعلاً ذکر نمی‌شود، ما را به این نتیجه می‌رساند که مصلحت انقلاب و ملت‌های ایران و عراق و منطقه این است که قطعنامه‌ی مذکور پذیرفته شود. ایران تا به حال خواستار آن بود که ابتدا کمیته‌ی تعیین متجاوز تشکیل شود، ولی فعلاً با توجه به شرایط جدیدی که پیش آمده، از آن شرط خود صرف نظر می‌کند.»^۳

۱- همان، ج ۲۱، ص ۹۴.

۲- سایت تارخ ایرانی؛ مقاله‌ی: «۲۷ تیر، ایران قطعنامه ۵۹۸ را پذیرفت» (دریافت: ۱۵ تیر ۱۳۹۳)؛

<http://tarikhirani.ir/fa/events/3/EventsDetail/235/>

۳- همان

ایران در وضعیتی قرار داشت که هر دو ابرقدرت از عراق پشتیبانی می کردند. اتحاد شوروی سابق نیز به رغم گرایش کوتاه مدت به جانب ایران، همچنان به تأمین سلاح عراق ادامه داده و با گسترش نفوذ ایران مخالفت کرد.

هیرو می نویسد: «تهران پس از حادثه ی دلخراش انهدام هواپیمای ایرباس بر فراز آب های خلیج [فارس] دو راه مشخص در پیش رو داشت؛ اول آن که، سطح درگیری ها با آمریکا در خلیج [فارس] یا نقاط دیگر را افزایش دهد؛ دوم آن که، قطعنامه ی شورای امنیت را بپذیرد که در نهایت راه دوم را انتخاب کرد.»^۱

اتفاقات مهم پس از پذیرش قطعنامه ی ۵۹۸

۱- حمله ی مجدد عراق

الف) حمله ی گسترده عراق؛ وقتی ایران قطعنامه ی ۵۹۸ را در تاریخ ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷ پذیرفت، عراق احساس کرد که ایران با پذیرش قطعنامه در موضع ضعف قرار دارد، فلذا با به کارگیری گسترده ی انواع سلاح های اهدایی قدرت های استکباری، تجاوز مجدد به خاک جمهوری اسلامی در سرتاسر مرز به ویژه منطقه جنوب، با هدف اشغال دوباره ی خرمشهر را در ۳۱ تیرماه ۶۷ آغاز نمود، و حدود ۶۳۰ کیلومتر مربع از منطقه ی شلمچه، جاده ی اهواز- خرمشهر، جفیر و پادگان حمید را اشغال نمود.

ب) عملیات سرنوشت؛ امام در جواب تجاوز مجدد عراق طی پیامی به فرماندهان سپاه فرمودند: «اینجا نقطه ی حیاتی کفر و اسلام است، یعنی شکست و پیروزی، یا اسلام است یا کفر است و باید متر به متر بجنگید و هیچ چیزی از هیچ کس پذیرفته نیست. اینجا نقطه ای است که یا موجب می شود سپاه حیات پیدا کند دوباره در کشور، ویا برای همیشه یک سپاه ذلیل و مرده ای بشود.»^۲

طولی نکشید که سیل نیروهای بسیجی که از قبول قطعنامه بشدت متاثر شده بودند و امام را تنها می دیدند به یاری او شتافتند و بار دیگر بسیج شده و با انهدام لشکرهای متجاوز عراق، مناطق اشغالی را از لوٹ وجود ارتش بعث پاکسازی کردند.

۱- دیلیپ هیرو، طولانی ترین جنگ؛ رویارویی نظامی ایران و عراق، ص ۳۹۶.

۲- محمد درودیان، آغاز تا پایان، ص ۲۰۸.

ج) توان عملیات مجدد توسط ایران؛ سردار سرلشکر محسن رضایی فرماندهی کل سپاه در رابطه با بسیج مجدد مردمی گفت: «در مرز آنقدر نیرو و توان داشتیم که مجدداً بصره را تهدید کنیم، امام اجازه نداده و فرمودند، پذیرش قطعنامه تاکتیکی نبوده است.»^۱

۲- درگیری نظامی منافقین با جمهوری اسلامی

الف) عملیات فروغ جاویدان ۱۳۶۷/۵/۳

سازمان مجاهدین خلق (منافقین) با این تحلیل که پذیرش قطعنامه به دلیل پایان حمایت مردم از نظام می‌باشد، با جمع‌آوری ضدانقلابیون خارج از کشور، نیرویی به استعداد حدود ۱۵ هزار نفر^۲ و با تجهیزات اهدایی صدام و حمایت هوایی و توپخانه‌ای عراق، طی عملیاتی با نام «فروغ جاویدان»، از تنگه‌ی پاتاق در غرب کشور عبور کرده و به خاک ایران هجوم آوردند. در ابتدا موفق شدند با کشتار مردم، شهرهای کرد و اسلام آباد غرب را اشغال و تا ۳۰ کیلومتری کرمانشاه پیشروی کنند.



عملیات مرصاد در مقابل اقدام کور منافقین در فروغ جاویدان

1 - <http://www.dsrc.ir/view/article.aspx?id=438> (دریافت؛ شهریور ۱۳۹۱)

2 - <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=8604130114> (دریافت؛ تاریخ ۱۳۹۲/۴/۱۶)

ب) عملیات مرصاد، ۵ مرداد ۱۳۶۷

در جواب حمله‌ی کور منافقین، لشکریان الهی متشکل از نیروهای عشایر و بسیج مردمی منطقه، ارتش و سپاه به آنان امان نداده و در عملیات مرصاد جواب دندان شکنی به آن‌ها دادند. در این عملیات بیش از ۴۸۰۰ تن از منافقین کشته و زخمی شدند^۱ و بقیه به همراه سرکرده‌ی خود به دامن صدام فرار کردند. در این عملیات اولین اقدام ارتش، مربوط به بمباران تیزپروازان نیروی هوایی جمهوری اسلامی بود، سپس نیروی زمینی سپاه و ارتش اقدامات اساسی انجام دادند. بعد از ظهر ۷ مرداد اسلام آباد از چنگ نیروهای منافق خارج شد و بلافاصله یگان‌های سپاه پیشروی به سوی کرد را آغاز کرده و آنجا را نیز به تصرف خود درآوردند و باعث شکست منافقین شدند.

مهمترین دلایل حمله‌ی منافقین به جمهوری اسلامی

(۱) راه بدون بازگشت؛ سازمان منافقین به علت مواضع و اقدامات تروریستی گسترده‌اش در ایران، به هیچ وجه راه بازگشتی برای خود باقی نگذاشت و حیات خود را فقط در مرگ نظام جمهوری اسلامی می‌دید. فلذا با تحلیل‌های واهی، عملیات نظامی را در رأس استراتژی خود قرار دادند.

(۲) جلوگیری از برقراری صلح؛ پس از قطعنامه‌ی ۵۹۸، سازمان منافقین کاملاً از سقوط جمهوری اسلامی ایران توسط عراق ناامید شد، بدین سبب با شروع عملیات گسترده‌ای تصمیم داشت در راه برقراری صلح سنگ‌اندازی کند و همچنین به جهانیان بفهماند که تحقق صلح با حاکمیت جمهوری اسلامی در کشور ایران متفی است.

(۳) بن بست مدیریت؛ زمزمه‌های شک و تردید در صلاحیت رهبری سازمان و آثار ناامیدی در هواداران آن به دلیل اوضاع آشفته‌ی آنان در سطح جهانی و منطقه‌ای، اقدام به عملیات خطرناکی را در تثبیت رهبری سرکرده‌ی منافقین و خروج بن بست موجود مؤثر دانسته‌اند.

(۴) فریب صدام؛ رژیم عراق نیز پس از قبول قطعنامه‌ی ۵۹۸ از سوی ایران، احساس کرد که حضور پر حجم منافقین در عراق دردسرساز خواهد بود، فلذا طی نشست‌های مشترک با سران منافقین به آنان تضمین داد که ایران شکست پذیر است و کافی است که

شما فقط نیروهای خود را به سوی ایران از شهری به شهر دیگر حرکت دهید، مردم از شما استقبال کرده و شما را به تهران می‌برند.

اهداف رژیم عراق از تجاوز مجدد و عملیات مشترک با سازمان منافقین

۱) کسب آبروی از دست رفته؛ صدام دریافت که نه تنها تجاوز هشت ساله برای او و متحدانش هیچ دستاوردی نداشته است، بلکه ماهیت جنگ طلبی او خصوصاً با کاربرد سلاح‌های شیمیایی، برای افکار عمومی جهان روشن شده است و باعث بی‌آبرویی او شده بود لذا اشغال اراضی ایران به عنوان حداقل ره‌آورد جنگ، در پایان می‌توانست برای نجات صدام از سلب اعتماد حامیانش مؤثر باشد.

۲) فریب افکار عمومی در شعار صلح طلبی؛ صدام می‌دانست ایران با اشغال اراضی خود از سوی عراق هیچگاه آتش‌بس را قبول نخواهد کرد، در آن صورت صدام می‌توانست با شعار صلح طلبی، افکار عمومی را فریب دهد.

۳) امتیازگیری برای مذاکره؛ در اختیار داشتن بخشی از اراضی و شهرهای ایران برای حضور پر قدرت پای میز مذاکره، برای عراق مؤثر بود. به همین دلیل تهاجمات تازه‌اش را برای اشغال اراضی ایران آغاز کرد. و اشتباه استراتژیک خود را دوباره تکرار کرد.

تحقق حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران

مسولین عالی‌رتبه‌ی کشور با پشتیبانی ملت عظیم‌الشان ایران، در شرایط بحرانی و بسیار سختی که در آن قرار داشتیم، توانستند با پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ همه‌ی نقشه‌های واهی دشمن، برای نابودی جمهوری اسلامی را خنثی نموده و در حفظ نظام اسلامی موفق شوند.

در این رابطه رابین‌رایت^۱ متخصص مسائل منطقه، طی تحلیلی نوشت: «برای ایران اجرای آتش‌بس رسمی نخستین گام از اجرای استراتژی گسترده برای آغاز مرحله‌ای جدید در انقلاب آن کشور است. هدف از این استراتژی آن است که بقای انقلاب اسلامی اهمیت بیشتری یافته است.»^۲

۱- رابین‌رایت نویسنده‌ی کتاب، روزنامه نگار و نویسنده‌ی لس آنجلس تایمز و... می‌باشد.

۲- محمد درودیان، آغاز تا پایان، ص ۲۱۱.

فصل ششم

رویکردهای شورای امنیت سازمان ملل متحد

نسبت به جنگ عراق و ایران

قطعه‌نامه‌های سازمان ملل در خصوص جنگ عراق و ایران

حماسه‌ی ۸ سال دفاع مقدس بدون شک یکی از مهمترین و ماندگارترین دوران تاریخ پرفراز و نشیب ایران است که درس‌های زیادی به ایرانیان بخصوص نسل جوان ایران زمین آموخت، حماسه‌ای که با وجود حمایت همه‌جانبه‌ی کشورهای استکباری و اعراب منطقه و حتی سازمان‌های به ظاهر بی طرف بین‌المللی از رژیم متجاوز بعثی عراق و مظلومیت و بی پناهی ملت ایران، پایمردی و جان‌فشانی جوانان با غیرت ایرانی، برگه‌ی بی بدیل از شجاعت و شهامت را در تاریخ کهن ایران زمین به یادگار گذاشت.

در این قسمت سعی شده نقش بزرگترین سازمان بین‌المللی که وظیفه‌ی اصلی آن، کنترل منازعات و مناقشات غیرمتمعارف میان کشورهاست، در خصوص جنگ عراق و ایران مورد بررسی و مذاقه قرار داده شود.

مطابق پروتکل شورای امنیت سازمان ملل متحد در خصوص نحوه‌ی صدور قطعه‌نامه‌ها، این شورا بایستی شرایط زیر را مد نظر قرار دهد:

۱- قطعه‌نامه‌ی صادر شده بایستی بی طرفانه باشد و یا در صورت مشخص بودن و اثبات متجاوز، در جهت محکوم نمودن آن و حمایت از طرف مظلوم باشد.

۲- قطعه‌نامه باید به موقع و در سریع‌ترین زمان ممکن برای کنترل اوضاع صادر گردد.

۳- قطعه‌نامه باید قاطعیت، جامعیت و بازدارنگی لازم را جهت کنترل اوضاع داشته باشد.

۴- باید منطقی، قابل اجرا و از تحمیل تعهدات غیرمنطقی و غیرضروری به طرفین خودداری شده باشد.

۵- تمهیدات و سازوکارهای لازم برای اجرای دقیق مفاد قطعه‌نامه از سوی سازمان تدارک دیده شده باشد.

در طول ۸ سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مجموعاً ۱۰ قطعنامه از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد در این خصوص صادر شد که مضمون همه‌ی آنها تا حدودی در جهت کنترل و مهار جنگ بوده است. در ذیل شرایط زمانی صدور این قطعنامه‌ها آورده شده و سعی گردیده، تا اوضاع جبهه‌ی جنگ در جناح عراق و ایران در زمان قبل و بعد از صدور هر قطعنامه برای خوانندگان محترم تبیین گردد.



ساختمان مرکزی سازمان ملل متحد در نیویورک

قطعنامه‌ی اول (۴۷۹) : ۱۳۵۹/۷/۶

اولین قطعنامه‌ی شورا در مورد جنگ تحمیلی (شماره ۴۷۹) در تاریخ ۵۹/۷/۶ یعنی یک هفته پس از آغاز تجاوز همه جانبه‌ی عراق به داخل مرزهای ایران صادر گردید. مضمون این قطعنامه توصیه به آتش‌بس دو طرفه بود. در همان زمان، تجاوز و ورود ارتش عراق به داخل مرزهای ایران و پیشروی در داخل خاک ایران کاملاً محرز و آشکار بوده و هزاران کیلومترمربع از خاک جمهوری اسلامی در اشغال رژیم بعث عراق بوده است. از طرفی با توجه به پاره کردن عهدنامه‌ی ۱۹۷۵ الجزایر توسط صدام حسین در مقابل دوربین خبرنگاران و اعلان جنگ تمام عیار این رژیم علیه ایران، از همان ابتدا متجاوز معلوم بوده است. در متن اولین قطعنامه هیچ اشاره‌ای به متجاوز و محکومیت تجاوز و حمایت از مظلوم نگردیده و قاطعیت لازم را برای جلوگیری از ادامه‌ی تجاوز نداشته و هیچ سازوکار لازمی نیز برای ملزم نمودن متجاوز برای قطع تجاوز اندیشیده

نشده بود. به عبارت دیگر شورای امنیت با توصیه‌ی طرفین به آتش‌بس، با بی‌تفاوتی کامل، تنها از خود رفع تکلیف نموده است و این می‌توانست حتی چراغ سبزی برای ادامه‌ی تجاوز ارتش عراق از سوی آن شورا تلقی شود.

قطعه‌نامه‌ی دوم (۵۱۴): ۱۳۶۱/۴/۲۱

شورای امنیت از زمان اشغال خرمشهر تا پایان اشغال، هیچ قطعه‌نامه‌ای در جلوگیری از قتل و تجاوز به شهروندان ایرانی و خروج نیروهای عراقی از سرزمین‌های اشغالی ایران صادر نکرد؛ تا اینکه ایرانیان با کسب اعتماد به نفس و تجهیز قوا با چهار عملیات بزرگ ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین و سرانجام بیت‌المقدس، موفق به آزاد سازی خرمشهر در سوم خرداد ۱۳۶۱ گردیدند. آزادی خرمشهر نقطه عطفی در تحولات جنگ بود و از این تاریخ بود که ایران توانایی باز دارندگی و حفظ استقلال خود را به جهانیان اثبات نمود و قدرت مردمی و نظامی خود را به رخ حامیان اشغال کشید. در این زمان بود که قطعه‌نامه‌ی دوم (۵۱۴) شورای امنیت در تاریخ ۶۱/۴/۲۱ صادر گردید که در آن طرفین توصیه به آتش‌بس و عقب نشینی به مرزهای بین‌المللی شدند. این قطعه‌نامه نیز علاوه بر بی‌خاصیت بودن با تاخیر و صرفاً برای رفع تکلیف صادر شده است.

قطعه‌نامه‌ی سوم (۵۲۲): ۱۳۶۱/۷/۱۲

پس از آزادی خرمشهر، با توجه به افزایش روحیه‌ی رزمندگان ایران، فکر تنبیه متجاوز در بین آنان قوت گرفت. با توجه به اینکه سازمان‌های بین‌المللی تاکنون هیچ اقدام بازدارنده‌ای بعمل نیاورده بودند، پس باید ایرانیان خودشان نسبت به تنبیه متجاوز و از کار انداختن ماشین جنگی آن اقدام نمایند تا در آینده از جانب هر متجاوزی از جمله، تجاوز مجدد عراق در امان باشند. از این رو قوای ایران در تاریخ ۶۱/۴/۲۳ یعنی ۵۰ روز پس از آزادی خرمشهر، عملیات رمضان را آغاز کردند، که هدف آن عقب راندن نیروهای ارتش عراق و تهدید بصره بود. به مرور و با پیروزی‌هایی که ایرانیان بدست آوردند، نگرانی حامیان رژیم بعث عراق از احتمال سقوط این رژیم و شکست آن بیشتر شد. لذا شورای امنیت در تاریخ ۱۳۶۱/۷/۱۲ یعنی کمتر از ۳ ماه پس از قطعه‌نامه‌ی دوم، سومین قطعه‌نامه را صادر کرد که در آن، طرفین را به آتش‌بس فوری و

عقب نشینی به مرزهای بین‌المللی فرا خواند. که خودبخود این موضوع در اذهان متبادر می‌شود که قطعنامه‌ی مزبور برای بازدارندگی موفقیت‌های آتی ایران صادر شده است.

قطعنامه‌ی چهارم (۵۴۰): ۱۳۶۲/۸/۹

از زمان آغاز جنگ یعنی شهریورماه ۱۳۵۹، رژیم عراق بارها به مناطق مسکونی و شهرهای ایران حمله و تاسیسات زیربنایی کشور را تخریب نموده بود. از طرفی از همان ابتدا، جنگ دریایی در مناطقی از خلیج فارس را آغاز کرده و کشتی‌های تجاری و نفتی ایران را مورد حمله قرار داده بود. بطوری که برای مدتی صدور نفت ایران متوقف گردید. پس از فتح خرمشهر و قدرت گرفتن نیروهای ایرانی، ایران تهدید کرد که در صورت ادامه‌ی حملات عراق، تنگه‌ی هرمز را خواهد بست. با توجه به اینکه تنگه‌ی هرمز یکی از مناطق استراتژیک اقتصادی جهان در حفاصل دریای عمان و خلیج فارس بود و روزانه دهها کشتی تجاری و نفتکش متعلق به کشورهای مختلف از آن عبور می‌کردند، این تهدید برای حامیان عراق بسیار جدی و غیرقابل تحمل می‌نمود. شورای امنیت که تا پیش از این، حمله به مناطق مسکونی و زیربنایی و کشتی‌های تجاری ایران را محکوم نکرده بود، در تاریخ ۶۲/۸/۹ و پس از عملیات‌های والفجر مقدماتی و والفجر ۱ و ۲ و ۳ و ۴ از سوی قوای ایرانی و پس از آنکه ایران نیز با چند موشک مناطقی از عراق را مورد حمله قرار داد قطعنامه‌ی چهارم (۵۴۰) را صادر کرد. در این قطعنامه طرفین توصیه به توقف فوری جنگ گردیده و حمله به مناطق مسکونی و کشتی‌های تجاری محکوم شده بود.

قطعنامه‌ی پنجم (۵۵۲): ۱۳۶۳/۳/۱۱

از اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۳ جنگ کشتی‌ها در خلیج فارس بطور آشکار آغاز شد و با توجه به تداوم تهدید ایران به بستن تنگه‌ی هرمز در صورت ادامه‌ی ناامنی برای کشتی‌های ایرانی و حمایت غرب از عراق و مشخص شدن جدیت ایران در دفاع، قطعنامه‌ی پنجم (۵۵۲) شورای امنیت در تاریخ ۶۳/۳/۱۱ صادر شد که در آن حفظ آزادی کشتیرانی و محکومیت حمله به کشتی‌های تجاری مورد تاکید قرار گرفته بود.

قطعنامه‌ی ششم (۵۸۲): ۱۳۶۴/۱۲/۵

از مهرماه سال ۶۳ تا مهرماه سال ۶۴، سال فروکشی موقت آتش جنگ و آغاز اقدامات سیاسی از سوی ایران برای پایان دادن به جنگ بود. اقدامات سیاسی ایران در این سال چندان نتیجه بخش نبود. شورای امنیت هم در این دوران هیچ قطعنامه‌ای در حمایت از اقدامات ایران برای توقف جنگ صادر نکرد. در تاریخ ۶۴/۱۱/۲۰ قوای ایران پس از ناامیدی از تلاش سیاستمداران برای توقف جنگ، دست به اجرای عملیات والفجر ۸ زدند که به فتح بندر استراتژیک فاو و اسارت تعداد زیادی از نیروهای عراق منجر شد. پس از موفقیت قوای ایران قطعنامه‌ی ششم (۵۸۲) توسط شورای امنیت در تاریخ ۶۴/۱۲/۵ صادر شد که در آن طرفین توصیه به آتش‌بس فوری و عقب نشینی به مرزهای بین‌الملل شدند. در این قطعنامه مبادله‌ی اسرا نیز از طرفین درخواست شده بود.

قطعنامه‌ی هفتم (۵۸۸): ۱۳۶۵/۷/۱۶

در اواخر سال ۶۴ و اوایل سال ۶۵ عملیات‌هایی همچون والفجر ۹ و کربلای ۱، برای آزاد سازی مهران^۱، به اجرا در آمد که باعث شکست استراتژی دفاع متحرک عراق شده بود. پس از این تحولات در تاریخ ۶۵/۷/۱۶ قطعنامه‌ی هفتم (۵۸۸) شورای امنیت صادر گردید که در آن اجرای قطعنامه‌ی ششم (۵۸۲) مورد تاکید قرار گرفته بود.

قطعنامه‌ی هشتم (۵۹۸): ۱۳۶۶/۴/۲۹

در اواخر سال ۶۵ و اوایل سال ۶۶ چندین عملیات کوچک و بزرگ از جمله کربلای ۴، کربلای ۵، کربلای ۱۰، نصر ۴ و... توسط نیروهای ایرانی طراحی و به اجرا درآمد. در عملیات کربلای ۵ شدیدترین درگیری‌های طول جنگ در پشت دروازه‌های شهر بصره توسط ایران به وقوع پیوست. در این دوران موازنه‌ی قدرت به نفع ایران بود. لذا از اسفند ۶۵ (پس از عملیات کربلای ۵) تلاش جهانی برای تهیه و تنظیم قطعنامه‌ی هشتم شورای امنیت آغاز شد که در ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ (۲۹ تیرماه ۱۳۶۶) با تصویب قطعنامه‌ی ۵۹۸ به نتیجه رسید. هم زمان تلاش آمریکا برای افزایش تحریم اقتصادی و تسلیحاتی ایران نیز شدت گرفت. در این قطعنامه، تصمیم به خاتمه دادن به منازعه‌ی ایران و عراق گرفته شد و آتش‌بس فوری و پیدا کردن یک راه حل جامع و شرافت-

مندانه و عادلانه و عقب‌نشینی به مرزهای بین‌المللی و اعزام تیم نظارت به مرزهای دو کشور مورد تاکید قرار گرفت. و می‌توان اذعان نمود، این قطعنامه تنها قطعنامه‌ای بود که می‌توانست حداقل خواسته‌های ایران را تامین کند و نسبت به سایر قطعنامه‌های صادره - ی شورای امنیت، منطقی‌تر جلوه نماید. ایران بدلیل برخی از ملاحظات سیاسی و نظامی ابتدا از پذیرش قطعی آن سر باز زد و پیش‌شرط‌هایی را برای پذیرش عنوان کرد، لذا تبلیغات گسترده‌ی جهانی پیرامون قطعنامه‌ی ۵۹۸، جهت تحت فشار قرار دادن ایران آغاز شد. هم زمان ایران با اعزام هیاتی تحت عنوان گروه کار، به نیویورک در خصوص مذاکرات فنی و کارشناسی، پیرامون آشنایی با طرح اجرایی دبیرکل سازمان ملل، تلویحاً موافقت خود را با پیش‌شرط‌هایی اعلام کرد. این در شرایطی بود که عراق علی‌رغم پذیرش رسمی قطعنامه صریحاً طرح اجرایی دبیرکل را رد کرده بود. در این رابطه یک کارشناس مرکز مطالعات استراتژیک در آمریکا چنین گفته بود: «دیپلماسی ایران در قالب طرح اجرایی دبیرکل می‌باید به عنوان پایه‌ی مناسبی در مذاکرات مربوط به پایان جنگ قرار بگیرد و سازمان ملل باید، حق ایران به عنوان قربانی تجاوز را بپذیرد.»^۱

قطعنامه‌ی نهم (۶۱۲): ۱۳۶۷/۲/۱۹

با ادامه‌ی جنگ و به کارگیری وسیع سلاح‌های شیمیایی علیه رزمندگان اسلام و ساکنان بی دفاع شهرها توسط عراق، در تاریخ ۶۷/۲/۱۹ قطعنامه‌ی نهم (۶۱۲) شورای امنیت صادر شد که در آن کاربرد سلاح‌های شیمیایی از سوی عراق مورد تأیید قرار گرفت و اجرای فوری مفاد پروتکل ممنوعیت استفاده از گازهای شیمیایی و محکومیت کاربرد آن‌ها مورد توجه و تاکید قرار گرفته بود. با توجه به اینکه تاکنون بارها و بارها در عملیات‌های مختلف ایران مورد حملات و بمباران‌های وحشتناک شیمیایی قرار گرفته بود و شهر حلبچه نیز در ۶۶/۱۲/۲۵ توسط رژیم عراق بمباران شیمیایی شده بود و کسی هم آن را محکوم نکرده بود، پس این توهم بوجود آمد که شاید ایران نیز به توانایی کاربرد سلاح شیمیایی دسترسی پیدا نموده و ممکن است اقدام به مقابله به مثل نماید. همانند جنگ شهرها و نفتکشها! پس این قطعنامه برای باز دارندگی ایران از بکارگیری توانمندی‌های احتمالی صادر شد. البته باید اعلام نمود که ایران بمباران شیمیایی شهر حلبچه را تهدیدی جدی علیه شهرهای خود تلقی نمود.

۱- احمد سوداگر، یادداشتی درخصوص قطعنامه‌های سازمان ملل درجنگ ایران و عراق .

قطعهنامه‌ی دهم (۶۲۰): ۱۳۶۷/۶/۴

پس از اعلام آتش‌بس بین ایران و عراق^۱، با فشار دیپلماسی جمهوری اسلامی، قطعهنامه‌ی دهم (۶۲۰) شورای امنیت، در تاریخ ۶۷/۶/۴ صادر شد که در آن نیز مجدداً استفاده از سلاحهای شیمیایی محکوم شده و کاربرد این سلاح توسط عراق علیه ایران مورد تایید شورا قرار گرفته بود.^۲

با نگاهی به ۱۰ قطعهنامه‌ی صادره از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد و بررسی حوادث قبل و بعد از صدور این قطعهنامه‌ها مشخص می‌گردد که در هیچ یک از این قطعهنامه‌ها تمامی شرایط مدون در صدور قطعهنامه، توسط این شورا لحاظ نشده و تمهیدات لازم برای اجرای کامل آنها را نیندیشیده بودند. از طرفی با توجه به شرایط زمانی صدور این قطعهنامه‌ها، اکثراً در زمانی صادر می‌شد که یا رافع مسئولیت برای شورای امنیت باشد و یا به نحوی مفید فایده برای عراق، لذا نه تنها کمکی برای خاتمه‌ی جنگ نمی‌کرد، بلکه در جهت تضعیف طرف مظلوم جنگ و محدود کردن اقدامات دفاعی آن و حمایت و پشتیبانی تلویحی از متجاوز بوده است.

۱- از ساعت ۶/۳۰ صبح روز دوشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ (بیستم اوت ۱۹۸۸) به درخواست «خاویر پرز دکوئیار» دبیرکل وقت سازمان ملل متحد در تمام طول مرزهای دو کشور عراق و جمهوری اسلامی ایران مقررات آتش‌بس به اجرا گذارده شد. (روزنامه جمهوری اسلامی؛ ۱۳۶۷/۵/۲۹)

۲- احمد سوداگر، یادداشتی در خصوص قطعهنامه‌های سازمان ملل در جنگ ایران و عراق.

قطعنامه‌های شورای امنیت

شماره	تاریخ	شرایط حاکم بر ایران و عراق در زمان صدور قطعنامه
یک ۴۷۹	۵۹/۷/۶	عراق: با اشغال ۱۳۵۰۰ کیلومتر مربع از خاک ایران، در موضع برتر قرار دارد. ایران: بخش وسیعی از سرزمینش اشغال و در موضع ضعف می‌باشد.
دو ۵۱۴	۶۱/۴/۲۱	عراق: از اراضی استراتژیک ایران بیرون رانده شده است. ایران: با انجام چهار عملیات بزرگ پیروزمند، در موضع برتر قرار دارد.
سه ۵۲۲	۶۱/۷/۱۲	عراق: در پدافند راکد، همراه با نگرانی و ترس از سقوط صدام است. ایران: از موضع برتر، به عملیات ورود به خاک عراق دست زده است.
چهار ۵۴۰	۶۲/۸/۹	عراق: دست به حملات موشکی و هوایی مناطق مسکونی زده است. ایران: با ادامه‌ی عملیات برون مرزی، اجرای عملیات مقابله به مثل محدود، تهدید به بستن تنگه‌ی هرمز بخاطر ناامن بودن خلیج فارس کرده است.
پنج ۵۵۲	۶۳/۳/۱۱	این قطعنامه در پی درخواست شورای همکاری خلیج فارس، به حمایت از صدام، در محکومیت حمله به کشتی‌های تجاری صادر شده بود.
شش ۵۸۲	۶۴/۱۲/۵	عراق: در موضع ضعف و توان باز پس‌گیری فاو را نداشت. لذا دست به دفاع متحرک زده بود. ایران: موفق به تصرف فاو شده بود و در موضع برتر قرار داشت.
هفت ۵۸۸	۶۵/۷/۱۶	عراق: با شکست در دفاع متحرک، دست به پدافند ثابت زده بود و در موضع ضعف قرار داشت. ایران: سکوهای نفتی البکر و الامیه را تصرف و شهر مهران را نیز آزاد کرده است و در موقعیت مناسبی قرار دارد.
هشت ۵۹۸	۶۶/۴/۲۹	عراق: با شکست استراتژی دفاع متحرک مشغول پدافند غیرفعال است. ایران: بخش وسیعی از مناطق استراتژیک عراق از جمله فاو را در اختیار دارد و در صدد عملیات دیگری است.
نه ۶۱۲	۶۷/۲/۱۹	این قطعنامه در محکومیت کاربرد سلاح شیمیایی صادر شد. به دلیل این که تاکنون ایران از این سلاح استفاده نکرده بود، لذا در ترس مقابله به مثل ایران در کاربرد سلاح شیمیایی، قطعنامه صادر شد.
ده ۶۲۰	۶۷/۶/۴	عراق: پذیرش مجدد قطعنامه‌ی ۵۹۸ و استقرار در مرزهای بین‌المللی. ایران: پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ همراه با بیرون راندن مجدد دشمن، حفظ تمامیت ارضی کشور و استقرار در مرزهای بین‌المللی.

فصل، هفتم

دستاوردهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی

دفاع مقدس

دستاوردهای دفاع مقدس

دستاوردهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دفاع مقدس را می‌توان به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم کرد^۱.

الف) دستاوردهای داخلی دفاع مقدس

دستاوردهای داخلی دفاع مقدس فراوان است، ولی ما در این بخش به طور خلاصه به بعضی از آن‌ها می‌پردازیم. می‌توان گفت مهم‌ترین دستاوردهای داخلی دفاع مقدس عبارتند از:

۱. اعتماد به نفس و خودباوری

از دستاوردهای مهم دفاع مقدس، تقویت اعتماد به نفس و خودباوری بوده است. ما در کوران جنگ به این نتیجه رسیدیم که باید خود را باور کنیم و با تکیه بر توانمندی‌های خود کشور را در بحران پیش آمده اداره نماییم. تأثیر این خودباوری، بعد از جنگ در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فناوری‌های نوین و صنایع دفاعی نمود فزاینده‌ای داشته است.

۲. شکوفایی استعداد و خلاقیت

از جمله تحولاتی که در جنگ هشت ساله رخ داد، بروز خلاقیت‌ها، نوآوری‌ها و اعمال بدیعی بود که در ابعاد مختلف صورت گرفت. از ابتکار عمل‌های دایمانه‌ی رهبرکبیر انقلاب در مسایل و تصمیمات استراتژیک جنگ گرفته، تا ابتکارات و نوآوری‌های نیروهای بی‌ادعا و خالص یک بسیجی.

۳. رشد باورهای دینی

همه چیز ما در جبهه و پشت جبهه، رنگ و صبغه‌ی الهی به خود گرفته بود. میادین نبرد و سنگرهای رزمندگان، آکنده از حضور خدا و اهل بیت (ع) بود. نیایش‌ها و شب زنده‌داری‌ها و توسل خالصانه‌ی امت شهید پرور به ائمه‌ی معصومین (ع) فضای کشور را به عطر ایمان و معنویت معطر کرده بود.

۴. تولد تفکر بسیجی

تفکر بسیجی که ایدئولوژی کارآمد دفاع مقدس بود، در مدرسه‌ی عشق امام (ره) عینیت یافت و تربیت‌یافتگان این مدرسه، زیباترین حماسه‌ها را در تاریخ کشور رقم زدند و امروز قداست و طهارت بسیج مرهون ایثار و شهادت‌طلبی‌های بسیجیان دوران دفاع مقدس است. باید از این قداست پاسداری کرد که هرگز مورد مصارف سیاسی و صنفی قرار نگیرد. بسیج که با فرمان حضرت امام متولد شده بود، ادامه‌ی حیاتش هم با فرمان ایشان امکان‌پذیر شد. امام فرمودند: «خلاصه‌ی کلام، اگر بر کشوری نوای دلنشین تفکر بسیجی طنین انداز شد، چشم طمع دشمنان و جهان‌خواران از آن دور خواهد گردید. والا هر لحظه باید منتظر حادثه ماند. بسیج باید مثل گذشته و با قدرت و اطمینان خاطر به کار خود ادامه دهد.»^۱

۵. رشد فضایل اخلاقی و معنوی

از برکات دیگر دفاع مقدس، رشد فضایل اخلاقی و معنوی در افراد و تقویت ارزش‌های اجتماعی بود؛ به طوری که همه‌ی اقشار ملت تحت تأثیر اخلاق رزمندگان و فضایل انسانی خانواده‌ی آنان قرار داشتند، به ویژه در بدرقه‌ی رزمندگان و در مراسم تشییع شهدا شرکت فعال داشته و از فضای معنوی آن بهره‌مند می‌شدند.

۶. تحول در صنایع دفاعی کشور

جنگ تحمیلی با توجه به نوپایی نظام، نتایج بسیار با ارزش و مؤثری به همراه داشت. شرایط جنگی و وضعیت فوق‌العاده‌ی کشور، فشارها و نیازها، یکی از بهترین فرصت‌ها برای رشد صنایع و واحدهای تولیدی کشور بود، چون در شرایط نیاز، مغزها برای خروج از بن‌بست و رفع نیاز بکار می‌افتند. شرایط باعث شد جوانان متعهد، با خلاقیت و ابتکار، دست به فعالیت‌های وسیعی جهت رفع نیازهای روزمره‌ی کشور، از

جمله صنایع دفاعی بزنند. در این میدان مبارزه، با حداقل سرمایه و امکانات دست به نوآوری‌های بزرگی زدند.



ناوشکن جماران ساخت نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی

هرچند جرقه‌های کوچک و ناچیز در اوایل جنگ نضج پیدا کرد، اما امروز استمرار آن خلاقیت‌ها را در حرکت‌های کلان اقتصادی و صنعتی به ویژه در صنایع دفاعی به وضوح مشاهده می‌کنیم. پیشرفتهای صنایع هوایی، دریایی، زمینی، موشکی همچون؛ ساخت جنگنده‌های آذرخش، صاعقه، ناوشکن جماران، زیردریایی‌ها، موشک‌های دوربرد و... که با ابتکارات و نوآوری‌های بسیار خوب ارتش و سپاه انجام شده قابل توجه و برای دوست و دشمن خیره کننده است.^۱

۷. تزکیه نظام اداری کشور

یکی از برکات جنگ، تزکیه و پالایش نیروهای ضد انقلاب، به ویژه ستون پنجم، از نظام اداری کشور بود. بدین طریق که چون جنگ خارجی و اقدامات ستون پنجم داخلی به‌طور همزمان پیش می‌رفت، عوامل وابسته به دشمن خارجی، خواه ناخواه دست به

۱- جا دارد از همه‌ی کسانی که در ارتش و سپاه زحمت کشیده و باعث پیشرفت و سربلندی ملت ایران شده‌اند تقدیر و تشکر به‌عمل آید، به‌ویژه پدر موشکی ایران، سردار شهید حسن تهرانی‌مقدم (شهادت ۲۱ آبان ۱۳۹۰) که به قول سردار سرلشکر محمدعلی جعفری فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تدبیر موشکی مقدم یکی از اصلی‌ترین عوامل بازدارندگی در مقابل حمله‌ی نظامی آمریکا است. یادش گرامی و راهش پررهرو باد.

اقداماتی زدند، اگرچه باعث خساراتی شد، اما موجبات افشای آن‌ها و تصفیه‌ی ادارات را فراهم کرد.

۸. حضور داوطلبانه‌ی مردم در جبهه‌ها

صدام قصد داشت سه روزه به اهداف نظامی و سیاسی خود برسد. شواهد امر در چند روز اول جنگ نیز حاکی از احتمال وقوع این پیش‌بینی بود، اما ابتدا مردم استان‌های مرزی - که صدام ماه‌ها تبلیغ کرده بود تا به خیال خود، آن‌ها را علیه جمهوری اسلامی بشوراند - دلیرانه ایستادند و جنگیدند، سپس اقشار مختلف مردمی، به فرمان امام از سراسر کشور در جبهه‌ها حضور یافته و مانع پیشروی دشمن شدند.



مهمترین انگیزه‌های مردم برای حضور در جبهه عبارتند از:

الف) احساس تکلیف شرعی برای دفاع از ایران اسلامی که به مثابه‌ی قلب تپنده‌ی جهان اسلام مطرح بوده و می‌باشد.

ب) دفاع از انقلاب اسلامی و حفظ تمامیت ارضی کشور.

۹. سنجش ظرفیت دفاعی مردم

در هر فرهنگی، ذهنیت خاصی در مردم برای دفاع از میهن وجود دارد. بیش‌تر کشورها با برانگیختن احساسات ناسیونالیستی، سعی در بسیج نیروها برای دفاع از کشور دارند. ولی در جنگ تحمیلی، فرهنگ‌های خاصی از دفاع به وجود آمد که برآمده از

ارزش‌های اسلامی بود. ارزش‌هایی چون جهاد، شهادت‌طلبی، ایثار، پیاده کردن حاکمیت الهی، ولایت‌پذیری، نفی سلطه‌ی کفار بر امور مسلمین، و ظلم‌ستیزی از جمله عناصر سازنده‌ی این فرهنگ بود و بنا به فرموده‌ی پیامبر(ص): «حب الوطن من الایمان» میهن دوستی با ایمان همسو گردیده بود.



۱۰. تجارب سیاسی

از دستاوردهای سیاسی جنگ، کسب تجارب سیاسی در حوزه‌های داخلی و خارجی بود. یکی از تجارب سیاسی ما، ضرورت سازماندهی و تشکیلات در مقابل حمله‌ی غافلگیرانه بود. ضرورت فعال شدن سیاست خارجی در زمان جنگ برای توسعه‌ی منابع قدرت انقلاب و به کار گرفتن امکانات در خارج از کشور، هماهنگی رسانه‌های گروهی با جنگ، مبارزه‌ی فعال با ضدانقلاب داخلی توأم با نبرد در مقابل تجاوز خارجی، یکی دیگر از تجارب انقلاب اسلامی بود.

۱۱. تجارب اقتصادی

از برکات اقتصادی جنگ، شناخت و معنویت‌گرایی در بخش مایحتاج عمومی بود. یکی از سنت‌های مردم ایران به دلیل تهاجمات مکرر بیگانگان و ایجاد قحطی در مراحل خاص تاریخی، سنت ذخیره سازی بود. این سنت در شرایط جنگی می‌توانست ضربه‌ی کاری بر اقتصاد کشور بزند؛ چرا که با هجوم مردم و خرید گسترده‌ی کالاهای ضروری و مورد نیاز، قحطی مصنوعی رخ می‌داد. اما معنویت‌گرایی مردم به عنوان یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های انقلاب اسلامی، مانع از ضربه‌پذیری اقتصاد در زمان جنگ شد.

توزیع عادلانه‌ی کالاهای ضروری و مورد نیاز عامه‌ی مردم، نیز از تجارب اقتصادی در شرایط جنگی بود.

۱۲. نیروهای مردمی عشایری

عشایر یکی از بخش‌های مهم مردمی در جبهه‌های جنگ حق علیه باطل بودند. این مردم غیور و شجاع، همواره نقش خود را در لحظات حساس تاریخ ایفا کرده‌اند. حماسه‌ی تک تیراندازان عشایر که در جنوب و غرب، پشت سنگرهای داغ دشت و کوه نشسته و بدون خطا با برنوهای خود، پیشانی مزدوران بعثی را نشانه می‌گرفتند، هرگز فراموش نمی‌شود. هم اکنون نیز بسیج عشایری طوایف مختلف در صحنه‌های دفاع از انقلاب و کشور، با تمام قدرت حضور دارند.

۱۳. تجارب نظامی

تجاوز رژیم صدام به مرزهای جمهوری اسلامی، با انگیزه‌ی نابودی نظام جمهوری اسلامی در منطقه‌ی حساس خاورمیانه، زمینه‌ی مساعدی را برای انسجام و آبدیده شدن نیروهای نظامی ما فراهم کرد. مهمترین تجربه‌ی ما در این درگیری گسترده‌ی نظامی، لزوم هماهنگی بین کلیه‌ی نیروهای نظامی، تکیه بر قدرت ایمان، آموزش در حین عملیات، جذب نیرو در جریان نبرد، و شناسایی کادرهای مردمی و کادرسازی در حین عملیات و تکوین مهندسی رزمی در جریان نبرد بود.

۱۴. تجارب فرهنگی

مهار فرهنگ سرمایه‌داری و رفاه‌طلبی و ترویج فرهنگ زهد و ساده زیستی یکی دیگر از تجارب فرهنگی این دوران بود، امام که مراقب نفوذ تفکر سرمایه‌داری در بدنه‌ی نظام بودند، فرمودند: «آنان که رفاه‌طلبی با مبارزه را قابل جمع می‌دانند، آب در هاون می‌کوبند و با الفبای مبارزه بیگانه‌اند.»^۱ البته افسوس که بعد از دفاع مقدس این فرهنگ زیبا به خاطره تبدیل شده است.

۱۵. رسوایی لیبرال‌ها و منافقین

یکی از خطرهایی که به طور جدی، انقلاب اسلامی را تهدید می‌کرد، افتادن انقلاب به دام لیبرال‌ها و گروه‌های منحرف بود.

امام در این رابطه فرمودند: «...بعضی تصمیمات اول انقلاب، در سپردن پست‌ها و امور مهم کشور به گروهی که عقیده‌ی خالص و واقعی به اسلام ناب محمدی نداشته‌اند، اشتباهی بوده است که تلخی آثار آن به راحتی از میان نمی‌رود... و ما هنوز چوب اعتمادهای فراوان خود را به گروه‌ها و لیبرال‌ها می‌خوریم.»^۱



در طول دوران دفاع مقدس مسعود رجوی و منافقین بعنوان ستون پنج صدام در اردوگاه اشرف فعالیت داشته و اخبار و اطلاعات ایران را به عراق گزارش می‌دادند.

با کنار کشیدن گروه‌های سیاسی عمدتاً چپ‌گرا از صحنه‌های نبرد و پیوستن به صف دشمن، مردم پی به ماهیت منحرف این گروه‌ها بردند.

۱۶. آزمون روشنفکری

جنگ عرصه‌ی امتحانی سخت را برای جریان روشنفکری ایران فراهم نمود، تا آیندگان با مرور کارنامه‌ی جریان روشنفکری در برخورد با دفاع مقدس، بیماری روشنفکری در ایران را دریابند و هرگز به دام آنان گرفتار نشوند. جریان روشنفکری در ایران همزاد غریزدگی بوده است، چرا که در بستر اندیشه و تفکر غرب تولد یافت. روشنفکری در ایران پیش از آن که جریان اصیل و ریشه‌دار باشد، جریان مقلد به شمار می‌رود. روشنفکر؛ تقلید کورکورانه، مردم‌گریزی و سنت‌ستیزی را ویژگی ذاتی روشنفکری می‌داند. دردها، دغدغه‌ها و آرزوهای روشنفکر نیز از جنس دیگر است.

^۱ - صحیفه‌ی امام (ره)، ج ۲۱، ص ۲۸۶.

هشت سال جنگ، غبار هرگونه شک و تردید را در این باره برطرف نمود. روشنفکر، در جنگ به گوشه‌ای خزید و مردم‌ستیزی خویش را آشکار نمود. آنان که دایم خود را دردمند وطن و ایران نشان می‌دادند، در آزمون تاریخی دفاع مقدس مردود شدند. در اصل، آن چه در جنگ تحمیلی هدف هجوم قرار گرفته بود، دین و انقلاب برخاسته از آن بود. ملت نیز نه فقط به قصد دفاع از میهن، بلکه آگاه از قصد و نیت دشمن، به دفاع از اعتقاد و دین خویش به پا خاسته بود، چیزی که روشنفکر با آن میانه‌ی خوبی نداشت. پیروزی افتخارآمیز ملت ایران در جنگ، می‌تواند خسارت آن شکست‌ها را جبران کند و خودباختگی را به خودباوری تبدیل نماید و روشنفکر رمیده از مردم را به آغوش ملت برگرداند.

۱۷. تحکیم وحدت ملی

از دستاوردهای مهم دفاع مقدس، تحکیم وحدت ملی بین احاد ملت به ویژه گروه‌ها و احزاب سیاسی کشور بود؛ به طوری که به جز معاندان، همگان منافع حزبی و صنفی خود را در خدمت مصالح نظام و امنیت کشور قرار داده بودند. احاد ملت متوجه دفاع از کشور و تنبیه دشمن بود.

۱۸. تأثیر در نگرش‌های علمی و پژوهشی دانشگاه‌ها و مراکز عالی

تحول در حوزه‌ی صنایع دفاعی، این باور را در مراکز دانشگاهی و علمی - پژوهشی کشور به وجود آورد که خواستن توانستن است. همچنین مقابله با اتکای به بیگانه در امر فناوری‌های جدید و درک فرایند رشد فناوری توسط متخصصان و نخبگان داخلی، استقلال علمی در دانشگاه‌ها را رقم زد، و همگان می‌دانند که این استقلال مرهون فرهنگ خودباوری بود که در اندیشه‌ی رزمندگان ما در دوران دفاع مقدس تجلی کرد.

۱۹. آزمون کارآمدی نظام جمهوری اسلامی

هنوز مدت زیادی از پیروزی انقلاب سپری نشده بود و نظام دینی نخستین تجربه‌های خود را پشت سر می‌گذاشت که جنگ به عنوان پدیده‌ای فراگیر، خود را در ابعاد وسیع سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بر جامعه تحمیل نمود و زمینه‌ی آزمونی سخت را برای کارآمدی نظام نوپای جمهوری اسلامی فراهم آورد. جنگ در حالی آغاز شد که مشکلات اقتصادی و محرومیت‌ها، نزاع‌های سیاسی، کارشکنی گروهک‌ها، ترور و خرابکاری، کمبود نیروی متخصص انقلابی، و تحریک قومیت‌ها، نظام را رنج می‌داد و

انقلاب را تهدید می‌کرد. همان عواملی که در پیروزی انقلاب یعنی؛ اسلام، مردم و رهبری، نقش ایفا نمودند، همان‌ها نیز بزرگ‌ترین سهم را در حفظ انقلاب و نجات آن در شرایط بحرانی بعد از پیروزی داشتند و آزمون کارآمدی نظام اسلامی را با موفقیت پشت سر گذاشتند.

۲۰. سنگ‌سازان بی‌سنگر

در دوران دفاع مقدس از بالاترین تا پایین‌ترین نقطه‌ی مرزی ایران و عراق، همه‌جا نیروهای جهاد سازندگی در کنار رزمندگان اسلام حضور فعال داشتند. هرجایی که رزمنده‌ای درحال پیکار بود، بخش مهندسی جهاد سازندگی درکنار او برای احداث سنگر، خاکریز، جاده، پل و... حاضر بودند.



۲۱. تأثیر در حوزه‌ی هنر و ادبیات

آموزه‌های حماسی به ویژه اخلاق و سیره‌ی رزمندگان، تأثیری مستقیم در حوزه‌ی هنر و ادبیات کشور داشته است و به جرأت می‌توان گفت که ادبیات حماسی - عرفانی در این دوره تولدی دوباره یافت، و حتی فضای ذهنی هنرمندان و فیلم‌نامه‌نویسان را تحت تأثیر و تصرف خود در آورد.

۲۲. مشارکت فعال زنان

از افتخارات دوران دفاع مقدس، حضور پرشور زنان در همه‌ی صحنه‌ها به ویژه در امر پشتیبانی و امداد رسانی به جبهه است. زنان متعهد با تربیت فرزندان مبارز، مشارکت

فعال در امور پشتیبانی، وظیفه‌ی مضاعفی را عهده‌دار بودند. از همه مهم‌تر، همسرانی که جای پدر را در خانواده پر کرده، تربیت فرزندان شهید را عهده‌دار گردیدند، زینب‌وار پرچم شهادت و ایثار را به دوش می‌کشیدند و امروز هم به عنوان آیه‌های مجسم ایثار و پیام آوران فرهنگ حماسه و شهادت بر ناصیه‌ی فرهنگ ما می‌درخشند.



۲۳. تکامل سازمان ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

براساس آیه شریفه: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...» (انفال، ۶۰) «و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید، تا با این، دشمن خدا و دشمن خودتان و دیگری را جز ایشان بترسانید... این آیه در واقع فلسفه‌ی وجودی نیروهای نظامی را به صورتی کلی و زیبا بیان می‌کند. در حالی‌که «عَدُوَّكُمْ وَعَدُوَّ اللَّهِ» وجود دارد، نیروهای نظامی اسلام باید در نهایت قدرت و کفایت آماده‌ی مقابله و نبرد مقدس خود باشند.

سپاه پاسداران که نهادی جوشیده از متن انقلاب و از نیازها و ضرورت‌های آن بود، در ابتدا تجربیات لازم رزمی را نداشت. البته ارتش هم که دارای تجربیات کلاسیک بود، در عمل توان کافی برای مقابله با صدامیان را نداشت. با شروع جنگ تحمیلی بود که سپاه و ارتش توانستند در جبهه مراحل تکاملی خود را طی کنند، با سازماندهی

هوشمندانه و پایمردی و ایثار خون خود، کلیه‌ی جبهه‌ها را از حالت انفعالی و تدافعی اولیه خارج ساخته، ابتکار عمل را به دست گیرند.

۲۴. سفیران آزاده

از دستاوردهای دیگر دفاع مقدس، اثبات ایمان و پایمردی جان‌برکفان ایران اسلامی است که این موضوع را در سیاه چال‌های دوران اسارت به نمایش درآوردند. همه‌ی ما باید اعتقاد و پایبندی به اسلام و ولایت را از این عزیزان سرمشق گرفته، به دیگران هم منتقل کنیم. دلاور مردان ما در زیر شکنجه‌های سخت و در میان مرگ و زندگی، حاضر نبودند حتی به صورت زبانی به مقدسات خود توهین کنند. این اعتقاد و ایمان زلال، که در واقع مرحله‌ی حق‌الیقین ایمان است، باعث حیرت شکنجه‌گران بعثی شده بود. به راستی اگر دفاع مقدس نبود، آیا جوهر ایمان و روح پیرصلابت آنان شناخته می‌شد؟



رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال ۸۴ در سفری که به جیرفت داشتند، درباره‌ی شهسواری فرمودند: «یکی مثل شهید محمد شهسواری (آزاده‌ی سرافراز جیرفتی) به یک

چهره‌ی ماندگار در کشور تبدیل می‌شود؛ نه به خاطر این که وابسته به یک قشر برتر است؛ نه! او یک رعیت‌زاده و یک جوان برخاسته از قشرهای پایین اجتماع است؛ اما آگاهی و شجاعت او، او را در چشم مردم ایران عزیز می‌کند. آن روزی که ماه‌های پای تلویزیون نشسته بودیم و دیدیم این جوان در چنگ دژخیمان رژیم بعثی صدام و زیر شلاق و تازیانه‌ی آن‌ها فریاد می‌زند: «مرگ بر صدام، ضد اسلام»، نمی‌دانستیم ایشان جیرفتی است؛ نه اسمی از او شنیده بودیم و نه خصوصیتی از او می‌دانستیم؛ اما همه‌ی وجود ما غرق تعظیم و تجلیل از این جوان آزاده شد. بعد هم بحمدالله به میان مردم و کشور ما برگشت»^۱.

۲۵. تکرار عاشورا و تجلی شهادت

کسانی که عاشق کربلا و حماسه‌ی عاشورا بودند، به وضوح تکرار عاشورا و کربلای حسینی را در دوران دفاع مقدس مشاهده نمودند. به تعبیر امام، جنگ ما تکرار عاشورا بود. همه‌ی مفاهیم حماسی عاشورا در رزم و حماسه‌ی سلحشوران تفسیر شده بود و رمز و راز شهادت بر قلوب جوانان عاشق گشوده گشت، به طوری که برای ملاقات با خدا و شهیدان کربلا سر از پا نمی‌شناختند.

۲۶. تأثیر در تحکیم روابط اجتماعی و روح برادری

تقویت معنوی معاشرت‌ها و تحکیم روابط اجتماعی از دیگربرکات دفاع مقدس بود؛ به طوری که صمیمیت و برادری و صله‌ی رحم در بین مردم تقویت شده بود. با حضور در مراسم بدرقه‌ی رزمندگان جهت اعزام به جبهه‌ها یا شرکت در مراسم تشییع شهدا، بسیاری از کینه‌ها و ناراحتی‌های بین مردم برطرف می‌شد و قطع رابطه‌ی چندین ساله‌ی خانواده‌ها را به دوستی مبدل می‌کرد و یا حضور در مزار شهیدان، پستی و زشتی دنیاطلبی را در مقابل دیدگان مجسم می‌نمود.

۲۷. تحکیم بنیان خانواده‌ها

یکی از برکات جنگ، تحکیم بنیان خانواده‌ها و تقویت روابط عاطفی اعضای آن بود و حتی اگر پدر یا فرزند خانواده‌ای شهید می‌شد، حضور معنوی او در جامعه باعث تحکیم بنیان و تضمین امنیت خانواده می‌شد. در آغوش کشیدن رزمنده به هنگام خداحافظی توسط اعضای خانواده، فضای سرشار از عاطفه و محبت را به جامعه تزریق

می‌کرد. ای بسا افرادی که با دیدن این منظره‌ها متأثر شده، کانون سرد خانواده‌ی خود را با الهام از عواطف رزمندگان، به گرمی و احساس و مهربانی مبدل می‌کردند.^۱

۲۸. شناخت دوست از دشمن

در دوران دفاع مقدس، صف مجاهدان از قاعدان جدا گردید. مدعیانی که به طمع قدرت و ثروت، انقلابی شده بودند، از ترس جان و مال خود به گوشه‌ای خزیدند و بعضاً فرزندان خود را به کشورهای خارج فرستادند. به تعبیر امام (ره)، تنها پابرهنگان و کسانی که درد فقر را چشیده بودند، تا پایان راه با ما بوده‌اند. همچنین در این باره فرمودند: «ما در جنگ، دوستان و دشمنانمان را شناخته‌ایم».^۲

۲۹. تجربه‌ی دفاع باز دارنده و همه جانبه

ما در آغاز جنگ آمادگی کافی برای دفاع در مقابل تجاوز سراسری دشمن نداشتیم. بزرگ‌ترین درسی که از دفاع مقدس آموخته‌ایم، این است که همواره باید برای صلح پایدار، در اوج آمادگی دفاع بازدارنده باشیم. این استراتژی همچنان از سوی مسئولان مربوطه دنبال می‌شود.

۳۰. احیای نقش مساجد در دفاع مقدس

در دوران پیروزی انقلاب و هشت سال جنگ، شاهد نقش مساجد و تأثیر شگرف آن در معرفی انقلاب اسلامی و ساماندهی بسیج مردمی در دوران دفاع مقدس و نشر و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت بودیم، که اهم آن‌ها عبارتند از:

- الف. مسجد، اولین پایگاه حکومت اسلامی.
- ب. مسجد، محور وحدت آحاد افراد جامعه.
- ج. مسجد، تنها رسانه‌ی مطمئن در بین کل رسانه‌ها.
- د. مسجد، محل پیوند بین مردم و روحانیت.
- ه. مسجد، محل تربیت نیروهای مبارز و بسیج مردمی.
- و. مسجد، پایگاه تبلیغ انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
- ز. مسجد، بهترین محل برای جمع‌آوری کمک‌های مردمی.

۱- آمار ازدواج و درصد طلاق در زمان جنگ و زمان صلح، قابل بررسی و توجه است.

۲- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۲۸۳.

- ح. مسجد، بهترین پایگاه ترویج فرهنگ ایثار و شهادت.
 ط. مسجد، محل نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
 ی. مسجد، محل تحقق مردم سالاری دینی و پیوند دین و سیاست.
 ک. مسجد، مرکز فعالیت‌های فرهنگی
 ل. مسجد، محل پیوند نسل دیروز، امروز با فردا



(ب) دستاوردهای بین‌المللی و منطقه‌ای دفاع مقدس

۱. تثبیت اقتدار جمهوری اسلامی ایران.
۲. تضمین استقلال کشور.
۳. تولد استراتژی نوین دفاعی.
۴. ایجاد الگوی مبارزه با قدرت‌های بزرگ.
۵. اثبات مظلومیت ایران در جهان.
۶. رشد روابط سیاسی و دیپلماسی با کشورها.
۷. اعتقاد به نقش ایران در تأمین امنیت منطقه.
۸. اثبات کارآمدی دین اسلام در صحنه‌ی بین‌المللی.
۹. شکست اهداف زمان بندی شده‌ی اسرائیل در خاورمیانه.
۱۰. شکست سیاست مهار دو جانبه‌ی آمریکا در خاورمیانه.

۱۱. ارزیابی سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای.
۱۲. مطرح شدن بیشتر انقلاب اسلامی در سطح جهان.
۱۳. شکست طرح‌های توسعه طلبانه‌ی دشمنان انقلاب اسلامی.
۱۴. آزمون حقوق بشر برای مدعیان آن.
۱۵. بیداری جهان اسلام و خودباوری مردم منطقه در مقابل استکبار؛ یکی از دستاوردهای مهم دفاع مقدس مربوط به بیداری اسلامی در منطقه می‌باشد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در ۳۱ شهریور ۱۳۹۰ به منظور گرامیداشت یاد و خاطره‌ی شهدای گرانقدر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و همزمان با روز تجلیل از شهدا و ایثارگران دفاع مقدس طی پیامی فرمودند: «امروز با پیشرفت و درخشش کشور و تأثیر عمیق آن در بیداری عالم اسلام، بار دیگر ارزش مجاهدت فداکارانه‌ی شهیدان عزیز ما آشکار گشت. خدای حکیم و قدیر را سپاسگزاریم که خون شهیدان ما ضایع نگشت و این فداکاری‌ها جان تازه‌ای به امت اسلام بخشید.»^۱



فرهنگ ایثار و شهادت

بدون شک یکی از عوامل مهم و اساسی مقاومت و پیروزی در دفاع هشت ساله، نیروی انسانی است. نیروهای متشکل از بهترین و قوی‌ترین مردان به ویژه جوانان عاشق و شهادت طلب میهن اسلامی که در دفاع از انقلاب اسلامی و تمامیت ارضی کشور عزیزمان سر از پا نمی‌شناختند.

مقاومت تحسین برانگیز جوانان برومند این سرزمین در برابر استکبار جهانی، صحنه‌های بی‌بدیل و بی‌نظیری از شهادت و ایثار را خلق کرد که اگر به ضبط و ثبت و تفسیر و توزیع آن اهتمام نورزیم، به فرهنگ و تاریخ مردم این مرز و بوم، جفایی جبران ناپذیر روا داشته‌ایم. خلق این آثار اعجاب‌آور و حیرت‌انگیز که طبق فرمایش امام سفر کرده، به جز در برهه‌ای کوتاه از صدراسلام همانند ندارد، حجت را بر همگان تمام کرده است. خود واقفیم که ادراک زمینی ما نمی‌تواند حتی اندکی از عمق وجودی مجاهدان فی سبیل‌الله، خاصه شهدای گرانقدر را دریابد، با پیاله نتوان اقیانوسی را پیمانه کرد. در بیان این مقام همان بس که امام و مراد شهیدان فرمود: «چه گویم و چه نویسم که خاموشی بهتر و شکستن قلم اولی‌تر است»^۱. به طور خلاصه، مهم‌ترین اوصافی که می‌توان برای رزمندگان اسلام ذکر کرد، عبارتند از:

۱. ایمان به خدا
۲. بینش و آگاهی همراه با صبر و مقاومت
۳. ولایت‌پذیری رزمندگان
۴. ایثار، شهادت‌طلبی، ساده زیستی و دنیا‌گریزی
۵. دعا و نیایش و میهن‌دوستی همسو با ایمان و ...

شهداء، جانبازان و آزادگان

شهادت از برترین واژه‌های فرهنگ اسلامی و از مقدس‌ترین مفاهیم معارف الهی است. شهادت اوج کمال انسان است، آنگاه که انسان تمام هستی خود را یکجا نثار معبود می‌کند و قطره‌ی وجودش به دریای بیکران هستی مطلق می‌پیوندد.

درک مقام شهید از توان و ظرفیت فهم ما خارج است و تنها منبع وحی الهی است که شمه‌ای از این مقام را برای ما بازگو فرموده است: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُمُوتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنَّ لَا تَشْعُرُونَ» «برای کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند نگوئید مردگاند، بلکه آن‌ها زنده‌اند، لکن شما درک نمی‌کنید.» (سوره‌ی بقره، ۱۵۴)

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ. «همانا خدا از مومنان جان و مالشان را به بهای بهشت خریداری کرد. آنان در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند. این در تورات و انجیل و قرآن وعده‌ی حقی برعهده‌ی خداست و چه کسی از خدا بر عهد خویش وفادارتر است؟ پس به این معامله‌ای که با خدا کرده‌اید شاد باشید و این همان کامیابی بزرگ است.» (سوره‌ی توبه، ۱۱۱)

این جلوه‌ای از منزلت والای رزمندگان راه خداست، بکشند یا کشته شوند و آنگاه که جان خویش را در جبهه فدا کنند یا بعد از مجروح شدن و تحمل مشقت‌ها و درد بسیار که خود پاداشی بزرگ دارد، در اثر جراحات و جانبازی به شهادت برسند و یا آنکه در اسارت، شکنجه و آزار مضاعف دشمن را به جان بخرند و به مقام آزادگی برسند. همگی برخوردار از این فضیلت والا هستند و آنگاه که رزمنده‌ای جان برکف، در اثر جراحات‌های جنگ به مقام جانبازی نائل شود و همزمان در اسارت سخت‌ترین رنج‌ها و دردها را تحمل کند و در اثر جراحات‌های جانکاه جبهه به مقام شهادت رسد، با برخورداری از چهار عنوان رزمنده، آزاده، جانباز و شهید در اوج این قله‌ی رفیع جای می‌گیرد. دقت در آیه‌ی مذکور و ملاحظه‌ی ویژگی‌های مشتری! بایع، ثمن و مثنی که به عنوان یک پیمان از سوی خدا مطرح شده و سند آن را نیز بزرگترین کتاب‌های آسمانی یعنی تورات و انجیل و قرآن قرار داده و بر وفای به این عهد تاکید نموده و آن را فوز عظیم دانسته است، افق‌های شگفت‌انگیزی را به روی انسان می‌گشاید.

از پیغمبر اکرم (ص) نقل شده که فرمودند: «بالاخر از هر خیر و نیکی، خیر و نیکی وجود دارد تا انسان در راه خدا کشته شود که بالاتر از کشته شدن در راه خدا، خیر و نیکی یافت نشود.» و «اول کسی که وارد بهشت می‌شود، شهید است. نیز فرمودند: شهید هفتاد نفر از بستگان خود را شفاعت می‌کند.»

امام خمینی (ره) در رابطه با جایگاه شهدا و خانواده‌ی والامقامشان فرمود: «رحمت خداوند بر همه‌ی شهیدان و رضوان و مغفرت حق بر ارواح مطهرشان که جوار قرب او را برگزیدند و سرفراز و مشتاق به سوی جایگاه مخصوصشان در پیشگاه رب خویش شتافتند. و سلام و درود بر شما پدران و مادران، همسران، فرزندان و بازماندگان شهدا که از بهترین عزیزان خود در راه بهترین هدف که اسلام عزیز است، بزرگوارانه گذشته‌اید، و در امر دفاع از دین خدا، آن چنان صبر و مقاومت نشان داده‌اید که رشادت و استقامت یاران سید شهیدان حضرت امام حسین(ع) را در خاطره‌ی جهانیان تجدید کردید.»^۱

در اینجا مروری بر آمار شهداء، جانبازان و آزادگان و اشاره به پاره‌ای از ویژگی‌های آنان می‌تواند دستمایه‌ای برای تحلیل‌های گوناگون باشد. از مجموع ۲۱۹۰۰۰ نفر شهیدی که در بنیاد شهید و امور ایثارگران دارای پرونده هستند، حدود بیست هزار نفر توسط اشرار و ترورهای منافقین به شهادت رسیده‌اند. افرادی که در درگیری‌های مستقیم جنگ به شهادت رسیده‌اند ۱۷۲/۰۰۰ نفر و شهدای بمباران‌های دشمن ۱۶/۰۰۰ نفر می‌باشند. به این ترتیب جمع شهدای جنگ تحمیلی به ۱۸۸/۰۰۰ نفر می‌رسد.^۲

جدول آمار شهدا و آزادگان دفاع مقدس

جدول آمار شهدا و آزادگان دفاع مقدس، دارای پرونده در بنیاد شهید		
شهدای بمباران‌های مناطق مسکونی	۱۶/۰۰۰	جمع کل شهدا
شهدای درگیری‌های مستقیم دفاع مقدس	۱۷۲/۰۰۰	نفر ۱۸۸/۰۰۰
شهدای اقلیت‌های مذهبی مسیحی، کلیمی و زرتشتی حدود ۱۰۰ نفر می‌باشند.		
اسرای ایران در عراق ۴۲/۱۷۵ نفر		اسرای عراق در ایران بیش از ۷۰/۰۰۰ نفر

۱- همان، ج ۱۷، ص ۹۵.

۲- کلیه‌ی آمار و ارقام در مورد شهدا، آزادگان و جانبازان، مربوط به خلاصه‌ی جلسه‌ی درس حجت الاسلام و المسلمین رحیمیان نماینده‌ی مقام معظم رهبری در بنیاد شهید و امور ایثارگران، در پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، در مردادماه سال ۱۳۸۷ می‌باشد که در سایت مربوطه، به آدرس: منتشر شده است. (دریافت: مرداد ۱۳۹۱).

برخلاف شایعه پراکنی‌های بیگانگان که رقم شهدای جمهوری اسلامی را چندین برابر واقعیت بزرگ‌نمایی می‌کردند، به منظور القاء ناتوانی در مدیریت جنگ و تضعیف روحیه‌ی مردم، بهره‌گیری از امواج انسانی را به جای مدیریت و تکنولوژی دامن می‌زدند، رقم ۱۸۸/۰۰۰ شهید در مقایسه با کشته‌های عراق در جنگ با وجود همه‌ی پشتیبانی‌های جهان استکبار از ارتش عراق از جمله نکات مهمی است که باید از ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار گیرد.

کشته‌ها و تلفات نیروی انسانی عراق

هرچند آمار رسمی کشته‌های عراق در دسترس نیست و صدام آمار تلفات عراق را کتمان می‌کرد، اما برای بدست آوردن آن می‌توان با نگاهی به آمار اسرای دو کشور به مطلب پی برد. (هرچند این تناسب شاید درست نباشد اما مشت می‌تواند نمونه‌ی خروار باشد). البته منابع مختلف، تلفات عراق را بین ۵۰۰ هزار تا یک میلیون نفر کشته ذکر کرده‌اند.^۱

جانبازان دفاع مقدس

جانبازان اسوه‌های صبر و مقاومت، نمونه‌ها و نمادهای ایثار در تاریخ و جامعه می‌باشند. همان کسانی که رهبر معظم انقلاب در مورد آن‌ها فرمودند: «زبان ما قاصر است که بخواهیم از شماها که هستی‌تان را، وجودتان را، سلامتی‌تان را، آسایش یک عمر را در پای انقلاب و اسلام نثار کردید، تشکر کنیم. البته من اگر بخواهم قضاوت خودم را عرض بکنم، باید بگویم مسئله‌ی جانباز هفتاد درصد و جانباز قطع نخاعی گردنی مهمتر از مسئله‌ی شهید شدن است؛ چون شهادت یک بار است و تمام می‌شود، بعد هم انسان می‌رود عروج می‌کند ...»^۲

از میان ۴۲/۱۷۵ آزاده ۲۱/۰۰۰ نفر آن‌ها جانباز هم هستند که در ارقام فوق لحاظ شده است.

۱- در DVD مستند دفاع مقدس، متعلق به واحد مرکزی خبر؛ به نقل از جان‌کلی مدیرکل وزارت خارجه آمریکا، ۵۰۰ هزار نفر و رادیو اسرائیل یک میلیون کشته برای عراق ذکر شده است. وفق السامرای نیز در صفحه ۲۷ کتاب «ویرانی دروازه شرقی» معتقد است، عراقی‌ها در طول حاکمیت صدام حدود یک میلیون قربانی داده‌اند.

۲- از بیانات آیت الله خامنه‌ای در جمع جانبازان قطع نخاعی، در تاریخ ششم مهرماه ۱۳۹۰.

جدول آمار جانبازان

درصد	تعداد
کمتر از ۲۵٪	۲۱۹/۵۰۰ نفر
بین ۲۵٪ تا ۵۰٪	۱۵۱/۸۰۰ نفر
بین ۵۰٪ تا ۷۰٪	۱۹/۷۰۰ نفر
جانباز ۷۰٪	۷/۵۰۰ نفر
جمع کل	۳۹۸/۵۰۰ نفر



چند نکته در مورد شهدا:

- سن ۷۲٪ از شهداء بین ۱۶ سال تا ۲۵ سال است.
- بیشترین تعداد شهید از جهت سن ۲۰ ساله می باشند.
- در جنگ به طور میانگین از هر ۲۳۰ نفر جمعیت کشور یک نفر به شهادت رسیده است. به ترتیب بیشترین تعداد شهداء؛ استان اصفهان از هر ۱۴۴ نفر یک نفر، قم از هر ۱۴۸ نفر یک نفر و سمنان از هر ۱۵۵ نفر یک نفر به شهادت رسیده‌اند.
- در میان اقشار جامعه، روحانیت بیش از ده برابر میانگین کل جامعه به شهادت رسیده‌اند و بیش از ۵ برابر میانگین جامعه شهید داده‌اند. (فرزندانشان به شهادت رسیده‌اند).
- شهدای مؤنث ۶/۴۲۷ نفر می‌باشند.
- حدود ۵۶/۰۰۰ نفر از شهدا متاهل و بقیه مجرد بوده‌اند.
- اکثر شهداء، از پایگاه مسجد، سنگر نماز جمعه و جماعت اعزام شده‌اند.
- براساس تحقیقی که بر روی وصیت‌نامه‌ی شهداء انجام شده انگیزه‌ی اصلی آن‌ها در پی‌مودن راه شهادت به ترتیب الهام‌گیری از نهضت حسینی و پیروی از امام خمینی(ره) و دفاع از اسلام مورد تاکید قرار گرفته است.^۱

امام خمینی (ره) طی پیامی به ملت ایران در هفته‌ی دفاع مقدس، در تجلیل از شهدا

فرمودند:



«شهدا در قهقهه‌ی مستانه‌شان و در شادی و وصولشان عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ؛ و از «نفوس مطمئنه‌ای» هستند که مورد خطاب فَادَخْلِی فی عِبَادِی و ادخْلِی جَنَّتِی پروردگارند. اینجا صحبت عشق است و عشق؛ و قلم در ترسیمش بر خود می‌شکافد.»^۱

وظیفه‌ی جامعه نسبت به شهدا

از آنجا که شهید برای خدا و در راه خدا، هستی خود را برای نجات و سعادت

جامعه فدا می‌نماید، پاداش اصلی خود را از خداوند دریافت می‌کند، اما بنابر حکم عقل، جامعه نیز به لحاظ حقی که شهید برگردن آن دارد، مدیون شهید است و باید با تمام وجود دین خود را در قبال شهید ادا نماید. زنده نگهداشتن یاد و نام شهید و بزرگداشت زمان و مکان شهادت و مدفن او و الگوسازی از شخصیت و سیره‌ی زندگی و حماسه‌ی ایثارگرانه‌ی شهید، بخشی از وظائف جامعه نسبت به شهید می‌باشد.

این نکته افزودنی است که فایده‌ی انجام این نوع وظائف عمدتاً به خود مردم باز می‌گردد و در حقیقت این ما هستیم که نیازمند شهدائیم، نه آن که شهدا نیازمند بزرگداشت ما باشند. اجر و مقامی که شهدا نزد پروردگار دارند با بزرگداشت یا غفلت مردم از آنان کم و زیاد نمی‌شود. بزرگداشت و تکریم شهید در جامعه یعنی بزرگداشت و تکریم فرهنگ شهادت و تمام نیکی‌ها و ترویج روحیه‌ی ایثارگری و فداکاری برای ارزش‌ها و دفاع از جامعه و سرزمین اسلامی. فرهنگ و روحیه‌ای که قوام و بقاء جامعه و نظام و سرزمین اسلامی، همواره نیازمند به آن می‌باشد. این مطلبی است که تمام ملل و کشورها در چارچوب جهان بینی و ارزشهای خود به منظور حفظ استقلال و دفاع از موجودیت‌شان در برابر بیگانگان و مهاجمان مورد توجه و اهتمام جدی قرار می‌دهند.

در ادامه برای نمونه قسمتی از وصیت‌نامه‌ی یکی از شهدا آورده می‌شود:

شهید عزیزاله نیکوبخت

نام پدر: عبدالله

محل تولد: ابرکوه، تاریخ تولد: ۱۳۳۵/۸/۹

محل شهادت: منطقه‌ی سوسنگرد (دهلاویه)، تاریخ شهادت^۱: ۱۳۶۰/۶/۲۷

«بسم الله الرحمن الرحيم، در اندرون من خسته دل، ندانم چیست که من خموشم و او در فغان و در غوغاست، معبودا! تو را شکر می‌گویم که مرا به صراط خویش رهنمون فرمودی. انسانی بودم غافل خود را سرگردان و گیج به حساب می‌آوردم یأس سراپای مرا گرفته بود در میان مردمی که همه دارای مال و منال و شغل آبرومند و راحت بودند، همیشه احساس کوچکی و آرزوی رسیدن به این چیزها را داشتم. اما یک میل باطنی و یک کشش فطری مرا به سمت دیگری کشید. ناگاه متوجه شدم که به خود وانهاده در بیان نیستم، نیرویی است که به من عنایت دارد و من در خانه و محل سکونت نیستم، بلکه در منزلی هستم که مزرعه‌ای است برای دیگر منازل، این بود که؛

«إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»^۲ اما راه بی رهبر نتوان رفت و مرید را بی مراد نشاید. ترک این مرحله بی همراهی خضر مکن، ظلمات است بترس از خطر گمراهی. برای انتخاب مرید نیز به او رجوع کردم، جواب داد: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»^۳

در این جا فهمیدم اسوه چه کسی است و چه خصوصیتی دارد. زیرا اگر ندانم که چگونه است و او را ستایش کنم نه پیروی، به مقصد نخواهم رسید. خداوند می‌فرماید: اسوه، امید و ایمانش به خدا و روز قیامت است و پیوسته به یاد خداست و از او شنیدم که فرمود: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی».

۱- تاریخ شهادت این عزیز مفقودالثر، در جاهایی ۱۳۶۰/۷/۱۵ و یا ۱۳۶۰/۷/۵ نوشته شده اما با بررسی‌های انجام شده، فقط ۱۳۶۰/۶/۲۷ در عملیات شهید مدنی صحیح است.

۲- من از روی اخلاص، پاکدلانه روی خود را به سوی کسی گردانیدم که آسمان‌ها و زمین را پدید آورده است؛ و من از مشرکان نیستم. (سوره‌ی انعام آیه ۷۹)

۳- قطعاً برای شما در رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند. (سوره‌ی احزاب آیه ۲۱)

به کتاب رو آوردم ولی مرا عترت رسول الله معرفی نمود و اطاعت ایشان را، به عترت متوسل شدم، همگی فرمودند که ولی الله الأعظم قائم آل محمد (ص)، و امروز امام و مقتدای من است. به این بزرگوار متوسل شدم فرمود:

واما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها الى روايت احاديثنا [فانهم حجتى عليكم و انا حجة الله]
روایت احادیث اهل بیت را پی جویی نمودم دیدم امام صادق (ع) می فرماید:
واما من كان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لدينه، مخالفاً لهويهِ، مُطيعاً لأمر مولاه، فَلِلْعَوامِ
أَنْ يُقْلَدُوهُ.



در میان فقهای زمان خویش خیلی زود توانستم شخصیتی را با آن ملاک های معین شده در کتاب و سنت پیدا کنم به ویژه که از اقبال نیک در عصری هستم که مرجعی زعامت امت اسلام را به عهده دارد که در مبارزه با نفس یک عارف، بلکه مراد عارفان است و هم در فقه اصیل شیعی، بینشی بسیار گسترده دارد و هم در زمینه ی سیاسی مشّت همه ی سیاستمداران را باز کرده و آمریکای ابرجنایت کار را به رسوایی و ذلت سیاسی انداخته است.

چه بگویم که زبان و قلم از وصفش عاجز است و عشق تنها با اشک سخن می گوید نه با بیان. و امروز او رهبر، مرجع، زعیم و مراد من است.

مقتدایی است که در هر کاری به او اقتدا می کنم و از خداوند سلامتی اش را تا ظهور مهدی (عج) خواستارم و امیدوارم که کاش هزار جان داشتم و همه را فدای او می کردم. او روح خداست او شیرین ترین کلمه در فرهنگ سیاسی مستضعفین و تلخ ترین واژه در گوش مستکبرین یعنی خمینی است. به خدا دست زدامان امامم نکشم اگر دست ببرند و بکنندم پوست.^۱

۱- به نقل از «به معراج رفتگان»، مجموعه ی وصایای شهدای شهرستان ابرکوه (۱۹)، ص ۶.

فصل ہشتم

نتیجہ ی جنگ تحمیلی

برقراری آتش‌بس

در ۲۷ تیرماه سال ۱۳۶۷ پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ از طرف جمهوری اسلامی ایران رسماً اعلام گردید. عراق پذیرش قطعنامه را به منزله‌ی ضعف ایران تلقی کرد و با همدستی منافقین بار دیگر اقدام به تجاوزگری نمود. اما با حضور به‌موقع رزمندگان شجاع و شهادت‌طلب اسلام، صدام این بار هم از تلاش‌های ظالمانه‌ی خود طرفی نبست. سرانجام در ۱۵ مرداد سال ۱۳۶۷ بدون این‌که به کوچک‌ترین اهداف خود دست یافته باشد، طی نامه‌ای به دبیر کل موافقت خود، با آتش‌بس را اعلام کرد.

پس از ارسال نامه‌ی عراق به دبیرکل، یک روز بعد در ۱۶ مرداد ۱۳۶۷ ایران نیز طی نامه‌ای موافقت خود را با مذاکرات مستقیم پس از برقراری آتش‌بس، اعلام کرد.

در تاریخ ۱۷ مرداد ۱۳۶۷ (۸ اوت ۱۹۸۸) شورای امنیت با حضور نمایندگان ایران و عراق تشکیل جلسه داد و از هر دو کشور درخواست کرد که از ساعت ۳ بامداد روز ۲۰ اوت ۱۹۸۸ (۲۹ مرداد ۱۳۶۷) آتش‌بس را در کلیه‌ی جبهه‌ها رعایت کنند. پس از دبیرکل، رئیس شورای امنیت موافقت شورا را با آتش‌بس اعلام کرد. بدین ترتیب با استقرار گروه یونیماک^۱ در مرز دو کشور، رسماً از ۲۹ مرداد ۱۳۶۷ آتش‌بس در مرزهای ایران و عراق برقرار شد.^۲

نتیجه‌ی جنگ

سوال اساسی در دفاع مقدس این است که نتیجه‌ی جنگ تحمیلی هشت ساله چه شد؟ کدام یک از طرفین جنگ شکست خورده و یا پیروز شده است؟ برای جواب این سوال ابتدا باید مفهوم شکست و پیروزی بررسی شود.

۱- گروه ناظران، نظامیان و مستشاران سازمان ملل متحد در حفظ آتش‌بس و صلح بین‌المللی.

۲ - محمد درودیان، آغاز تا پایان، ص ۱۸۷.

شکست و پیروزی در تهاجم و دفاع دارای تعاریف متفاوت هستند.

پیروزی در تهاجم؛ آن است که مهاجم به اهداف اصلی و یا علی البدلی خود بطور قطعی، نسبی یا جزئی، دست پیدا کند.

شکست در تهاجم؛ آن است که مهاجم به هیچ کدام از اهداف اصلی و یا علی البدلی خود به صورت قطعی، نسبی یا جزئی، دست پیدا نکند.

پیروزی در دفاع؛ آن است که مدافع نگذارد که مهاجم به اهداف اصلی یا علی البدلی خود بطور قطعی، نسبی یا جزئی، دست پیدا کند.

شکست در دفاع؛ آن است که مدافع نتواند مانع رسیدن مهاجم به اهداف اصلی و یا علی البدلی خود به صورت قطعی، نسبی یا جزئی، بشود.

شکست و پیروزی علاوه بر اختلاف در تهاجم و دفاع، در سطوح مختلف جنگ نیز متفاوت بوده و باید تعریف شوند.

۱- سطح استراتژیک؛ شکست و پیروزی در این سطح در کلیت نظام سیاسی، نظامی و اجتماعی در جنگ (تهاجم و دفاع) با استدلال لازم قابل طرح بوده و این پیروزی یا شکست در کل جامعه حس شود.

۲- سطح عملیات؛ شکست و پیروزی در صحنه و منطقه‌ی عملیات و برای محدوده‌ی خاص زمانی و جغرافیائی و سازمان نظامی محدود، قابل تعریف است.

۳- سطح تاکتیک؛ شکست و پیروزی در این سطح بیشتر جنبه‌ی تاکتیکی داشته و در مقیاس بسیار کوچک سازمانی و فردی قابل تعریف است و بیشتر جنبه‌ی ضعف و قوت آموزش‌ها و استفاده از فرصت‌ها و بهره برداری از خلاقیت‌ها و ظرفیت‌های تاکتیکی خواهد داشت.

نتیجه‌ی جنگ تحمیلی در سطح عملیات

در بررسی‌های به عمل آمده در طول تاریخ و جغرافیای جنگ‌ها هیچ کس نمی‌تواند مدعی باشد که در تمام صحنه‌های عملیات صددرصد موفق بوده و هیچ نقطه‌ی ضعف و شکستی نداشته است. اما نسبت موفقیت‌ها در سطح استراتژیک اثر تعیین کننده‌ای دارد و لذا در جنگ تحمیلی ۸ ساله نیز با اسناد و مدارک موجود نسبت زیر حاکم است.

الف) عملیات‌های موفق و نسبتاً موفق؛ بیش از ۷۵٪ عملیات‌های جمهوری اسلامی با استدلال موفق بوده است. از جمله عملیات‌های ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المبین، بیت‌المقدس، خیبر، والفجر ۸، کربلای ۵ و

ب) عملیات‌های ناموفق؛ با بررسی‌های به عمل آمده حدود ۱۵ تا ۲۵٪ از عملیات‌های رزمندگان اسلام ناموفق بوده که این عدم موفقیت‌ها بعضاً ایجاد فرصت‌های طلایی را نیز برای ایران به همراه داشته است. از جمله، عملیات‌های آفندی کلاسیک سال اول جنگ در زمان فرماندهی بنی‌صدر و عملیات‌های غیرکلاسیک سال‌های بعد هم‌چون؛ رمضان، والفجر مقدماتی، کربلای ۴، قادر و

نتیجه‌ی جنگ تحمیلی در سطح استراتژیک

جمهوری اسلامی ایران فراتر از دستاوردهای سیاسی، نظامی و اجتماعی، در جنگ تحمیلی، با دلایل متقن اعلام پیروزی می‌کند، و این پیروزی در جامعه نیز حس می‌شود. دلایل پیروزی جمهوری اسلامی ایران و شکست رژیم بعثی عراق عبارتند از:

۱- رژیم حزب بعث عراق نتوانست در جنگی که ایجاد کرده بود، به هیچ یک از اهداف مطلق و یا نسبی و یا علی‌البدل خود دست پیدا کند.

۲- صدام که خود آغازگر جنگ تحمیلی بود، شش نامه‌ی رسمی به مسئولان جمهوری اسلامی نوشت. وی در ششمین نامه‌اش به رئیس‌جمهور ایران، ملت‌مسانه نوشت: «آقای رفسنجانی رئیس‌جمهور، با این تصمیم ما، همه چیز روشن و تمام خواسته‌ها و مسائلی که بر آن تکیه می‌کردید، تحقق می‌یابد.»^۱

۳- صدام که با لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، جنگ را شروع کرده بود، در تاریخ ۲۴ مرداد ۱۳۶۹، برابر با ۱۴ اوت ۱۹۹۰ در آخرین نامه‌اش به رئیس‌جمهور ایران، که توسط رادیو بغداد هم قرائت شد، قرارداد ۱۹۷۵ را مجدداً پذیرفت.^۲

۴- در طول تاریخ معاصر، برای اولین بار در جنگ، هیچ بخشی از کشور ایران، تجزیه و جدا نشد که از افتخارات ملت ایران و به‌ویژه رزمندگان اسلام در دوران دفاع مقدس است.

(دریافت: ۱۲ مهر ۱۳۹۳) <http://www.elife.ir/archive/33132> - 1

۲- علی فلاح زاده، معنویت در جنگ، ص ۱۵۲.

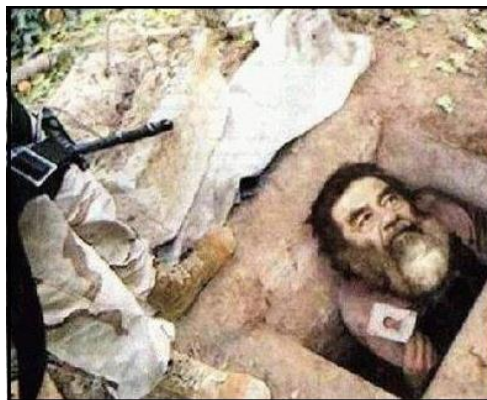
رهبر کبیر انقلاب (ره) نیز در رابطه با نتایج ظفرمندانه‌ی دفاع مقدس فرمودند: «در جنگ پیروزی از آن ملت ما گردید و دشمنان در تحمیل آن همه خسارات چیزی به دست نیاوردند. البته اگر همه‌ی علل و اسباب را در اختیار داشتیم در جنگ به اهداف بلندتر و بالاتری می‌نگریستیم و می‌رسیدیم ولی این بدان معنا نیست که در هدف اساسی خود که همان دفع تجاوز و اثبات صلابت اسلام بود مغلوب خصم شده‌ایم. هر روز ما در جنگ برکتی داشته‌ایم که در همه‌ی صحنه‌ها از آن بهره جسته‌ایم. ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده‌ایم، ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده‌ایم، ما در جنگ، پرده از چهره‌ی تزویر جهان‌خواران کنار زدیم، ما در جنگ، دوستان و دشمنانمان را شناخته‌ایم، ما در جنگ به این نتیجه رسیده‌ایم که باید روی پای خودمان بایستیم، ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم، ما در جنگ ریشه‌های انقلاب پربار اسلامیمان را محکم کردیم، ما در جنگ حس برادری و وطن‌دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم، ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها سالیان سال می‌توان مبارزه کرد، جنگ ما کمک به افغانستان را به دنبال داشت، جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت، جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظام‌های فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند، جنگ ما بیداری پاکستان و هندوستان را به دنبال داشت، تنها در جنگ بود که صنایع نظامی ما از رشد آن‌چنانی برخوردار شد و از همه این‌ها مهم‌تر استمرار روح اسلام انقلابی در پرتو جنگ تحقق یافت.

... من در اینجا از مادران و پدران و خواهران و برادران و همسران و فرزندان شهدا و جانبازان به خاطر تحلیل‌های غلط این روزها رسماً معذرت می‌خواهم و از خداوند می‌خواهم مرا در کنار شهدای جنگ تحمیلی ببذیرد. ما در جنگ برای یک لحظه هم نادم و پشیمان از عملکرد خود نیستیم. راستی مگر فراموش کرده‌ایم که ما برای ادای تکلیف جنگیده‌ایم و نتیجه فرع آن بوده است. ملت ما تا آن روز که احساس کرد که توان و تکلیف جنگ دارد به وظیفه‌ی خود عمل نمود. و خوشا به حال آنان که تا لحظه‌ی آخر هم تردید نمودند، آن ساعتی هم که مصلحت بقای انقلاب را در قبول قطعنامه دید و گردن نهاد، باز به وظیفه‌ی خود عمل کرده است، آیا از این‌که به وظیفه‌ی خود عمل کرده است نگران باشد؟ نباید برای رضایت چند لیبرال خود فروخته در اظهار

نظرها و ابراز عقیده‌ها به گونه‌ای غلط عمل کنیم که حزب الله عزیز احساس کند، جمهوری اسلامی دارد از مواضع اصولی‌اش عدول می‌کند...»^۱

مقام معظم رهبری نیز در همین رابطه فرمودند: «ما در این ماجرای هشت ساله، یک پیروزی مطلق به دست آوردیم. ما که جنگ را شروع نکرده بودیم که بگوییم فلان‌جا را می‌خواستیم بگیریم، نتوانستیم، پس ناکام شدیم؛ قضیه این نبود. قضیه این بود که دشمنی به ما حمله کرده بود و می‌خواست بخشی از خاک ما را بگیرد؛ همه‌ی دنیا هم به او کمک کردند؛ ما هم مردانه ایستادیم؛ ناکام شد و بینی‌اش به خاک مالیده شد و برگشت. پیروزی از این بالاتر؟ این پیروزی را با همین ابعاد، با همه‌ی خصوصیات که در آن وجود دارد، با همه‌ی آن هزاران هزار ماجرای که آن را به وجود آورده است، ما باید روایت کنیم. این کار هنرمندان عزیز ماست؛ کار نویسندگان است؛ کار سینماگران است؛ کار شاعران است؛ کار نقاشان است؛ کار اصحاب فرهنگ و هنر است.»^۲

۵- سازمان ملل متحد نیز رژیم بعث عراق را عامل شروع کننده‌ی جنگ بر ضد ایران معرفی کرد. خاویر پرزدکوئیار دبیرکل سازمان ملل متحد، طی سند شماره **S/23273** مورخ ۹ دسامبر ۱۹۹۱ (۱۸ آذرماه ۱۳۷۰) رژیم عراق را به عنوان مسئول و آغازگر جنگ علیه ایران در ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ (۳۱ شهریور ۱۳۵۹) اعلام کرد.^۳



عاقبت ستم‌گری صدام که او را در چاه ذلت انداخت.

۱- صحیفه‌ی امام(ره)، ج ۲۱، ص ۲۸۳.

۲- بیانات در دیدار جمعی از مدیران و فعالان فرهنگی دفاع مقدس ۱۳۷۹/۷/۶.

ضمیمه

قطعنامه‌ی ۵۹۸

شورای امنیت پس از مشورتهای فراوان و با توافقات اصولی به عمل آمده در ۲۹ تیرماه ۱۳۶۶ (۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ میلادی) در جلسه‌ی شماره ۲۷۵۰ خود طرح قطعنامه‌ای را که قبلاً در خصوص کلمه به کلمه‌ی آن توافق شده بود به اتفاق آرا به تصویب رساند. طرح قطعنامه را اعضای دائم شورا تهیه کرده بودند و نظریات اعضای غیردائم نیز تا حدودی لحاظ شده بود. این قطعنامه دارای یک مقدمه و ۱۰ بند است. بندهای قطعنامه براساس مواد ۳۹ و ۴۰ منشور سازمان ملل متحد به شرح زیر است:

متن قطعنامه‌ی ۵۹۸

شورای امنیت، با تأیید مجدد قطعنامه‌ی ۵۸۲ خود به سال ۱۹۸۶ میلادی، با ابراز نگرانی عمیق از این که علی‌رغم درخواست‌هایش برای آتش بس، منازعه بین ایران و عراق به شدت سابق با تلفات شدید انسانی و تخریب مادی ادامه دارد، با ابراز تأسف از آغاز و ادامه‌ی منازعه، همچنین با ابراز تأسف از بمباران مراکز صرفاً مسکونی غیرنظامی، حملات به کشتیرانی بی‌طرف یا هواپیماهای کشوری، نقض قوانین بین‌المللی انسان دوستانه و دیگر قوانین ناظر بر درگیری مسلحانه، به‌ویژه کاربرد سلاح‌های شیمیایی برخلاف الزامات پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، با ابراز نگرانی عمیق نسبت به احتمال تشدید و گسترش بیشتر منازعه، مصمم گردید به تمامی اقدامات نظامی بین ایران و عراق خاتمه بخشد، معتقد شد که می‌باید یک راه حل جامع، عادلانه، شرافتمندانه و پایدار بین ایران و عراق به دست آید.

با یادآوری مفاد منشور ملل متحد، به ویژه تعهد همه‌ی دُول عضو به حل اختلافات بین‌المللی خود از راه‌های مسالمت‌آمیز به نحوی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به مخاطره نیفتد، با حکم به این که در منازعه ما بین ایران و عراق زمینه‌ی صلح حاصل شده است، با اقدام براساس مواد ۳۹ و ۴۰ منشور ملل متحد:

۱- خواستار آن است که به عنوان یک قدم اولیه جهت حل و فصل (مناقشه) از راه مذاکره، ایران و عراق یک آتش‌بس فوری را رعایت کرده، به تمامی عملیات نظامی در

زمین، دریا و هوا خاتمه داده و تمامی نیروهای خود را بدون درنگ به مرزهای شناخته شده‌ی بین المللی بازگردانند.

۲- از دبیرکل درخواست می‌کند که یک تیم ناظر ملل متحد را برای بررسی، تأیید و نظارت بر آتش‌بس و عقب‌نشینی نیروها اعزام نماید و همچنین از دبیرکل درخواست می‌نماید با مشورت طرفین درگیر، تدابیر لازم را اتخاذ نموده، گزارش آن را به شورای امنیت ارائه نماید.

۳- مصرانه می‌خواهد اسرای جنگی آزاد شده و پس از قطع مخاصمات فعال کنونی، براساس کنوانسیون سوم ژنو ۱۲ اوت ۱۹۴۹، بدون تأخیر به کشور خود بازگردانده شوند.

۴- از ایران و عراق می‌خواهد با دبیرکل در اجرای این قطعنامه و در تلاش‌های میانجی‌گرانه، برای حصول یک راه حل جامع، عادلانه و شرافتمندانه‌ی مورد قبول دو طرف در خصوص تمام موضوعات موجود، منطبق با اصول مندرج در منشور ملل متحد، همکاری نمایند.

۵- از تمامی کشورهای دیگر می‌خواهد که حداکثر خویشتن‌داری را مبذول دارند و از هرگونه اقدامی که می‌تواند منجر به تشدید و گسترش بیشتر منازعه گردد احتراز کنند و بدین ترتیب اجرای قطعنامه‌ی حاضر را تسهیل نمایند.

۶- از دبیرکل درخواست می‌نماید که با مشورت با ایران و عراق، مسئله‌ی تفویض اختیار به یک هیأت بی‌طرف برای تحقیق راجع به مسئولیت منازعه را بررسی نموده و در اسرع وقت به شورای امنیت گزارش دهد.

۷- ابعاد خسارات وارده در خلال منازعه و نیاز به تلاش‌های بازسازی با کمک‌های مناسب بین المللی پس از خاتمه‌ی درگیری تصدیق می‌گردد و در این خصوص از دبیرکل درخواست می‌کند که هیأت کارشناسان را برای مطالعه‌ی موضوع بازسازی و گزارش به شورای امنیت تعیین نمایند.

۸- همچنین از دبیرکل درخواست می‌کند که با مشورت با ایران و عراق و دیگر کشورهای منطقه، راه‌های افزایش امنیت و ثبات منطقه را مورد مذاقه قرار دهد.

۹- از دبیرکل درخواست می‌کند که شورای امنیت را در مورد اجرای این قطعنامه مطلع نماید.

۱۰- مصمم است برای بررسی اقدامات بیشتر جهت رعایت و اجرای این قطعنامه در صورت ضرورت جلسات دیگری مجدداً تشکیل دهد.

"ENGLISH TEXT OF RESOLUTION 598"¹

The Security Council,

Reaffirming its resolution 582 (1986)

Deeply concerned that, despite its calls for a cease-fire, the conflict between Iran and Iraq continues unabated, with further heavy loss of human life and material destruction,

Deploing the initiation and continuation of the conflict,

Deploing also the bombing of purely civilian population centers, attacks on neutral shipping or civilian aircraft, the violation of international humanitarian law and other laws of armed conflict, and, in particular, the use of chemical weapons contrary to

obligations under the 1925 Geneva Protocol, Deeply concerned that further escalation and widening of the conflict may take place, Determined to bring to an end all military actions between Iran and Iraq,

Convinced that a comprehensive, just, honourable and durable settlement should be achieved between Iran and Iraq,

Recalling the provisions of the Charter of the United Nations and in particular the obligation of all member states to settle their

international disputes by peaceful means in such a manner that international peace and security and justice are not endangered,

Determining that there exists a breach of the peace as regards the conflict between Iran and Iraq, Acting under Articles 39 and 40 of the Charter of the United Nations,

Demands that, as a first step towards a negotiated settlement,

Iran and Iraq observe an immediate cease-fire, discontinue all military actions on land, at sea and in the air, and withdraw all forces to the internationally recognized boundaries without delay;

Requests the Secretary-General to dispatch a team of United Nations Observers to verify, confirm and supervise the cease-fire and withdrawal and further requests the Secretary-General to

1 - <http://resolution598.blogfa.com/post-2.aspx>

make the necessary arrangements in consultation with the Parties and to submit a report thereon to the Security Council;

Urges that prisoners of war be released and repatriated without delay after the cessation of active hostilities in accordance with the Third Geneva Convention of 12 August 1949;

Calls upon Iran and Iraq to cooperate with the Secretary-General in implementing this resolution and in mediation efforts to achieve a comprehensive, just and honourable settlement, acceptable to both sides, of all outstanding issues in accordance with the principles contained in the Charter of the United Nations;

Calls upon all other States to exercise the utmost restraint and to refrain from any act which may lead to further escalation and widening of the conflict and thus to facilitate the implementation of the present resolution;

Requests the Secretary-General to explore, in consultation with Iran and Iraq, the question of entrusting an impartial body with inquiring into responsibility for the conflict and to report to the Security Council as soon as possible;

Recognizes the magnitude of the damage inflicted during the conflict and the need for reconstruction efforts, with appropriate international assistance, once the conflict is ended and, in this regard, requests the Secretary-General to assign a team of experts to study the question of reconstruction and to report to the Security Council;

Further requests the Secretary-General to examine in consultation with Iran and Iraq and with other states of the region measures to enhance the security and stability of the region;

Requests the Secretary-General to keep the Security Council informed on the implementation of this resolution;

Decides to meet again as necessary to consider further steps to insure compliance with this resolution.

منابع و مآخذ

- (۱) آصفی حمدالله، «رازمان حقوقی اروندرود»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال هشتم، شماره‌ی ۸۴-۸۳، مرداد و شهریور ۱۳۷۳.
- (۲) آلسدایر درایسدل، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه‌ی: دره میرحیدر، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، تهران، ۱۳۷۰.
- (۳) ابوغزاله عبدالحلیم (وزیر دفاع اسبق مصر)، جنگ عراق و ایران، عنوان اصلی؛ (الحرب العراقية الايرانية)، ترجمه‌ی: نادر نوروزشاد، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، تهران، ۱۳۸۰.
- (۴) اردستانی حسین، تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق ۳ (تنبيه متجاوز)، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۷.
- (۵) بابایی محمدرضا و غلامحسین بابایی ابرقویی، پژوهشی در دفاع مقدس، نشر هدی، قم، ۱۳۹۰.
- (۶) بابایی محمدرضا، زمینه‌های واگرایی بین کشورهای خاورمیانه، مرکز آموزش عالی تربیت مربی، پایان نامه‌ی منتشر نشده، قم، ۱۳۷۴.
- (۷) بهزاد حسین، مهتاب خَین، نشر فاتحان، تهران، ۱۳۸۹.
- (۸) بهروزی فرهاد، تقویم تاریخ دفاع مقدس، جلد دوم، مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس، نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۸۴.
- (۹) بهروزی فرهاد، تقویم تاریخ دفاع مقدس، جلد چهارم، مرکز پژوهش‌های دفاع مقدس، نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۸۵.
- (۱۰) بهداروند محمدمهدی، واما جنگ، هدی، قم، ۱۳۹۰.
- (۱۱) بنی‌لوحی سیدعلی و هادی مرادپیری، نبردهای شرق کارون، مرکز اسناد دفاع مقدس، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۷.
- (۱۲) بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، لایه‌های پنهان جنگ.
- (۱۳) بنیاد شهید انقلاب اسلامی، به معراج رفتگان، مجموعه‌ی وصایای شهدای شهرستان ابرکوه.
- (۱۴) پارسادوست منوچهر، ما و عراق از گذشته‌ی دور تا امروز، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۶.
- (۱۵) پارسادوست منوچهر، ریشه‌های تاریخی اختلافات ایران و عراق، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۶۵.
- (۱۶) پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس، جنگ ایران-عراق از نگاه مطبوعات جهان ۲، انتشارات شکیب، تهران، ۱۳۸۷.

- (۱۷) پیرنیا حسن و عباس اقبال آشتیانی، تاریخ ایران از آغاز تا انقراض ساسانیان، از صدر اسلام تا انقراض قاجاریه، انتشارات میلاد، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۵.
- (۱۸) جعفری ولدانی اصغر، کانون های بحران در خلیج فارس، کیهان، تهران، ۱۳۷۰.
- (۱۹) حبیبی ابوالقاسم، آبادان در جنگ، اطلس راهنما-۶، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، چاپ دوم، تهران ۱۳۸۷.
- (۲۰) جمشیدی محمدحسن و ...، سازمان های بین المللی و جنگ ایران و عراق، سازمان چاپ و انتشارات سپاه، تهران، ۱۳۷۴.
- (۲۱) درودیان محمد، تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق ۲ (بازیابی ثبات)، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۷.
- (۲۲) درودیان محمد، آغاز تا پایان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۰.
- (۲۳) درودیان محمد، نقدوبررسی جنگ ایران و عراق جلد ۴، روند پایان جنگ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴.
- (۲۴) درودیان محمد، نقدوبررسی جنگ ایران و عراق ۲، اجتناب ناپذیری جنگ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۸.
- (۲۵) درویشی فرهاد و گروه نویسندگان، تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق ۱، ریشه های تهاجم، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۴.
- (۲۶) درویشی فرهاد، جنگ ایران و عراق، پرسش ها و پاسخ ها، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۶.
- (۲۷) دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، گذری بر دوسال جنگ، تهران، ۱۳۶۱.
- (۲۸) رشید، محسن، اطلس جنگ ایران و عراق، فشرده ی نبردهای زمینی، ۳۱ شهریور ۱۳۵۹-۲۹ مرداد ۱۳۶۷، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، چاپ سوم، تهران، ۱۳۹۱.
- (۲۹) سالمی نژاد عبدالرضا، ازدفاع مقدس چه می دانیم؟، معاونت فرهنگی سپاه، تهران، ۱۳۸۵.
- (۳۰) سمیعی علی، کارنامه ی توصیفی عملیات های هشت سال دفاع مقدس، معاونت تبلیغات و انتشارات نیروی زمینی سپاه، تهران، ۱۳۷۶.
- (۳۱) سوداگر احمد، «یادداشتی در خصوص قطعنامه های سازمان ملل در جنگ ایران و عراق»، دبیرخانه ی دائمی همایش قطعنامه ی ۵۹۸، در سایت: <http://www.598news.com>
- (۳۲) صدوری افشاری غلامحسین و نسرین حکمی و نسترن حکمی، فرهنگ معاصر فارسی، ویراست چهارم، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۳.

- (۳۳) صف، ماهنامه‌ی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ویژه‌نامه‌ی پدافندهوایی، شماره ۳۶۹، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، تهران، شهریور ۱۳۹۰.
- (۳۴) صفوی سیدرحیم، روزهای مقاومت واکاوی عملیات دارخوین و شکست حصر آبادان، تحقیق و بازآفرینی؛ محمدمهدی بهداروند، هدی، قم، ۱۳۹۰.
- (۳۵) فب مار، تاریخ نوین عراق، ترجمه‌ی محمد عباسپور، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۸۰.
- (۳۶) فلاح‌زاده علی، معنویت در جنگ، نشر هدی، قم، ۱۳۹۰.
- (۳۷) قوام عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، سمت، تهران، ۱۳۷۲.
- (۳۸) فصلنامه‌ی حصون شماره‌ی ۸، پژوهشگاه تحقیقات اسلامی، قم، تابستان ۱۳۸۵.
- (۳۹) علی‌بابایی غلامرضا، فرهنگ علوم سیاسی، ج ۲، چاپ دوم، ویس، تهران، ۱۳۶۹.
- (۴۰) محمدی مینا، جغرافیای کامل کشورهای جهان، پویا، تهران، ۱۳۷۲.
- (۴۱) منصوری‌لاریجانی اسماعیل، آشنایی با دفاع مقدس، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، خادم‌الرضا، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۷.
- (۴۲) کاظمی محسن، نو شتم تا بماند، یادداشت‌های روزانه جنگ، آیت‌الله جمی، دفتر ادبیات و هنر مقاومت، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۸.
- (۴۳) ماهنامه‌ی همشهری آیه، دوره‌ی جدید، شماره‌ی ۱۰، تهران، اسفند ۱۳۹۰.
- (۴۴) مرکز فرهنگی سپاه، کارنامه‌ی عملیات سپاهیان اسلام در هشت سال دفاع مقدس، نیروی مقاومت بسیج، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۷۵.
- (۴۵) موسسه‌ی نشر آثار امام خمینی(ره)، CD صحیفه‌ی امام .
- (۴۶) وزارت امور خارجه‌ی، حقایق چند درباره اختلافات ایران و عراق راجع به شط‌العرب، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۴۸.
- (۴۷) هیرو دیلیپ، طولانی‌ترین جنگ؛ رویارویی نظامی ایران و عراق، ترجمه‌ی عیرضا فرشچی، رضا فریدزاده، و سعید کافی، نشر مرز و بوم، تهران، ۱۳۹۰ .
- (۴۸) وفیق السامرای، ویرانی دروازه شرقی، ترجمه‌ی عدنان قارونی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ ششم، تهران، ۱۳۹۰.
- (۴۹) واحد مرکزی خبر، DVD مستند دفاع مقدس.
- (۵۰) خبرگزاری جمهوری اسلامی:
- (۵۱) سایت پژوهشگاه علوم و معارف دفاع مقدس:
- (۵۲) سایت فارسی مقام معظم رهبری:
- (۵۳) سایت جامع دفاع مقدس (ساجد):

<http://www.irna.ir>

<http://www.dssrc.ir>

<http://farsi.khamenei.ir>

<http://www.sajed.ir>

<http://geographer.blogfa.com/post-11.aspx> 52)

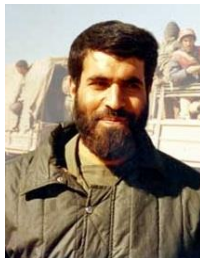
- 53) <http://www.mehrnews.com>
- 54) <http://www.farsnews.com>
- 55) <http://hamandishi.net>
- 56) <http://www.mehrnews.com>
- 57) <http://resolution598.blogfa.com/post-2.aspx>
- 58) <http://www.mashreghnews.ir>
- 59) <http://www.tebyan.net>
- 60) <http://www.rezaee.ir>
- 61) <http://www.navideshahed.com>
- 63) <http://www.hashemirafsanjani.ir>
- 64) <http://www.rasekhoon.net>

به پایان رسید این دفتر؛ اما دفاع همچنان باقی است.
آماده‌ی دریافت نظرات شما: Abarko39@Iran.Ir

ضمن احترام و گرامیداشت یاد و خاطره‌ی همه‌ی شهدای گرانقدر دفاع مقدس،
برای نمونه، تصویر چند تن از شهدای عزیز از استان‌های مختلف آورده می‌شود.



ذبیح‌الله عاصی‌زاده



یونس زنگی‌آبادی



علی‌اکبر آقابابایی



عباس بابایی



ابراهیم همتی



علی‌نقی کارگر



محمود کاوه



حسین املاکی



محمدابراهیم همت



مجید سپاسی



احمد سوداگر



حجت‌الاسلام ردانی‌پور



ولی‌الله فلاحی



مصطفی چمران



مهدی زین‌الدین



مهدی باکری